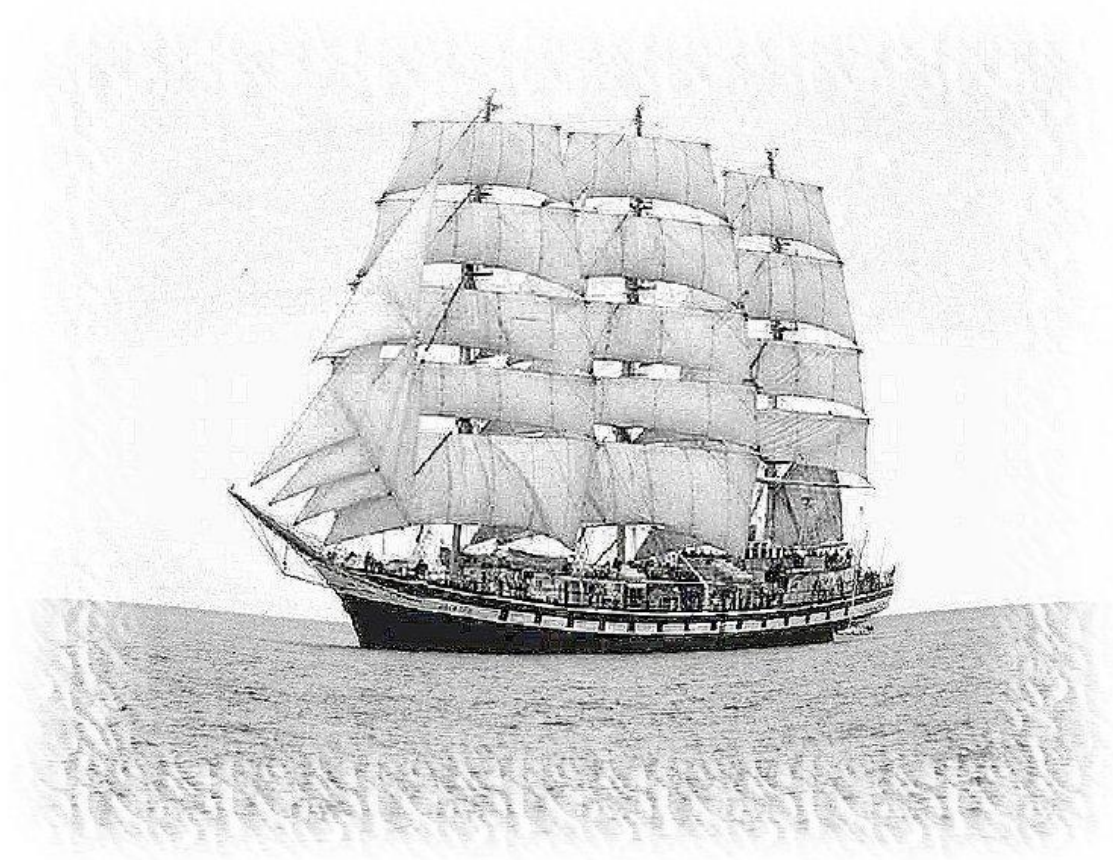


بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید



دوره شاگرد سازی از رادیو

دستور عمل بنای کلیسا - کتاب دوم

مقدمه

کلیسا چیست؟

در سطح محلی، کلیسا همانا تجمع مسیحیان در يك خانه (رومیان ۱۶: ۵) یا يك شهر (اول قرن‌تینان ۱: ۲) می‌باشد. در سطح جهانی، کلیسا بدن مسیح (افسیسیان ۱: ۲۲-۲۳) می‌باشد و تمام مسیحیان اعضای آن بدن هستند (اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲). کلیسا بنایی روحانی است که هر فرد مسیحی یکی از سنگهای زنده آن می‌باشد (اول پطرس ۲: ۵) و یا مکانی است که خود خدا بواسطه روحش در آن سکونت می‌نماید (افسیسیان ۲: ۲۱-۲۲). کلیسا خانواده الهی می‌باشد (افسیسیان ۲: ۱۹). خدا، پدر پر محبت کلیسا و مسیحیان نیز برادران و خواهران یکدیگر می‌باشند. کلیسا گله گوسفندانی است که شبانی را که در جلوی آنها حرکت می‌کند، پیروی می‌کنند (اول پطرس ۵: ۲؛ ۲: ۲۵؛ ۴: ۵). کلیسا ملت مقدس خداست که متشکل از مردمی است که خدا آنها را از میان تمام ملل جهان انتخاب می‌کند (اول پطرس ۲: ۹-۱۰). کلیسا تجلی قابل رؤیت ملکوت یا پادشاهی خدا بر روی زمین می‌باشد (متی ۱۳: ۳۶-۴۳؛ ۱۶: ۱۸-۱۹؛ ۲۱: ۴۲-۴۴). کلیسا هنوز واقعیت کاملی نیست، بلکه در زمان بازگشت مسیح، عروس کامل عیسی خواهد بود (مکاشفه ۲۱: ۱-۲، ۹-۱۰؛ ۱۹: ۷). از طرفی کلیسا، "کلیسای مبارز" در دنیا است که در آن مسیحیان در برابر حملات دشمن ایستادگی می‌کنند (متی ۱۶: ۱۸-۱۹؛ افسسیان ۶: ۱۰-۱۸؛ مکاشفه ۱۲: ۱۰-۱۲). از طرف دیگر، کلیسا، "کلیسای پیروز" در آسمان می‌باشد، مکانی که مسیحیانی که از این جهان رفته‌اند در آنجا در حضور خدا سکونت می‌کنند (غلاطیان ۴: ۲۶؛ عبرانیان ۱۱: ۱۰، ۱۶؛ ۱۲: ۲۲-۲۴؛ ۱۳: ۱۴).

کلیسای مسیح چگونه بنا می‌شود؟

مسیح کلیسای خود را بنا می‌کند و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت (متی ۱۶: ۱۸). مسیح در ابتدا از رسولان استفاده کرد تا کلیساهای تاریخی را در میان یهودیان، غیریهودیان و سامریان بنیان نهد (افسیسیان ۲: ۲۰). امروزه او از مسیحیان معمولی جهت بنای کلیسای خود استفاده می‌کند. او کلیسای خود را بر روی مسیحیانی بنیان می‌گذارد که زندگی مسیحی درستی داشته (افسیسیان ۴: ۱-۲)، و متکی بر آموزه‌های صحیح از کلام خدا هستند (افسیسیان ۴: ۳-۶). او همچنین کلیسای خود را بر روی مسیحیانی که خدمات مختلف و تواناییهای روحانی متفاوتی دارند، بنا می‌کند (افسیسیان ۴: ۷-۱۲). او به ایمانداران جدید کمک می‌کند تا تبدیل به شاگردان او شوند (مسیحیان بالغ) (افسیسیان ۴: ۱۳-۱۴) و آنها را به جهت انجام خدمات مختلف عملی در داخل و خارج از کلیسا تجهیز می‌کند (افسیسیان ۴: ۱۲) و اجتماعی مبتنی بر حقیقت و محبت بنا می‌کند که در آن ایمانداران دائماً در جهت شباهت به مسیح رشد می‌کنند (افسیسیان ۴: ۱۵-۱۶). و بدین ترتیب کلیسای خود را بنا می‌کند. امروزه، بنای کلیسای مسیح مسئولیت تمام مسیحیان می‌باشد.

هدف از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح

این دوره درسی از طریق عنوان کردن موارد زیر به سر گروه، بنای کلیسای مسیح را امری عملی می‌سازد:

- ۱- هر کدام از چهار کتاب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، حاوی ۱۲ درس می‌باشند که می‌توان در طول سه ماه آنها را به اتمام رساند.
- ۲- آیات مهم کتاب مقدسی به شاگردان کمک می‌کنند که مسیح، کلیسا و کتاب مقدس را بشناسند.
- ۳- دستور العمل هایی که با حروف پررنگ چاپ شده مثل " بخوانید"، " کشف و گفتگو کنید" به سرگروه در هدایت گروه کمک می‌کند.
- ۴- " ملاحظات " جواب مختصری به هر سوال می‌دهند که می‌توانند بعنوان خطوط راهنما برای سرگروه مورد استفاده قرار گیرند.
- ۵- این دوره آموزشی روشهایی عملی، جهت بنای کلیسای مسیح و بررسی انجیل یوحنا به طور فردی یا جمعی ارائه می‌کند.
- ۶- هر درس دارای يك تکلیف خارج از کلاس می‌باشد.
- ۷- این دوره آموزشی را می‌توان در اختیار دیگران نیز گذاشت. پس از به اتمام رساندن بررسی یکی از کتب دستور عمل بنای کلیسای مسیح، تنها آن عده از شاگردان می‌توانند يك نسخه از آن کتاب دستور عمل را داشته باشند که مایلند این دوره درسی را در يك گروه کوچک دیگر تعلیم دهند.

دعای ما این است که خداوند به سرعت بر تعداد کلیساهای و کلیساهای خانگی در منطقه شما بیفزاید. عیسی می‌فرماید: "من کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت" (متی ۱۶: ۱۸). باشد که خدا جلال یابد. "زیرا که از او و به او و تا او همه چیز است. و او را تا ابدالآباد جلال باد، آمین" (رومیان ۱۱: ۳۶).

دوره شاگردسازی از رادیو

حقوق مؤلف کتاب

این چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح مشمول حقوق مؤلف هستند. رونوشت برداشتن (کپی کردن) از آنها جهت آموزش مجاز است، اما بدون اجازه کتبی نویسنده، فروش، تغییر مطالب و یا ترجمه آنها به زبانهای دیگر ممنوع میباشد.

توصیه:

این دوره آموزشی بدین منظور تهیه شده است که بطور گسترده استفاده شود و باعث برکت بسیاری گردد، اما از آنجا که هدف چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح، آموزش یا مجوز کردن مسیحیان است، توصیه میشود که فقط سرگروه های این دوره آموزشی، از چهار کتاب دستورعمل بنای کلیسای مسیح برابر با اصل، کپی یا رونوشت بردارند. هر شاگرد فقط پس از آنکه یک درس یا یک کتاب دستورعمل را ببایان رسانده و میخواهد شخص یا گروه کوچکی دیگری را تعلیم دهد، می تواند يك نسخه از آن درس یا کتاب دستورعمل را داشته باشد.

دوره شاگرد سازی از رادیو

فهرست مطالب

دستور عمل بنای کلیسای مسیح - کتاب دوم

صفحه

۲

مقدمه و حقوق مؤلف کتاب

برنامه آموزشی ۱

یک برنامه هفتگی برای سه ماه - حدود ۲ ساعت در هفته - تعداد افراد گروه بین حدود ۳ تا ۱۰ نفر باشد - هر برنامه با دعا شروع می‌شود و با دعای در پاسخ به کلام خدا و یک تکلیف برای منزل پایان می‌یابد.

۸	<p>رازگهان (دوم قرن‌تیان ۱۱ - ۱۳) حفظ کردن (هر دو ایماندار: دوم قرن‌تیان ۶: ۱۴) تعلیم (آیین کلیسایی: تعمید مسیحی)</p>	درس ۱۳
۱۵	<p>رازگهان (غلاطیان ۱ - ۴) حفظ کردن (اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳: ۳) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۵)</p>	درس ۱۴
۲۱	<p>رازگهان (غلاطیان ۵ - ۶؛ افسسیان ۱) حفظ کردن (پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳ - ۵) تعلیم (آیین کلیسایی: شام خداوند)</p>	درس ۱۵
۲۶	<p>رازگهان (افسسیان ۲ - ۵) حفظ کردن (زمان مناسب: جامعه ۸: ۵ - ۶) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۶)</p>	درس ۱۶
۳۲	<p>رازگهان (افسسیان ۶؛ فیلیپیان ۱ - ۲) حفظ کردن (اولویت‌های درست: متی ۶: ۳۳) تعلیم (آیین کلیسایی: انتصاب رهبران کلیسا)</p>	درس ۱۷
۴۰	<p>رازگهان (فیلیپیان ۳ - ۴؛ کولسیان ۱ - ۲) حفظ کردن (مجموعه "آمادگی مسیحی برای ازدواج" را مرور کنید) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱: ۱۹ - ۵۱)</p>	درس ۱۸
۴۶	<p>رازگهان (کولسیان ۳ - ۴؛ اول تسالونیکیان ۱) حفظ کردن (یوحنا ۵: ۲۴) تعلیم (آیین کلیسایی: ازدواج مسیحی)</p>	درس ۱۹
۵۳	<p>رازگهان (اول تسالونیکیان ۲ - ۵) حفظ کردن (یوحنا ۶: ۳۷) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۸)</p>	درس ۲۰
۵۹	<p>رازگهان (دوم تسالونیکیان ۱ - ۳) حفظ کردن (یوحنا ۷: ۳۸) تعلیم (آیین کلیسایی: تدفین مسیحی)</p>	درس ۲۱

۶۸	رازگهان (اول تیموتاؤس ۱ - ۴) حفظ کردن (یوحنا ۸: ۱۲) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۹)	درس ۲۲
۷۴	رازگهان (اول تیموتاؤس ۵ - ۶؛ دوم تیموتاؤس ۱) حفظ کردن (یوحنا ۱۰: ۲۸) تعلیم (کلیسا و فرهنگ: فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا)	درس ۲۳
۸۰	رازگهان (دوم تیموتاؤس ۲ - ۴) حفظ کردن (۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید) بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۰)	درس ۲۴
۸۶	رسم تعمید مسیحی	ضمیمه ۱
۹۳	عید فصح و شام خداوند	ضمیمه ۲
۹۶	دستیاران و معاونین زن در کلیسا	ضمیمه ۳
۱۰۰	ارتباط با والدینی که در قید حیات هستند	ضمیمه ۴
۱۰۲	ارتباط با اجداد متوفی	ضمیمه ۵

ضمیمه‌های دستور عمل شاگردسازی - کتاب اول " بروید و شاگردان بسازید " را ملاحظه کنید:
روش‌های رازگهان، بررسی کتاب مقدس، تعمق و حفظ کردن

برنامه آموزشی ۲

این برنامه فشرده را می‌توان هفته‌ای یکروز (یک روز کامل) و یا در یک دوره فشرده آموزشی شش روزه استفاده کرد. تمام گروه را با همراهی یک سرگروه آموزش دیده، به گروه‌های کوچک تقسیم کنید. تعداد افراد هرگروه بین حدود ۳ یا ۱۰ نفر باشد.

برنامه پیشنهادی:

پرستش (گروه)	۹:۰۰ - ۹:۳۰
تعلیم (گروه)	۹:۳۰ - ۱۱:۰۰
وقت استراحت	
بررسی کتاب مقدس (گروه)	۱۱:۳۰ - ۱۳:۰۰
وقت استراحت	
وقت اضافی برای پایان دادن تعلیم یا بررسی کتاب مقدس، برای پاسخ به سوالات یا برای یک تعلیم دیگر احتمالی (گروه)	۱۶:۰۰ - ۱۷:۰۰
وقت استراحت	
تعمق و حفظ کردن آیات (دونفری)	۱۷:۳۰ - ۱۷:۴۵
مطالعه کتاب مقدس برای رازگهان (به تنهایی)	۱۷:۴۵ - ۱۸:۳۰
رازگهان (دونفری)	۱۸:۳۰ - ۱۹:۰۰
در میان گذاشتن برکات و دعا (در گروه‌های کوچک حداکثر ده نفره)	۱۹:۰۰ - ۱۹:۴۵

روز اول (دروس ۱۳ و ۱۴)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: تعمید مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۵)
حفظ کردن (دوم قرن تیان ۶: ۱۴ و عاموس ۳: ۳)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (دوم قرن تیان ۱۱-۱۳ و غلاطیان ۱-۴)
رازگهان (دونفری: غلاطیان ۳: ۱-۲۹)
در میان گذاشتن برکات و دعا

روز دوم (دروس ۱۵ و ۱۶)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: شام خداوند)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۶)
حفظ کردن (اول تسالونیکیان ۴: ۳-۵ و جامعه ۸: ۵-۶)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (غلاطیان ۵-۶ و افسسیان ۱-۵)
رازگهان (دونفری: غلاطیان ۵: ۱-۲۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز سوم (دروس ۱۷ و ۱۸)

دعا
تعلیم (آیین کلیسایی: انتصاب رهبران کلیسا)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۷)
حفظ کردن (متی ۶: ۳۳ و مرور مجموعه "آمادگی مسیحی برای ازدواج")
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (افسسیان ۶ و فیلیپیان ۱-۴ و کولسیان ۱-۲)
رازگهان (دونفری: فیلیپیان ۳: ۱-۲۱)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز چهارم (دروس ۱۹ و ۲۰)

دعا

تعلیم (آیین کلیسایی: ازدواج مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۸)
حفظ کردن (یوحنا ۵: ۲۴ و یوحنا ۶: ۳۷)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (کولسیان ۳-۴ و اول تسالونیکیان ۱-۵)
رازگهان (دو نفری: اول قرنتیان ۹: ۱-۲۷)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز پنجم (دروس ۲۱ و ۲۲)

دعا

تعلیم (آیین کلیسایی: تدفین مسیحی)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۹)
حفظ کردن (یوحنا ۷: ۳۸ و یوحنا ۸: ۱۲)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (دوم تسالونیکیان ۱-۳ و اول تیموتاؤس ۱-۴)
رازگهان (دو نفری: اول تیموتاؤس ۴: ۱-۱۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

روز ششم (دروس ۲۳ و ۲۴)

دعا

تعلیم (کلیسا و فرهنگ: فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا)
بررسی کتاب مقدس (یوحنا ۱۰)
حفظ کردن (یوحنا ۱۰: ۲۸ و ۵ آیه آخر حفظی را از انجیل یوحنا مرور کنید)
مطالعه کتاب مقدس در رازگهان (اول تیموتاؤس ۵-۶ و دوم تیموتاؤس ۱-۴)
رازگهان (دو نفری: دوم تیموتاؤس ۲: ۱-۲۶)
در میان گذاشتن برکات و دعا کردن

امکانات برای تعلیم دیگر احتمالی

رسم تعمید مسیحی	ضمیمه شماره ۱
عید فصح و شام خداوند	ضمیمه شماره ۲
دستیاران و معاونین زن در کلیسا	ضمیمه شماره ۳
ارتباط با والدینی که در قید حیات هستند	ضمیمه شماره ۴
ارتباط با اجداد متوفی	ضمیمه شماره ۵

درس ۱۳

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم قرن‌تیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم قرن‌تیان ۱۱-۱۳)، با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی مسیحی برای ازدواج
---	--

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: هر دو ایماندار: دوم قرن‌تیان ۶: ۱۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) تعمید مسیحی
---	---------------------------------

مقدمه: آموزه تعمید مسیحی، در بین کلیساها موضوع بحث‌برانگیزی است. این درس کمک می‌کند تا جوامع مختلف مسیحی دیدگاه‌های یکدیگر را بهتر درک کنند. هر یک از جوامع مسیحی و رهبران آن باید در نهایت تصمیم بگیرند که می‌خواهند تأکیدشان بر کدام جنبه از تعمید باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که کتاب‌مقدس در مورد مبانی، مفهوم و نحوه انجام تعمید مسیحی چه تعلیم می‌دهد.

یک تعمید که در افسسیان ۴: ۵ از آن صحبت شده است، به خود واقعه تعمید و مفهوم آن اشاره دارد، نه به روش تعمید. اگرچه مفهوم تعمید مسیحی به وضوح در عهدجدید تعلیم داده شده است، اما در هیچ جای کتاب‌مقدس در مورد زمان یا شیوه‌ای بخصوص برای انجام تعمید تعلیمی داده نشده و مطلبی تجویز یا منع نشده است.

الف - بنیان تعمید مسیحی

بخوانید: متی ۲۸: ۱۸-۲۰.

کشف و گفتگو کنید: عیسی آیین تعمید را در چه چارچوبی بنیان نهاد؟

ملاحظات: عیسی مسیح تعمید مسیحی را در چارچوب حکم اعظم مبنی بر اعلام پیام انجیل (مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶) و شاگردسازی (ایمانداران بالغ) (متی ۲۸: ۱۸-۲۰)، بنیان نهاد.

ب - مفهوم تعمید مسیحی

تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با عیسی مسیح و شراکت در جنبه‌های مختلف عمل نجات‌بخش او در زمان گذشته، حال و آینده است.

۱ - تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با عیسی مسیح و شراکت در عدالت او است. تعمید، مهر و نشانه‌ای است از اینکه گناهان مان شسته و پاک شده است (بخشش گناهان، عادل شمرده‌گی).

بخوانید: اعمال ۲: ۳۷-۴۱؛ ۲۲: ۱۶.

کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در آیات کتاب‌مقدسی فوق به چه معنا است؟
ملاحظات:

الف) جارچوب تعمید.

ریزش روح القدس بر حدود ۱۲۰ نفر از شاگردان اولیه عیسی مسیح و موعظه انجیل به یهودیان در عید برداشت محصول که پنطیکاست نامیده می‌شد، باعث گردید بسیاری از یهودیان توبه کنند و نجات یابند. این یهودیان نجات یافته، روح القدس را نیز که به آنها وعده داده شده بود، دریافت کردند. آنها روح القدس را نه بخاطر تعمید، بلکه بواسطه ایمان‌شان به عیسی مسیح دریافت کردند (اعمال ۱۱: ۱۶-۱۸؛ ۱۵: ۷-۹؛ ۲۶: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴). در آن روز حدود ۳۰۰۰ نفر به پیغام انجیل ایمان آوردند و "در نام" (در یونانی: epi to onomati, به معنای به زبان آوردن اسم) عیسی مسیح تعمید گرفتند، "به جهت آمرزش گناهان". این افراد به جمع اولین اجتماع مسیحیان آن زمان پیوستند (کلیسا) (اعمال ۲: ۱۷-۴۱). مدتی پس از این واقعه، عیسی مسیح بر پولس ظاهر شد، او را دعوت به توبه کرد و رسالتی را که باید بر دوش می‌گرفت بر او آشکار نمود (اعمال ۲۶: ۱۵-۱۹). شاگردی به نام حنانیا، پولس را تشویق کرد تعمید بگیرد. تعمید او نشاندهنده شسته شدن گناهانش بود که بواسطه اقرار به نام عیسی مسیح عملی شد (اعمال ۲۲: ۳-۱۶).

ب) مفهوم تعمید.

تعمید مسیحی علامت و مهر تطهیر روحانی یا شسته شدن گناهان است. به عبارت دیگر، تعمید علامت و مهر بخشش گناهان یا عادل شمرده شدن انسان توسط خدا است. طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان (بخشش گناهان یا عادل شمردگی) زمانی صورت می‌گیرد که شخص به عیسی مسیح (یعنی به کار تمام شده نجات توسط او آنگونه که در انجیل آمده است) ایمان می‌آورد، نه در زمان تعمید گرفتن شخص. تعمید مسیحی، علامت و مهر مرئی واقعه نجات است که به طور سمبلیک در قالب واقعه تعمید بیان می‌شود.

انسان بواسطه فیض خدا و با ایمان است که بخشیده می‌شود (یعنی عادل شمرده می‌شود، یا نجات می‌یابد)، نه بواسطه تعمید (افسسیان ۲: ۸). تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان است. این عمل، نشانه و علامتی است مرئی از عادل شمردگی یا نجاتی که مبتنی بر فیض خدا است و شخص آن را با ایمان دریافت می‌کند. طهارت روحانی یا شسته شدن گناهان، اساسی‌ترین مفهوم تعمید مسیحی می‌باشد.

ب) تعمید مسیحی، یگ نشانه و مهر است.

۱) **بخوانید:** رومیان ۴: ۳، ۱۱-۱۲. در پیمان عهد عتیق، ابراهیم علامت ختنه را زمانی که هنوز ختنه نشده بود، به عنوان نشانه یا مهری از عادل شمرده شدنش محض ایمان، دریافت کرد (رومیان ۴: ۱۱-۱۲). در پیمان عهدجدید، مسیحیان علامت تعمید را به عنوان مهر عادل شمردگی یا نجات‌شان دریافت می‌کنند؛ عادل شمردگی و نجاتی که نتیجه ایمان آوردن به عیسی مسیح است (مرقس ۱۶: ۱۶). آنها علامت تعمید را به عنوان مهر توبه جهت بخشش گناهان (مرقس ۱: ۴؛ لوقا ۲۴: ۴۷) یا بازگشت به سوی خدا جهت زوده شدن گناهان (اعمال ۳: ۱۹) یا شسته شدن تقصیرات‌شان (اعمال ۲۲: ۱۶) دریافت می‌کنند.

۲) **یگ نشانه، حقیقتی روحانی است که نه تنها بصورت کلمات، بلکه در قالب یگ عمل بیرونی مرئی و قابل مشاهده نیز بیان می‌گردد.** تعمید مسیحی عمل بیرونی قابل مشاهده‌ای است که بیانگر این حقیقت است که خدا عدالت کامل عیسی مسیح را به حساب فرد ایماندار گذاشته است. به عبارت دیگر، خدا فرد ایماندار را بخشیده، عادل شمرده یا نجات داده است. تعمید مسیحی، علامت بیرونی و قابل رؤیتی است از عمل درونی و غیرقابل رؤیت نجات فرد ایماندار توسط خدا.

۳) **یگ مهر، سمبل بیرونی و قابل رؤیتی است که ثابت می‌کند حقیقتی خاص، قطعی و واقعی است.** تعمید مسیحی مهر بیرونی و قابل مشاهده خدا است و ضامن این حقیقت است که شسته شدن گناهان انسان (بخشش گناهان، عادل شمردگی و نجات) عملی است واقعی و قطعی. تعمید مسیحی مهر قابل رؤیت خدا است که به فرد ایماندار اطمینانی درونی می‌بخشد و ضامن این حقیقت است که خدا او را کاملاً عادل اعلام کرده و او از این پس در نظر خدا عادل محسوب می‌شود.

ت) مبنای تعمید مسیحی.

شالوده و مبنای تعمید مسیحی نه در خود انسان، بلکه فقط و فقط بر فیض خدا استوار است - فیضی که انسان به هیچ وجه استحقاق آن را ندارد. تعمید مسیحی به این معنا است (یعنی نشانه یا سمبول این است) که خدا برای نجات انسان ابتکار عمل را بدست گرفته و او را بواسطه فیض خود نجات داده است.

۲- تعمید مسیحی نشانه و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در تولدی تازه است. تعمید، نشانه و مهر ختنه روحانی (یعنی تولد تازه) است.

بخوانید: کولسیان ۲: ۸-۱۲.

کشف و گفتگو کنید: تعمید در آیات کتاب مقدسی فوق به چه معنا است؟

ملاحظات:

الف) جارچوب

۱) "اصول ساده و اولیه دنیوی" (کولسیان ۲: ۸) یا "اصول اولیه توسعه نیافته دنیوی" (در یونانی: ta stoicheia tou kosmou) به شریعت و جسم اشاره دارند. این اصول، تعالیم اولیه‌ای هستند که بر اساس شریعت و احکام و قوانینی خاص

تدوین شده‌اند. یهودیان و غیریهودیان تا پیش از ظهور عیسی مسیح کوشیده‌اند با تکیه بر این اصول، نجات را کسب کنند و اسباب رضایت خدا یا خدایان‌شان را فراهم آورند. تلاشهای آنها ریشه در طبیعت تولد تازه نیافته آنها (جسم‌شان) داشت. (۲) احکام و قوانین یهودیان و غیریهودیان به‌نگام ظهور مسیح. هدف از شریعت خدا در عهد عتیق این بود که قوم خدا را برای حقایق روحانی که در زمان عهد جدید تحقق می‌یافت آماده سازد. در فلسطین و آسیای صغیر، معلمین مذهبی و پیروان آنها (یهودیان و غیریهودیان) که بتازگی به این مذهب پیوسته بودند) شریعت را نوعی وسیله کسب نجات تصور می‌کردند. آنها سعی می‌کردند شریعت عهد عتیق را بصورت ۶۱۳ قانون خلاصه کنند و این قوانین را در قالب هزاران حکم و تفسیر توضیح دهند. آنان مخصوصاً بر انجام ختنه و رعایت ۳۹ حکم مربوط به سبت تاکید داشتند و اجرای این قوانین را برای کسب نجات کاملاً ضروری می‌دانستند. بدین ترتیب، شریعت عهد عتیق آنگونه که نزد معلمین و رهبران مذهبی یهود تفسیر می‌شد، تبدیل به باری شده بود که هیچ کس قادر به حمل آن نبود (متی ۲۳: ۴) و همه را برده و اسیر خود کرده بود (غلاطیان ۵: ۱). این امر در مورد احکام و قوانین مذاهب غیریهود نیز صدق می‌کرد. آنها سعی می‌کردند به پیروانشان بقبولانند که انسان می‌تواند با تلاش و کوشش بشری خود نجات یابد.

(۳) احکام و قوانین معلمین کذب در کلیساهای آسیای صغیر. این معلمین در گذشته اسیر بت‌های سابق خود بودند، و اکنون نیز هم در اسارت آداب و قوانین مذاهب بت‌پرستی سابق خود بسر می‌بردند و هم اسیر احکام و قوانینی بودند که از سوی برخی معلمین کذب یهود ارائه می‌شد. آنها احکام خاصی را در مورد "روزه، ختنه، و روزها و ماه‌هایی بخصوص" رعایت می‌کردند (غلاطیان ۴: ۱۰؛ ۱: ۵؛ ۱-۴)؛ در این مورد که باید چه "بخورند یا بیاشامند" احکام و قوانین داشتند. همچنین در مورد "اعیاد یهود و روز سبت" و اینکه "چه چیزهایی را باید لمس کرد و چه چیزهایی را نباید" انواع و اقسام قوانین داشتند. افتخار آنان این بود که خواب و رویا می‌بینند (که البته زاینده ذهن خودشان بود) و بدنهای خود را ریاضت می‌دهند (کولسیان ۲: ۱۴-۲۳). (۴) ختنه و تعمید (کولسیان ۲: ۱۱-۱۲). ختنه جسمانی که عملی است انسانی (بریدن پوست ختنه‌گاه) هیچ فایده خاصی ندارد و کاملاً غیرضروری است. ولی ختنه روحانی که در آن عیسی مسیح (روح القدس) طبیعت کهنه و تولد تازه نیافته ما را برمی‌دارد، ختنه‌ای است کاملاً حیاتی و ضروری. شخص زمانی تولد تازه می‌یابد که به عیسی مسیح ایمان می‌آورد. ختنه یا تجدید حیات روحانی، در قالب عمل تعمید مسیحی به‌گونه‌ای قابل رؤیت نمایان می‌شود.

ب) مفهوم

تعمید مسیحی علامت و مهری است از اینکه طبیعت تولد تازه نیافته فرد ایماندار، مرده و دفن شده است. درست همانگونه که مرگ مسیح را نمی‌توان از قیام او جدا دانست، برداشته شدن طبیعت تولد تازه نیافته انسان را نیز نمی‌توان از دریافت طبیعتی تازه که از نو مولود شده است، امری مجزا تصور کرد. تعمید مسیحی علامت و مهر قابل رؤیت ختنه روحانی یا تولد تازه است. تعمید با آب که امری است قابل رؤیت، به واقعه تعمید با روح القدس (تجدید حیات توسط روح القدس) که امری است غیر قابل رؤیت، اشاره دارد.

۳- تعمید مسیحی، نشانه و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در کار تمام شده نجات است که او در گذشته، حال و آینده انجام داده و می‌دهد. تعمید مخصوصاً عبارت است از نشانه و مهر شراکت در عادل شمرده‌گی از لحاظ شریعت، و تقدس از لحاظ اخلاقی، که کاملاً به تقدیس شدن در زمان حال و جلال یافتن در زمان آینده مرتبط می‌باشد.

بخوانید: رومیان ۶: ۱-۸.

کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب مقدس به چه معنا است؟
ملاحظات:

الف) چارچوب

بر اساس استدلال پولس، غیرممکن است که يك فرد مسیحی کماکان در گناه زندگی کند. در شهر رم، جناح شریعت‌گرا به دروغ چنین تعلیم می‌دادند که انسان با عمل به احکام شریعت است که عادل شمرده می‌شود. برعکس، جناح مخالف (که به آنتینومیانها شهرت داشتند) به اشتباه چنین تعلیم می‌دادند که کسی که عادل شمرده شده دیگر لازم نیست مطابق شریعت خدا زندگی کند، و حتی می‌تواند به گناه ادامه دهد. پولس رسول در اینجا هر دوی این تعالیم غلط را مردود می‌شمرد. او در رد ادعای شریعت‌گرایان، چنین تعلیم می‌دهد که انسان بر اساس فیض خدا و به‌توسط ایمان به عیسی مسیح است که عادل شمرده می‌شود، نه بواسطه اعمال شریعت. و در رد تعالیم آنتینومیانها اعلام می‌دارد که کسی که بر اساس فیض خدا و با ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده شده است، کماکان مطابق احکام اخلاقی شریعت (یعنی ده فرمان) زندگی خواهد کرد. چنین شخصی که تولد تازه یافته است باید زندگی پاک و مقدسی داشته باشد. پولس می‌فرماید که شریعت وسیله کسب نجات نیست، بلکه معیاری است که بر اساس آن مردم، نجات را دریافت می‌کنند و زندگی جدیدی را آغاز می‌نمایند.

(۱) رومیان ۶: ۱-۲ تعلیم می‌دهد که آموزه آنتینومیانها دارای تناقض است. پولس می‌گوید این اعتقاد که انسان باید نزد مسیح بیاورد تا از گناه آزاد شود و بعد بتواند کماکان در گناه زندگی کند، اعتقادی است تناقض‌آمیز.

(۲) رومیان ۶: ۳-۴ تعلیم می‌دهد که فرد مسیحی در مرگ مسیح شریک شده و بر گناه غلبه یافته است. پولس در تایید استدلال خود، به تعمید مسیحی اشاره می‌کند. تعمید "در" (به یونانی: eis) عیسی مسیح به معنای (یا نمایانگر) داشتن رابطه‌ای شخصی با مسیح، و مخصوصاً شراکت در مرگ او است. پولس می‌گوید کسانی که در مسیح تعمید یافته‌اند، در موت او شریک گشته‌اند. بنابراین چون مسیح "به خاطر کفار گناه" مرد، مسیحیان نیز "نسبت به انجام گناه" مرده‌اند. مسیحیان یکبار برای همیشه نسبت

به گناه مرده‌اند. برای يك فرد مسیحی نجات از گناه (رهایی) صرفاً برای این نیست که از توان گناهانش خلاصی یابد (یعنی صرفاً نجات یافته و عادل شمرده شده باشد)، بلکه بدین معنا است که او از قید قدرت گناه آزاد شده است (یعنی تقدیس شده و مقدس گشته است) (اول قرن‌تینان ۱: ۳۰). هر کس که با مسیح متحد شده است، نسبت به قدرت گناه مرده است. و دیگر بنده گناه نیست. بنابراین يك فرد مسیحی نمی‌تواند به زندگی در گناه ادامه دهد. او دیگر به داشتن چنین زندگی راغب نیست. و دیگر در گناه زندگی نخواهد کرد. و اگر فرد مسیحی کماکان به زندگی در گناه ادامه می‌دهد، يك مسیحی واقعی نیست. مسیحی واقعی مایل و قادر است که زندگی تازه و مقدسی داشته باشد و اینچنین زندگی خواهد کرد.

۳) رومیان ۶: ۵-۸ تعلیم می‌دهد که يك فرد مسیحی در قیام مسیح با او شریک شده و بنابراین قادر است و می‌خواهد زندگی تازه‌ای داشته باشد و چنین زندگی ای خواهد داشت. پولس در تایید استدلال خود به قیام عیسی اشاره می‌کند. او می‌گوید کسی که در مرگ مسیح با او شریک شده، قطعاً در قیام مسیح نیز با او متحد گشته است. بین مرگ و قیام رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. همانگونه که نتیجه مرگ مسیح قیام او بود، نتیجه مردن فرد ایماندار نسبت به گناه و قدرت آن نیز داشتن يك زندگی تازه و مقدس است (آیه ۵). "انسانیت کهنه" يك ایماندار (طبیعت تولدتازه نیافته)، بواسطه اتحاد با عیسی مسیح یکبار برای همیشه مصلوب شده است. "جسد گناه" (انسانی که تحت کنترل گناه است، یعنی طبیعت انسانی تولدتازه نیافته) یکبار برای همیشه معدوم گشته و قدرت طبیعت گناهکار او (یعنی گناهی که در او ساکن است) یکبار برای همیشه در هم شکسته شده است، بطوریکه چنین شخصی دیگر بنده طبیعت گناهکار خود نیست.

چنین فردی اگرچه هنوز کامل نیست و ممکن است هر آن مرتکب گناه شود، اما دیگر هیچگاه بنده گناه نیست و در گناه زندگی نمی‌کند. او بواسطه اتحاد با عیسی مسیح، مایل و قادر است که با گناه و طبیعت گناهکار خود مقابله کند. و مطمئناً بر علیه گناه می‌جنگد و بر طبیعت گناهکار خود غلبه خواهد یافت. او مایل و قادر است که زندگی پاک و مقدسی داشته باشد. و چنین زندگی را خواهد داشت. مرگ و قیام عیسی مسیح بیانگر عادل شمرده شدن فرد ایماندار به لحاظ شریعت، و مقدس بودن او به لحاظ اخلاقی است. فرد مسیحی در مرگ مسیح شریک می‌شود تا از این طریق بتواند در حیات او نیز سهیم باشد. مسیحیان تنها زمانی قادر خواهند بود از برکات مرگ مسیح بهره‌مند شوند که در قدرت قیام او نیز شریک شده باشند. اگر کسی مایل است زندگی مقدسی داشته باشد، باید ابتدا توسط خدا عادل شمرده شود. هیچ کس نمی‌تواند بدون عادل شمرده شدن زندگی مقدسی داشته باشد. در کتاب مقدس عادل شمرده شدن و قدوسیت جدا از هم نیستند (آیه ۶). بنابراین فرد ایماندار یقین دارد که نسبت به گناه مرده و عادل شمرده شده است و یا به مفهومی دیگر، او عادل اعلان شده و از اسارت طبیعت گناهکار خویش رهایی یافته است (آیه ۷). افعالی که در آیات ۵ و ۸ در زمان آینده بکار رفته‌اند، بیانگر عملی در آینده نیستند، بلکه به قطعیت این عمل اشاره دارند.

ب) مفهوم

تعمید مسیحی علامت و مهر شراکت در مرگ عیسی مسیح است که باعث می‌شود فرد مسیحی یکبار برای همیشه نسبت به گناه بمرسد. تعمید مسیحی علامت و مهر شراکت در عادل شمرده شدن است از لحاظ شریعت، و تقدس از لحاظ اخلاقی، که کاملاً به تقدیس شدن در زمان حال و جلال یافتن در زمان آینده مرتبط می‌باشد. تعمید مسیحی گواهی این حقیقت است که فرد ایماندار در تمام جنبه‌های کار عیسی مسیح در زمان گذشته، حال و آینده نسبت به او متعهد است. این حقیقت به فرد ایماندار این قطعیت و تضمین را می‌دهد که او عادل شمرده شده و مقدس گشته است (۱ قرن‌تینان ۱: ۳۰)، یا به مفهومی دیگر، در حال تقدیس شدن است و در آینده نیز قطعاً به جلال خواهد رسید (رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ فیلیپیان ۱: ۶).

۴- تعمید مسیحی علامت و مهر اتحاد با خدای تثلیث و شراکت در امر شاگردسازی است. تعمید علامت و مهر تعهد به خدای تثلیث است که خود بخشی از رسالت شاگردسازی است.

بخوانید: متی ۲۸: ۱۹

کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب مقدس به چه معنا است؟

ملاحظات:

الف) چارچوب

عیسی مسیح پس از مرگ و قیام خود به شاگردانش مأموریت بزرگی محول کرد. او به آنان فرمود نزد مردم ملل مختلف بروند و آنها را شاگرد مسیح سازند. بر شاگردان بود که نزد مردم مختلف دنیا بروند، پیغام انجیل را برای آنها موعظه کنند، کسانی را که ایمان می‌آورند به نام خدای تثلیث تعمید دهند، و به آنها یاد بدهند که از سخنان عیسی مسیح اطاعت کنند.

ب) مفهوم

تعمید به نام سه شخصیت خدای تثلیث، نشانه و مهر تعهد نسبت به خدایی است که خود را بصورت خدایی واحد در سه شخصیت مجزا که در عین حال در ذات الهی با هم يك هستند، آشکار کرده است. به علاوه، تعمید علامت و مهر شراکت در آن کاری است که خدا در جهان انجام می‌دهد. بنابراین تعمید مسیحی علامت و مهر تعهد نسبت به خدای تثلیث و نیز نسبت به آن کاری است که خدا در جهان انجام می‌دهد - کاری که همانا عبارت است از شاگردسازی مردم جهان از هر قوم و ملتی.

۵- تعمید مسیحی علامت و مهر اتحاد با مسیح و شراکت در بدن او است. تعمید علامت و مهر تعمید به روح القدس است که در نتیجه آن فرد ایماندار عضوی از بدن مسیح (جامعه مسیح، کلیسای مسیحی) می‌شود.

بخوانید: اول قرن‌تینان ۱۲: ۱۲-۱۳.

کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب مقدس به چه معنا است؟

ملاحظات:

الف) چارچوب

تمام کسانی که پیغام انجیل را می‌شنوند و به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، بوسیله روح القدس تعمید می‌گیرند. به عبارت دیگر، تولد تازه می‌یابند و عضوی از بدن مسیح می‌شوند. منظور از بدن مسیح، کلیسای مسیحی در سراسر دنیا است. تمام ایمانداران از یک روح "نوشانده شده‌اند" که روح القدس است، یعنی روح القدس را در قلب و زندگی خود پذیرفته‌اند. روح القدس مانند نهرهای آب زنده از بطن هر ایماندار جاری می‌شود (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹).

هنگامی که ایمانداران اولیه یهودی روح القدس را دریافت کردند، به نام (در یونانی: epi to onomat، یعنی بر زبان آوردن یا خواندن نام) عیسی مسیح تعمید یافتند و به جامعه مسیحی آن زمان پیوستند (اعمال ۲: ۳۷-۴۱). وقتی که روح القدس بر ایمانداران غیریهودی نازل شد، خدا محض فیض خود آنان را نجات داد، آنان را به توبه واداشت، و کاری کرد که قلبهایشان بواسطه ایمانشان به عیسی مسیح پاک و تطهیر شود (اعمال ۱۱: ۱۴-۱۸؛ ۱۵: ۷-۱۱). بدین ترتیب آنها در نام (در یونانی: en to onomati، در ارتباط با) عیسی مسیح تعمید یافتند (اعمال ۱۰: ۴۴-۴۸).

ب) مفهوم

تعمید مسیحی علامت و مهر تعمید با روح القدس است که در نتیجه آن فرد ایماندار عضوی از بدن مسیح می‌شود. تعمید مسیحی علامت و مهر تعهد است نسبت به مسیح (بعنوان سر بدن)، نسبت به کلیسای مسیحی در سراسر جهان (یعنی تمامی اعضای بدن مسیح در سراسر جهان) و نسبت به کلیسای محلی (یعنی اعضای بدن مسیح در محل زندگی فرد ایماندار).

۶- تعمید مسیحی علامت و مهر اتحاد با مسیح و شراکت با قوم عهد خدا می‌باشد. تعمید، نشانه و مهر تعلق داشتن به عهد خداست که در نتیجه آن فرد ایماندار جزوی از قوم خدا می‌شود و خدای زنده، خدای او می‌گردد.

بخوانید: غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹.

کشف و گفتگو کنید: تعمید مسیحی در این قسمت از کتاب مقدس به چه معنا است؟

ملاحظات:

الف) چارچوب

و عده بزرگ عهد خدا به ابراهیم این بود که تمام قبایل یا ملل جهان، از "ذریه" او (یعنی از عیسی، مسیح موعود) برکت خواهند یافت (پیدایش ۱۲: ۱-۳؛ ۲۲: ۱۷-۱۸). تمامی این برکت‌یافتگان جزو قوم خدا می‌شوند و خدای زنده، خدای آنان خواهد بود (لاویان ۲۶: ۱۲). ایمان ایمانداران دوران عهد عتیق معطوف آمدن عیسی مسیح و نیز معطوف آن کاری بود که او با آمدنش بر زمین، به انجام می‌رساند. و اما ایمان ایمانداران دوران عهد جدید معطوف آن کاری است که عیسی مسیح پس از آمدن به این دنیا، توسط مرگ و قیامش به انجام رساند. تمام ایمانداران دوران عهد جدید در نام (یعنی در ارتباط و مشارکت با) عیسی مسیح تعمید یافته و او را پوشیده‌اند (یعنی عدالت و قدوسیت او را در بر کرده‌اند). با توجه به اینکه عیسی مسیح از نسل ابراهیم است که خدا این عده را به او داده بود (غلاطیان ۳: ۱۶)، تمام ایمانداران دوران عهد جدید همراه با ابراهیم در عهد خدا شریک هستند، به قوم خدا تعلق دارند و خدای زنده، خدای ایشان است.

ب) مفهوم

تعمید مسیحی علامت و مهر تعلق به مسیح و شراکت در عدالت و قدوسیت او است در چارچوب عهدی که او خود ضامن آن است (اشعیا ۴۲: ۶؛ عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۶-۱۳). تمام ایمانداران، چه یهود و چه غیریهود، چه غلام و چه آزاد، چه مرد و چه زن، همگی جزو قوم عهد خدا محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر، متعلق به قوم خدا هستند، خدای زنده، خدای ایشان است (دوم قرن‌تینان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰) و همگی وارثان خدا هستند.

پ - آیین تعمید مسیحی

۱ - ارتباط بین عمل خدا و مسؤلیت انسان در تعمید مسیحی.

الف) خدا همیشه اولین است.

بخوانید: مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۲: ۳۷-۴۲.

کشف و گفتگو کنید: چه کسی اولین قدم را برداشت؟ آیا شما بودید که اولین قدم را به سوی خدا برداشتید؟ یا اینکه خدا بود که در مسیح قدم اول را برداشت و نزد شما آمد؟

ملاحظات: شما به عنوان فردی ایماندار بر این حقیقت واقفاید که خدا قبل از اینکه شما به سوی او بروید، خود ابتکار عمل را بدست گرفت و قدم اول را به سوی شما برداشت. خدا این کار را بدین طریق انجام داد که کسی را نزد شما فرستاد تا پیغام انجیل را به شما اعلام نماید. تنها پس از شنیدن پیغام انجیل است که می‌توانید تصمیم بگیرید آیا حاضرید با ایمان نزد عیسی مسیح بروید و زندگی خود را به او بسپارید یا خیر. به همین خاطر است که شما خود نمی‌توانید خودتان را تعمید دهید، بلکه باید شخص دیگری شما را تعمید دهد. تعمید مسیحی تصویری است مشهود و مرئی از این حقیقت که خود خدا قدم اول را به سوی شما برداشته و بواسطه فیضش روح قدوس خود را به شما عطا کرده است.

ب) اعتراف علنی ایمان.

بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۶.

کشف و گفتگو کنید: بهنگام تعمید، به چه چیز اعتراف می‌کنید؟

ملاحظات: شما با به زبان آوردن یا خواندن نام عیسی مسیح تعمید می‌گیرید. به عبارت دیگر، به طور علنی و در حضور مردم اعتراف می‌کنید که به عیسی مسیح ایمان دارید.

در این مورد، جوامع مختلف مسیحی به طرق مختلفی عمل می‌کنند. کسانی که هنوز تعمید نگرفته‌اند بهنگام تعمید به ایمانشان اعتراف می‌کنند، ولی کسانی که در کودکی تعمید گرفته‌اند تا نشانی باشد از تعمید کل اهل یک خانه (اعمال ۱۶: ۱۵، ۱۶: ۳۳، اول قرن‌تین ۱: ۱۶، ۲: ۳۸؛ ۱۱: ۱۴)، زمانی به طور علنی به ایمان خود اعتراف می‌کنند که مسؤلیت ایمان شخصی‌شان را به عیسی مسیح پذیرفته باشند. (مراجعه کنید به ضمیمه شماره ۱).

پ) تعهد.

بخوانید: متی ۲۸: ۱۹-۲۰؛ افسسیان ۲: ۸-۱۰.

کشف و گفتگو کنید: هنگامی که به طور علنی به ایمان خود اعتراف می‌کنید و تعمید می‌گیرید، در واقع خود را به چه چیزهایی متعهد می‌سازید؟

ملاحظات: هنگامی که در زمان تعمید به ایمان‌تان اعتراف می‌کنید، در واقع متعهد می‌شوید که از تعالیم عیسی اطاعت کرده، در زندگی خود ثمر خواهید آورد. تعمید مسیحی، علامت و مهر تعهد شما است در قبال خدای تثلیثی، و این امر بخشی از شاگردسازی محسوب می‌شود. زیرا شاگردسازی یعنی اینکه یاد بگیریم از آن اموری که خدا در کلامش حکم کرده است اطاعت کنیم.

همچنین تعمید مسیحی علامت و مهر نجاتی است که بر اساس فیض خدا و محض ایمان‌تان متعلق به شما است. شما تنها زمانی می‌توانید به ایمان خود اعتراف کنید که فیض خدا را که مستحق آن نبودید با دست‌ان خالی دریافت کرده باشید. نجات بواسطه اعمال نیک شخص حاصل نمی‌شود بلکه نتیجه فیض خدا است. خدا بواسطه فیض خود، شما را فردی کاملاً عادل اعلام می‌کند و بدین ترتیب در نظر او عادل محسوب می‌شوید. این عمل نتیجه کار تمام شده نجات است که مسیح به خاطر شما بر صلیب انجام داد. شما عدالت خدا را با ایمان به عنوان عدالت شخصی خود دریافت می‌کنید. و اعمال نیک‌تان ثمره روح‌القدس خواهد بود که در زندگی شما عمل می‌کنند. ارتباط بین فیض، ایمان و اعمال نیک را می‌توان در قالب یک درخت به تصویر کشید. ریشه‌های این درخت نمایانگر فیض خدا هستند، تنه آن ایمان شما است و میوه‌های آن نیز اعمال نیک‌تان است. در کتاب مقدس، فیض، ایمان و اعمال نیک جدا از هم نیستند.

دعا (۸ دقیقه)

۵

دعای در پاسخ به کلام خدا

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " تعمید مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از غلاطیان ۱ - ۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳: ۳) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - انجیل یوحنا فصل ۵ را مطالعه کنید. از روش ۵ قدم برای بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۴

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) غلاطیان
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (غلاطیان ۱-۴) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج
---	--

مرور: دو نفری مرور کنید. اهداف مشترک زندگی: عاموس ۳:۳.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۵: ۱-۴۷
---	---

مقدمه: یوحنا ۵: ۱-۴۷، عیسی مسیح را به عنوان کلمه توصیف می‌کند که پس از انجام معجزه‌ای در بیت‌صیدا، در یهودیه از سوی مردم طرد شد.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۵: ۱-۴۷ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
--	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

کشف ۱) در یوحنا ۵: ۱۷-۲۳، در مورد ادعاهای عیسی حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی ادعاهایی در مورد خود داشت که یهودیان متوجه آنها شده بودند.

الف) در یوحنا ۵: ۱۷-۱۸، عیسی ادعا می‌کند که در ذات با خدای پدر برابر است. عیسی خدا را "پدر خود" خطاب می‌کرد. یهودیان بلافاصله متوجه این حقیقت شدند که عیسی مدعی است وجودی الهی به والاترین معنی کلمه می‌باشد. آنها متوجه شدند که عیسی ادعای برابری با خدای پدر را دارد. ادعای عیسی یا بدترین کفر ممکن بود و مجازات آن مرگ بود، و یا پرچالترین حقیقتی بود که باید با ایمان پذیرفته می‌شد. خدای پدر و خدای پسر دارای يك طبیعت هستند. به همین دلیل عیسی ادعا کرد که از نظر ماهیت وجودی با خدا برابر است. به خاطر این ادعای عیسی بود که یهودیان در صدد کشتن او بودند.

نیز یهودیان عیسی را محکوم به شکستن روز سبت می‌کردند. یهودیان معتقد بودند که در روز سبت هیچ کس نباید کاری انجام دهد. عیسی به آنها گفت که اگر آنچه در مورد روز سبت می‌گویند حقیقت دارد، در آن صورت خدا نیز متهم به شکستن روز سبت است، زیرا خدا همواره در حال مراقبت از آفریده‌های خود و مشغول نجات جان مردم است. خدا هیچوقت کارش را متوقف نمی‌سازد. او پیوسته از آفریده‌های خود مراقبت می‌کند و مردم را نجات می‌دهد. به همین ترتیب، پسر نیز که نزدیکترین رابطه را با پدر دارد مانند او مشغول کار است. در آیه ۱۷، عیسی می‌فرماید: "پدر من تاکنون کار می‌کند و من نیز کار می‌کنم". مفهوم سخنان عیسی این است که یهودیان با متهم کردن عیسی به شکستن روز سبت، در واقع به خدا نیز چنین اتهامی می‌بندند، زیرا خدای پسر از نظر ماهیت وجودی با خدای پدر برابر است.

(ب) در یوحنا ۵: ۱۹-۲۲ عیسی ادعا می‌کند که او دست به همان کارهایی می‌زند که خدای پدر انجام می‌دهد، و از این جهت نیز با او برابر می‌باشد. عیسی می‌فرماید، "پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می‌کند، پسر نیز می‌کند". عملی که با پدر آغاز می‌شود و پدر خاستگاه آن است، در پسر متجلی می‌گردد. پسر آنچه را که پدر به او نشان می‌دهد می‌بیند و با اعمال و گفتار خود، افکار خدا را بر مردم آشکار می‌سازد. پسر اراده پدر را می‌داند و آن را به اجرا درمی‌آورد. عیسی یهودیان را از این حقیقت مطمئن می‌سازد که او قدرت دارد اعمالی بس بزرگتر از صرفاً شفای یک شخص مفلوج انجام دهد. اگر آنها به خاطر آن کارهایی که عیسی تا به آن لحظه انجام داده بود متعجب بودند، چقدر بیشتر به خاطر اعمال بزرگتری که او انجام می‌داد در حیرت می‌افتادند. در اینجا دو عمل بزرگ مد نظر است: برخیزاندن مردگان و انجام داوری. عیسی ادعا می‌کند: "همچنان که پدر مردگان را برمی‌خیزاند و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که را می‌خواهد زنده می‌کند." عیسی نمی‌گوید صرفاً عاملی است در دستان خدا که خدا به‌توسط او مردگان را زنده می‌کند، نظیر وضعیت انبیایی چون ایلیا و الیشع که خدا از آنها برای زنده کردن مردگان استفاده کرد. بلکه او ادعا دارد که نه تنها می‌تواند زندگی اخلاقی انسانها را بر روی زمین احیا کند، بلکه حتی قدرت دارد مردگان را از مرگ برخیزاند. عیسی ادعا می‌کند که همانند پدر این قدرت را دارد که به انسانهایی که از لحاظ روحانی مرده‌اند حیاتی روحانی عطا کند و بهنگام قیامت مردگان در آینده، قادر است به بدنهای مرده بشر، حیاتی غیرفانی عطا کند.

عیسی ادعا می‌کند: "پدر هیچ کس را داوری نمی‌کند بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است". در طول دوران عهد عتیق، خدا به عنوان "داور جهان" شناخته شده است (پیدایش ۱۸: ۲۵). داوری او به‌طور مداوم در زندگی مردم و ملل مختلف اعمال می‌شد. هنگامی که آخر زمان فرا رسد، یک داوری نهایی وجود خواهد داشت. عیسی همچنین ادعا می‌کند که قدرت اعمال داوری نهایی نیز در اختیار اوست. در واقع او می‌گوید که خدای پدر کار داوری را یکسره به دست او سپرده است. خدا به این دلیل کار داوری را به دست پسر سپرده است تا همگان همانطور که پدر را حرمت می‌دارند، پسر را نیز حرمت نهند.

(پ) در آیه ۲۳ عیسی ادعا می‌کند که از نظر حرمتی که خدای پدر دارد نیز با او برابر است. او می‌فرماید: "تا آنکه همه پسر را حرمت بدارند، همچنانکه پدر را حرمت می‌دارند. و کسی که به پسر حرمت نکند، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است". در فیلیپیان ۲: ۹-۱۱ می‌خوانیم که پدر به پسر که تا به مرگ مطیع بود، به‌عنوان پاداش نامی بالاتر از جمیع نامها عطا کرده است؛ تا به نام عیسی هر زانویی خم شود و هر زبانی اعتراف کند که عیسی مسیح خداوند است. این حرمت و احترام در اشعیا ۴۵: ۲۲ فقط و فقط از آن خداوند است. بنابراین وقتی عیسی مسیح حرمت گذاشته می‌شود، چیزی از جلال خدا کاسته نمی‌شود یا این جلال به کس دیگری واگذار نمی‌گردد. بلکه جلال او فزونی می‌یابد، زیرا عیسی مسیح تمام حرمت و احترام را برای "تمجید و جلال خدای پدر" دریافت می‌کند (فیلیپیان ۲: ۱۱). هر وقت پسر بلند کرده می‌شود، پدر جلال می‌یابد. و هر وقت زانوان مردم در حضور عیسی مسیح خم می‌شود و آنان به زبانهای خود اعتراف می‌کنند که عیسی مسیح منجی و خداوندشان است، خدای پدر است که جلال می‌یابد.

کشف ۲) در یوحنا ۵: ۳۰-۴۷ در رابطه با شهادت در باره عیسی مسیح حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در آیه ۳۱، عیسی می‌فرماید که شهادت او در مورد خود حتی اگر راست باشد، از دید یهودیان معتبر نیست. البته شهادت یک شخص در مورد خودش شهادت محسوب نمی‌شود. هیچ کس نمی‌تواند بر خودش شهادت دهد. اگر در پس ادعاهای عیسی اقتدار پدر وجود نمی‌داشت، هیچ کس موظف نبود ادعاهای او را بپذیرد. شهادت عیسی راست است، زیرا توسط شهادت خدای پدر تأیید شده است (یوحنا ۸: ۱۳-۱۸). اگر چه شهادت عیسی راست است، یهودیان حقانیت و اعتبار آن را انکار می‌کنند. به همین دلیل است که عیسی توجه آنها را به پنج شهادت دیگر در مورد خود جلب می‌کند. یهودیان نمی‌توانند این شهادتها را در مورد عیسی نادیده بگیرند و فاقد اعتبار بپندارند.

(الف) **شهادت خود خدای پدر.** در یوحنا ۵: ۱۹، ۳۰، عیسی می‌فرماید که پسر از خود هیچ نمی‌تواند بکند، بلکه از الگوی پدر پیروی می‌کند. وجه مشخصه رابطه ابدی که بین پدر و پسر وجود دارد این است که پسر اراده پدر را انجام می‌دهد، از طرف پدر سخن می‌گوید، مانند پدر داوری می‌کند و باعث خشنودی او می‌شود. و به همین خاطر نیز قادر است راحت و مطمئن، کار اثبات حقانیت خود را به خود خدا واگذار کند. بدین ترتیب پدر از پسر حمایت می‌کند و حقانیت او را آشکار می‌سازد. در آیه ۳۲، عیسی از "شاهدی دیگر" سخن می‌گوید. بر اساس آیات ۳۶-۳۷ می‌دانیم که این شاهد دیگر همانا خدای پدر است. خدای پدر پیوسته در مورد عیسی مسیح که پسر خداست، شهادت می‌دهد. خدای پدر به سه طریق بر خدای پسر شهادت می‌دهد: توسط نوشته‌های عهد عتیق، از طریق سخن گفتن مستقیم از آسمان در واقعه جسم پوشیدن خدای پسر، و بلاخره توسط اعمالی که

خدای پدر به خدای پسر سپرده است تا توسط او تحقق یابند. تمام شهادتهایی که در زیر می‌آید، جزئی از شهادت خدای پدر می‌باشند:

(ب) شهادت یحیی تعمید دهنده. عیسی در یوحنا ۵: ۳۳-۳۵، یحیی تعمید دهنده را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. دعوت و وظیفه یحیی تعمید دهنده نشان می‌داد که او بر نور شهادت می‌دهد (یوحنا ۱: ۷). او به یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، شهادت داد که عیسی "آن نور حقیقی است که هر انسانی را منور می‌سازد". و او "خداوند موعود می‌باشد که یحیی تعمید دهنده راه او را مهیا می‌سازد" (مرقس ۱: ۳)، نیز او "بره خداست که گناه جهان را برمی‌دارد"، "او به روح القدس تعمید می‌دهد" و "پسر خداست" (یوحنا ۱: ۷، ۹، ۲۳، ۲۹، ۳۳، ۳۴). یحیی آن نور نبود، بلکه همچون چراغی بود که مردم را به سمت عیسی مسیح جذب و هدایت می‌کرد. یحیی وظیفه خود را به خوبی انجام داد. اینک "آن نور" خود در آنجا بود و شهادتی بس بزرگتر از شهادت یحیی به حقانیت او گواهی می‌داد.

(پ) شهادت اعمال عیسی. عیسی در یوحنا ۵: ۳۶ در مورد کارهایی صحبت می‌کند که خدای پدر به او محول فرموده؛ کارهایی که بر او شهادت می‌دهند. کاری که خدای پدر به عیسی مسیح سپرده بود، این بود که خدای نادیدنی را آشکار سازد و به عنوان کفاره گناهان مردم، جان خود را فدا نماید تا بدین وسیله مردم را نجات داده، آنها را با خدا مصالحه دهد. تمام کارهای دیگر عیسی مانند موعظه، تعلیم و شفا، بخشی از همین کار بزرگ و اصلی او بود. معجزات او علامات بودند که به واقعی بودن وجود خدا و کار نجات‌بخش او گواهی می‌دادند. تمام این معجزات آشکارا ثابت می‌کرد که عیسی مسیح را خدای پدر فرستاده است، و هم او است که بر حقانیت عیسی مسیح مهر تأیید می‌زند.

(ت) شهادت کتب مقدس. عیسی در یوحنا ۵: ۳۹-۴۰، کتب عهد عتیق را به عنوان کتبی که بر او شهادت می‌دهند، معرفی می‌کند. او می‌فرماید که اگرچه یهودیان کلام خدا را در اختیار داشتند، اما آن را در قلب خود نگاه نداشتند. آنها با اینکه عهد عتیق را در اختیار داشتند، به آن ایمان نیاوردند و از احکام آن اطاعت نکردند. و با اینکه عهد عتیق به کرات در مورد مسیح موعود صحبت کرده بود، یهودیان در آن کتب متوجه عیسی مسیح نشدند و جهت دریافت حیات جاودانی نزد او نرفتند. عیسی در لوقا ۲۴: ۲۷ و ۴۴، به شاگردان خود در مورد آنچه در کتب عهد عتیق در مورد او پیشگویی شده بود، توضیح داد. و دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵ نیز تعلیم می‌دهد که کتاب مقدس می‌تواند در مورد نجات به انسان آگاهی و حکمت دهد و این نجات تنها از طریق ایمان داشتن به عیسی مسیح حاصل می‌شود. معلمین یهودی به دفعات در کتب خود نوشته‌اند که مطالعه شریعت تنها راه نیل به حیات در عصر حاضر است. عهد جدید در رومیان ۱۰: ۴ بوضوح بر این حقیقت صحه می‌گذارد که این حیات تنها در عیسی مسیح یافت می‌شود که خود کامل‌کننده شریعت است. بنابراین هر که ایمان داشته باشد، عادل محسوب می‌گردد.

(ث) شهادت موسی. عیسی در یوحنا ۵: ۴۵-۴۷، موسی را به عنوان شاهد خود معرفی می‌کند. اگرچه یهودیان موسی را والاترین نبی خود می‌پنداشتند، اما عیسی می‌گوید که آنان به آنچه موسی نوشته بود، ایمان نیاوردند. موسی در تثنیه ۱۸: ۱۵ چنین نبوت کرده بود: "یهوه خدایت نبی‌ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید". موسی خود نبوت کرده بود که حکم و دستور خدا این است که تمام مردم باید از مسیح موعود اطاعت کنند. اما یهودیان سخت‌دل درنیافتند که عیسی همان مسیح موعود است (آنها ندای خدا و جلوه الهی او را در عیسی ندیدند)، به همین جهت قلب خود را سخت ساخته، مسیح موعود را که پسر خدا بود نپذیرفتند و او را طرد کردند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۵: ۱-۴۷ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برایشان پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۵: ۸). چرا مرد مفلوج بلافاصله شفا یافت؟

ملاحظات: يك شخص مفلوج قادر به حرکت و قدم زدن نیست. همچنین قادر نیست بایستد و چیزی بردارد. این مرد مفلوج از اینکه کسی نبود به او کمک کند، شاکی بود. عیسی به او گفت: "برخیز و بستر خود را برداشته، روانه شو." این جمله چالش بزرگی برای شخصی بود که کمی پیش به ناتوانی خود اعتراف کرده بود.

عیسی هیچوقت فرمانی را صادر نمی‌کند که قابل اجرا نباشد. بنابراین وقتی او سخن می‌گوید یا فرمانی می‌دهد، می‌خواهد مطابق گفته‌اش عمل شود. کلام او قدرتمند و مؤثر است. در این داستان، عیسی مایل است که مرد مفلوج بار دیگر راه برود. این شخص به کلام عیسی ایمان آورد. و برای اثبات ایمانش، از فرمان عیسی اطاعت کرد. او بلافاصله برخاست، بستر خود را برداشت و

روانه شد. شخص مفلوج در نتیجه سخن قدرتمند و مؤثر عیسی و ایمان آوردن به آن، شفا یافت. شفاى او تدریجی نبود و اینطور نبود که تنها قسمتی از بدن او شفا پیدا کند، بلکه شفای آتی و کامل بود. در این ماجرا نیز بار دیگر جلال عیسی آشکار می‌شود.

سوال ۲) (یوحنا ۵: ۲۴-۲۵). چگونه پسر خدا به مردگان حیات می‌بخشد؟

ملاحظات:

الف) **کلام عیسی قدرتمند و حیات‌بخش است.** در یوحنا ۵: ۲۴، عیسی مسیح، پسر خدا می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است." عیسی مسیح توسط کلامش به انسانها حیات می‌بخشد. "کلام او" عبارت است از پیغام او خطاب به جهانیان. او کلام خود را با اقتدار پدرش بیان می‌کند. معجزه شفای مرد مفلوج، "علامتی" است از این حقیقت که خدا از طریق کلامش به مردم حیات روحانی عطا می‌کند. مرد مفلوج بواسطه کلام قدرتمند عیسی مسیح شفای جسمانی یافت. به همین ترتیب، مردم نیز تنها بوسیله کلام حیات‌بخش عیسی مسیح شفای روحانی را دریافت خواهند کرد.

ب) **کلام عیسی باعث می‌شود روح القدس عمل کند.** در یوحنا ۵: ۲۵، عیسی می‌فرماید: "آمین آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که مردگان آواز پسر خدا را می‌شنوند و هر که بشنود، زنده گردد." چگونه "مردگان" قادر به شنیدن خواهند بود؟ در حزقیال ۳۷: ۴، نبی خدا می‌فرماید: "ای استخوانهای خشک کلام خداوند را بشنوید." و روح خداوند بر آنها قرار گرفت و آنها زنده شدند. امروزه نیز همان روح خدا "افرادی را که از نظر روحانی مرده هستند"، قادر می‌سازد صدای خدا را بشنوند و از حیاتی تازه برخوردار گردند.

پ) **کلام خدا تنها بر افرادی قرار می‌گیرد که او بر حسب اراده مطلق خود آنها را برگزیده است.** کدامیک از انسانهایی که از نظر روحانی مرده‌اند، این صدا را می‌شنوند و زنده می‌شوند؟ در یوحنا ۵: ۲۱، مسیح می‌فرماید، او هر که را بخواهد زنده می‌کند. عیسی مسیح حیات جاودانی را به افرادی عطا می‌کند که آنها را از قبل بر حسب اراده مطلق خود انتخاب کرده است. روح القدس باعث می‌شود آنها صدای خدا را بشنوند و زندگی روحانی تازه و نوینی را از او دریافت کنند.

سوال ۳) (یوحنا ۵: ۲۶). منظور از این عبارت که "پسر در خود حیات دارد" چیست؟

ملاحظات: تنها خدای پدر به طور ذاتی از این حیات برخوردار است، زیرا تنها اوست که مولود و خلق نشده است. او بنا به ذات خود خدایی زنده است و به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نیست. عیسی می‌فرماید: "زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد." خدای پدر از ازل این حق و امتیاز مخصوص را به خدای پسر عطا کرده است که او در خود حیات داشته باشد. به همین دلیل است که او پسر یگانه نامیده می‌شود. عیسی مسیح یگانه مولود است، ولی موجودی مخلوق نیست. خدای پدر در زمان تجسم یا تعمیم عیسی حیات ذاتی خود را به خدای پسر اعطا نکرد. بلکه این حیات عملی الهی و بخشی از رابطه ویژه‌ای است که از ازل بین پدر و پسر وجود داشته است. خدای پدر در چارچوب نظم و ترتیب ابدی چنین مقرر فرمود که پسر در خود حیات داشته باشد، و پسر نیز این حیات را بر مردم آشکار می‌سازد. در یوحنا ۱: ۲، خدای پسر به عنوان مجسم کننده حیات ابدی مکشوف گشته است که "با خدای پدر بود و بر ما آشکار گشت". مخلوقات بشری در خود این حیات را ندارند، زیرا مخلوق هستند. خالق آنها خدا، به آنها حیات می‌بخشد.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۵: ۱-۴۷ کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۵

- ۵: ۱-۷ * بیت حسدا یعنی "خانه رحمت". ولی بیمارانی که آنجا بودند هر يك برای پریدن به داخل حوض و دریافت شفا چنان یکدیگر را هل می‌دادند که آن مکان بیشتر به جنگلی بی‌رحم می‌مانست. بنابراین اجازه ندهید خانه شما یا کلیسای شما تبدیل به مکانی بی‌رحم شود و در آن از رحمت خبری نباشد.
- ۵: ۸-۱۰ * نحما در مقام فرماندار اجازه نمی‌داد تاجران در روز سبت برای خرید و فروش وارد اورشلیم شوند (نحمیا ۱۳: ۱۵-۲۲). اما معلمین مذهبی یهود حکم چهارم از ده احکام را که در مورد حرمت نهادن به روز سبت بود، به قوانینی سخت و دست و پاگیر تبدیل کرده بودند نظیر اینکه نباید در چنین روزی هیچ گونه باری حمل کرد. عیسی در این مورد

هشدار داده گفت: "پس به تقلید خود (به خاطر رسوم و قوانین خود)، حکم خدا را باطل نموده‌اید"، زیرا چنین "عبادتی بیهوده می‌باشد" و چنین "تعالیمی، احکامی انسانی هستند" (متی ۱۵: ۱-۹).

- ۵: ۲۳ * همانگونه که خدای پدر را حرمت می‌نهد، خدای پسر را نیز حرمت نهد. هر که مسیح را حرمت نهد، خدا را حرمت نهاده است (یوحنا ۵: ۲۳). هر که مسیح را می‌شناسد، خدا را می‌شناسد (یوحنا ۸: ۱۹). هر که به مسیح ایمان دارد، به خدا ایمان دارد (یوحنا ۱۲: ۴۴). هر که مسیح را قبول کند، خدا را قبول کرده است (یوحنا ۱۳: ۲۰). هر مسیح را دریافت کند، خدا را دریافت کرده است (متی ۱۰: ۴۰). هر که مسیح را حقیر شمارد، خدا را حقیر شمرده است (لوقا ۱۰: ۱۶). هر که مسیح را قبول نکند، نمی‌تواند به نزد خدای پدر برود (یوحنا ۱۴: ۶). هر که مسیح را دیده است، خدای پدر را دیده است (یوحنا ۱۴: ۹-۱۰). هر که از احکام مسیح اطاعت کند، خدا را محبت می‌کند (یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳). هر که را پدر به عیسی مسیح عطا کند، به جانب او خواهد رفت و هرگز بیرون افکنده نخواهد شد (یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴؛ ۱۷: ۲، ۶، ۹). هر که مسیح را اقرار کند، خدا را اقرار می‌کند (اول یوحنا ۲: ۲۳).
- ۵: ۲۴ * پیغام انجیل را اعلام کنید. هر که کلام را بشنود و ایمان بیاورد، بلافاصله از حیات جاودان برخوردار می‌گردد و در داوری نهایی محکوم نخواهد شد، بلکه از مرگ به حیات منتقل خواهد گردید.
- ۵: ۲۸-۲۹ * خود را برای بازگشت مسیح آماده سازید. در آن زمان تمام زندگان و مردگان صدای او را خواهند شنید و مردگان از قبرهای خود برخاست تا نجات یابند یا به مجازات ابدی برسند.
- ۵: ۳۱-۴۷ * خود را تفتیش کنید و ببینید آیا برآستی به عیسی مسیح ایمان دارید و شهادت خدای پدر را در مورد عیسی مسیح پذیرفته‌اید یا خیر.
- ۵: ۳۹ * کتاب مقدس را مطالعه کنید، زیرا بر عیسی مسیح شهادت می‌دهد. و در مورد دریافت نجات به شما حکمت می‌بخشد (۲ تیموتاؤس ۳: ۱۵).
- ۵: ۴۴ * چه چیزی برای‌تان بیشتر مهم است: اینکه خانواده، دوستان، و همشهریان‌تان شما را تحسین کنند، یا اینکه از جانب خدا تحسین شوید؟

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم به سخنان عیسی ایمان بیاورم. وقتی عیسی به آن مرد مفلوج گفت: "برخیز، بستر را بردار و روانه شو"، شاید چنین کاری از دید مردم غیرممکن به نظر می‌رسید، ولی در نظر خدا هیچ امری محال نیست. هنگامی که عیسی از طریق کلامش به من تعلیم می‌دهد، این بدان معنا است که او می‌خواهد من تعالیم او را در زندگی خود به کار بینم. سخن او قدرتمند و مؤثر است. عیسی قادر است به آنچه می‌گوید عمل کند، و می‌خواهد که چنین نماید. بنابراین من می‌خواهم به سخنان او ایمان داشته باشم. من نیز مثل مرد مفلوج به ناتوانی خود اعتراف می‌کنم. و مانند او از سخنان عیسی اطاعت خواهم کرد.

ب) من می‌خواهم در اعتراف ایمان خود تاکید کنم که عیسی مسیح با خدا برابر است. هیچ کس نمی‌تواند طبیعت خدا را توصیف کند، چون هیچ کس از خدا بزرگتر نیست. فکر و سخنان خدا همچون اقیانوسی بزرگ است، اما فکر انسان تنها به اندازه یک لیوان آب گنجایش دارد. بنابراین من گرچه قادر به درک طبیعت الهی خدا نیستم، ولی به آنچه او در کتاب مقدس در مورد خود آشکار کرده است، اعتراف خواهم کرد. اولاً: عیسی در متی ۲۸: ۱۹ می‌فرماید که مسیحیان "به نام" خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس تعمیم می‌گیرند. خدا یک نام دارد، نه سه نام. خدا یک ذات دارد ولی خود را در تاریخ در قالب سه شخصیت آشکار کرده است. عیسی مسیح دومین "شخصیت" طبیعت الهی است که در عین اتحاد با دیگر شخصیت‌های ذات الهی، از آنها متمایز است.

ثانیاً: در یوحنا ۵: ۲۶، خدای پدر چنین مقرر داشته است که خدای پسر در خود حیات داشته باشد. به عبارت دیگر، خدای پدر و خدای پسر از ازل دارای طبیعتی یکسان و مشترک بوده‌اند.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۵: ۱-۴۷ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده‌اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای شفاعت
---	---------------	------------

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد يا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۵ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از غلاطیان ۵- ۶ و افسسیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳- ۵) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۵

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) غلاطیان و افسسیان
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (غلاطیان ۵-۶ و افسسیان فصل ۱) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج
---	--

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: پرهیزگاری: اول تسالونیکیان ۴: ۳-۵

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) شام خداوند
---	--------------------------------

مقدمه: این تعلیم در رابطه با شام خداوند است. در این قسمت خواهیم آموخت که کتاب مقدس در مورد آیین شام خداوند و شالوده و مفهوم آن چه تعلیمی می‌دهد.
بخوانید: متی ۲۶: ۲۶-۲۹؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۳۲.

الف - شالوده و مبنای آیین شام خداوند

۱- اسامی کتاب مقدسی شام خداوند.

تعمید و شام خداوند دو آیین مسیحی هستند. آیین، مراسمی مذهبی است که نشانه بیرونی و مرئی فیضی درونی و روحانی دانسته می‌شود.

الف) این آیین در اول قرنتیان ۱۱: ۲۰، شام خداوند نامیده شده است. این نام از آن رو انتخاب شد تا این شام از شام دوستانه‌ای که اهالی قرن‌تس هر از گاه ترتیب می‌دادند متمایز شناخته شود. شام خداوند شامی نبود که در آن ثروتمندان، فقرا را مهمان کنند ولی بعد حقیرانه با آنان رفتار نمایند.

ب) این آیین در اول قرنتیان ۱۰: ۲۱، سفره خداوند نامیده شده است. علت این نامگذاری، متمایز ساختن شام خداوند از سفره دیوها بود. غیریهودیه‌ای که در قرن‌تس بودند عادت داشتند پس از تقدیم قربانی‌هایشان به بنه‌ها، در معابد خود بر سر سفره آن قربانیه‌ها بنشینند. چنین شامی "سفره دیوها" نامیده می‌شد، زیرا تقدیم قربانی به بت در واقع تقدیم قربانی به دیوها است، و شرکت در چنین شامی در واقع شراکت با دیوها است.

پ) این آیین در اعمال ۲: ۴۲ و ۲۰: ۷، شکستن نان نامیده شده است، که در واقع اصطلاحی است برای شام دوستانه‌ای که مفهوم شام خداوند را نیز در بر دارد.

ت) این آیین در اول قرنتیان ۱۰: ۱۶، "تبرک" نامیده شده است، یعنی آیین شکرگزاری.

۲ - حکم مسیح در مورد برگزار کردن شام خداوند.

(الف) اساس و بنیاد شام خداوند.

عیسی آیین شام خداوند را در زمان عید فصح مقرر داشت. به ضمیمه شماره ۲ مراجعه کنید. عیسی در زمان عید فصح مصلوب شد. ما در سه انجیل اول در مورد این واقعه می‌خوانیم. به عنوان مثال، واقعه شام خداوند در متی ۲۶: ۲۶-۲۹ و اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۹ شرح داده شده است. عیسی در دوران عید فصح، در شبی که باید مصلوب می‌شد نان را گرفته، برکت داد و پاره کرد. سپس آن را به شاگردان خود داد و گفت: "بگیرید و بخورید. این است بدن من." پس از آن پیاله را گرفته، شکر نمود و بدیشان داده گفت: "همه شما از این بنوشید، زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آموزش گناهان ریخته می‌شود."

(ب) توضیح یوحنا ۶: ۵۴.

"هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشد، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید".
یوحنا ۶: ۴۸-۵۹ توصیفی از شام خداوند نیست، بلکه این قسمت در مورد ایمان آوردن اولیه به عیسی مسیح است. خود عیسی در آیه ۴۰ توضیح می‌دهد که منظورش از آیه ۵۴ چیست: "هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودانی خواهد داشت، و من در روز بازپسین او را خواهم برخیزانید". عیسی تعلیم نمی‌دهد که شراب و نان به طرزی معجزه‌آسا تبدیل به خون و بدن مسیح می‌شود، بلکه خوردن و نوشیدن سمبلی است از اینکه انسان گنهکار به عیسی مسیح ایمان بیاورد و او را در قلب و زندگی خود بپذیرد. عیسی در این چارچوب، در واقع به بی‌ایمانان می‌گوید که باید به او ایمان بیاورند. برعکس آنچه گاه تصور می‌شود، عیسی در این قسمت با ایمانداران در مورد شام خداوند صحبت نمی‌کند.

بدن جسمانی عیسی مسیح در واقعه شام خداوند یا در هیچ جای دیگری روی زمین به‌گونه‌ای اسرار آمیز و مرموز حضور ندارد. عیسی مسیح در ارتباط با بدن جسمانی خود به آسمان صعود کرد و به دست راست خدای پدر نشسته است (اعمال ۱: ۹-۱۱). بنابراین، هیچ کس روی زمین قادر نیست عملی در رابطه با بدن جسمانی و پر جلال عیسی مسیح در آسمان انجام دهد.

(پ) چگونه باید شام خداوند را برگزار کرد؟

پولس رسول در خصوص چگونگی برگزاری شام خداوند به پنج نکته مهم اشاره می‌کند:

(۱) يك حکم. شام خداوند حکمی بود که پولس آن را از خداوند دریافت کرده بود، و تمام مسیحیان نیز باید از این حکم اطاعت کرده، شام خداوند را برگزار کنند.

(۲) يك برکت و شکرگزاری. متی می‌گوید که عیسی نان را برکت داد، و پولس می‌گوید که او برای نان شکرگزاری کرد. برکت دادن یعنی طلبیدن فیض قدرتمند خدا، و شکرگزاری یعنی اعتراف قلبی به فیض خدا. این دو لغت به احتمال زیاد هر دو به يك معنایند و مفاهیم برکت و شکرگزاری را القا می‌کنند.

(۳) يك یادگار. خداوند عیسی به مسیحیان تعلیم داد که شام خداوند را به یادگاری او برگزار کنند.

(۴) يك اعلام. وقتی مسیحیان شام خداوند را برگزار می‌کنند، موت خداوند را ظاهر و اعلام می‌کنند، تا آنگاه که او بازگردد.

(۵) جشنی شایسته. شام خداوند باید به طرز شایسته برگزار شود. بنابراین هر فرد مسیحی باید قبل از خوردن نان و نوشیدن پیاله، خود را تفتیش کند. يك فرد مسیحی باید بتواند بدن خداوند را تمییز دهد، و بداند از طریق شرکت در شام خداوند چه کاری را انجام می‌دهد. در غیر اینصورت، با خوردن نان و نوشیدن پیاله در واقع بر خود حکم می‌کند.

ب - مفهوم شام خداوند

مقدمه: شام خداوند علامت و مهری است که توسط عیسی مسیح عطا شده است. شراکت در شام خداوند یعنی ایجاد مشارکت واقعی با عیسی مسیح.

بخوانید: متی ۲۶: ۲۶-۳۰؛ اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶.

۱ - شام خداوند يك علامت است.

(الف) يك علامت، سمبلی بیرونی و قابل رؤیت از يك مفهوم روحانی است.

ویژگی آیین‌های مسیحی این است که از طریق آنها، يك یا چند حقیقت روحانی به توسط نشانه‌هایی بیرونی و قابل رؤیت بیان می‌گردد.

(ب) سمبل‌های موجود در شام خداوند.

سمبل‌های بیرونی و قابل رؤیت در شام خداوند عبارتند از: عناصر نان و شراب، شکستن نان و ریختن شراب، خوردن نان و نوشیدن شراب، و انجام این همه در چارچوب مشارکت با دیگر مسیحیان. حقایق روحانی که از طریق این سمبل‌های بیرونی و قابل رؤیت بیان می‌گردند به قرار زیرند:

(۱) نان و شراب نمایانگر بدن و خون عیسی است.

۲) شکستن نان نمایانگر بدن عیسی است که بر روی صلیب پاره شد، و ریختن شراب نشانه خون عیسی است که بر صلیب ریخته شد. هر دو عنصر نان و شراب به طور سمبلیک بیانگر مرگ عیسی مسیح به عنوان کفاره‌ای برای گناهان ما هستند، تا ما از مجازات گناه خلاصی یابیم.

۳) عیسی به عنوان کسی که آیین شام خداوند را بینان نهاد، چنین تعلیم می‌دهد که مرگ او يك مرگ نیابتی بود. او وقتی می‌فرماید: "این است بدن من که برای شما پاره می‌شود" (اول قرن‌تینان ۱: ۲۴) و "این است خون من در عهد جدید که به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود" (متی ۲۶: ۲۸)، در واقع به ما تعلیم می‌دهد که مرگش بر صلیب يك قربانی برای قومش بود.

۴) خوردن نان و نوشیدن شراب نمایانگر این حقیقت است که فرد مسیحی با عیسی مسیح شراکت دارد و به طور سمبلیک از برکات و منافع مرگ مسیح بهره‌مند می‌شود و آنها را از آن خود میکند. درست همانگونه که بدن جسمانی شخص از طریق خوردن نان و نوشیدن شراب تغذیه می‌شود، شرکت در شام خداوند نیز شخص را از لحاظ روحانی احیا و تغذیه می‌کند.

۵) برگزاری شام خداوند به اتفاق دیگر مسیحیان نمایانگر اتحاد ایمانداران با یکدیگر می‌باشد. اول قرن‌تینان ۱۰: ۱۷ تعلیم می‌دهد که سهم شدن در نان نمایانگر این حقیقت است که مسیحیان اعضای بدن مسیح هستند - بنی کلیسای مسیح در جهان است.

۲- شام خداوند يك مهر است.

الف) يك مهر، سمبلی برونی و قابل رؤیت است که قطعیت و واقعی بودن حقیقتی روحانی را تضمین می‌کند. آیین شام خداوند تنها علامتی از مرگ مسیح نیست، بلکه مهری نیز هست که برکات ناشی از مرگ مسیح را برای ما تضمین می‌کند.

ب) شام خداوند گواه چیست؟

۱) شام خداوند به فرد مسیحی این اطمینان را می‌دهد که مسیح او را به طور خاص دوست دارد.
۲) شام خداوند به فرد مسیحی این وعده را می‌دهد که می‌تواند از تمام برکات ناشی از مرگ مسیح (مانند بخشش گناهان، رهایی از مجازات گناه و داشتن وجدانی آسوده) برخوردار شود.
۳) شام خداوند به فرد مسیحی این اطمینان را می‌دهد که او می‌تواند تا به ابد از برکات نجات برخوردار شود.
۴) شام خداوند وجه مشخصه يك فرد مسیحی است. فرد ایماندار با خوردن نان و نوشیدن شراب، اعتراف می‌کند که به عیسی مسیح به عنوان نجات دهنده و پادشاه خود ایمان دارد و نسبت به او وفادار است. او با اینکار، به طور جدی قول می‌دهد که از عیسی مسیح و کلامش اطاعت کند. هر بار که فرد مسیحی در شام خداوند شرکت می‌کند، پیغام انجیل را اعلام می‌کند که می‌فرماید، عیسی مسیح برای گناهان ما مرد و هر که به او ایمان آورد گناهایش آمرزیده شده، نجات خواهد یافت.

۳- شام خداوند يك وسیله و عامل فیض است.

الف) آغاز عمل فیض‌بخش خدا.

خدا عمل فیض‌بخش خود را از طریق شام خداوند در قلوب گناهکاران آغاز نمی‌کند، بلکه این عمل را از طریق برگزیدگی و دعوت آنها توسط پیغام انجیل، تجدید حیات و تقدیس آنها توسط روح‌القدس و نیز از طریق عادل شمردن آنها که نتیجه ایمان به عیسی مسیح است، انجام می‌دهد (یوحنا ۳: ۳-۸؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴).

ب) تداوم عمل فیض‌بخش خدا.

خدا عمل فیض‌بخش خود را در قلوب مسیحیان بوسیله شام خداوند ادامه می‌دهد. پیمانه به "خون عهد مسیح، که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود"، اشاره دارد (متی ۲۶: ۲۷-۲۸؛ افسسیان ۱: ۷). بدون ریخته شدن خون بخششی وجود ندارد (لاویان ۱۷: ۱۱؛ عبرانیان ۹: ۲۲). بدون ریخته شدن خون عهدی در کار نیست. به عبارت دیگر، بدون ریختن خون هیچ رابطه ویژه‌ای بین خدا و قومش وجود ندارد. آشتی با خدا همواره مستلزم وجود قربانی کفاره بوده که با ریخته شدن خون همراه است. و از آنجا که خود انسان قادر به فراهم کردن چنین قربانی نیست، خدا قربانی نیابتی مقرر داشت و از انسان خواست این قربانی را با ایمان بپذیرد.

عهد و پیمان الهی از طریق مرگ نیابتی مسیح به اجرا در می‌آید. شام خداوند، علامت و مهری است که نشان می‌دهد عهد فیض‌بخش خدا که باعث می‌گردد مردم از گناهان‌شان بخشوده و آزاد شوند، امری است حقیقی. شام خداوند اطمینان شخص را در مورد نجات خود و نجات تمام کلیسای مسیحی افزایش می‌دهد. البته این کار خودبه‌خود صورت نمی‌گیرد. شام خداوند يك آیین اسرارآمیز نیست که جادو کند، بلکه درک و نگرشی که فرد مسیحی از این آیین دارد نیز دارای اهمیت فراوان است.

۴- شام خداوند يك مشارکت واقعی است.

بخوانید: یوحنا ۱۶: ۷، ۱۲-۱۵؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ دوم قرن‌تینان ۱: ۲۱-۲۲؛ ۵: ۵.

کشف و گفتگو کنید: مسیح به چه طریقی در شام خداوند حضور دارد؟

ملاحظات:

(الف) بدن و خون جسمانی عیسی در آسمان است.

در رابطه با بدن و خون جسمانی، عیسی مسیح در آسمان است (یوحنا ۱۶: ۷؛ اعمال ۱: ۹-۱۱).

(ب) خصوصیات و تأثیرات روحانی بدن و خون عیسی، بر روی زمین حضور دارد.

(۱) در رابطه با روح القدس، عیسی مسیح بر زمین حضور دارد (متی ۲۹: ۲۰). روح القدس يك فرد مسیحی را به جمیع راستی هدایت می‌کند و عیسی مسیح را در کلیسا جلال می‌دهد (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۵). روح القدس میراث يك مسیحی را ضمانت می‌کند (افسیسیان ۱: ۱۳-۱۴). روح القدس مهر الهی است که ثابت می‌کند ما به خدا تعلق داریم و ضامن این حقیقت است که خدا آنچه را که در زندگی‌های ما شروع کرده است، به پایان خواهد رساند (دوم قرنتیان ۱: ۲۱-۲۲؛ ۵: ۵).

(۲) هر جا که مراسم شام خداوند برگزار می‌شود، عیسی مسیح در آنجا حضور دارد و عملی روحانی در زندگی مسیحیان انجام می‌دهد. او از طریق روح القدس تمام خصوصیات و تأثیرات قربانی بدن و خون خود را در مراسم شام خداوند آشکار می‌سازد و بدینوسیله مسیحیان را تشویق می‌کند. شام خداوند تنها يك علامت یا سمبل از واقعه‌ای در گذشته نیست، بلکه مهری است که واقعی بودن کار تمام شده محبت و فیض خدا را در زمان حال تضمین می‌کند. شام خداوند مهری است که به فرد مسیحی اطمینان می‌دهد که کار تمام شده مسیح بر روی صلیب، در حال حاضر متعلق به او می‌باشد. و این حقیقت را تضمین می‌کند که گناهان شخص کفار شده، او نجات یافته و عادل گشته است. شام خداوند صرفاً یادآور مرگ مسیح در گذشته نیست، بلکه یادآور مشارکت با مسیح قیام کرده در آسمان در حال حاضر نیز هست. مسیح در جریان مراسم شام خداوند، حیات روحانی فرد ایماندار را بر روی زمین احیا و تقویت می‌کند.

پ - مراسم شام خداوند

۱ - کسانی که به طرز شایسته در شام خداوند شرکت می‌کنند.

بخوانید: اول قرنتیان ۱۱: ۲۷-۲۹.

کشف و گفتگو کنید: چه کسی می‌تواند در مراسم شام خداوند شرکت کند؟

ملاحظات:

(الف) تنها مسیحیانی که قادرند بدن مسیح را تمیز دهند می‌توانند در مراسم شام خداوند شرکت کنند. بنابراین غیرایمانداران و کودکان مسیحی نمی‌توانند در این مراسم شرکت کنند، زیرا آنها بدن مسیح را تمیز نمی‌دهند و متوجه نیستند که بهنگام این مراسم چه کاری انجام می‌دهند.

(ب) مسیحیان بالغی که خود را تفتیش نمی‌کنند و بدن مسیح را تمیز نمی‌دهند نیز نمی‌توانند در شام خداوند شرکت کنند.

(پ) هر که بخواهد به طرز نا شایسته رفتار کند و بین شام معمولی و شام خداوند تمیز قائل نشود، نمی‌تواند در شام خداوند شرکت کند.

(ت) افرادی که در شام خداوند شرکت می‌کنند، کسانی هستند که خود را تفتیش می‌کنند و جداً از گناهان خود توبه می‌کنند و ایمان دارند که خون مسیح تمام گناهان آنها را پاک کرده است، و مایلند در ایمان و قدوسیت رشد کنند. گناهکارانی که از گناهان خود توبه کرده و اعتراف نموده‌اند که بدون مسیح گمشده و گمراه هستند، می‌توانند در شام خداوند شرکت کنند.

۲ - نحوه برگزاری مراسم شام خداوند.

(الف) کلیساهای مسیحی چند وقت یکبار باید مراسم شام خداوند را برگزار کنند؟

عیسی یا رسولان در این مورد تعلیم خاصی نداده‌اند. بنابراین برخی از کلیساهای مسیحی هر یکشنبه این مراسم را برگزار می‌کنند، ولی اکثر کلیساها آن را یکبار در ماه یا هر سه ماه یکبار برگزار می‌کنند.

(ب) از چه نوع نان و شرابی باید استفاده کرد؟

عیسی و رسولان در این مورد نیز تعلیم خاصی نداده‌اند. در این مورد نیز که چه کسی باید نان و شراب را تهیه کند، تعلیمی نداده‌اند. به همین جهت برخی کلیساها از نان بدون خمیرمایه استفاده می‌کند و برخی کلیساهای دیگر از نان معمولی. برخی کلیساها از شراب واقعی استفاده می‌کنند و برخی دیگر شراب را با آب مخلوط می‌کنند یا حتی بجای شراب، آب انگور بکار می‌برند. نان و شراب را می‌توان شخصاً تهیه کرد یا از بیرون خرید. این عناصر بخودی خود مهم نیستند، بلکه مهم حقیقتی است که توسط آنها بازگو می‌شود.

پ) چگونه باید نان و شراب را بین مسیحیان تقسیم کرد؟

عیسی و رسولان تعلیمی در این مورد نداده‌اند. برخی از کلیساها يك قرص نان را به تکه‌های کوچک تقسیم می‌کنند و پیاله‌ای شراب را نیز قبل یا در طول مراسم شام خداوند به پیاله‌های کوچکتر تقسیم می‌کنند. برخی از کلیساها نیز اجازه می‌دهند خود مردم تکه‌ای از قرص نان اصلی بردارند و همه اعضا با هم از يك پیاله اصلی بنوشند. آنچه مهم است نه تعداد تکه‌های نان یا پیاله‌های شراب، بلکه درك مردم از مفهوم این مراسم و شرکت نمودن در آن با نگرشی صحیح می‌باشد. داشتن نگرش صحیح قطعاً به معنای پذیرفتن هم و محبت کردن به یکدیگر است.

ت) چه کسی باید مراسم شام خداوند را اجرا کند؟

عیسی و رسولان در این مورد نیز تعلیمی نداده‌اند. برخی از کلیساها به هر فرد مسیحی بالغی اجازه می‌دهند در این زمینه خدمت کند، اما اکثر کلیساها معتقدند که تنها پیران کلیسا می‌توانند مراسم شام خداوند را اجرا کنند. آنها معتقدند که تعلیم کلام خدا و بجا آوردن آیینها به هم مرتبطند. البته در هیچ قسمت از کتاب مقدس خدمت تعلیم کلام و اجرای آیینها به گروه خاصی از مسیحیان محدود نشده است. ولی برای اجتناب از تعالیم غلط و عدم سوءاستفاده از آیینها، بهتر است تنها پیران کلیسای محلی مراسم شام خداوند را اجرا کنند.

ث) در مورد موقعیت شخص و کلماتی که باید در جریان مراسم شام خداوند گفته شود، چه توصیه‌ای شده است.

عیسی و رسولان در این رابطه نیز هیچ تعلیمی نداده‌اند. کلیساها شام خداوند را به طرق مختلفی برگزار می‌کنند. در برخی از کلیساها، مردم در طول مراسم در حالت نشسته باقی می‌مانند، و حال آنکه در برخی کلیساهای دیگر مردم بدین منظور می‌ایستند یا به قسمت جلوی کلیسا می‌روند و زانو می‌زنند. در برخی از کلیساها نیز شرکت‌کنندگان برای دریافت نان و شراب، به سمت شخصی که مسئول اجرای این مراسم است می‌روند.

اکثر کلیساها در جریان برگزاری این مراسم، برای ایمانداران از متی ۲۶: ۲۶-۲۹ و ۱ قرنیتیان ۱۱: ۲۳-۲۹ قرائت می‌کنند و مفهوم شام خداوند را برای آنها توضیح می‌دهند. سپس به آنها فرصت می‌دهند تا زندگی خود را تقنیش کنند و نزد خداوند به گناهان‌شان اعتراف نمایند. آنگاه در حین تقسیم عناصر شام خداوند، سخنان عیسی یا پولس را نقل می‌کنند. برخی از مسیحیان به محض دریافت نان و شراب آنها را می‌خورند، در حالی که برخی دیگر از مسیحیان منتظر می‌مانند تا وقتی بقیه نیز این عناصر را دریافت کردند، همه با هم در این مراسم شرکت کنند. در انتها نیز با دعا یا خواندن سرود، خدا را بخاطر برکات بی‌شمارش در عیسی مسیح شکر می‌گویند.

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " شام خداوند " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از افسسیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (زمان مناسب: جامعه ۸: ۵- ۶) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۶) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۶

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) افسیسیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (افسیسیان ۲-۵) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج
---	--

مرور: دو نفری مرور کنید. زمان مناسب: جامعه ۸: ۵-۶.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۶: ۱-۷۱
---	---

مقدمه: یوحنا فصل ۶، عیسی مسیح را به تصویر می‌کشد که پس از خوراک دادن به پنج هزار نفر، در جلیل از سوی مردم طرد شد.

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۶: ۱-۷۱ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
--	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

کشف ۱) در یوحنا ۶: ۵-۱۳ در مورد ضرورت بکار بردن ایمان، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. عیسی و شاگردانش در مکانی خلوت کرده بودند که ناگاه جمع کثیری از مردم به سوی آنها رفتند. در بین آنها پنج هزار نفر مرد و نیز زنان و کودکان بسیاری وجود داشتند. عیسی از روی امتحان به یکی از شاگردان خود به نام فیلیپس گفت: "از کجا نان بخریم تا اینها بخورند؟" فیلیپس در پاسخ گفت: "دویست دینار نان نیز اینها را کفایت نکند تا هر يك اندکی بخورند." فیلیپس به جای آنکه ایمان خود را بکار برد، مشغول محاسبه شد. او به جای آنکه به آن کاری که عیسی مسیح قادر به انجامش بود ایمان داشته باشد، مثل مردم دنیا مشغول محاسبه شد. عیسی فیلیپس را امتحان کرد. او به فیلیپس فرصتی داد تا ببیند آیا دلش به حال مردم گرسنه می‌سوزد و به مفهوم معجزات عیسی به عنوان "آیت" یا نشانه، پی برده است یا نه. معجزات عیسی به عنوان آیت، به عظمت، قدرت و جلال او و اشتیاق و توانایی‌اش جهت برآورده ساختن تمام نیازهای مردم اشاره دارد. وقتی پولس مشغول محاسبه شد، کاملاً فراموش

کرده بود که قدرت عیسی و رای تمام محاسبات و معیارهای انسانی است. فیلیپس متوجه نبود که عیسی قادر است همانطور که در عروسی قانای جلیل آب را به شراب تبدیل کرد، برای آن جماعت بزرگ نیز نان فراهم کند.

اندریاس که یکی دیگر از شاگردان عیسی بود گفت: "در اینجا پسری است که پنج نان جو و دو ماهی دارد و لیکن این از برای این گروه چه می‌شود؟" اندریاس هم با نگاه کردن به جماعت بزرگ، شروع کرد به محاسبه کردن آنها. او نیز به جای آنکه ایمان خود را بکار گیرد، مانند مردم دنیا شروع کرد به محاسبه. تنها پنج نان و دو ماهی. تمام شاگردان عیسی در آن وضعیت تنها به عقل و منطق خودشان تکیه می‌کردند.

آنها که تکیه‌شان صرفاً بر محاسبات بشری خودشان بود، مردد بودند که آیا برای این مشکل راه حلی وجود دارد یا نه. آنها معجزات قبلی عیسی را از یاد برده بودند، و ایمان خود را درخصوص قدرت و توانایی عیسی بکار نگرفتند.

بزرگترین حقیقت برای من این است که عیسی متکی به این دنیای جسمانی که آن را خود خلق کرده است، نمی‌باشد. اگر او تمام جهان را خلق کرده، قادر است شراب و نان (یوحنا فصل ۲)، نان و ماهی (یوحنا فصل ۶) و هر چیز دیگری را نیز که اراده کند، بوجود آورد. من باید یاد بگیرم که تنها به زندگی و مشکلات خودم نگاه نکنم، بلکه به عیسی مسیح نگاه کنم که هیچ چیز نزد او غیرممکن نیست. من باید یاد بگیرم به عیسی مسیح نگاه کنم که قادر است تمام مشکلات را حل کند. باید یاد بگیرم ایمان خود را به عیسی مسیح و سخنان او، در عمل بکار ببندم.

کشف ۲) در یوحنا ۶: ۳۵-۴۶ در مورد رابطه بین برگزیدگی الهی و مسؤلیت انسان حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
الف) خدای پدر بر اساس حاکمیت و قدرت مطلقش، مردم را به عیسی عطا می‌کند. در یوحنا ۶: ۳۷، عیسی می‌فرماید: "هر که را پدر به من عطا کند به جانب من می‌آید و هر که به جانب من آید، او را بیرون نخواهم نمود." بین خدای پدر و خدای پسر هماهنگی و همکاری کامل وجود دارد. تمام افرادی را که خدای پدر عطا می‌کند، خدای پسر می‌پذیرد. عیسی در این آیه بر انتخاب مقتدرانه خدا مبنی بر عطا کردن برخی افراد خاص به عیسی، تأکید می‌ورزد. این آیه در مورد برگزیدگی الهی صحبت می‌کند.

در یوحنا ۶: ۳۶، عیسی می‌فرماید: "شما مرا هم دیدید و ایمان نیاوردید." در این آیه عیسی بر مسؤلیت انسان در واکنش نشان دادن به پیغام انجیل تأکید می‌ورزد. بسیاری از افرادی که در آن روز به سخنان عیسی گوش دادند، پیغام انجیل را شنیدند و حتی شاهد معجزات عیسی نیز بودند، ولی به او ایمان نیاوردند. عیسی آشکارا خود این افراد بی‌ایمان را مقصر می‌شمرد، زیرا آنان بابت اعمال و رفتاری که انجام می‌دهند مسئولند و باید حساب پس دهند.

ب) خدای پدر به طرزى مقاوم‌ناپذیر مردم را به سوی عیسی جذب می‌کند. در یوحنا ۶: ۴۴ عیسی می‌فرماید: "کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند." در این قسمت عیسی در مورد برگزیدگی مطلق خدا صحبت می‌کند که در طول تاریخ آشکار شده است. جذب کردن، مفهومی بیش از صرفاً "دادن آگاهی و القای تأثیری اخلاقی بر شخص" دارد. خدا انسانها را تنها پند و اندرز نمی‌دهد، بلکه آنها را به طرزى مقاوم‌ناپذیر به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند. واژه جذب کردن در یوحنا ۱۲: ۳۲ بکار رفته است که می‌فرماید، عیسی پس از مصلوب شدن، همه مردم را از تمام دنیا به سوی خود خواهد کشید (یا: جذب خواهد کرد). همین واژه در یوحنا ۱۸: ۱۰ نیز بکار رفته است؛ در این قسمت می‌خوانیم که شمعون پطرس شمشیری را که داشت کشید. یوحنا ۲۱: ۶، ۱۱ در مورد کشیدن دامی پر از ماهی صحبت می‌کند؛ اعمال ۱۶: ۱۹ از کشیده شدن پولس و سیلاس نزد حکام سخن می‌راند، و در اعمال ۲۱: ۳۰ نیز می‌خوانیم که پولس را از هیکل بیرون کشیدند. این کلمه همچنین در یعقوب ۲: ۶ بکار رفته است، آنجا که می‌فرماید، دولتمندان فقرا را به محکمه می‌کشند. بنابراین روشن است که عیسی در اینجا در مورد نیرویی مقاوم‌ناپذیر سخن می‌گوید که خدای پدر به توسط آن انسانها را به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند (می‌کشد). البته وقتی خدا انسانها را جذب می‌کند، با آنها به عنوان افرادی مسؤلیت‌پذیر برخورد می‌کند. او به طرزى قدرتمند افکار، اراده، قلب و تمامی شخصیت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به‌گونه‌ای درست عمل کنند. خدای پدر مردم را با قدرت به سمت خود جذب می‌کند، و این امر در نهایت منجر به ایمان آوردن آنها می‌شود. برگزیدگی الهی خدا، مسؤلیت انسان را نادیده نمی‌گیرد. با وجود این، هم در آغاز و هم در طی روند دریافت نجات، خدا است که ابتکار عمل را در دست دارد و قدم نخست را برمی‌دارد. خدا به طرزى نیرومند و واقعی، مردم را جذب می‌کند. او است که ابتکار عمل را در دست دارد.

در یوحنا ۶: ۴۵، عیسی می‌فرماید: "همه از خدا تعلیم خواهند یافت. پس هر که از پدر شنید و تعلیم یافت نزد من می‌آید." در روند نجات یافتن انسان، اینطور نیست که تعلیم خدا و گوش فرا دادن به این تعلیم توسط انسان از لحاظ اهمیت در یک سطح باشند. تعلیم کتاب‌مقدس این است که همیشه خدا است که قدم اول را برمی‌دارد و ابتکار عمل را در دست دارد و بر همه چیز از ابتدا تا انتها مسلط است. قبل از اینکه مردم به سوی عیسی بروند، خدای پدر باید آنها را جذب کند. قبل از اینکه مردم بتوانند بشنوند و یاد بگیرند، خدای پدر باید تعلیم دهد. برگزیدگی خدا در جذب برخی افراد، مستلزم این است که آنها مسؤلیت خود را در شنیدن و یادگیری از او جدی بگیرند. اما تا خدای پدر مردم را جذب نکند، کسی قادر نخواهد بود به سوی عیسی رود. و اگر خدای پدر تعلیم ندهد، هیچ کس نمی‌تواند بشنود و در نتیجه شنیدن یاد بگیرد. و اما خبر خوش این است که کسانی را که خدا جذب کند، قطعاً به سمت عیسی رفته، خواهند شنید و یاد خواهند گرفت و قطعاً نجات خواهند یافت. فیض خدا همواره غالب می‌شود و خدا همواره کاری را که منظور نظرش بوده است، انجام می‌دهد. هیچ کس نمی‌تواند در برابر فیض خدا مقاومت کند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سوالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۶: ۱-۷۱ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سوالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سوالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سوالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سوالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۶: ۲۶-۲۹). منظور عیسی از این گفته که "ما نباید برای خوراک فانی کار کنیم" چیست؟

ملاحظات: در این گفته، معنایی عظیم نهفته است. درست همانطور که زن سامری سخن عیسی را در مورد آب حیات درک نکرد، یهودیان نیز نتوانستند سخن عیسی را در مورد خوراکی که تا حیات جاودان باقی است درک کنند. هم زن سامری و هم یهودیان سخنان عیسی را در مورد آب حیات و خوراک جاودان در معنای تحت‌اللفظی تفسیر کردند. خوراک فانی، همان خوراکی معمولی است که هیچگاه نمی‌تواند عطش قلب انسان را سیراب کند، بلکه فانی است و از بین می‌رود. ولی خوراک جاودان، خود عیسی مسیح است که خود را به عنوان کفاره در راه آمرزش گناهان ما می‌دهد. این خوراک، حیات جاودانی را برای ما فراهم می‌آورد. خدای پدر مهر تأیید خود را بر عیسی مسیح زده است (۶: ۲۷). خدای پدر از طریق تمام آن شهادت‌هایی که در یوحنا فصل ۵ ذکر شده است، بر این موضوع گواهی می‌دهد که عیسی، مسیح موعود و پسر خدا است.

خدا از ما می‌خواهد به عیسی مسیح ایمان بیاوریم. ایمان بدین معنا است که مردم نمی‌توانند از طریق انجام برخی "کارهای انسانی" نجات بیابند و حیات جاودانی را دریافت کنند، بلکه از طریق ایمان است که فرد ایماندار عطای رایگان نجات را دریافت می‌کند. نجات همواره عبارت است از عمل مقتدرانه فیض خدا در قلوب و افکار مردم. نجات هدیه‌ای است که بر اساس فیض خدا عطا می‌گردد و با ایمان دریافت می‌شود. بنابراین عیسی از یهودیان می‌خواهد که برای خوراک فانی کار نکنند، بلکه حیات جاودانی را از او دریافت کنند.

سؤال ۲) (یوحنا ۶: ۳۹-۴۰). کتاب مقدس در مورد پایداری و استقامت مسیحیان چه تعلیمی می‌دهد؟

ملاحظات:

الف) ایمانداران واقعی تا به آخر پایدار و وفادار می‌مانند. در یوحنا ۶: ۳۹-۴۰، عیسی می‌فرماید: اراده خدای پدر این است که عیسی هیچ کدام از افرادی را که خدای پدر به او عطا کرده است از دست ندهد، بلکه آنها را در روز بازپسین برخیزاند. عیسی همچنین می‌فرماید، اراده خدای پدر این است که مردمی که به خدای پسر نگاه می‌کنند و به او ایمان می‌آورند، حیات جاودان داشته باشند و بدنهای آنها در زمان بازگشت عیسی مسیح از میان مردگان برخیزانده شوند. این دو آیه این حقیقت را تعلیم می‌دهند که ایمانداران واقعی تا به آخر پایدار و وفادار خواهند ماند و استقامت خواهند کرد. منظور از "روز بازپسین"، روز بازگشت عیسی مسیح و زمان قیامت مردگان و داوری نهایی است.

ب) اطمینان از پایداری و استقامت، به معنای نفی مسؤلیت انسان نیست. موضوع پایداری و استقامت مسیحیان در آیه ۳۹ از نقطه‌نظر برگزیدگی الهی بررسی می‌شود و در آیه ۴۰، از نقطه‌نظر مسؤلیتی که متوجه خود انسان است. از دیدگاه خدا، تمام مسیحیان جمعاً به عیسی مسیح عطا شده‌اند و او قادر است آنها را تا به آخر حفظ کند. عیسی مسیح این کار را بخوبی انجام خواهد داد و در حفظ ایمانداران عاجز نخواهد ماند. و اما از نقطه‌نظر انسانی، هر فرد شخصاً مسؤول است که تا به آخر فقط و فقط به عیسی مسیح ایمان داشته باشد.

پ) در سراسر کتاب مقدس راجع به پایداری و استقامت ایمانداران تعلیم داده شده است. مطابق یوحنا ۱۰: ۲۸، عیسی به مسیحیان حیات جاودانی عطا می‌کند و آنها تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست وی نخواهد ربود. در رومیان ۸: ۲۸-۳۳ نیز می‌خوانیم که خدا تمام کسانی را که از ازل برگزیده است دعوت می‌کند، عادل می‌گرداند و سرانجام به جلال می‌رساند. رومیان ۱۱: ۲۹ نیز می‌گوید که خدا هیچگاه دعوت الهی و برکات خود را بازپس نمی‌گیرد. در فیلیپیان ۱: ۶ آمده که خدایی که عمل نیکو را در مسیحیان شروع کرد، آن را تا روز بازگشت عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید.

در روم تیموتاؤس ۲: ۱۹ نیز می‌خوانیم که بنیاد مستحکمی که خدا پی افکنده است تا به ابد پا بر جا است و با این عبارت مهر شده است که "خدایان کسان خود را می‌شناسد". در اول پطرس ۱: ۴-۵ آمده که خدا به ما میراثی عطا کرده است که هیچگاه فاسد نمی‌شود، از بین نمی‌رود و پژمرده نمی‌گردد. این میراث در آسمان برای ما نگاه داشته شده است. در این قسمت همچنین آمده که ما به قوت خدا محفوظ هستیم به ایمان، به جهت نجاتی که برایمان مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود. بنابراین وعده کتاب مقدس این است که نقشه خدا قابل تغییر نیست. در دعوت او بازگشتی نیست. میراث ما که از طرف خداست، فاسد نمی‌شود. بنیاد خدا متزلزل نمی‌گردد، مهر خدا شکسته نمی‌شود، و حیات ما در خدا از بین نمی‌رود. اصطلاح حیات جاودان آشکارا به پایداری و استقامت مسیحیان اشاره دارد.

سؤال ۳) (یوحنا ۶: ۵۰-۵۸). منظور از "خوردن جسد عیسی" و "نوشیدن خون عیسی" چیست؟

ملاحظات: در یوحنا ۶: ۵۱، ۵۴ عیسی بار دیگر از عبارتی استفاده می‌کند که مفهومی نهانی در آن نهفته است. او می‌فرماید: "من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند. و نانی که من عطا می‌کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می‌بخشم... هر که جسد مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاودانی دارد و من او را در روز آخر خواهم برخیزانم."

(الف) این عبارات را نمی‌توان به طور تحت‌اللفظی تفسیر کرد. بسیاری از مردم این عبارات را کمابیش به طور تحت‌اللفظی تعبیر کرده‌اند و در نتیجه مفهوم سخنان عیسی را درک نکرده‌اند. یهودیان قطعاً سخنان عیسی را به طور تحت‌اللفظی تفسیر کرده بودند، و فکر می‌کردند منظور عیسی این است که مردم باید برآستی بدن جسمانی او را بخورند. از نظر یهودیان، نوشیدن خون امری کربیه و زنده بود. در شریعت یهود آمده بود که خدا روی خود را از کسی که خون خورده باشد، برمی‌گرداند (لاویان ۱۷: ۱۰). بنابراین منظور عیسی مسیح قطعاً آدمخواری نبود.

(ب) بدن و خون، سمبل بدن و جان عیسی هستند. اگر یهودیان کتاب مقدس را مطالعه کرده بودند، می‌توانستند سمبلیایی را که عیسی بکار می‌برد درک کنند. کلام خدا در لاویان ۱۷: ۱۰ می‌فرماید: "زیرا که جان جسد در خون است، و من آنرا بر مذبح به شما داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره شود، زیرا که خون است که جان را کفاره می‌دهد." خون منشاء حیات و مظهر جان دانسته می‌شد. خون جدای از جان، به خودی خود هیچ ارزشی ندارد. در عبرانیان ۹: ۲۲ نوشته شده است، "بدون ریختن خون آمرزش نیست". درست همانطور که در عهد عتیق باید برای کفاره گناهان شخص خون یک بره ریخته می‌شد، عیسی مسیح نیز باید خون خود را می‌ریخت تا از این طریق گناه تمام مردم جهان را کفاره دهد. با ریخته شدن خون عیسی که در واقع ریخته شدن جان یا حیات او است، تاوان گناهان ما را پرداخته شد و خشم خدا که بخاطر گناهان ما بود، فرونشست. این کار عیسی، مهمترین واقعه در تاریخ بشر است.

(پ) خوردن و نوشیدن سمبل دریافت نمودن و جذب کردن می‌باشند. درست همانطور که خوراک و نوشیدنی داده و پذیرفته می‌شوند، به همین ترتیب قربانی مسیح نیز به ایمانداران داده می‌شود و از سوی آنان پذیرفته و دریافت می‌گردد. درست همانطور که بدن انسان خوراک و نوشیدنی را جذب می‌کند، جان او نیز قربانی مسیح را در خود جذب می‌کند. بدن و خون عیسی به طور سمبلیک نمایانگر کار کفاره‌ای است که عیسی بر صلیب انجام داد. خوردن و نوشیدن بدن و خون او به طور سمبلیک نمایانگر آن است که فرد ایماندار عیسی را به عنوان تنها کفاره گناهان خود می‌پذیرد. منظور عیسی هیچگاه این نبود که سخنانش بطور تحت‌اللفظی تعبیر شود، بلکه آنچه او می‌گفت مفهوم سمبلیک داشت. منظور عیسی این بود که "هر کس مرا به عنوان تنها کفاره گناهان در زندگی خود بپذیرد، حیات جاودانی دارد یا به عبارت دیگر، نجات را دریافت کرده است". مطابق یوحنا ۶: ۶۶-۶۹، پیروی کردن از عیسی در مقام شاگرد بدین معنا است که به او به عنوان منجی و خداوند خود ایمان بیاوریم و به طور کامل با او یک شویم. بنابراین، خوردن بدن و نوشیدن خون عیسی یعنی ایمان آوردن به عیسی مسیح و یکی شدن با او. زندگی روحانی فرد ایماندار توسط قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب، تغذیه و احیا می‌شود.

(ت) این تعلیم با توجه به خود متن دارای مفهومی روحانی است، نه تحت‌اللفظی. با توجه به آنچه در خود یوحنا ۶: ۳۵ آمده است، روشن است که مقصود عیسی از نزد او رفتن، ایمان آوردن به او است. با مقایسه آیه ۵۴ با آیه ۴۰ می‌بینیم که هدف عیسی این بود که سخنانش در مفهوم سمبلیک تعبیر شود. آیه ۵۴ در این رابطه از زبان سمبلیک استفاده می‌کند و آیه ۴۰ از زبان عامیانه، اما معنا در هر دو آیه یکی است. خوردن بدن و نوشیدن خون عیسی در آیه ۵۴ و نگرستن به عیسی و ایمان آوردن به او در آیه ۴۰، هر دو به معنای برخورداری از حیات جاودان و قیامت از مردگان در روز آخر می‌باشند. نتیجه دریافت و پذیرفتن قربانی عیسی به عنوان تنها طریق نجات، بر طبق آیه ۵۴ حیات جاودانی، و بر طبق آیه ۵۶، ماندن در او و ماندن او در ما است. تمام این موارد مفاهیمی روحانی هستند و این حقیقت را ثابت می‌کنند که این قسمت از کتاب مقدس را نباید بطور تحت‌اللفظی تعبیر کرد، بلکه بیانگر مفاهیمی روحانی است.

و سرانجام در آیه ۶۳، عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که سخنان او راجع به اموری روحانی است، نه مسائل روزمره دنیوی (یا مفاهیم تحت‌اللفظی). او در این آیه می‌فرماید: "روح است که زنده می‌کند و اما از جسد فایده‌ای نیست. کلامی که من به شما می‌گویم روح و حیات است." عیسی می‌فرماید که جسد او که در مفهوم لغوی همان بدن جسمانی او است، فایده‌ای به آنها نمی‌رساند. منظور عیسی این نبود که شاگردان واقعاً باید بدن او را بخورند و از خون او بنوشند. این روح اوست که در نتیجه پاره شدن بدن و ریخته شدن خورش بر صلیب، به فرد ایماندار حیات جاودانی عطا می‌کند. کلمات و عبارات عیسی مفهوم تحت‌اللفظی ندارد، بلکه حاوی مفاهیم روحانی است و به کسانی که او را بپذیرند، حیات روحانی عطا می‌کنند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۶: ۱- ۷۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۶

- ۶: ۵- ۹ * وقتی عیسی چیزی به شما می‌گوید، دلیل و منطق نیاورید و محاسبات ریاضی انجام ندهید. عیسی می‌خواهد ما سخنان او را با ایمان بپذیریم.
- ۶: ۱۵ * بهتر است از کسانی که می‌خواهند ما را به زور به انجام کاری وادار کنند یا اراده خودشان را بر ما تحمیل کنند، دوری کنیم.
- ۶: ۲۷ * وقت، توان و پول خود را صرف امور موقتی و فانی نسازید، بلکه خودتان و تمام اموال‌تان را وقف امور جاودانی کنید. تنها عیسی قادر است به شما برکات جاودانی عطا کند
- ۶: ۲۸- ۲۹ * آنچه خدا را خشنود می‌کند، انجام "اعمال انسانی" نیست، بلکه خدا از ما می‌خواهد به کلام او، به اعمال او، و به پسر او عیسی مسیح ایمان داشته باشیم.
- ۶: ۳۵ * اگر به عیسی مسیح ایمان بیاورید، هیچگاه از لحاظ روحانی گرسنه و تشنه نخواهید شد. همواره به عیسی مسیح ایمان داشته باشید تا بتوانید دائماً از حیات ابدی برخوردار باشید و از نظر روحانی اغنا شوید.
- ۶: ۳۷ * به عیسی مسیح ایمان بیاورید، زیرا او هرگز شما را از خود نخواهد راند.
- ۶: ۳۸ * خدا شما را بر روی این زمین قرار داده است تا اراده او را بجا آورید، نه خواست و اراده خودتان را.
- ۶: ۳۹ * ایمان داشته باشید که عیسی مسیح هیچوقت شما را رها نخواهد کرد. (یوحنا ۱۷: ۱۲)
- ۶: ۴۰ * ایمان داشته باشید که عیسی مسیح بهنگام بازگشت خود در روز قیامت، بدنهای شما را برخواهد خیزاند.
- ۶: ۴۴، ۴۵ * سعی نکنید این حقیقت را که خدای پدر مردم را به سمت عیسی مسیح جذب می‌کند زیر سؤال ببرید، بلکه این حقیقت را به خوبی درک نموده، با ایمان و شکرگزاری آن را بپذیرا شوید.
- ۶: ۴۵ * به خدای پدر گوش کنید و از او تعلیم بگیرید، زیرا خدا بدینوسیله شما را به سمت عیسی مسیح خواهد کشید.
- ۶: ۴۰، ۵۴ * مطالب کتاب مقدس را به طور تحت‌اللفظی تفسیر نکنید، بلکه سعی کنید کلام خدا را آنگونه که خدا از شما می‌خواهد درک کنید. حتی اصطلاحات سمبلیک و مجازی کتاب مقدس نیز به حقایق واقعی و لغوی اشاره دارند که دارای مفهومی بس عظیم‌تر از مفهوم لغوی آنها است. به عنوان مثال اصطلاح سمبلیک یا مجازی "بره خدا" (یوحنا ۱: ۲۹) به مفهومی بس عظیم‌تر از یک بره معمولی (در مفهوم لغوی) اشاره دارد و منظور در واقع خود عیسی مسیح است.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من نمی‌خواهم ظواهر و آنچه پیرامون من است باعث شود نگاه من به عیسی مسیح نباشد، بلکه می‌خواهم یاد بگیرم که ایمان خود را بکار ببندم. می‌خواهم در مواجهه با مشکلات به جای آنکه به محاسبات و عقل و منطق خودم تکیه کنم، ایمان خود را به عظمت، قدرت و جلال عیسی مسیح بکار ببندم. همانطور که عیسی مسیح آب را به شراب تبدیل کرد و نان را برکت داد، امروز نیز قادر است نیازهای مرا برآورده سازد.

ب) من می‌خواهم ایمان داشته باشم که خدا کاملاً بر تمامی جنبه‌های زندگی من حاکم است. او بر حسب حاکمیت و قدرت مطلق خود، مرا به سمت عیسی مسیح جذب کرده و مرا به او بخشیده است. او به طرز قدرتمند مرا تعلیم و نجات داده است، و زندگی مرا در کنترل خود دارد. همیشه قدم اول را او برمی‌دارد، و از من نیز می‌خواهد که به او پاسخ مثبت دهم. من می‌خواهم حس مسؤلیت داشته باشم و همواره نسبت به او و کاری که برای من انجام داده است، واکنش نشان دهم. من در این حقیقت شادی می‌کنم که فیض خدا مقاومت‌ناپذیر است و همواره غالب می‌شود.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۶: ۱- ۷۱ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
---------------	---

دعای شفاعت

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
----------------------	---

برای درس بعدی

(سرگروه): رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه بخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ۶ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از افسسیان فصل ۶ و فیلیپیان ۱-۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (اولویتهای درست: متی ۶: ۳۳) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۷

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) افسسیان و فیلیپیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (افسسیان فصل ۶ و فیلیپیان ۱-۲) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج
---	--

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: اولویتهای درست: متی ۶: ۳۳

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) انتصاب رهبران کلیسا
---	---

مقدمه: در رابطه با خصوصیات يك رهبر مسیحی، به دستور عمل شاگردسازی - کتاب چهارم، درس ۴۷ مراجعه کنید. این درس در مورد انتصاب رهبران یا پیران کلیسا می‌باشد. ابتدا خصوصیات و وظایف پیران را به طور خلاصه بیان خواهیم کرد، و سپس خواهیم دید که کتاب مقدس در مورد نحوه انتخاب پیران و منصب آنها در کلیسا، چه تعلیمی می‌دهد.

الف - خصوصیات پیران کلیسا بر اساس کتاب مقدس

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱-۷، تیتوس ۱: ۶-۹.

۱- رفتار شخصی.

پیران و رهبران کلیسا باید در رفتار و خواسته‌های خویش، معتدل و خویشتندار باشند. همچنین باید در مسائل مالی صادق باشند و هدف زندگی‌شان کسب اموال زمینی نباشد.

۲- زندگی خانوادگی.

رهبر کلیسا باید در برخورد با زنان، نمونه خوبی از وفاداری به همسرش باشد. اگر ازدواج نکرده است، باید عفت و پاک‌ی را در برخورد با زنان رعایت کند و در این زمینه نمونه نباشد. در ارتباط با فرزندان نیز باید آنها را کمک کند تا به مسیح اعتماد کرده، از او اطاعت کنند و به والدینشان احترام بگذارند.

۳- قابلیت خدمت.

از لحاظ رشد و بلوغ روحانی، نباید نوایمان یا کسی باشد که هنوز به بلوغ روحانی نرسیده است. همچنین باید تعالیم کتاب مقدس را خوبی بداند و از این تعالیم در موعظه کلام، تعلیم و هدایت مردم استفاده کند.

ب - مسئولیت‌های پیران کلیسا بر اساس کتاب مقدس

۱- اولین کار پیران کلیسا این است که گله خدا را شبنانی کنند

بخوانید: اعمال ۲۰: ۲۸-۳۱؛ مزمور ۲۳؛ یعقوب ۵: ۱۴-۱۵؛ اول پطرس ۲: ۲۵؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۶؛ یعقوب ۱: ۲۷.
ملاحظات: وظیفه پیران کلیسا به عنوان شبنانان، شبنانی مردم در کلیساهای محلی است.

رهبران و پیران کلیسا در مقام شبانان، وظیفه دارند بر کلیسای محلی نظارت کنند، درست همانگونه که عیسی مسیح در مقام شبان نیکو بر کلیسای جهانی نظارت می‌کند. پیران کلیسا اعضای کلیسای محلی را از لحاظ روحانی تغذیه، محافظت و هدایت می‌کنند. آنها همچنین وظیفه دارند به نیازهای آندسته از اعضا که در احتیاج خاصی هستند، نظیر افراد یتیم، بیوه و یا نوایمانان رسیدگی کنند و آنها را محبت نمایند. پیران کلیسا باید افراد بیمار را ملاقات کرده، برای‌شان دعا کنند. باید نسبت به تعالیم غلط هوشیار باشند و از رخنه‌های کسانی که می‌خواهند گوسفندان گله آنان را گمراه کنند، جلوگیری نمایند. هر يك از پیران کلیسا باید همانطور که بر اعضای کلیسای محلی خود نظارت می‌کند، بر دیگر پیران کلیسا نیز نظارت داشته باشد. بدین ترتیب هم پیران کلیسا و هم اعضای کلیسا در قبال یکدیگر مسئول و پاسخگو خواهند بود.

۲- دومین کار پیران کلیسا، مدیریت و نظارت بر کلیسای خدا است.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲، اول تیموتاؤس ۳: ۵، ۵: ۱۷؛ تیطس ۱: ۷.
ملاحظات: وظیفه پیران کلیسا به عنوان ناظران کلیسا، اداره و هدایت فعالیتها و نظارت بر اموال کلیسای محلی می‌باشد. بر اساس رسالت تسالونیکیان و تیموتاؤس، وظیفه پیر کلیسا عبارت است از هدایت، رهبری و مدیریت کلیسا. منظور این است که پیران کلیسا از طریق رهبری کردن گله خدا و یا با نمونه بودن برای مردم (در یونانی: pro-histemi)، آنها را رهبری می‌کنند. در رساله تیطس می‌خوانیم که وظیفه پیران کلیسا، نظارت، مدیریت و اداره خانه خدا است (در یونانی: oikonomos).

الف) پیران کلیسا در جلسات کلیسایی حضور دارند و عملکردهای مختلف کلیسا را اداره می‌کنند.
آنان هم جلسات عادی را رهبری می‌کنند، هم جلسات ویژه را.
۱) منظور از جلسات عادی، جلسات پرستشی یکشنبه، گروههای کوچک بررسی کتابمقدس، گروههای دعا و مشارکت است (اعمال ۲: ۴۲).
۲) جلسات ویژه عبارتند از جلسات تعمید، مراسم شام خداوند، جشنها و مراسم خاصی چون عید قیام، ازدواج، خاکسپاری و همچنین ملاقاتها و جلسات مخصوصی که به‌هدف نبرد روحانی با نیروهای ظلمت برگزار می‌شود.

ب) پیران کلیسا عملکردهای کلیسای محلی در کل دنیا را اداره می‌کنند.
آنان مشوق و مروج فعالیتهای زیر هستند:
۱) اعضای کلیسا را تشویق می‌کنند که در بین خانواده‌ها و همسایگان خود دست به فعالیتهای بشارتی بزنند و در فرهنگ خود و در اماکنی چون مدارس، سازمانهای دولتی و دیگر جوامع، شاهد خوبی برای مسیح باشند (متی ۵: ۱۳-۱۶؛ ۱۰: ۳۲-۳۷؛ اعمال ۵: ۴۲). نیز اعضای کلیسا را تشویق می‌کنند که پیوسته برای تمام مردم جهان دعا کنند (اول تیموتاؤس ۲: ۱-۲).
۲) آنان از فعالیتهای رسالت بین‌المللی کلیسا در مناطق مختلف دنیا حمایت می‌کنند؛ همچنین به سازمانهای مسیحی که اهداف مشخصی دارند و به کلیساهای نیازمند در هر جا که باشند، کمک می‌کنند (رومیان ۱۶: ۲۳-۲۴؛ فیلیپیان ۱: ۵؛ ۴: ۱۵-۱۶؛ سوم یوحنا ۵-۸؛ دوم قرنتیان فصل ۸).

پ) پیران کلیسا بر ارائه برنامه‌های تعلیمی در کلیسای محلی نظارت دارند.
آنان فعالیتهای ذیل را اداره می‌کنند (افسیان ۴: ۱۱-۱۶؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵):
۱) در کلیسای خود برنامه‌هایی جهت شاگردسازی ترتیب می‌دهند. تمام اعضای کلیسا باید از لحاظ روحانی رشد کنند. پیران کلیسا اعضا را تشویق می‌کنند به اینکه اساس روابط خود را بر محبت و انجام اعمال نیک بنا نهند.
۲) آنان برنامه‌هایی ترتیب می‌دهند تا تمام اعضای کلیسا برای انجام خدمات مختلف سازماندهی شوند.

ت) پیران کلیسا بر عملکردهای شخصی اعضای کلیسا بعنوان افرادی مسیحی، نظارت می‌کنند.
۱) آنان با صبر فراوان به اعضای کلیسا تعلیم می‌دهند و آنان را اصلاح، توبیخ و تشویق می‌کنند (دوم تیموتاؤس ۴: ۱-۵؛ تیطس ۲: ۱۵).
۲) به اعضایی که در مشکل و زحمت هستند، مشورت می‌دهند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۵).
۳) اعضایی را که مرتکب گناهان جدی می‌شوند، تأدیب می‌کنند (متی ۱۸: ۱۵-۱۷).

ث) پیران کلیسا بر وظائف و عملکردهای شخصی اعضای کلیسا نظارت می‌کنند.
آنان بر فعالیتهای زیر نظارت دارند:
۱) اعضای کلیسای محلی را تشویق می‌کنند که بر حسب عطایای روحانی و وظیفه‌ای که مسیح به هر يك از آنها محول کرده است، خدمات مختلفی را انجام دهند.
۲) به اعضای کلیسای خود کمک می‌کنند که به عطایای روحانی خود پی ببرند، و به آنها فرصت می‌دهند که این عطایا را بکار بگیرند. وظیفه پیران کلیسا در قبال عطایای روحانی که افراد دارند عبارت است از شعله‌ور نمودن این عطایا، تمیز دادن و آزمودن عطایا، و نظارت بر نحوه بکارگیری عطایا بر طبق تعالیم کتابمقدس (اول تیموتاؤس ۴: ۱۴؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۹-۲۱؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۰؛ اول یوحنا ۴: ۱؛ اول قرنتیان ۱۴: ۲۶-۴۰).

۳- سومین کار پیران کلیسا این است که معلمین کلام خدا باشند.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷ و تیطس ۱: ۹.
ملاحظات: پیران کلیسا در مقام معلمین مردم وظیفه دارند کتابمقدس را موعظه کنند، مردم را تعلیم دهند و آنان را نصیحت و اصلاح نمایند.

پیران کلیسا روی هم رفته در دوران عهد جدید بطور تمام وقت شبان، واعظ و معلم نبودند. بااینحال باید قادر به تعلیم می‌بودند (اول تیموتاؤس ۳: ۲) و تعلیم صحیح را می‌دانستند (تیطس ۱: ۹).

برخی از پیران کلیسای دوران عهد جدید در وهله نخست واعظ و معلم کلام بودند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷)، ولی کتابمقدس نمی‌گوید که خدمت‌شان به طور تمام وقت بود. در کتابمقدس نیامده است که تنها پیرانی می‌توانند کلام خدا را تعلیم و وعظ کنند که رسماً در دانشگاه الهیات یا مدرسه کتابمقدس تعلیم دیده‌اند.

اگرچه برخی از افراد نظیر تیموتاؤس و تیطس را می‌توان شبان تمام وقت قلمداد کرد، وظایف آنها صرفاً به شبانی يك کلیسای محلی محدود نمی‌شد. آنها با پولس رسول به سفرهای زیادی می‌رفتند و بیشتر به عنوان مبلغ خدمت می‌کردند تا شبان. تیموتاؤس و تیطس هیچکدام در دانشگاه الهیات یا مدرسه کتابمقدس تعلیم ندیده بودند، ولی در طول انجام خدمات خود تعلیمی را از پولس دریافت کرده بودند، درست همانطور که رسولان نیز از خود عیسی مسیح تعلیم گرفته بودند.

الف) وظایف شورای پیران کلیسا در خصوص کتابمقدس.

(۱) وظیفه دارند کلام خدا را هم به مسیحیان و هم به غیر مسیحیان موعظه کنند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۷).
(۲) با استفاده از کتابمقدس در مورد عیسی مسیح با غیر مسیحیان و مسیحیان صحبت می‌کنند.
(۳) در مورد اراده خدا آنگونه که در کتابمقدس مکتوف شده است به اعضای کلیسای محلی تعلیم می‌دهند (اعمال ۲۰: ۲۰، ۲۷).

(۴) به اعضای کلیسا تعلیم می‌دهند که از احکام عیسی اطاعت کنند (متی ۲۸: ۲۰).
(۵) با استناد به حکمت کلام مسیح، کلام خدا را به اعضای کلیسا وعظ می‌کنند تا پیغام آن در افکار و قلوب آنها حک شود. همچنین افراد کم جرأت را تشویق می‌کنند، کاهلان را هشدار می‌دهند و مخالفین را به‌زمر می‌ارشاد می‌نمایند (کولسیان ۳: ۱۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۵؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲۳-۲۶).

(۶) در خصوص مسائل آموزه‌ای بحث و تصمیم‌گیری می‌کنند (اعمال فصل ۱۵؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۳)، تعالیم اشتباه را مردود می‌شمرند، و غیره.

ب) پیران کلیسا که از لحاظ سنی جوان هستند از اقتدار برخوردارند.

اگرچه مردان جوان باید تسلیم و مطیع مردان مسن تر و باتجربه‌تر کلیسا باشند (اول پطرس ۵: ۵)، پیران کلیسا که جوانترند این اقتدار و وظیفه را دارند که در صورت لزوم به پیران کلیسا که از خودشان مسن ترند تعلیم دهند و آنها را اصلاح و حتی توبیخ نمایند (اول تیموتاؤس ۱: ۳-۵؛ ۴: ۱۱-۱۳؛ دوم تیموتاؤس ۲: ۲۲-۲۶). با وجود این تمام پیران کلیسا باید با احترام با یکدیگر رفتار کنند (اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱-۲؛ تیطس ۱: ۷).

۴- چهارمین کار پیران کلیسا این است که خدمتگزار خدا و مردم باشند.

بخوانید: متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ اول پطرس ۵: ۲-۳.

ملاحظات: پیران کلیسا به عنوان خادمان، وظیفه دارند خدا و مردم را داوطلبانه و با میل و اشتیاق قلبی خدمت کنند.

آنان به عنوان خادم، اعمالی را در جهت منفعت دیگران انجام می‌دهند.
خدمت کردن تنها يك وظیفه نیست، بلکه یکی از خصوصیات پیر کلیسا است و بیانگر شیوه رهبری است که خدا از پیران کلیسا انتظار دارد. شیوه رهبری رهبران کلیسا باید با شیوه رهبری رهبران دنیا فرق داشته باشد. پیران کلیسا باید داوطلبانه و با اشتیاق و میل قلبی خدمت کنند. هم عیسی مسیح و هم پولس رهبران کلیسا را از "خداوندی" بر مردمی که به آنها سپرده شده‌اند، بر حذر می‌دارند. رهبران کلیسا باید برای ایمانداران نمونه باشند. پیران کلیسا باید به جای آنکه مردم از طریق حکم راندن بر آنان هدایت کنند، مانند يك رهبر پیشاپیش آنها حرکت کنند. و به جای اینکه انتظار داشته باشند مردم آنها را خدمت کنند، خود باید خدمتگزار آنها باشند (مرقس ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۲۲: ۲۵-۲۷).

پ - انتصاب پیران کلیسا

مقدمه: هر کلیسایی باید پیران کلیسای خود را مطابق اصول کتاب مقدس انتخاب و انتصاب نماید.

۱ - مینای انتخاب پیران کلیسا

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۴-۱۵؛ ۳: ۱-۷.
کشف و گفتگو کنید: پیران کلیسا بر چه پایه و اساسی باید انتخاب شوند؟
ملاحظات: پیران کلیسا باید بر اساس کتاب مقدس و عملکرد و رفتار کاندیدهای این منصب، انتخاب شوند.
الف) کتاب مقدس: نحوه انتخاب پیران کلیسا باید بر اساس خصوصیات و توانایی‌هایی باشد که در کتاب مقدس در این زمینه برای انجام مسئولیتهای کتاب مقدسی آمده است.
ب) اثبات قابلیت خود در این زمینه: کسانی که توانایی خود را در امر رهبری از طریق روش زندگی و خدمت خود ثابت کرده‌اند، بهترین کاندید برای این منصب می‌باشند (لوقا ۱۶: ۱۰). هیچ کس نمی‌تواند خود را به‌عنوان پیر کلیسا منصوب کند. ممکن است برادری در کلیسا مایل باشد به طور داوطلبانه به عنوان پیر کلیسا خدمت کند، ولی باید خصوصیات یک پیر را داشته باشد و کلیسای محلی نیز باید حاضر باشد او را برای این خدمت تایید کند (اول تیموتاؤس ۳: ۱).

۲ - انتخاب پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۴؛ تیطس ۱: ۵.
کشف و گفتگو کنید: در عهد جدید پیران کلیسا چگونه انتخاب و منصوب می‌شدند؟
ملاحظات:
الف) در کلیساهای جدید:
مبشرینی که کلیساها را تأسیس کرده بودند، اولین پیران کلیسا را برای این خدمت منصوب نمودند.

ب) در کلیساهای تأسیس شده:
۱) پیران کلیسا که قبلاً در این کلیساها خدمت می‌کردند به اتفاق اعضای کلیسا، پیران جدید کلیسا را به این خدمت منصوب می‌نمودند. با توجه به اینکه اعضای کلیسا در انتخاب رسولان (اعمال ۱: ۱۵-۲۶) و خادمین (اعمال ۶: ۱-۷) نقش داشته‌اند، به احتمال زیاد در انتخاب پیران کلیسا نیز سهم بوده‌اند. با اینحال پیرانی که در آن زمان در کلیسا بودند، با بیان خصوصیات و شرایطی که داوطلب مقام پیر کلیسا می‌بایست بر اساس کتاب مقدس واجد آن می‌بود، اعضای کلیسا را در انتخابی صحیح راهنمایی می‌کردند (اعمال ۶: ۲-۴).
۲) در عهد جدید، رسولان، همکاران آنها و اعضای کلیساهای محلی، افرادی را که روح القدس آنان را به خدمت نظارت بر گله خدا گماشته بود (اعمال ۲۰: ۲۸) و در زندگی و خدمت خود این دعوت را ثابت کرده بودند (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۸؛ لوقا ۱۶: ۱۰-۱۲) مشخص می‌کردند.
۳) پیران کلیسا نه صرفاً به رأی مردم، بلکه بر اساس آنچه کتاب مقدس در مورد خصوصیات و مقتضیات پیر کلیسا تعلیم می‌داد و نیز با توافق اعضای کلیسای محلی، انتخاب می‌شدند. وقتی اعمال ۱۴: ۲۳ می‌فرماید پیران کلیسا را منصوب کردند، از لحاظ لغوی منظور این است که با بلند کردن دست به نشانه تأیید، به پیران کلیسا رأی دادند. یعنی درست شبیه کاری که در جوامع حقوقی آتن آن روزگار انجام می‌شد. ولی این عبارت را در این آیه نباید در مفهوم لغوی تعبیر کرد، زیرا منصوب کردن در اعمال ۱۰: ۴۱ تنها می‌تواند به مفهوم برگزیدن باشد. واژه منصوب کردن یا گماشتن در تیطس ۱: ۵، به معنای انتصاب پیر کلیسا و برخورداری او از قدرت و اقتدار است. کلمه گماشتن به دستگذاری شخص به یک مقام رسمی اشاره نمی‌کند، بلکه به مقام و اقتداری اشاره می‌کند که شخص در نتیجه گماشته شدن از آن برخوردار می‌گردد، و بر کلیساهای محلی در هر شهری است که این قدرت و اقتدار را برسمیت بشناسند.

۳ - انتصاب پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۳؛ اول تیموتاؤس ۵: ۲۲.
کشف و گفتگو کنید: در عهد جدید پیران کلیسا چگونه منصوب می‌شدند؟
ملاحظات: پیران کلیسا از طریق دعا و گذاردن دستها، به خدا سپرده می‌شدند. گذاشتن دست نمایانگر انتقال قدرت و عطای روحانی به شخص بود تا از این طریق بتواند وظایف محوله را به انجام رساند (اعمال ۶: ۶؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱۴؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۶). کتاب مقدس جداً در مورد دستگذاری و انتصاب عجولانه پیران کلیسا هشدار می‌دهد.

پیران کلیسا (یا شبان یا فردی مبشر) قبل از آنکه بر فردی که داوطلب احراز مقام پیر کلیسا است دست بگذارند و در حضور همگان برایش دعای برکت بکنند، باید این سؤالات را از او بپرسند:

- ۱) آیا ایمان داری که عیسی مسیح تو را به مقام پیر کلیسا منصوب کرده است؟
 ۲) آیا ایمان داری که کتاب مقدس کلام خدا و معیار کامل زندگی و تعلیم مسیحی است؟
 ۳) آیا قول می‌دهی وظیفه خود را با امانت و توکل به خدا انجام دهی؟
 ۴) آیا مایلی که خود را بطور کامل وقف تعلیم کلام خدا، هدایت کلیسا و در صورت لزوم تأدیب کلیسا نمایی؟
 تمام کسانی که قرار است به مقام پیر کلیسا منصوب شوند باید به این سؤالات پاسخ مثبت دهند.

۴- دوران تصدی مقام پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۶: ۳-۴؛ ۸: ۴-۵ و ۲۱: ۸.
کشف و گفتگو کنید: دوران خدمت پیران کلیسا چه مدت است؟
ملاحظات:

الف) کتاب مقدس.

کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که پطرس و یوحنا در تمام طول زندگی در کلیسای اورشلیم عهده‌دار مقام پیر کلیسا نبودند. کتاب مقدس در مورد اینکه پیران کلیسا تا چه مدت در این مقام خدمت می‌کردند چیزی نمی‌گوید. بنابراین هر کلیسای محلی باید با حکمت در مورد دوران خدمت پیران کلیسای خود تصمیم بگیرد.

ب) از لحاظ عملی.

برای آنکه از هر نوع سوءاستفاده احتمالی از این مقام اجتناب شود، بهتر است هر پیر برای مدت زمان محدودی در این مقام انجام وظیفه کند. بدین ترتیب کلیسا از رهبرانی که به اشتباه در این مقام قرار می‌گیرند مصون می‌ماند، و در عین حال پیران کلیسا نیز که به طور جدی در این مقام خدمت کرده‌اند موقعیتی جهت استراحت خواهند داشت و به دیگر ایماندارانی نیز که جهت رهبری کلیسا دارای توانایی‌هایی هستند فرصت داده می‌شود به عنوان پیر در کلیسا خدمت کنند. بسیاری از کلیساها دوره خدمت پیران کلیسا را به ۴ سال محدود می‌کنند. هر سال یک چهارم پیران کلیسا از مقام خود کنار می‌روند و افراد جدیدی به این مقام منصوب می‌شوند. بدین ترتیب شورای پیران کلیسا همواره تداوم خواهد داشت. البته اگر فردی از پیران کلیسا به طرزی بسیار مفید خدمت کرده باشد، ممکن است برای دوره‌های بعدی نیز انتخاب شود.

ت- سایر نکات مربوط به پیران کلیسا

۱- احترام ویژه و حمایت مالی از آنها

بخوانید: اول تیموتاوس ۵: ۱۷-۱۸؛ اول قرنتیان ۹: ۱۴؛ غلاطیان ۶: ۶؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با احترام به پیران کلیسا و حمایت مالی از آنها چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: پیران کلیسا که به نیکویی کلیسا را رهبری کرده‌اند، شایسته حرمتی دوجندان هستند. واژه "دوچندان" از یک سو به احترام به آنان اشاره دارد و از سوی دیگر به حمایت مالی از آنان.
 این قسمت از کتاب مقدس نمی‌گوید که پیران کلیسا که به طور تمام وقت خدمت می‌کنند و در دانشگاه‌های الهیات یا مدارس کتاب مقدس تحصیل کرده‌اند، که امروزه آنها را کشیشان مینامند، در مقایسه با پیران کلیسا که چنین تعلیمی ندیده‌اند در موقعیت برتری قرار دارند. مقایسه در این قسمت نه بین پیران تمام وقت و پیران نیمه وقت، بلکه بین پیران کلیسا است که وظایف‌شان را به خوبی انجام می‌دهند و آنهایی که وظایف خود را به خوبی انجام نمی‌دهند. تعلیم این قسمت این است که آن دسته از پیران کلیسا، اعم از تمام وقت و نیمه وقت، که وظایف خود را به نیکویی انجام می‌دهند، شایسته احترام هستند و باید از لحاظ مالی از آنان حمایت کرد.

۲- اقتدار پیران کلیسا

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷؛ اول پطرس ۵: ۱-۶.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد اقتدار پیران کلیسا چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات:

الف) منشأ و عامل اقتدار پیران کلیسا، خدا است.

تمام قدرتها از جانب خدا مقرر شده است. بنابراین کسی که علیه قدرتی طغیان می‌کند، در حقیقت بر ضد آنچه که خدا مقرر داشته است طغیان ورزیده، و شایسته مجازات است (رومیان ۱۳: ۱-۲). با اینحال تمام قدرتها دارای محدودیت هستند (اعمال ۴: ۱۹-۲۰؛ ۵: ۲۹). پیران کلیسا تنها در حوزه وظایفی که خدا در کتاب مقدس به آنها سپرده است اقتدار دارند. اعضای کلیسای محلی باید از پیران کلیسا در چهارچوب وظایف و عملکردهایی که طبق کلام خدا به آنان محول شده است، اطاعت کنند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

ب) اقتدار پیران کلیسا محدود است.

۱) اقتدار واقعی يك پیر کلیسا به روش زندگی، ایمان و خدمت او مطابق کلام خدا، بستگی دارد (عبرانیان ۱۷: ۷). اعضای کلیسای محلی این اختیار را دارند که از پیران کلیسا که از اقتدار خود به طرز شایسته استفاده نمی‌کنند، اطاعت نمایند (دوم یوحنا ۱: ۱۰-۱۱).

۲) پیران کلیسا اقتدار محدودی دارند، زیرا اقتدار مبنی بر نجات مردم (یوحنا ۳: ۱۷)، تغییر زندگی افراد (دوم قرنتیان ۳: ۱۸)، بکار بردن مردم (اعمال ۹: ۱۵)، و برکت دادن مردم (یوحنا ۱۵: ۵)، تنها از آن عیسی مسیح است. به همین ترتیب، اقتدار جهت هدایت نمودن مردم از طریق کلام (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵؛ افسسیان ۶: ۱۷) و روح القدس (یوحنا ۱۶: ۱۳)، بخشیدن عطایای روحانی (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱)، محول کردن وظایفی خاص به کلیساهای محلی و کلیسای جهانی (مرقس ۱۳: ۳۴؛ اول قرنتیان ۳: ۵-۶) و دعوت از مردم جهت انجام خدماتی خاص (غلاطیان ۲: ۸-۹)، همگی تنها متعلق به عیسی مسیح است، نه پیران کلیسا.

۳- پاسخگو بودن پیران کلیسا

بخوانید: اعمال ۱۴: ۲۷؛ ۲۰: ۲۸؛ اول تیموتاؤس ۵: ۱۹-۲۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷.
کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با پاسخگو بودن پیران کلیسا چه تعلیمی می‌دهد؟
ملاحظات: تمام کسانی که دارای مقام و منزلت خاصی هستند، در برابر کسی پاسخگو می‌باشند. پیران کلیسا در وهله اول به عیسی مسیح، در وهله دوم به دیگر پیران کلیسا و سرانجام به اعضای کلیسایی که مسئولیت پیر کلیسا را به آنان محول کرده‌اند، پاسخگو می‌باشند (اعمال ۱۴: ۲۷). پیران کلیسا که مرتکب گناه شوند باید تأدیب گردند (اول تیموتاؤس ۵: ۱۹-۲۰).

۴- اولویتهای پیران کلیسا

بخوانید: امثال ۲۳: ۴-۵؛ جامعه ۳: ۱؛ ۸: ۵-۶؛ یوحنا ۱۵: ۵؛ اول تیموتاؤس ۳: ۴-۵؛ تیطس ۱: ۶.
کشف و گفتگو کنید: در چه شرایطی ممکن است اولویتهای پیر کلیسا اشتباه باشند؟
ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که برای هر کار زمانی است. پیران کلیسا علاوه بر وظایف کلیسایی مسؤلیتهای دیگری نیز بر عهده دارند. آنها وظیفه دارند که شخصاً با مسیح مشارکت داشته باشند و از او تعلیم بگیرند. آنها مسئولند که خرج خود را تأمین کنند، ولی این امر نباید باعث شود تمام فکر و ذکر آنها معطوف پول درآوردن باشد. نیز آنها مسئولند خانواده خود را به خوبی اداره کنند. وظایف پیران کلیسا نباید چنان وقت و توان آنها را بگیرد که از مسؤلیتهای مهمتری که خدا به آنان محول کرده است غافل بمانند. پیران کلیسا همچنین باید بر زندگی دیگران نظارت کنند (اعمال ۲۰: ۲۸)، و اگر یک پیر کلیسا عملکرد درستی ندارد باید یا خود از این مقام کناره بگیرد و یا از این منصب برکنار شود.

خلاصه: پیران کلیسا انتخاب شده‌اند تا تمام عملکردهای يك کلیسای محلی را اداره کنند. شورای پیران کلیسا متشکل است از پیران کلیسا عادی و احتمالاً يك یا چند پیر تمام وقت که امروزه معمولاً شبان یا خادم یا کشیش نامیده می‌شوند. کتاب مقدس شرایط و وظایف پیران کلیسا را معین کرده است. پیران کلیسا وظیفه شبنانی مسیحیان، اداره فعالیتهای مسیحی و تعلیم کلام خدا را بر عهده دارند. بهتر است هر پیر کلیسا برای مدت محدودی در این مقام باشد، و پس از آن جهت انتخاب پیران جدید کلیسا مجدداً رأی گیری بعمل آید.

ث- انتصاب خادمین

عهد جدید در رابطه با انتخاب خادمین به برخی از محدودیتهای اشاره می‌کند.

۱- در انتصاب خادمین محدودیتهای وجود دارد.

الف) تعلیم کتاب مقدس.
کتاب مقدس گرچه تعلیم می‌دهد که کلیسای محلی باید پیران کلیسا را انتصاب کند، در مورد انتصاب خادمین از سوی کلیسای محلی تعلیم خاصی ارائه نمی‌دهد.

ب) تاریخ کتاب مقدس.
به جز کلیسای اورشلیم، در کتاب مقدس می‌خوانیم که تنها دو کلیسای دیگر، یعنی کلیساهای فیلیپی و افسس، دارای خادمین بودند.

۲- خادمین از نظر رهبری کلیسا دارای محدودیتهای هستند.

الف) خادمین نمی‌توانند جای پیران کلیسا را بگیرند.
وظایف خادمین با وظایف پیران کلیسا فرق دارد. يك خادم هیچگاه این اختیار را ندارد که بر تمام کلیسای محلی رهبری کند. شورای خادمین هیچگاه نمی‌تواند بجای شورای پیران کلیسا (در یونانی: presbyterion، اول تیموتاؤس ۴: ۱۴) کلیسای محلی را رهبری کند. وظیفه خادمین هدایت امور کلیسای محلی نیست، بلکه وظیفه آنها صرفاً خدمت کردن است.

ب) ممکن است پیران کلیسا رهبری برخی از خدمات یا فعالیتهای خاص را به خادمین واگذار کنند.
پیران کلیسا حتی آنگاه که انجام برخی فعالیتهای خاص را به خادمین واگذار کنند، کماکان به عنوان رهبران اصلی کلیسا مسئول خدمات و فعالیتهای آن می‌باشند. فرد خادم ممکن است مطابق مسوولیتی که شورای پیران کلیسا به او واگذار کرده است، گروهی از اعضای کلیسا را در خدمت خاصی هدایت کند. به عنوان مثال، خادمین در چهارچوب کلیسای محلی ممکن است به‌عنوان معلم بچه‌ها، مسئول جوانان، هماهنگ کننده فعالیتهای بشارتی و غیره انجام وظیفه کنند.

۳- وظایف خادمین دارای محدودیتهایی است.

وظایف خادمین با وظایف اعضای معمولی کلیسا فرق دارد. کلمه خادم به معنی خدمتگزار است. در اعمال ۶: ۱-۷ می‌خوانیم که خادمین به منظور انجام خدماتی خاص در کلیسای محلی انتخاب می‌شدند. البته شایان ذکر است که مطابق اول پطرس ۴: ۱۰-۱۱، تمام اعضای کلیسا باید با بکارگیری تواناییها و عطایای روحانی خود خدماتی فعال در کلیسا داشته باشند. بنابراین خدمت خادمین جایگزین خدمات اعضای دیگر کلیسای محلی نیست.

الف) وظیفه خادمین این است که به شرایط جدیدی که در نتیجه و عطف کلام و رشد کلیسا بوجود می‌آید رسیدگی کنند.
بخوانید: اعمال ۶: ۱-۷.

ملاحظات: در کلیسای اولیه اورشلیم، خادمین به دلیلی خاص انتخاب می‌شدند. وقتی تعداد شاگردان به بیش از ۵۰۰۰ نفر افزایش یافت، نیاز خاصی در کلیسا بوجود آمد- برخی از افراد از جیره روزانه غذایی محروم می‌ماندند. بنابراین رسولان و اعضای کلیسا از میان خود افرادی را برگزیدند تا این خدمت خاص را انجام دهند. خادمین به منظور انجام این خدمت برگزیده شدند، زیرا پیران کلیسا وظایف مخصوص به خود را داشتند و وقت و توان رسیدگی به نیازمندان کلیسا را نداشتند. بنابراین وظایف خادمین محدود به انجام خدماتی است که مستلزم داشتن مهارتهای خاصی است، یا خدماتی که ایمانداران کلیسا چندان متوجه آن نیستند.

ب) وظیفه خادمین بطور سنتی این بوده که به اعضای نیازمند کلیسا رسیدگی کنند.
بخوانید: اعمال ۶: ۱-۲؛ اول قرننتیان ۱۶: ۲-۳؛ یعقوب ۱: ۲۷؛ ۲: ۱۵-۱۷؛ اول یوحنا ۳: ۱۶-۱۸.
ملاحظات: وظیفه خاص خادمین این است که هدایایی را که مسیحیان به خدا تقدیم می‌کنند جمع‌آوری کرده، آنها را به طور متناسب بین افراد نیازمند کلیسای خود تقسیم کنند. بر طبق دوم قرننتیان فصلهای ۸ و ۹، خادمین بر هدایایی که جهت کمک به دیگر کلیساهای نیازمند جمع‌آوری شده است نیز نظارت می‌کنند.

خلاصه: اگر در کلیسایی خادمینی انتخاب می‌شوند، صرفاً به خاطر این است که وظایف خاصی را در کلیسای محلی خودشان انجام دهند. خدمات آنها جانشین خدمات دیگر اعضای کلیسا نمی‌شود، بلکه آنها تنها خدماتی را انجام می‌دهند که مستلزم داشتن مهارتهای خاصی است و سایر ایمانداران از انجام آنها غافل مانده‌اند. کتاب مقدس شرایط و وظایف خادمین را معین کرده است. آنها تا زمان تحقق وظایف خود خدمت می‌کنند.

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیابورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سرگروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع "انتصاب رهبران کلیسا" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از فیلیپیان ۳-۴ و کولسیان ۱-۲ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - هر روز آخرین ۵ آیه حفظی در رابطه با "آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازواج" را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۷) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموزش های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۸

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) فیلیپیان و کولسیان
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (فیلیپیان ۳-۴ و کولسیان ۱-۲) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج
---	--

مرور: ۵ آیه حفظی را در مورد "آمادگی يك فرد مسیحی جهت ازدواج" دو نفری مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۷: ۱-۵۳
---	---

مقدمه: یوحنا ۷: ۱-۹ در مورد کلمه خدا یعنی عیسی مسیح است که در جلیل بود، ولی مخفیانه به یهودیه رفت. در یوحنا ۷: ۱۰-۵۳، عیسی مسیح از جماعتی که در معبد بودند دعوت می‌کند که توبه کنند: "هر که تشنه است نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد."

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۷: ۱-۵۳ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
--	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

کشف ۱) در یوحنا ۷: ۳۷-۳۹ در مورد نهرهای آب حیات حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
عید یهودی خیمه‌ها به مدت يك هفته جشن گرفته می‌شد. در تمام مدت این هفت روز، فردی کاهن سیویبی طلایی را از آب حوض سبلوفا پر می‌کرد و آن را به اتفاق گروهی که او را همراهی می‌کردند، به سمت معبد می‌برد. کاهن به محض بلند شدن صدای شیپور و در میان فریاد شادی جماعت، آب را در داخل کتانالی قیف‌مانند می‌ریخت که تا قسمت پایین مذبح مخصوص قربانیهای سوختنی امتداد داشت. این مراسم برای مردم اسرائیل یادآور آبی بود که از صخره‌ای در بیابان جاری شد و به برکات روحانی دوران مسیح موعود اشاره داشت. احتمالاً عیسی پس از اتمام این رسم سمبلیک ریختن آب بود که ایستاد و با صدای بلند گفت: "هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می‌گوید از بطن او نهرهای آب زنده

جاری خواهد شد. "ظاهرأ عیسی میخواست به جماعت بفهماند که این آب به خود او اشاره می‌کند. عیسی مسیح نهر آب حیات است. رفتن به نزد عیسی مسیح و ایمان آوردن به او، دو نتیجه در پی دارد:

الف) فرد ایماندار، حیات جاودانی دریافت می‌کند. "کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد هرگز تشنه نخواهد شد" (یوحنا ۴: ۳۵). تمام مردمی که از آب این نهر که عیسی مسیح است بنوشند، به طور دائمی سیراب خواهند شد. آنها حیات جاودانی یعنی نجات کامل را دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر، همان چیزی را تجربه می‌کنند که عیسی در یوحنا ۴: ۱۴ به زن سامری وعده داد: "آبی که من به او می‌دهم در او چشمه آبی می‌گردد که تا حیات جاودانی می‌جوشد."

ب) فرد ایماندار، خود وسیله‌ای برای انتقال برکات روحانی به دیگران می‌شود. "کسی که به عیسی مسیح ایمان آورد، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد" (یوحنا ۷: ۳۸). در عهد عتیق، "نهر حیات" در "شهر خدا" یافت می‌شود (مزمور ۴۶: ۴). این آب از زیر آستانه معبد جاری می‌شود تا بدین ترتیب باعث برکت فراوان شود (حزقیال ۴۷: ۱-۱۲). به همین دلیل است که عیسی می‌فرماید: "چنانکه کتاب می‌گوید." روح القدس در زمان عهدجدید، به این متون از عهد عتیق کاربردی عمیق می‌بخشد. تمام ایماندارانی که تا به حال در این جهان زیست کرده‌اند با هم "شهر خدا" را که "اورشالیم جدید" است تشکیل می‌دهند (عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ مکاشفه ۲۱: ۹-۱۰). در یوحنا ۷: ۳۸، نهرهای آب حیات به صورت آبی تصویر شده است که از قلب هر فرد ایماندار جاری می‌شود. انسان با آمدن به نزد عیسی سیراب می‌شود، و او خود وسیله‌ای جهت انتقال برکات به دیگران می‌گردد.

عهد عتیق جاری شدن نهرهای برکات را با ریزش روح القدس مربوط می‌سازد (اشعیا ۴۳: ۳). به همین ترتیب یوحنا می‌فرماید: "اما عیسی این را گفت درباره روح، که هر که به او ایمان آورد او را خواهد یافت. زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود" (یوحنا ۷: ۳۹). عیسی فرمود که هر که به او ایمان آورد حیات جاودانی یعنی نجات کامل را دریافت خواهد نمود. مسیح سرچشمه واقعی و عامل اصلی حیات جاودانی و وافر برای هر فردی است که نزد او رفته، به او ایمان بیاورد. البته این وعده پس از جلال یافتن عیسی به تحقق رسید. منظور از جلال یافتن او، مصلوب شدن، قیام، صعود و جلوس او بر تخت پادشاهی در آسمان است. عیسی تنها پس از به جلال رسیدن است که نهرهای آب زنده را در قلوب ایمانداران جاری می‌سازد. یوحنا رسول توضیح می‌دهد که منظور عیسی، ریزش روح القدس پس از مرگ و قیام او است. عیسی مسیح از طریق روح القدس زندگی ایمانداران را دگرگون کرده، به آنها حیات جاودانی و نجات عطا می‌کند. او آنها را به توسط روح القدس تبدیل به کانالهایی جهت انتقال برکت به دیگر مردم می‌سازد. در کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم که چگونه ایمانداران پس از ریزش روح القدس در روز پنطیکاست، باعث برکت بسیاری از مردم شدند. آنها پیغام نجات را به گوش بسیاری از مردم در اقاصا نقاط جهان رساندند.

کشف ۲) در یوحنا ۷: ۴۵-۵۲ در مورد آگاهی از شریعت و اطاعت از آن، حقیقت مهمی برای من وجود دارد. رهبران مذهبی یهود به نگهبانان معبد دستور داده بودند که عیسی را دستگیر کنند. ولی نگهبانان معبد به حدی از سخنان عیسی در حیرت افتادند که نتوانستند چنین کنند. آنها گفتند: "هرگز کسی مثل این شخص سخن نگفته است." رهبران مذهبی عصبانی شدند و آنها را متهم کردند به اینکه از عیسی فریب خورده‌اند. آنها ادعا می‌کردند که هیچ کدام از رهبران مذهبی به او ایمان نیاورده‌اند و تنها کسانی که به او ایمان آورده‌اند، مردم عامی و بیسوادی هستند که از شریعت عهد عتیق آگاهی ندارند. رهبران مذهبی جماعتی را که به عیسی ایمان آورده بودند نفرین کردند. اما یکی از رهبران مذهبی به نام نیقودیموس توجه آنها را به تعالیم شریعت جلب کرد. او گفت، شریعت هیچ کس را محکوم نمی‌کند مگر اینکه نخست سخن او را بشنود و دریابد چه کرده است (تثنیه ۱: ۱۶-۱۷). با وجود این رهبران مذهبی بدون اینکه حقایقی را در مورد عیسی بدانند، او را محکوم کردند. بنابراین رهبران و معلمین مذهبی یهود گرچه ادعا می‌کردند که شریعت را می‌دانند، اما از آن اطاعت نمی‌کردند. همان رهبران و معلمینی که لحظاتی قبل مردم را به دلیل عدم آگاهی از شریعت، پست و عامی قلمداد کردند، حال ناآگاهی خودشان را از شریعت نشان می‌دادند. اگر آنها طبق گفته خود از تعالیم شریعت آگاه بودند، این اتهام متوجه آنها بود که چرا از آن اطاعت نمی‌کنند. همچنین در متی ۲۳: ۳، عیسی رهبران و معلمین مذهبی یهود را متهم می‌کند به اینکه آنچه را تعلیم می‌دهند خود به جا نمی‌آورند. بنابراین دانستن این موضوع برای من حائز اهمیت است که خدا می‌خواهد من بر حسب آنچه از اراده او می‌دانم، اطاعت کنم. يك مسیحی باید آنچه را که تعلیم می‌دهد خود نیز به جا آورد. او باید از آن قسمت از تعالیم کتاب مقدس که در مورد آنها آگاهی دارد، اطاعت کند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۷: ۱-۵۳ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۷: ۲). عید خیمه‌ها چه عیدی بود؟

ملاحظات:

الف) هفت عید عهد عتیق.

در عهد عتیق هفت عید مذهبی وجود دارد (لاویان ۲۳؛ اعداد ۲۸-۲۹): ۱) عید فصح یا عید نان فطیر، ۲) عید هفته‌ها یا عید نوبرها یا پنطیکاست، ۳) عید خیمه‌ها، ۴) عید سبت، ۵) عید کرناها، ۶) روز کفار و ۷) عید پوریم. سه عید اول جزو اعیاد زیارتی بودند و طی آن، یهودیان از تمام کشورهای جهان جهت شرکت به اورشلیم می‌آمدند (تثیبه ۱۶: ۱۶). عید فصح نمایانگر آغاز برداشت محصول بود، عید پنطیکاست نمایانگر جمع آوری محصول و پایان حصاد، و عید خیمه‌ها یا "عید سکونت در خیمه‌ها" نمایانگر شکرگزاری برای محصول بود.

ب) عید خیمه‌ها در هفتمین ماه تقویم یهودی که مصادف با اکتبر بود جشن گرفته می‌شد و به مدت هفت روز به طول می‌انجامید. این عید نه تنها جشن برداشت محصول و زمان سپاسگزاری مردم اسرائیل از خدا به خاطر محصول، بلکه همچنین جشن شادی بود که عمل خدا در رهبری قوم اسرائیل از بیابان به مدت چهار سال و برکاتی را که خدا به قوم اسرائیل و تمام مردم جهان و عده داده بود، تداعی می‌کرد. مردم در این عید هفت روزه، قربانی می‌آوردند، در خیمه‌ها سکونت می‌کردند، همه جا را چراغانی می‌کردند، و آب می‌پاشیدند. کلبه‌های کوچکی از شاخ و برگ درختان می‌ساختند و بر پشت بامها و داخل خیابانها نصب می‌کردند تا زائرانی که جهت شرکت در این عید آمده بودند پناهگاهی برای سکونت داشته باشند. شمعدان بزرگی در معبد روشن بود که برای مردم یادآور ستون آتشی بود که پس از خروج قوم اسرائیل از مصر، شب‌هنگام آنها را هدایت می‌کرد. همچنین در شب مشعلی نمایان بود. مراسم ریختن آب یادآور آب گوارایی بود که به طرزی معجزه‌آسا از صخره‌ای در مریبه جاری شد (خروج ۱۷: ۱-۷). در هر هفت روز عید، کاهنی کوزه‌ای را از آب حوض پر می‌کرد و آن را به اتفاق گروهی از مردم به سوی معبد می‌برد. سپس در معبد در میان نوای شیپور و فریاد شادی مردم، آب را در کانالی قیف مانند می‌ریخت که تا پایین مذبح امتداد داشت. این رسم سمبلیک ریختن آب مردم را به یاد وعده‌های عهد عتیق می‌انداخت: "اینک بر زمین تشنه آب خواهم ریخت و نهرها را بر زمین خشک؛ روح خود را بر ذریه تو خواهم ریخت و برکت خویش را بر اولاد تو" (اشعیا ۴۴: ۳). "ای جمیع تشنگان نزد آبها بیایید" (اشعیا ۵۵: ۱) و "تو مثل باغ سیراب و مانند چشمه آب که آبش کم نشود خواهی بود" (اشعیا ۵۸: ۱۱). به همین دلیل است که عیسی در آیه ۳۸ می‌تواند با اطمینان و قاطعیت بگوید: "چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد."

سؤال ۲) (یوحنا ۷: ۶). چرا عیسی می‌گوید، وقت او هنوز فرا نرسیده است؟

ملاحظات:

ما سه بار در انجیل یوحنا فصل ۷ در مورد "وقت مناسب" می‌خوانیم. منظور از وقت مناسب، وقت درست و مقرر شده برای انجام عملی از سوی عیسی است. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که برای هر سخن و عمل عیسی مسیح بر روی زمین، زمان مشخصی وجود دارد که از ازل توسط خدای پدر و در نقشه ابدی او مقرر گشته است. در آیات ۶ و ۹ عیسی می‌فرماید که زمان مناسب جهت رفتن به عید هنوز فرا نرسیده است. در آیات ۲۸-۳۰، رهبران مذهبی یهود پس از آنکه عیسی آشکارا به آنها گفت که خدای پدر را نمی‌شناسند، در صدد دستگیری او برآمدند. ولی هیچکس دست بر او دراز نکرد زیرا هنوز ساعت (وقت) او فرا نرسیده بود. عیسی علیرغم شرایط سختی که در آن قرار داشت، از خطر دشمنان مصون بود، زیرا اراده خدا این نبود که او در آن زمان بمیرد. تنها در یوحنا ۱۲: ۲۳-۲۴ است که عیسی می‌فرماید: "ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد." و سپس راجع به مرگ خود پیشگویی کرد. همچنین در یوحنا ۱۳: ۱ عیسی می‌فرماید که ساعت او رسیده است تا از این جهان به نزد پدر برود. و در یوحنا ۱۷: ۱، چنین دعا می‌کند: "ای پدر ساعت رسیده است، پسر خود را جلال بده." بنابراین زمان آمدن عیسی به جهان، خدمات و مرگ او همه از ازل در نقشه خدای پدر مقرر شده بود. خدای قادر مطلق است که از آسمان سرنوشت تاریخ بشر را معین می‌کند، نه انسان.

سؤال ۳) (یوحنا ۷: ۱۴-۱۶). چگونه عیسی بدون اینکه تعلیم دیده باشد آنهمه در مورد امور دینی آگاهی داشت؟
ملاحظات: وقتی که عیسی در معبد به مردم تعلیم می‌داد، آنها با تعجب پرسیدند: "این شخص که هرگز تعلیم نیافته، چگونه کتب را می‌داند؟"

الف) معیار تحصیل در زمان عیسی. در زمان عیسی تنها مدارس شناخته شده، مدارس بود که در آنها معلمین مذهبی (خاخامها یا عالمین یهود) عهد عتیق و الهیات یهود را تعلیم می‌دادند. عیسی برخلاف فریسیان و صدوقیان که دو جناح مذهبی مخالف بودند، در هیچ یک از این مدارس مذهبی تعلیم ندیده بود. بنابراین، او از نظر معلمین و رهبران مذهبی یهود هیچ مدرک تحصیلی نداشت و از لحاظ الهیاتی عامی و بیسواد بود. به همین خاطر بود که آنها هیچ یک از تعلیم عیسی را صحیح نمی‌پنداشتند. دانش علمای یهود بر تفاسیر عهد عتیق مبتنی بود، و بنابراین از نظر آنان عیسی در خصوص امور روحانی تعلیمی مشخص و معیار ارائه نمی‌داد، بلکه آنچه می‌گفت صرفاً عقاید شخصی خودش بود. به این دلیل بود که آنها مایل نبودند مردم از عیسی تعلیم بگیرند.

ب) منبع مخصوص تعلیم عیسی. عیسی در پاسخ کسانی که از او انتقاد می‌کردند فرمود: "تعلیم من از من نیست، بلکه از فرستنده من است." عیسی از هیچ کدام از معلمین مذهبی تعلیم نیافته بود. بلکه تعلیم او تنها از خدا بود. رهبران مذهبی یهود کاملاً نسبت به این موضوع که ممکن است تعلیم عیسی از منبعی غیر از منابع تعلیمی یهود سرچشمه گرفته باشد، غافل بودند. خدا که خود منبع تمام تعلیم است، بر تمامی مدارس یهود برتری دارد. عیسی بارها اعلام داشته بود که تعلیم خود را از پدر آسمانی‌اش دریافت کرده است. و این هشدار جدی به دشمنان بود، زیرا با رد پیغام و تعلیم عیسی، در واقع خود خدا را که بزرگترین معلم است رد می‌کردند.

سؤال ۴) (یوحنا ۷: ۱۷-۱۸). کسی که می‌خواهد به ارزیابی تعلیم عیسی بپردازد باید دارای چه خصوصاتی باشد؟
ملاحظات: عیسی می‌فرماید: "اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آورد، درباره تعلیم خواهد دانست که از خداست یا آنکه من از خود سخن می‌رانم. هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب است، اما هر که طالب جلال فرستنده خود باشد او صادق است و در او ناراستی نیست." مطابق گفته عیسی، هر که می‌خواهد به ارزیابی تعلیم او بپردازد، باید بطرز شایسته و با انگیزه درست چنین کند.

الف) منظور از داشتن طرز برخورد شایسته، تمایل به اطاعت نمودن از خدا است. عیسی در آیه ۱۷ می‌فرماید که اگر شخصی بخواهد از اراده خدا آنگونه که در کتاب مقدس مکتوب است اطاعت کند، هیچگاه از علم و آگاهی درستی بهره‌مند نخواهد شد. چنین شخصی از نظر عقلانی قادر به درک مفهوم پیغام خدا نخواهد بود و از نظر تجربی نیز نخواهد توانست با خدا ارتباط ایجاد کند. در آیه ۱۷، عیسی تعلیم می‌دهد که فرد تنها در صورتی می‌تواند تعلیم خدا را بداند که حاضر باشد از او اطاعت کند و بطرز درست در صدد ارزیابی تعلیم خدا برآید.

ب) منظور از انگیزه صحیح، طلبیدن جلال خدا است. در آیه ۱۸، عیسی می‌فرماید که اگر کسی بخواهد خودش را جلال دهد، صرفاً ریا و تظاهر می‌کند. این درست همان کاری بود که رهبران مذهبی یهود انجام می‌دادند. آنها دوست داشتند مردم به آنها به چشم معلم و رهبر نگاه کنند و آنها را به خاطر غیرتشان تحسین نمایند، و بنابراین وقتی می‌دیدند مردم به سخنان عیسی گوش می‌دهند، نسبت به او حسادت می‌ورزیدند. آنها در پی جلال دادن خودشان بودند، به همین دلیل متوجه نبودند که عیسی سخنان خدا را بیان می‌کند. عیسی سخنان پدرش را بیان می‌کرد و در پی انجام اراده او بود. هدف او از تمامی سخنان و اعمالش، جلال دادن پدر آسمانی‌اش بود. به همین جهت سخنانش کاملاً درست و قابل اعتماد بود. بنابراین برای درک و ارزیابی تعلیم عیسی، باید هم نگرش‌مان صحیح و شایسته باشد و هم هدف‌مان این باشد که از خدا اطاعت کنیم. همچنین باید انگیزه‌مان این باشد که خدا جلال بیابد. در این صورت خواهیم فهمید که تعلیم عیسی برآستی از آسمان است.

سؤال ۵) (یوحنا ۷: ۱۷). در آیه ۱۷، چه ارتباطی میان معرفت و اطاعت وجود دارد؟
ملاحظات: در کتاب مقدس ارتباط خاصی میان معرفت، محبت و اطاعت وجود دارد.

الف) معرفت-محبت-اطاعت. در یوحنا ۱۷: ۲۶، عیسی می‌فرماید: او به شاگردان خود معرفت خدا را عطا کرده است تا محبت خدا در آنها باشد. در یوحنا ۱۴: ۱۵، عیسی می‌فرماید: "اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگاه خواهید داشت." بنابراین شناخت خدا منجر به محبت به خدا، و محبت به خدا منجر به اطاعت از او می‌شود. ارتباط بین این سه عنصر، بدین صورت است: اول معرفت یا شناخت، دوم محبت، سوم اطاعت.

ب) اطاعت-محبت-معرفت. یوحنا ۷: ۱۷ می‌فرماید، قبل از اینکه معرفت راستین را بیابید باید حاضر باشید که اطاعت کنید. افسسیان ۳: ۱۷-۱۹ نیز می‌فرماید، شما قبل از اینکه بتوانید معرفت خدا را درک کنید، باید در محبت ریشه بزنید. در این قسمتها از کلام خدا، محبت و اطاعت قبل از معرفت می‌آیند. بنابراین اطاعت از خدا، به محبت بیشتر برای خدا و کسب معرفت و شناخت تجربی از او می‌انجامد.

پ) ارتباط و وابستگی موجود بین این سه عنصر. این سه عنصر، یعنی معرفت عقلانی، محبت قلبی و اطاعت ارادی، همگی به هم مرتبط و وابسته هستند و بر روی یکدیگر تأثیر گذاشته، یکدیگر را غنی می‌سازند. هیچ کدام از این عناصر را نمی‌توان مهمتر و ارجح‌تر از دو عنصر دیگر دانست، بلکه تنها فیض مطلق خداست که در درجه نخست اهمیت قرار دارد. تنها بواسطه فیض خداست که ما به کسب معرفت، محبت و اطاعت می‌رسیم. فیض مطلق خدا بر کل شخصیت ما تأثیر گذاشته، آن را شکل می‌دهد تا بتوانیم برای جلال خدا زیست کنیم.

قدم ۴: بکار بپذیرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس یوحنا ۷: ۱-۵۳ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس میباشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۷

- ۷: ۱ * عقل حکم می‌کند که از امکانی که مردم قصد اذیت یا کشتن شما را دارند، دوری جوئید.
- ۷: ۵ * تعجب نکنید اگر برخی از اعضای خانواده‌تان نظیر والدین، برادران و خواهران و یا فرزندان‌تان به عیسی مسیح ایمان ندارند و حتی شما را به خاطر ایمان به مسیح مورد تمسخر قرار می‌دهند.
- ۷: ۷ * از اینکه دنیا وقتی به کارهای بد آن شهادت می‌دهد از شما نفرت دارد، تعجب نکنید.
- ۷: ۸ * برای هر عملی وقت و زمان مناسبی هست. زمانی برای صبر کردن و زمانی برای عمل کردن است. جامعه ۳: ۱-۴۸، ۵: ۶ را بخوانید. برای خدا نیز زمانی است که او صبر می‌کند و زمانی که وارد عمل می‌شود. خداست که سرنوشت تاریخ بشر را تعیین می‌کند، نه انسان.
- ۷: ۱۲ * تعجب نکنید اگر مردم در مورد عیسی مسیح دیدگاه‌های مختلفی دارند. حتی امروزه نیز بسیاری از مردم عیسی را یک نبی می‌پندارند، در حالیکه او در حقیقت مسیح موعود است (۷: ۴۰-۴۳). لوقا ۲: ۳۴ را مطالعه کنید.
- ۷: ۱۴ * عیسی در امکانی تعلیم می‌داد که مردم در پی مذهب و علاقه‌مند به امور مذهبی بودند. به طور خاص متوجه مردمی باشید که در جستجوی خدا هستند.
- ۷: ۱۵-۱۶ * ممکن است شخصی در یک مؤسسه یا دانشگاه خوب و معتبر تحصیل کرده باشد، ولی تنها زمانی می‌توان از کلام خدا به بهترین وجه تعلیم دید که پای سخنان عیسی مسیح بنشینیم که بزرگترین معلم است.
- ۷: ۱۷ * اگر می‌خواهید تعالیم عیسی مسیح را ارزیابی و درک کنید، باید ابتدا نسبت به این موضوع برخوردی صحیح داشته باشید و حاضر باشید از او اطاعت نمایید.
- ۷: ۱۸ * اگر می‌خواهید تعالیم عیسی مسیح را ارزیابی و درک کنید، باید ابتدا انگیزه صحیح داشته، تنها طالب جلال خدا باشید.
- ۷: ۲۰ * از اینکه مردم شما را شخصی دیورده ببینند، متعجب نشوید.
- ۷: ۲۴ * هیچگاه بر اساس ظواهر در مورد مردم و شرایط قضاوت نکنید، بلکه به حق دوری کنید.
- ۷: ۳۷-۳۹ * این را بدانید که وقتی به عیسی مسیح ایمان می‌آورید، روح‌القدس نه تنها زندگی شما را مبدل می‌سازد، بلکه از شما استفاده می‌کند تا عاملی برای انتقال برکات روحانی به دیگران باشید.
- ۷: ۴۷-۵۱ * مواظب باشید که وقتی خودتان به شریعت خدا عمل نمی‌کنید، دیگران را بخاطر عمل نکردن به آن محکوم نسازید.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) می‌خواهم آگاهانه بر این حقیقت واقف باشم که خدا مرا کانالی جهت انتقال برکت به دیگران قرار داده است. او روح‌القدس را به من عطا کرده تا در زندگی من ساکن شود، تا بدینوسیله بتوانم پیغام انجیل نجات را با دیگران در میان بگذارم و آنها را بواسطه محبتی که خدا در من قرار داده است، محبت و خدمت کنم.

ب) می‌خواهم به اطاعت کردن از شریعت خدا ادامه دهم. شریعت خدا، سخنان خداست که در کتاب‌مقدس نوشته شده است. من می‌خواهم آنچه را که موعظه می‌کنم، خود نیز به جا آورم. می‌خواهم از آن قسمت از حقایق کتاب‌مقدس که در موردشان آگاهی دارم، اطاعت کنم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۷: ۱-۵۳ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۷ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از کولسیان ۳-۴ و اول تسالونیکیان فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۵: ۲۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۱۹

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) کولسیان و اول تسالونیکیان
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (کولسیان ۳-۴ و اول تسالونیکیان فصل ۱) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۵: ۲۴

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) ازدواج مسیحی
---	----------------------------------

مقدمه: این تعلیم در رابطه با ازدواج مسیحی است. در این درس یاد خواهیم گرفت که کتاب مقدس در مورد ازدواج و مراسم آن چه تعلیمی می‌دهد.

الف - مشخصات ازدواج

۱- ازدواج، ایده و حکم خداست و خود خدای بانی و مؤسس آن می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: منشأ و سرآغاز رسم ازدواج چیست؟

الف) ازدواج بیانگر رابطه موجود میان دو فرد از دو جنس مخالف است.
بخوانید: پیدایش ۱: ۲۶-۲۸؛ ۲: ۱۸-۲۴؛ امثال ۵: ۱۵-۱۹.

ملاحظات: وقتی خدا تصمیم گرفت جهان را خلق کند، راهی مقرر داشت تا موجودات مختلف بتوانند از طریق آن رشد کنند و ادامه بقا یابند. خدا موجودات را با جنسیت‌های مختلف خلق کرد و برای این کار هدفی داشت. مرد و زن، هر دو انعکاسی از تصویر خدا هستند. آنان در چارچوب ازدواج کوچکترین واحد خانواده را که پایه و اساس جامعه بشری است، تشکیل می‌دهند. خدا انسان را بصورت مرد و زن آفرید تا زن و شوهر به هم پیوسته، واحد خانوادگی قدرتمندی را بوجود آورند و از ازدواج خود لذت ببرند، و بدین ترتیب بشر بتواند به حیات خود ادامه دهد.

ب) ازدواج حکم خداست و او بانی و مؤسس آن است.

بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۴-۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.

ملاحظات: ازدواج یکی از ابداعات فرهنگ یا جامعه بشری محسوب نمی‌شود. خدا خود در نهاد مرد و زن نیاز به ازدواج را قرار داد و آن را بنیان نهاد. بر طبق پیدایش ۲: ۲۴، قبل از آنکه مرد و زن گناه کرده، سقوط نمایند، خدا نقشه خود مبنی بر ازدواج بین آندو را آشکار کرده بود. او ازدواج را بعنوان رابطه‌ای مقرر کرد که در آن شخص باید خانواده خود را ترک کرده، با زن یا شوهر خود متحد شود و در این چارچوب زن و شوهر می‌توانند با هم رابطه جنسی داشته باشند. بر طبق متی فصل ۱۹ و افسسیان فصل ۵، حتی پس از سقوط مرد و زن، خدا حکم و بنیاد ازدواج را برقرار نگاه داشت. عیسی مسیح خداوند و پولس رسول، هر دو بر این موضوع تأکید می‌کنند که ازدواج به عنوان رسمی که خدا خود بانی و مؤسس آن بوده است، باید در میان تمام ملل و فرهنگ‌های روی زمین تداوم داشته باشد.

پ) ازدواج تصویری است از رابطه بین خدا و قوش.

بخوانید: ارمیا ۳: ۱؛ افسسیان ۵: ۲۲-۲۵.

ملاحظات: در عهد عتیق، ازدواج تصویر و تداعی‌کننده رابطه بین خدا و قوش بر روی زمین است. شخصی که از خدا رویگردان می‌شود، در نظر خدا مثل يك فاحشه است. در عهد جدید، ازدواج مسیحی تصویری است از رابطه بین مسیح و کلیسای او، و بر این رابطه گواهی می‌دهد. اگر چه در طول سالهای متمادی فرهنگهای موجود در جهان رسم ازدواج را که خدا آن را مقرر داشته است تغییر داده‌اند، خدا کماکان خواهان آن است که تمام مردم و فرهنگهای روی زمین ازدواج را رسمی بدانند که خود خدا بانی آن است.

۲- ازدواج باید بر تك همسری مبتنی باشد.

کشف و گفتگو کنید: خدا در مورد تعدد زوجین و صیغه چه می‌فرماید؟

الف) خدا در زمان آفرینش انسان، تك همسری را مقرر داشت.

بخوانید: اول پادشاهان ۱۱: ۱-۱۱.

ملاحظات: اگر چه در عهد عتیق در مورد پادشاهان مهمی چون داود و سلیمان می‌خوانیم که بیش از يك زن داشتند، کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که تعدد زوجین از همان ابتدای خلقت بشر با نقشه و برنامه خدا در تعارض بوده است. تعدد زوجین در عهد عتیق به مشکلاتی چون حسادت، تبعیض و بت‌پرستی منجر می‌شد.

ب) حتی پس از سقوط انسان، تك همسری به عنوان رسمی که خود خدا بانی آن است، حفظ گردید.

بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵.

ملاحظات: خدا هیچوقت نقشه اولیه خود را که در پیدایش ۲: ۲۴ عنوان شده، تغییر نداده است. خدا هرگز نفرمود: "مرد باید با زنهای خود بیبوند"، بلکه فرمود: "او باید با زن خود بیبوند." خدا کلمه زن را بصورت مفرد بکار برده است. عیسی این حکم را تکرار می‌کند و در متی ۱۹: ۵ می‌فرماید: "آن دو يك تن خواهند شد." او رابطه موجود در ازدواج، مخصوصاً رابطه جنسی را، تنها به دو نفر محدود کرده است. خدا با چند همسری و صیغه مخالف است. او همچنین مخالف زنا و داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج است. خدا از لاس زدن نفرت دارد، زیرا این عمل تظاهر به عشق و معاشقه است در فضایی که در آن خلوص نیت و پرهیزگاری وجود ندارد و هدف صرفاً ارضای لذایذ شخصی است (پیدایش ۳: ۱-۵؛ دوم قرن‌تبیان ۱۱: ۱-۲؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱-۶).

۳- ازدواج تا زمانی تداوم می‌یابد که طرفین ازدواج هر دو در قید حیات هستند.

کشف و گفتگو کنید: خدا در رابطه با تداوم ازدواج چه می‌فرماید؟

الف) خدا زن و مرد را تا پایان عمر با هم متحد می‌سازد.

بخوانید: دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۴؛ متی ۱۹: ۳-۶؛ ملاکی ۲: ۱۶.

ملاحظات: بر طبق دوم قرن‌تبیان ۶: ۱۴، يك فرد مسیحی موظف است تنها با شخصی ایماندار ازدواج کند. ولی بر طبق متی ۱۹: ۶، این خداست که دو نفر را مادام که در قید حیات هستند در پیمان ازدواج با هم متحد می‌سازد. عیسی به وضوح تعلیم می‌دهد که خدا بهنگام آفریدن انسان به او اجازه طلاق نداد. تعلیم عیسی چنین است: "آنچه را که خدا پیوست، انسان آن را جدا نسازد." ازدواج به این معنا است که خدا زن و مرد را تا زمانی که بر این زمین زندگی می‌کنند به یکدیگر پیوسته است. خدا می‌فرماید: "من از طلاق و از اینکه انسانها به هم ظلم کنند، نفرت دارم." خدا طلاق را نوعی ظلم در حق طرفین ازدواج محسوب می‌کند، و به همین جهت از آن نفرت دارد.

ب) طلاق در کتاب مقدس.

بخوانید: متی ۱۹: ۹؛ اول قرن‌تبیان ۷: ۱۵.

ملاحظات: بااینحال کتاب مقدس بواسطه وجود گناه در جهان، طلاق را تنها در صورت عدم وفاداری زوجین نسبت به هم، یا در صورت زنا یا روحانی یا ناسازگاری از لحاظ روحانی، جایز می‌شمارد (به دستور عمل بنای کلیسا کتاب ۴ درس ۴۱ مراجعه کنید). بر طبق کلام خدا، طلاق تنها در صورتی جایز است که یکی از طرفین ازدواج دچار فساد جنسی باشد، رفتاری ظالمانه و خشن داشته باشد و یا نخواهد با شریک مسیحی خود زندگی کند.

۴- ازدواج امری موقتی است و تنها به زندگی کنونی زوجین بر روی این زمین محدود می‌باشد.

کشف و گفتگو کنید: آیا ازدواج پس از مرگ نیز ادامه می‌یابد؟ مرگ چه تأثیری بر روابط يك زوج دارد؟

الف) ازدواج مادام که يك زوج در قيد حيات هستند تداوم می‌یابد.

بخوانید: رومیان ۷: ۲؛ اول قرنتیان ۷: ۳۹.

ملاحظات: پولس تعلیم می‌دهد که روابط در چارچوب ازدواج تنها محدود به مدتی است که طرفین ازدواج در قيد حيات هستند. اگر یکی از طرفین بمیرد، همسر او دیگر تعهدی نسبت به او ندارد و می‌تواند با يك فرد مسیحی دیگر ازدواج کند.

ب) خدا ازدواج را برای انسان بر روی زمین مقرر کرد، نه برای آسمان.

بخوانید: متی ۲۲: ۲۳-۳۲.

ملاحظات: عیسی تعلیم می‌دهد که پس از قیامت مردگان مردم دیگر ازدواج نخواهند کرد و چنین عهده‌ی با یکدیگر نخواهند بست. در آن زمان مسیحیان مانند فرشتگان آسمان خواهند بود. با اینحال تمامی روابط موجود بین مردم بر این زمین، از جمله رابطه آنان با همسران قبلی‌شان، در آسمان جنبه‌ای بسیار غنی و پرمعنا تر خواهد داشت، زیرا همگان در حضور خدا زندگی کاملی خواهد داشت. بنابراین خدا ازدواج را برای مدت زمانیکه انسان بر روی این زمین زیست می‌کند مقرر داشت، نه برای زمانی که او در آسمان است. ارزش ابدی ازدواج بین زن و مرد در این دنیا، بخاطر تأثیری است که ازدواج در ساختن شخصیت فرد، منعکس کردن مسیح و اعلام پیام او، و تولید فرزندان دارد.

۵- ازدواج برای بسیاری از مردم رابطه‌ای معمولی بر این زمین است، ولی این لزوماً به این معنا نیست که همه باید ازدواج

کنند یا ازدواج به نفع همه است، بلکه خدا ممکن است برای زندگی برخی از مردم هدف دیگری داشته باشد.

کشف و گفتگو کنید: چرا ازدواج لزوماً برای همه بهترین راه نیست؟

الف) مزایای ازدواج نکردن.

بخوانید: متی ۱۹: ۹-۱۲؛ اول قرنتیان ۷: ۸-۹، ۲۵-۳۵؛ اول تیموتائوس ۳: ۲؛ ۴: ۳.

ملاحظات: اگرچه برخی از زاهدین ازدواج را منع می‌کنند و برخی از کلیساها با ازدواج رهبران مخالفت می‌کنند، عیسی و پولس هر دو تعلیم می‌دهند که ازدواج باید رابطه‌ای معمول میان مسیحیان و حتی رهبران محسوب شود. تعلیم آنها این است که تجرد نه لعنت است و نه مجازات. افراد مجرد به اندازه افراد متأهل در نظر خدا ارزش دارند. ممکن است نقشه خدا برای برخی از انسانها این باشد که برای مدتی و یا برای همیشه در طول زندگی‌شان مجرد باقی بمانند تا بدین ترتیب بتوانند به کار یا خدمت خاصی در ملکوت خدا مشغول باشند. ممکن است خدا بخواهد چنین افرادی به طور کامل خود را وقف خدمت به او نمایند.

ب) و عده خدا به افرادی که ازدواج نکرده‌اند.

بخوانید: اشعیا ۵۴: ۱-۵.

ملاحظات: خدا به افرادی که ازدواج نکرده‌اند و عده می‌دهد که در نتیجه خدمتشان در ملکوت خدا ثمر خواهند آورد.

پ) هشدار خدا در رابطه با ازدواج با افراد بی‌ایمان.

بخوانید: اول قرنتیان ۷: ۱۶، ۳۹.

ملاحظات: به خاطر وجود گناه در این جهان، خیلی از زنان مسیحی هستند که نمی‌توانند مردان مسیحی مناسبی جهت ازدواج بیابند. کلیساها باید به جای اینکه به چنین زنانی اجازه دهند با مردان بی‌ایمان ازدواج کنند، بکوشند مردان بیشتری را در کشور خود به سوی مسیح جذب کنند. پولس رسول نه تنها در مورد ازدواج فرد مسیحی با يك بی‌ایمان هشدار می‌دهد، بلکه ما را از داشتن تصورات اشتباه در این رابطه نیز برحذر می‌دارد. برخی از مسیحیان فکر می‌کنند که اگر با يك بی‌ایمان ازدواج کنند، می‌توانند روی او تأثیر بگذارند و باعث نجات او شوند، و فکر می‌کنند که همسرشان سرانجام به مسیح ایمان خواهد آورد. و حال آنکه این تصورشان اشتباه است، زیرا هیچ انسانی نمی‌تواند انسان دیگری را متقاعد سازد که به مسیح ایمان آورد. اینکار تنها مخصوص خود خدا است (یوحنا ۶: ۴۴). بنابراین يك مسیحی نباید مغرور شود و از خدا ناطاعتی کند. چنین ازدواجی ممکن است برای زوج ایماندار و فرزندان او مشکلات فراوانی بوجود آورد.

ب - وظایف زن و شوهر مسیحی

مقدمه: خدا مرد و زن را خلق کرد و رابطه ازدواج را میان‌شان بنیان نهاد. بنابراین او این حق را دارد که وظایف زن و شوهر را نسبت به یکدیگر تعیین کند. خدا می‌داند چگونه مخلوقات او می‌توانند به بهترین نحو عمل کنند. يك زن و شوهر مسیحی تنها در صورتی می‌توانند ازدواج مبارکی داشته باشند که وظایفی را که خدا به آنها سپرده است انجام دهند.

برخی از مردم چنین استدلال می‌کنند که کتاب مقدس وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر را در چارچوب فرهنگ آن زمان بیان کرده است و این وظایف در مورد مسیحیان کنونی مصداق ندارد. چنین استدلالی بسیار خطرناک است زیرا اصولی که خدا در کتاب مقدس تعلیم داده است، برای هر زمانی کاربرد دارد و هدف از آنها، عوض کردن فرهنگ گناه‌آلود انسان است. (مراجعة کنید به دستور عمل بنای کلیسا - کتاب دوم، درس ۲۳، که ارتباط بین فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا در آن توضیح داده شده است).

۱ - وظیفه زن و شوهر مسیحی این است که شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشند.

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲-۲۵.

کشف و گفتگو کنید: اولین وظیفه يك زن و شوهر مسیحی چیست؟

ملاحظات:

ازدواج باید شهادتی زنده از رابطه موجود میان مسیح و کلیسا باشد. کتاب مقدس به شوهران حکم می‌کند که سر زنان خود باشند، چنانکه مسیح نیز سر کلیساست. شوهران باید زنان خود را محبت نمایند، چنانکه مسیح نیز کلیسا را محبت می‌کند. حکم کتاب مقدس به زنان این است که تسلیم شوهران خود باشند، همانگونه که کلیسا تسلیم مسیح است. بنابراین ازدواج باید آشکارا نمایانگر ارتباط موجود میان مسیح و کلیسا باشد. بدین ترتیب ازدواج وسیله‌ای خواهد بود جهت اعلام پیام مسیح به جهانیان. مردم جهان با مشاهده يك ازدواج خوب مسیحی بیشتر در مورد مسیح و قوم او خواهند آموخت و نه تنها راجع به محبتی که خدا نسبت به آنها دارد می‌شنوند، بلکه این محبت را عملاً در چارچوب روابط زن و مرد در يك ازدواج مسیحی، می‌بینند. نه تنها در مورد شادی ناشی از ارتباط با خدای زنده می‌شنوند، بلکه نمونه چنین شادی را در چارچوب روابط زن و مرد در ازدواج مسیحی شاهد خواهند بود، و غیره. ارتباط بین زن و شوهر مسیحی در چارچوب ازدواج شهادت پر قدرتی است از واقعیت و جذابیت رابطه با مسیح. ازدواج مسیحی می‌تواند خود عاملی برای بشارت پیام مسیح به مردم بی‌ایمان باشد، مخصوصاً هنگامی که در خانه مسیحی به روی دیگران باز است و مردم می‌توانند عملکرد و رفتار يك خانواده مسیحی را از نزدیک شاهد باشند.

۲ - وظیفه شوهران مسیحی محبت و هدایت زنانشان است.

بخوانید: امثال ۳۱: ۱۰-۱۲، ۲۸؛ افسسیان ۵: ۲۵-۲۹، ۳۳؛ اول پطرس ۳: ۷.

کشف و گفتگو کنید: خدا چه وظایفی به شوهران سپرده است؟

ملاحظات:

الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده يك شوهر مسیحی نهاده است این است که به زنش محبت کند.

زن خود را محبت کردن یعنی به همسرمان همانگونه محبت کنیم که مسیح کلیسا را محبت کرد. محبت کردن یعنی اینکه بجای اندیشیدن به منافع خود، به طرف مقابل ببانیدشیم و به او توجه داشته باشیم. او را با تمام وجود بپذیریم و به او کمک کنیم تا پیشرفت نماید. شوهر باید به زن خود توجه نشان دهد و با او رفتاری احترام‌آمیز داشته باشد. اول قرن‌تین فصل ۱۳ محبت را بسیار زیبا توصیف می‌کند. منظور از حلم یا بردباری، محبتی است که می‌تواند صبر کند؛ محبتی است که جنبه تحمیلی ندارد، بلکه کمک می‌کند و از هر موقعیتی برای نیکی کردن به همسر استفاده می‌کند. حسد ندارد، بلکه همواره از طرف مقابل قدردانی می‌کند و او را حرمت مینهد. فخر نمی‌ورزد، بلکه برغم موفقیت‌های شخصی و با وجود کارایی و شایستگی، فروتن است و هیچگاه سعی نمی‌کند چنین محسناتی را به رخ طرف مقابل بکشد. کبر و غرور ندارد، بلکه در خصوص نقاط قوت و ضعفی که در رابطه او با همسرش وجود دارند، فروتن و افتاده است. رفتار ناشایست ندارد، بلکه با احترام و ملایمت با طرف مقابل رفتار می‌کند. نفع خود را طالب نیست بلکه بدون در نظر گرفتن منافع فردی، خواهان این است که علائق و خواسته‌های همسرش را برآورده سازد. بیدرنگ خشمگین نمی‌شود، بلکه رفتار نادرست و پر خاشاگری‌های طرف مقابل را با ملایمت تحمل می‌کند، و غیره. در کتاب امثال به شیوه دیگری از محبت شوهر نسبت به همسرش برمی‌خوریم: دل شوهری که زن صالحه دارد، بر همسرش توکل دارد. به عنوان مثال، از آنجا که به کمک همسرش متکی است، از او درخواست کمک می‌کند. محبت واقعی باعث می‌شود که زن احساس کند شوهرش به او نیازمند است و قدر او را می‌داند. چنین زنی مایل است در زندگی در حق همسرش نیکی کند. به همین دلیل است که هم شوهر و هم فرزندان، او را می‌ستایند.

ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده يك شوهر مسیحی نهاده است، رهبری و هدایت زنش است.

يك شوهر باید همانگونه که مسیح کلیسا را هدایت می‌کند، زن خود را هدایت کند. شوهر باید او را مانند يك شبان هدایت کند. او باید زنش را تغذیه کند، از او مراقبت و محافظت کند و در زمان مشکلات به او کمک نماید. شوهر مسیحی باید مثل يك ناظر همسرش را هدایت کند. به عبارت دیگر، باید زنش را در طرق خدا هدایت کند و به فکر علائق او باشد (فیلیپیان ۲: ۴). شوهر مسیحی باید زنش را مانند يك خادم هدایت کند. یا به مفهومی دیگر، باید در قسمتهایی که همسرش به او نیاز دارد، او را خدمت کند.

۳ - زنان مسیحی نیز وظیفه دارند که به شوهرانشان محبت کنند و به آنها احترام بگذارند.

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲-۲۴، ۳۳؛ تیطس ۲: ۴-۵؛ اول پطرس ۳: ۱-۶.

کشف و گفتگو کنید: خدا مسؤلیتهایی به زنان سپرده است؟

ملاحظات:

الف) اولین وظیفه‌ای که خدا بر عهده يك زن مسیحی نهاده است محبت کردن شوهرش می‌باشد.

تیطس ۲: ۴-۵ تعلیم می‌دهد که مادران جوانتر باید شوهران و فرزندان خود را محبت کنند، خویشندار و عفیف و شایسته و مهربان و تسلیم شوهران خویش باشند، تا هیچ کس نتواند در مورد کلام خدا بد بگوید. همچنین زنان مسیحی باید از خصوصیات

که در اول قرن نهم فصل ۱۳ ذکر شده است، نظیر بردباری، مهربانی و سایر خصوصیات، بهره‌مند باشند. در خصوص مسئله مادران شاغل، باید هم نیازهای مادی دنیای امروز و میل به فردگرایی در نظر گرفته شود، و هم منافع و اولیتهای ملکوت خدا.

(ب) دومین وظیفه‌ای که خدا بر عهده یك زن مسیحی نهاده است این است که از شوهرش اطاعت کند و تسلیم او باشد. احترام کردن به شوهر، بدین معنا است که زن باید نقطه نظرات خود را با ملایمت به همسرش بازگو کند و اجازه دهد خدا به طریقی که صلاح می‌بیند در این مورد عمل کند. او باید به تعالیم و نصایح شوهرش به دقت توجه نماید، و در تصمیم‌گیری‌ها از نظرات او استفاده کرده، شوهرش را از پیشرفتها موفقیت‌هایی که در زندگی کسب می‌کند مطلع سازد. یك زن باید همواره برای کمک به شوهرش پیش‌قدم شود، و منتظر نباشد که شوهر چیزی را از او بخواهد (پیدایش ۲: ۱۵). او باید با بردباری به سخنان شوهرش گوش فرا دهد و سعی کند مشکلات و نقطه‌نظرات او را درک کند.

البته تسلیم شوهر بودن به این معنا نیست که مثل یك برده سرسپرده او باشیم، بلکه به این معنا است که او را معاون و یاری‌رسان خود بدانیم. تفاوت بین اطاعت کردن و تسلیم بودن در این است که اطاعت چیزی است که شخصی در مقام یا رتبه‌ای والا انجام آن را از کسی که در رتبه‌ای پایین‌تر از او قرار دارد مطالبه می‌کند، ولی تسلیم بودن حالتی داوطلبانه است، نظیر هنگامی که یك زن با میل قلبی، خود را در اختیار شوهرش می‌گذارد. شوهر نمی‌تواند زن خود را موظف سازد که تسلیم او شود، زیرا تنها خدا این حق و امتیاز را دارد. تسلیم شدن به این مفهوم است که زن به شوهر خود به عنوان رهبر و سر خانواده احترام می‌گذارد و سعی می‌کند برای او معاون و مونس خوبی باشد و بدین ترتیب از او پیروی کند. زن به عنوان کسی که با شوهرش در یك گروه است، می‌تواند رهبر گروه را از پیشنهادات، ایده‌ها، کمکها و حمایت‌های خود برخوردار سازد. او می‌تواند در مورد موضوعات مختلف با شوهرش صحبت کند و بعد تصمیم‌گیری نهایی را به عهده او بگذارد. زن و شوهر باید در خانواده و جامعه خود به صورت یك گروه دو نفره زندگی و کار کنند.

خلاصه: خدا وظایف عملی و مشخصی را بر عهده شوهران و زنان مسیحی نهاده است. وقتی شوهر آنگونه که خدا می‌خواهد زن خود را محبت و هدایت کند، برای زن دشوار نخواهد بود که به شوهر خود محبت کند، تسلیم او باشد و به رهبری او در خانواده گردن نهد. فرزندان خانواده نیز با نگرستن به نحوه رفتار و برخورد والدین نسبت به یکدیگر است که محبت، رهبری، احترام، و تسلیم و سرسپردگی را به بهترین وجه یاد می‌گیرند.

پ - مراسم ازدواج مسیحی

مقدمه: مراسم ازدواج مسیحی، واقعه‌ای عمومی، اجتماعی و مذهبی است. کتاب مقدس زندگی زن و مرد در کنار هم خارج از ازدواج را محکوم می‌کند. مراسم ازدواج مسیحی به طور عمومی و رسمی به دوران مجرد دو نفر خاتمه داده، نشان می‌دهد که آنها از این پس وارد مرحله جدید از زندگی شده‌اند و رسماً یك زوج مسیحی محسوب می‌شوند. کتاب مقدس در رابطه با مراسم ازدواج مسیحی حقایق زیر را بیان می‌دارد:

۱ - مراسم ازدواج دارای سه عنصر ضروری است:

بخوانید: پیدایش ۲: ۲۴؛ متی ۱۹: ۵-۶؛ افسسیان ۵: ۳۱.

کشف و گفتگو کنید: از نظر عملی، سه عنصر ضروری در مراسم ازدواج دارای چه مفاهیمی است؟
ملاحظات: در متی ۱۹: ۵-۶، عیسی می‌فرماید: "از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش پیبوندند و هر دو یك تن خواهند شد. بنابراین بعد از آن دو نیستند بلکه یك تن هستند. پس آنچه را که خدا پیوست انسان جدا نسازد." خدا این جمله را در زمان خلقت انسان گفت و پولس آن را برای کلیسا تکرار کرد. بنابراین این اصل در کتاب مقدس دارای اهمیت فراوانی است. ازدواج یك واقعه مهم اجتماعی و مذهبی است، زیرا مرد و زن والدین خود را ترک می‌کنند و با هم خانواده جدیدی را تشکیل می‌دهند. سه عنصر ضروری مراسم ازدواج عبارتند از: ترک کردن والدین، پیوستن به یکدیگر و یك تن شدن.

الف) ازدواج یعنی ترک والدین.

وقتی یك زن و مرد اعلام می‌کنند که می‌خواهند با هم ازدواج کنند و در این مسیر برنامه‌ریزی می‌کنند، در واقع آماده می‌شوند که والدین خود را ترک گویند. این مرحله اعلام قصد ازدواج و آماده شدن برای آن را نامزدی می‌نامند. زوجی که نامزد کرده‌اند پس از برگزاری مراسم ازدواج از والدین خود جدا می‌شوند.

(۱) ترک کردن والدین به این معنا است که یك زوج باید از نظر عاطفی نیز با والدین خود وداع گویند. زن و شوهر باید پس از ازدواج یکدیگر را بیشتر از والدین‌شان محبت کنند، و هم‌دیگر را بر والدین خود مقدم بدانند.

(۲) ترک کردن والدین به این مفهوم است که یك زوج دیگر نباید تحت اقتدار والدین خود باشند: افسسیان ۶: ۱-۳ تعلیم می‌دهد که تا زمانی که یك زوج در خانواده خود و تحت نظارت والدین زندگی می‌کنند، باید به والدین خود احترام گذاشته از آنها اطاعت کنند. ولی در افسسیان ۵: ۳۱ می‌خوانیم که وقتی دو نفر با یکدیگر پیمان زناشویی می‌بندند، باید پدر و مادر خود را ترک گویند:

يك زوج پس از ازدواج ديگر موظف به اطاعت از والدين خود نيستند، ولي كماكان بايد در هر امری از خدا اطاعت كنند. البته اين زوج بايد حتى پس از ازدواج نيز به والدين خود احترام بگذارند، ولي احترام گذاشتن آنها به مفهوم اطاعت كردن از والدين نيست. به عنوان مثال، والدين شوهر و والدين زن ديگر اختيار و قدرتی بر فرزندان خود ندارند. به همين ترتيب، مادر شوهر نيز هيچ اختیاری بر عروس خود ندارد.

۳) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگر نبايد از نظر مالی وابسته به والدين خود باشند: زوجی كه ازدواج کرده‌اند بايد از لحاظ مالی خودکفا بوده، امور مالی‌شان را خودشان اداره کنند.

۴) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج بايد از لحاظ روحانی نيز از والدين خود مستقل باشند: اگر والدين اين زوج مسیحی نيستند، آنها ديگر مجبور نيستند اعتقادات و مراسم مذهبی والدينشان را تحمل کنند، بلکه بايد تنها عیسی مسیح خداوند را در خانه‌های خود خدمت نمايند.

۵) ترك كردن والدين به اين مفهوم است كه يك زوج ديگر نبايد از نظر اجتماعی از والدين خود تبعیت کنند: در صورت امکان بهتر است زن و شوهری كه تازه ازدواج کرده‌اند در اتاق يا خانه‌ای جدا از والدين خود زندگی کنند. البته در برخی از فرهنگها جوانان از مدت‌ها قبل از ازدواجشان جهت تحصیل يا کار، از والدين خود جدا می‌شوند. اين عملی اشتباه نيست.

تمامی اين موارد، هم برای والدين زوج و هم برای هر شخص ديگر علامتی است روشن و قابل مشاهده از اينكه زن و شوهر متأهل ديگر به والدين خود متکی نيستند، بلکه زندگی خانوادگی جديد و مستقلی را تشكيل داده‌اند.

ب) ازدواج به مفهوم پيوستن به يکديگر است.

مراسم ازدواج مراسمی است عمومی، اجتماعی و مذهبی، كه طی آن مرد و زن در حضور خدا و مردم با يکديگر عهد بسته، قول می‌دهند كه در طول زندگی مشتركشان نسبت به يکديگر وفادار باشند، تا آنگاه كه مرگ آنها را از هم جدا سازد. در ملاکی ۲: ۱۳-۱۶ خدا می‌فرمايد: "خداوند در میان تو و زوجه جوانی‌ات شاهد است" تا تو عهدهی را كه در زمان ازدواج با همسرت بستی، زیر پا نگذاری. در جريان مراسم ازدواج، خود خداوند مرد و زن را به هم می‌پيوند و به آنها هشدار می‌دهد كه هيچگاه طلاق نگیرند و با اينكار به هم خیانت نورزند. در زمان مراسم ازدواج خانواده‌های عروس و داماد، برادران و خواهران مسیحی و دوستان ديگر شاهد هستند كه اين دو نفر در حضور خداوند با يکديگر عهد بسته‌اند كه از آن پس به صورت يك زوج زندگی کنند. زن و مرد در مراسم ازدواج به هم قول می‌دهند كه يکديگر را محبت کرده، نسبت به هم وفادار باشند و در تمام شرایط زندگی مشترك، يکديگر را كمك کنند.

پ) ازدواج به مفهوم يك تن شدن است.

مراسم ازدواج نقطه شروعی است كه طی آن، زن و شوهر در جوانب مختلف زندگی مشترك خود با يکديگر متحد می‌شوند. آنها بايد از نظر روحانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی با هم متحد شوند. اتحاد جسمانی، نقطه عطف اتحاد زن و شوهر است و از ديده‌گاه خدا، تنها پس از مراسم ازدواج و در چارچوب روابط زوجين مجاز است. خدا از طريق مراسم ازدواج اين موضوع را تأیید می‌كند كه زن و شوهر می‌توانند پس از آن از نظر جنسی با هم متحد شوند. اتحاد جنسی يك زوج تنها زمانی باعث خشنودی خدا است كه در چارچوب ازدواج صورت گیرد. به همين دليل است كه خدا هر نوع رابطه جنسی قبل از ازدواج و خارج از آن را منع می‌كند (عبرانیان ۱۳: ۴). اتحاد جسمانی زمانی لذت‌بخش است كه يك زوج در ابعاد ديگر روابط خود نيز رشد کنند.

۲- مراسم ازدواج، جشنی عمومی، اجتماعی و مذهبی است.

تعليم دهيد: در كتاب مقدس ازدواج هيچگاه امری مخفی و سری نبوده است، بلکه همواره واقعه‌ای عمومی بوده است.

الف) مراسم ازدواج امری خانوادگی بود.

در زمانهای قديم "تعهد و پيمان ازدواج" امری كاملاً خانوادگی بود و عبارت می‌شد از انتخاب طرفين ازدواج (پيدایش ۲۱: ۲۱)، دادن هديه يا پيشکش به خانواده عروس در برخی موارد (پيدایش ۲۹: ۱۸، ۳۴: ۱۲)، و دادن هدايا به عروس و داماد (پيدایش ۲۴: ۵۹، ۶۱، اول پادشاهان ۹: ۱۶).

ب) مراسم ازدواج واقعه‌ای عمومی بود.

برخی از جنبه‌های اين واقعه از اين قرار است: عروس و داماد جامه‌های عروسی می‌پوشيدند (مزمور ۴۵: ۱۳-۱۴). نديمه‌های عروس و دوستان داماد آنها را همراهی می‌کردند (مزمور ۴۵: ۱۴، يوحنا ۳: ۲۹). داماد و دوستانش به خانه عروس می‌رفتند و نديمه‌های عروس به استقبال آنها می‌شتافتند. آنگاه همگی به اتفاق در مراسمی باشکوه از خانه عروس به خانه داماد می‌رفتند، زيرا جشن عروسی بايد در خانه داماد برگزار می‌شد. مهمانان دعوت شده تنها در صورتی اجازه داشتند به اين گروه ملحق شوند كه با خود چراغ قوه يا مشعلی به همراه داشته باشند، زيرا جاده‌ها در شب بسيار تاریک بود (متی ۲۵: ۱-۱۳). جشن عروسی گاه تا يك هفته به طول می‌انجاميد (متی ۲۲: ۱-۱۴، يوحنا ۲: ۱-۱۰، داوران ۱۴: ۱۷). باشکوه‌ترين قسمت مراسم ازدواج، هنگامی بود كه زوج در حضور خدا به عنوان شاهد اصلی، با هم عهد و پيمان می‌بستند (ملاکی ۲: ۱۴، امثال

۵: ۱۷، حزقیال ۱۶: ۸). از آن زمان به بعد، زوجهای مسیحی در طول قرون متمادی مراسم ازدواج را در حضور خدا، و در میان خانواده و دوستان و برادران و خواهران مسیحی‌شان برگزار کرده‌اند.

پ) نقطه عطف ازدواج یا داشتن روابط جنسی، این امر تنها پس از برگزاری مراسم عروسی امکان‌پذیر بود (بیدایش ۲۹: ۲۱-۲۳، تثنیه ۲۲: ۱۳-۲۱؛ عبرانیان ۱۳: ۴).

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعا‌های کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " ازدواج مسیحی " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول تسالونیکیان ۲- ۵ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفطی جدید (یوحنا ۶: ۳۷) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفطی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۸) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگهان، آیات حفطی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۰

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول تسالونیکیان
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تسالونیکیان ۲- ۵) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۶: ۳۷

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۸: ۱- ۵۹
---	--

مقدمه: یوحنا ۸: ۱- ۵۹ توضیح می‌دهد که چگونه عیسی با زنی که در حین زنا گرفتار شده بود ملاقات کرد و از او خواست زندگی گناه‌آلود خود را ترک کند (آیه ۱۱). نیز در این قسمت می‌خوانیم که عیسی خطاب به مردم می‌گوید: "من نور عالم هستم. کسی که مرا متابعت کند، در ظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد."

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۸: ۱- ۵۹ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
---	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

کشف ۱) در یوحنا ۸: ۳۰- ۴۸، در این مورد که ایمانداران به عیسی مسیح می‌توانند به دشمنان او تبدیل شوند، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

ملاحظات:

الف) ایمانداران به مسیح که دشمن او شده‌اند. در یوحنا ۸: ۳۰- ۳۲ می‌خوانیم که بسیاری از یهودیان به عیسی ایمان آوردند. عیسی به آنها گفت که اگر در کلام او بمانند و از احکام او اطاعت کنند، آنوقت است که به راستی شاگرد او خواهند بود و حقیقت آنها را آزاد خواهد ساخت. در این قسمت به وضوح می‌بینیم که آنهایی که به عیسی ایمان آوردند همان کسانی بودند که در آیات بعدی شدیداً با او به مخالفت برخاستند. آنها به زبان با عیسی مخالفت کردند و به او گفتند که تا به حال غلام کسی نبوده‌اند و حرامزاده نیز نیستند (۸: ۳۳، ۴۱). بعلاوه، سخنان زشتی نیز به عیسی نسبت دادند و گفتند که عیسی يك حرامزاده، يك سامری

و شخصی دیورده است (۸: ۴۸). در این قسمت نگرش مردم نسبت به عیسی تغییر می‌کند. در ابتدا مردم نظری مثبت نسبت به او داشتند ولی بعد طرز فکرشان نسبت به او عوض شد و با خشونت با او رفتار کردند.

(ب) تفاوت موجود میان ایمان سطحی و ایمان نجات‌بخش. این قسمت نشان می‌دهد که مردم ممکن است در بدو کار به عیسی ایمان بیاورند، ولی پس از مدتی از ایمان افتاده، لغزش بخورند و حتی دشمن عیسی مسیح شوند. باید در نظر داشت که بین ایمان سطحی و ایمان نجات‌بخش تفاوت عمده‌ای وجود دارد. ایمان سطحی صرفاً یک باور عقلانی است، یعنی شخص باور دارد که برخی حقایق تا مدت زمانی محدود معتبر هستند. ایمان سطحی با هیچ احساس تعهد و وقفی همراه نیست. ولی ایمان نجات‌بخش یا ایمانی که منجر به نجات شخص می‌شود، عبارت است از تسلیم بودن کامل شخص به عیسی مسیح. این ایمان احساسات، اراده و تمام اعمال شخص را در بر می‌گیرد، و متضمن تعهد و سپردگی کامل شخص به عیسی مسیح است. فعل "ایمان آوردن" هر گاه در کتاب مقدس بصورت حال استمراری بکار رود، به ایمانی نجات‌بخش و واقعی اشاره دارد. به عنوان مثال، یوحنا ۳: ۱۶ می‌فرماید: "هر که به او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد". این فعل در یوحنا ۳: ۱۸ نیز در زمان حال بکار رفته است: "هر که به او ایمان آورد محکوم نمی‌شود، ولی هر که ایمان نیاورد، هم اینک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است". (همچنین در یوحنا ۶: ۳۵، ۴۰، ۴۷؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵-۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱۲؛ ۱۷: ۲۰ نیز مراجعه کنید).

بنابراین، برای ما مسیحیان بسیار مهم است که بدانیم کسانی که ایمانی سطحی دارند، نمی‌توانند نجات بیابند و به احتمال زیاد ایمان خود را پس از مدتی از دست خواهند داد. اما کسانی که ایمانی نجات‌بخش دارند، نجات خواهند یافت و هیچگاه لغزش نخواهند خورد، زیرا خود خدا آن عملی را که در زندگی آنها شروع کرده است به کمال خواهد رسانید (فیلیپیان ۱: ۶).

کشف ۲ در یوحنا ۸: ۳۱-۳۶ در رابطه با مفهوم آزادی حقیقی نکته مهمی برای من وجود دارد.
ملاحظات: عیسی در یوحنا ۸: ۳۱-۳۶ می‌فرماید: "اگر شما در کلام من بمانید ... حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد." عیسی در اینجا در مورد مشخصات آزادی واقعی و راههای رسیدن به آن تعلیم می‌دهد.

(الف) آزادی از دیدگاه جهان به این معنا است که شخص آزاد است هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، بسیاری از مردم می‌گویند: آزادی این است که شخص هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد. بر طبق نظر آنها شخص می‌تواند بر زندگی و سرنوشت خود نیز آنگونه که می‌خواهد حاکم باشد. آنها می‌گویند، وقتی شما آزاد هستید، هیچ کس نمی‌تواند به شما حکم کند که به چه چیز ایمان بیاورید یا چه کاری انجام دهید. آنها معتقدند که هیچ محدودیت و مانعی نباید سر راه شخص وجود داشته باشد. هر کس باید برای زندگی خود تصمیم بگیرد. ولی از نظر عیسی، آزادی بر طبق معیارهای این جهان، آزادی واقعی نیست. بلکه چنین آزادی، در حقیقت شخص را اسیر می‌سازد.

(ب) آزادی از دیدگاه یهودیان به این معنا بود که شخص از بت‌پرستی آزاد شود. یهودیان ادعا داشتند که هیچگاه از لحاظ روحانی اسیر و برده کسی نبوده‌اند. منظور آنها این بود که هیچ وقت مانند غیریهودیان اسیر بت‌پرستی نبوده‌اند، بلکه همیشه خدای زنده را خدمت کرده‌اند. به نظر می‌رسد که یهودیان گناهان و سرکشی‌های قوم خود را در زمانهای گذشته به طور کامل به فراموشی سپرده بودند. حتی در زمانی که ادعای روحانی بودن می‌کردند نیز هنوز در گناه زندگی می‌کردند. عیسی می‌فرماید، آزادی آنگونه که یهودیان می‌پندارند، آزادی واقعی نیست. بلکه چنین آزادی در حقیقت اسارت در گناه است. عیسی در رابطه با آزادی از بت‌پرستی صحبت نمی‌کرد، بلکه در مورد آزادی از گناه.

(پ) آزادی از دیدگاه عیسی مسیح، آزادی از گناه است. در یوحنا ۸: ۳۴، عیسی تعلیم می‌دهد که هر که گناه می‌کند، غلام گناه است. عیسی با اعلام این حقیقت بلافاصله تمایز موجود میان یهود و غیریهود را از میان بر می‌دارد. تمام مردم گناه کرده‌اند. بنابراین همه مردم زندگی خود برده گناه هستند. یهودیان با اینکه خدای زنده را می‌شناختند، کماکان به گناهان خود ادامه می‌دادند و این باعث می‌شد گناهان‌شان بیشتر آشکار شود. یک فرد چه یهودی و چه غیریهودی، تا زمانیکه به گناهان خود ادامه دهد و از ارتکاب گناه باز نایستد، اسیر گناه است و فردی آزاد محسوب نمی‌شود.

اسارت گناه دو نتیجه دارد.

(الف) یک برده، اسیر ارباب خود یعنی گناه است، و قادر نیست خود را از این اسارت برهاند.
(ب) یک برده هیچ جایگاه دائمی و ثابتی در خانواده ندارد، زیرا همواره به اربابان دیگر فروخته می‌شود.
اسارت گناه تجربه مایوس‌کننده‌ای است، زیرا شخص قادر نیست خود را از گناه برهاند. اسارت گناه منجر به اسارت‌های بزرگتری می‌شود. اسارت در یک گناه خاص، باعث می‌شود در دام گناهان مختلف دیگری نیز اسیر شویم. به عنوان مثال شخصی که اسیر فساد اخلاقی است، اغلب اسیر تعالیم کاذب روحانی نیز هست.
عیسی تعلیم می‌دهد که شخص تنها زمانی آزادی واقعی پیدا می‌کند که تحت حاکمیت عیسی مسیح باشد. او می‌فرماید: "اگر پسر شما را آزاد سازد، در حقیقت آزاد خواهید بود." بنابراین، هر که تحت حاکمیت عیسی مسیح باشد، از گناه آزاد خواهد بود. ولی

هر که می‌خواهد از عیسی مسیح جدا باشد، کماکان اسیر گناه باقی خواهد ماند. هر که مایل است بر طبق معیارهای این جهان بدون وجود موانع و محدودیتهایی، آزادی داشته باشد، اسیر موانع و محدودیتهای گناهان خود خواهد بود. بنابراین آزادی به این مفهوم نیست که شخص می‌تواند هر کاری دلش می‌خواهد انجام دهد، بلکه به این معنا است که باید کاری را که واجب است انجام دهد. به عبارت دیگر، باید حاضر باشیم کاری را که باید، انجام دهیم. آزادی حقیقی خارج از عیسی مسیح معنا ندارد، بلکه تنها در او یافت می‌شود. تنها زمانی که شما به عیسی مسیح متصل هستید، مایل و قادر خواهید بود کارهایی را که از شما انتظار می‌رود انجام دهید. اگر پسر شما را آزاد سازد، در حقیقت آزاد خواهید بود.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سوالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را پرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۸: ۱-۵۹ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. **در میان بگذارید:** (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد). **گفتگو کنید:** (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سوالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۸: ۲۱-۲۴). منظور عیسی چیست که می‌فرماید، مردم اگر به عیسی ایمان نیاورند در گناهان خود خواهند مرد؟

ملاحظات: در یوحنا ۸: ۲۴، عیسی می‌فرماید: "اگر ایمان نیاورید که من هستم، در گناهان خود خواهید مرد". جمله: من هستم، به این مفهوم است که "من آن کسی هستم که ادعا می‌کنم باشم". نمونه‌هایی که در زیر از عهد عتیق آمده است، برخی از اصطلاحات بنیادین در رابطه با خداوند را بیان می‌کند: در خروج ۳: ۱۴، خداوند می‌فرماید: "هستم آنکه هستم"، که به این مفهوم است: "من بودم، هستم و خواهم بود آن کسی که خود را آنگونه که هست آشکار ساخته است". در تثبیه ۳۲: ۳۹، خداوند می‌فرماید: "من خود، او هستم. خدایی غیر از من نیست." و در اشعیا ۴۳: ۱۰ می‌فرماید: "شما شاهدان من هستید... تا دانسته، به من ایمان بیاورید و بفهمید که من او هستم و پیش از من خدایی مصور نشده و بعد از من هم نخواهد شد". اصطلاحاتی مشابه به‌کرات در انجیل یوحنا نیز بکار رفته است. عیسی در یوحنا ۴: ۲۶ می‌فرماید: "من همان مسیح موعود هستم". در یوحنا ۹: ۹، مردی که قبلاً نابینا بود می‌گوید، "من همان کسی هستم که زمانی نابینا بود و از روی عادت می‌نشست و گدایی می‌کرد". در یوحنا ۱۸: ۵-۸، عیسی می‌فرماید: "من عیسی ناصری هستم". و در یوحنا ۸: ۲۴ می‌فرماید: "من همان کسی هستم که ادعا می‌کنم هستم: کسی که توسط خدای پدر فرستاده شده است، کسی که از بالا است، پسر انسان است، پسر یگانه خدا است و با خدای پدر برابر است؛ کسی که در خود حیات دارد، ماهیت واقعی یا جوهر کتب مقدسه است، نان حیات و نور جهان است، و غیره." هیچ کس نمی‌تواند در قبال عیسی عکس‌العملی خنثی داشته باشد. شما یا به او ایمان دارید یا او را نمی‌پذیرید. هر که به ادعاهای عیسی ایمان نداشته باشد، در گناهان خود خواهد مرد. در اینجا کلمه "مرگ" به مفهوم مرگ جسمانی نیست، بلکه به مفهوم مرگ ابدی است. کسانی که عیسی مسیح را نمی‌پذیرند، در زمان مرگ جسمانی خود از صلح و آرامش بهره‌مند نخواهند شد بلکه ظلمت و ناامیدی را تجربه خواهند کرد. کسی که آنها رد کردند و نپذیرفتند، در زمان نیاز و ناامیدی‌هایشان در کنار آنها نخواهد بود تا به آنها کمک کند. چنین افرادی تنها غضب خدا را تجربه خواهند کرد و به مکان تباهی و نیستی و عذاب جاودانی خواهند رفت که جهنم یا دریاچه آتش نامیده می‌شود. آنها هیچوقت نمی‌توانند به مکانی بروند که عیسی می‌رود و خدای پدر در آنجاست. این مکان بهشت نامیده می‌شود. در آیه ۲۱، گناه یهودیانی که عیسی را رد کردند بطور جمعی بررسی می‌شود و در آیه ۲۴، به طور فردی و جداگانه.

سؤال ۲) (یوحنا ۸: ۳۷-۴۵). چه کسانی فرزندان واقعی ابراهیم هستند؟

ملاحظات:

الف) یهودیان به عنوان يك قوم، فرزندان واقعی ابراهیم نیستند. در آیه ۳۷، عیسی این موضوع را تصدیق می‌کند که یهودیان از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم هستند. ولی در آیه ۳۹ می‌فرماید که اگر یهودیان به راستی از نسل روحانی ابراهیم بودند، اعمال ابراهیم را به جا می‌آوردند. ابراهیم پیام‌آورانی را که از جانب خدا آمده بودند به گرمی پذیرفت، از احکام خدا اطاعت می‌کرد و کاملاً یقین داشت که آنچه که خدا و عده داده است به انجام خواهد رسید. و سرانجام بر طبق آیه ۵۶، ابراهیم شادی می‌کرد از اینکه يك روز مسیح موعود را ببیند (پیدایش ۱۲: ۳؛ ۲۲: ۱۸). اما یهودیان اعمال ابراهیم را به جا نیاوردند، بلکه با پیام‌آور خدا مخالفت کرده، کلام او را نپذیرفتند و در نهایت توطئه چیدند تا او را بکشند.

بنابراین عیسی چنین نتیجه می‌گیرد که معلمین و رهبران مذهبی یهود نه فرزندان ابراهیم، بلکه فرزندان شیطان هستند. شیطان از ابتدای خلقت دروغگو و قاتل بوده است، و حال رهبران و معلمین مذهبی یهود نیز قاتل و دروغگو بودند. بنابراین پدر واقعی آنها شیطان است، زیرا طرز برخورد، سخنان و اعمال آنها گواه این است که پدر واقعی آنها چه کسی است.

ب) تمام مسیحیان از ملل مختلف دنیا، از جمله از بین یهودیان، فرزندان واقعی ابراهیم هستند. پولس رسول تعلیم می‌دهد که ابراهیم پدر ایمانداران است (رومیان ۴: ۱۱-۱۶). او تعلیم می‌دهد که برکات و وعده‌های خدا نه به کسانی که از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم بودند، بلکه تنها به یک نفر از نسل او داده شد که همانا عیسی مسیح است (غلاطیان ۳: ۱۴-۲۹). بنابراین هر که به عیسی مسیح تعلق دارد، فرزند ابراهیم نیز محسوب می‌شود. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که چون از لحاظ جسمانی از نسل ابراهیم است، برتر از دیگران می‌باشد. بلکه هر که به عیسی مسیح ایمان داشته باشد، از نسل واقعی ابراهیم است.

سؤال ۳) (یوحنا ۸: ۵۱). منظور عیسی چیست که می‌گوید: "اگر کسی کلام مرا نگاه دارد، مرگ را تا به ابد نخواهد دید".
ملاحظات: نگاه داشتن کلام خدا بدین معنا است که آن را با ایمان بپذیریم، از آن اطاعت کنیم و آن را طوری حفظ کنیم که هیچ کس نتواند آن را از ما بگیرد. بنابراین منظور از این آیه این نیست که تنها یک بار از کلام خدا اطاعت کنیم، بلکه منظور تداوم در اطاعت از کلام خدا است. کسانی که تنها یک بار خود را وقف عیسی می‌سازند او را خشنود نمی‌کنند، بلکه او ایماندارانی را جدی می‌گیرد که همواره خود را وقف و تسلیم انجام اراده خدا می‌کنند.
عیسی وعده می‌دهد که افرادی که کلام او را نگاه دارند، مرگ را تا به ابد نخواهند دید. اما یهودیان باز متوجه نشدند که عیسی در مورد مرگ روحانی صحبت می‌کند. آنها تمام سخنان عیسی را به طور تحت‌اللفظی برداشت می‌کردند و به همین جهت تعالیم او را درک نمی‌کردند. افکار آنها تنها معطوف مرگ جسمانی بود. و حال آنکه عیسی در مورد مرگی بس هولناک‌تر از آنچه یهودیان فکر می‌کردند، صحبت می‌کرد. او در مورد مرگ روحانی و عدم ارتباط با خدا صحبت می‌کرد. او در مورد جدایی از حضور پر محبت خدا و تجربه غضب و محکومیت ابدی صحبت می‌کرد (نوم تسالونیکیان ۱: ۸-۹). عیسی وعده داد که اگر کسی کلام او را نگاه دارد، هیچ وقت از حضور پر مهر و محبت خدا دور نخواهد شد و هیچ وقت غضب و محکومیت او را تجربه نخواهد کرد.

سؤال ۴) (یوحنا ۸: ۵۶). چگونه ابراهیم روز عیسی مسیح را دید؟
ملاحظات: در یوحنا ۸: ۵۶، عیسی می‌فرماید، "ابراهیم شادی می‌کرد که روز مرا ببیند؛ و آن را دید و شادمان گردید". این آیه به این مفهوم نیست که ابراهیم برآستی عیسی مسیح را دید، بلکه می‌فرماید: او روز عیسی مسیح را دید. وقتی خدا به ابراهیم وعده داد که به او پسری خواهد بخشید، ابراهیم شادی بسیار نمود. او به مدت ۲۵ سال به وعده خدا ایمان داشت و در نهایت پسر او بدنیا آمد. او پسرش را اسحق نامید که به مفهوم خنده است. وعده تولد یک پسر و تحقق این وعده برای ابراهیم فوق‌العاده حائز اهمیت بود و معنا و مفهوم بخصوصی داشت. خدا در پیدایش ۱۲: ۳، ۷ و ۲۲: ۱۸ به ابراهیم وعده داد: "از نسل تو تمام قبایل جهان برکت خواهند یافت". بنابراین نه تنها شادی گزرای داشتن پسر، بلکه برکات روحانی ناشی از آن که تمام مردم جهان را شامل می‌شد، همگی به حضور این پسر بستگی داشت. تمام خانواده‌های جهان توسط کسی که از نسل پسر او بود، برکت می‌یافتند. ابراهیم متوجه شد که این شخص، همان مسیح موعود است که امید بشر و تنها نجات دهنده جهان است. عبرانیان ۱۱: ۴-۱۳ می‌فرماید که ابراهیم، و حتی قبل از او، هابیل، خنوخ و نوح، هیچ یک آن برکاتی را که به آنها وعده داده شده بود دریافت نکردند. آنها آن برکات را تنها با چشم ایمان دیدند و در آن شادی و وجد نمودند. اینگونه بود که ابراهیم روز مسیح موعود را دید. او عیسی مسیح را با ایمان دید و پیشاپیش در این حقیقت شادی کرد.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۸: ۱-۵۹ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۸

- ۸: ۳-۵ * زنا بدون شك گناه بزرگی است. بر طبق شریعت عهد عتیق، مجازات مردان و زنانی که در حین زنا گرفتار می‌شدند مرگ بود. از طرف دیگر عیسی مسیح به عنوان قربانی گناهان بشر کفاره شد. اگر کسی به راستی در حضور عیسی مسیح به گناه خود اعتراف کند و از آن توبه نماید، عیسی او را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد (اول یوحنا ۱: ۹). با این وجود، حتی امروزه نیز برخی از معلمین و رهبران مذهبی تنها به فکر این هستند که کسانی را که بر طبق احکام و قوانین مذهبی خود ساخته آنها عمل نمی‌کنند، دستگیر کنند و بکشند. آنها اینکار را به دلیل عدم شناخت‌شان از عیسی مسیح و عدم آگاهی از تعلیم عهد جدید در مورد فیض، انجام می‌دهند. اینگونه افراد کماکان تحت شریعت عهد عتیق زندگی می‌کنند. بنابراین همواره شریعت عهد عتیق را در پرتو تعالیم عهد جدید و ظهور مسیح موعود تعبیر کنید.

- ۸: ۶ * برخی از مردم از شما سوالاتی می‌کنند تا بدین وسیله شما را غافلگیر سازند و بهانه‌ای پیدا کنند تا در برابر قدرتهای مذهبی و مدنی به شما اتهام بزنند. شما مجبور نیستید به تمام سوالات آنها پاسخ دهید. گاهی سکوت بهترین پاسخ است.
- ۸: ۷ * ولی در برخی مواقع لازم است پاسخی داد که فرد مقابل را به فکر فرو ببرد. و عیسی چنین پاسخی داد: "از میان شما هر آن کس که بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند." این حقیقت که هیچ کس به سوی آن زن سنگ پرتاب نکرد، ثابت می‌کرد که همه کسانی که آنجا بودند در مرحله‌ای از زندگی‌شان مرتکب گناه زنا شده بودند. متی ۵: ۲۷ - ۳۰ را مطالعه کنید. "سعی کن قبل از اینکه پرکاهی را که در چشم دیگری هست بیرون آوری، چوبی را که در چشم خود داری، در آوری" (لوقا ۶: ۴۱ - ۴۲).
- ۸: ۱۱ * پس از دریافت بخشش گناهان از عیسی مسیح، دیگر به زندگی گناه آلود خود ادامه ندهید. امثال ۲۸: ۱۳ را بخوانید.
- ۸: ۱۲ * از عیسی مسیح پیروی کنید، در آن صورت همواره از نور نجات، خوشی، تازگی و برکات روحانی بهره‌مند خواهید شد.
- ۸: ۱۵ * داوری نکنید. داوری کردن وظیفه عیسی مسیح است (یوحنا ۵: ۲۲). عیسی نیامد تا جهان را به خاطر گناهان داوری کند، زیرا جهان هم اینک تحت محکومیت می‌باشد. عیسی آمده است تا مردمی را که در جهان گمشده و تحت محکومیت هستند نجات دهد (یوحنا ۳: ۱۷ - ۱۸). او نیامد تا مردم را با معیارهای انسانی داوری کند (یوحنا ۸: ۱۵؛ متی ۷: ۱ - ۲)، اگر چه در رابطه با داوری رهبران و معلمین مذهبی یهود سخنان بسیار می‌توان گفت (یوحنا ۸: ۲۶). عیسی آمده است تا مردمی را داوری کند که فکر می‌کنند گناهکار نیستند و خود را افرادی عادل می‌پندارند (یوحنا ۹: ۳۹).
- ۸: ۳۱ * از تعالیم عیسی اطاعت کنید، زیرا اینکار نشان می‌دهد که برآستی شاگرد عیسی مسیح هستید.
- ۸: ۳۲ * از تعالیم عیسی اطاعت کنید، و آنگاه حقیقت شما را آزاد خواهد کرد.
- ۸: ۴۲ * عیسی مسیح را محبت کنید، زیرا با اینکار نشان می‌دهید که خدا پدر شماست.
- ۸: ۴۴ * کسانی که به دروغ‌گویی ادامه داده و دیگران را در دنیا به قتل میرسانند، شیطان را به عنوان پدر خود انتخاب کرده اند و قطعاً خدا پدر ایشان نیست.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

(الف) من می‌خواهم از این موضوع مطمئن شوم که ایمان من به عیسی ایمانی واقعی و ماندگار است، نه ایمانی سطحی و گذرا. من هر وقت کتاب مقدس را مطالعه یا بررسی می‌کنم، نمی‌خواهم حقایق آن را صرفاً به طور عقلانی باور کنم، بلکه می‌خواهم تمام زندگی خود را وقف این حقایق سازم. می‌خواهم دعا کنم که روح القدس مرا کمک کند تا با تمام وجود خود را وقف حقایق کلام خدا نمایم.

(ب) من می‌خواهم در آزادی واقعی زندگی کنم، نه در آزادی بر طبق معیارهای این دنیا. آن نوع آزادی که مردم این دنیا مدعی آن هستند، آزادی بی‌قید و بند است. آنها می‌خواهند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند و حاضر نیستند کارهایی را که از آنها انتظار می‌رود انجام دهند. من می‌خواهم تصمیم بگیرم هر روز آن اعمالی را به جا آورم که خدا از من انتظار دارد. این آزادی حقیقی است. من می‌خواهم کتاب مقدس را بررسی کنم و بر اساس تعالیم آن زندگی نمایم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۸: ۱ - ۵۹ آشکار کرده است، دعا کنیم.
 (در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای شفاعت	

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " انجیل یوحنا فصل ۸ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم تسالونیکیان ۱-۳ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۷: ۳۸) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۱

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم تسالونیکیان
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم تسالونیکیان ۱-۳) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید). به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۷: ۳۸

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) تدفین مسیحی
---	---------------------------------

مقدمه: این تعلیم در رابطه با تدفین مسیحی است. در این درس خواهیم آموخت که کتاب مقدس در رابطه با مرگ، حیات پس از مرگ، مراسم دفن و قیامت مردگان چه تعلیمی می‌دهد.

الف - ماهیت مرگ جسمانی

مقدمه: مردم در مورد ماهیت مرگ جسمانی دیدگاه‌های مختلفی دارند. (۱) برخی از مردم مرگ را واقعه‌ای طبیعی برای انسان می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا و ابدی بودن روح انسان ایمان ندارند و فکر می‌کنند مرگ فقط یک واقعه غیر قابل توضیح یا بسادگی پایان حیات انسان است. مرگ در نظر این افراد لزوماً واقعه‌ای هولناک و مهیب نیست. (۲) برخی دیگر مرگ را واقعه‌ای غیرطبیعی می‌پندارند. این گونه افراد معمولاً به خدا ایمان دارند و معتقدند که انسانها را خدا خلق کرده است. ولی در مورد ماهیت بشر در زمان خلقت دارای عقاید مختلفی هستند و به همین جهت در مورد ماهیت مرگ نیز دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی فانی خلق شد. این عده می‌گویند که انسان از آنجا که مرتکب گناه شد، نتوانست به درجه والای غیرفانی ارتقا یابد. مرگ جسمانی نوعی تداوم وضعیت فانی بشر است که از همان ابتدا دچار آن شد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که انسان موجودی غیرفانی خلق شده بود، ولی وقتی مرتکب گناه شد، امکان نامیرایی و جاودانگی را از دست داد، و مرگ جسمانی مجازات ناطاعتی او است.

۱- ماهیت مرگ.

الف) خدا انسان را موجودی جاودانه و غیرفانی خلق کرد. بخوانید: پیدایش ۱: ۲۷؛ جامعه ۳: ۱۱؛ پیدایش ۲: ۱۵-۱۷. کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب مقدس، انسان پس از خلقت و قبل از آنکه مرتکب گناه شود، دارای چه ماهیتی بود؟

ملاحظات: خدا اولین انسانها یعنی آدم و حوا را موجوداتی فانی خلق نکرد، بلکه آنها به شباهت خدا خلق شده بودند و در این خلقت کامل، فنا و تباهی جایی نداشت. خدا بهنگام آفریدن آنها، جاودانگی و ابدیت را در قلوبشان قرار داده بود. هم بدنها و هم روحهای آنها نامیرا و غیرفانی خلق شده بود.

ب) مرگ جسمانی مجازات خدا برای گناه است.

بخوانید: پیدایش ۳: ۱۷-۱۹؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ متی ۱۰: ۲۸؛ ۲۵: ۴۶؛ مکاشفه ۲۱: ۸.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق مکاشفه خدا در کتاب مقدس، انسان پس از سقوط در گناه چگونه ماهیتی پیدا کرد؟

ملاحظات: پس از سقوط انسانها در گناه، بدنهای آنها فانی شد. بدنهای آنها پس از مرگ، فاسد شده به خاک باز می‌گردد. ولی اگر چه بدن آنها می‌میرد، جان‌شان از بین نمی‌رود. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای تمام مردم، خدا بدن و جانهای بی‌ایمانان و مردم شریر را در جهنم از بین می‌برد. کلمه نابودی در اینجا به معنای عدم یا نیست شدن بدن و جانهای شریران نیست، زیرا نابودی آنها در جهنم مجازاتی ابدی خوانده شده است. بنابراین بر طبق کتاب مقدس، مرگ جسمانی مجازات خدا است بخاطر ناطاعتی مردم از او.

ب) مرگ جسمانی واقعه‌ای طبیعی نیست.

بخوانید: مزمور ۹۰: ۷-۱۱؛ رومیان ۱: ۳۲؛ ۵: ۱۶؛ غلاطیان ۳: ۱۳.

کشف و گفتگو کنید: آیا مرگ در این آیات به عنوان واقعه‌ای طبیعی توصیف شده است یا به عنوان يك مجازات؟

ملاحظات: در کتاب مقدس، مرگ واقعه‌ای طبیعی برای انسان خوانده نشده است، بلکه جلوه‌ای است از خشم الهی (مزمور ۹: ۷-۱۱)، دوری خدا (رومیان ۱: ۳۲)، يك محکومیت (رومیان ۵: ۱۶) و بلا و مصیبت (غلاطیان ۳: ۱۳).

ت) مرگ جسمانی انسانها بنا به دلیلی موجه به تأخیر افکنده شده است.

بخوانید: پیدایش ۲: ۱۷؛ اعمال ۱۴: ۱۵-۱۷؛ رومیان ۳: ۲۵-۲۶؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ دوم پطرس ۳: ۷-۹.

کشف و گفتگو کنید: چرا خدا انسان را بلافاصله پس از آنکه در گناه سقوط کرد، دچار مرگ جسمانی نکرد؟

ملاحظات: اگر خدا صرفاً خدایی عادل بود ولی نه خدای محبت، به احتمال زیاد انسان را بلافاصله پس از سقوط در گناه می‌کشت. ولی او از آنجا که در عین عادل بودن، خدای رحیم و فیاضی نیز هست، نسبت به مخلوقات خود صبور است. او بواسطه فیض همگانی خود نسبت به مخلوقاتش، پیوسته عملکرد گناه و مرگ را در این جهان مهار کرده و می‌کنند. او نمی‌خواهد مردم هلاک شوند، بلکه مایل است آنها توبه کنند. او مرگ را بواسطه فیضش به توسط عیسی مسیح نابود می‌کند و حیات و زندگی جاودان را به انسانها عطا می‌نماید. تمام کسانی که با ایمان پیغام انجیل را بپذیرند، در پیروزی عیسی بر مرگ جسمانی بدنهایشان و نابودی ابدی بدن و جانهایشان در جهنم سهیم خواهند شد.

خلاصه: مرگ جسمانی جزو طبیعتی که خدا در آغاز خلق کرد نبود، بلکه به عنوان مجازات گناه وارد خلقت خدا شد. از آن زمان به بعد، کسانی که خدا را نمی‌شناسند مرگ جسمانی را واقعه‌ای طبیعی پنداشته‌اند. ولی آنانی که به مکاشفه خدا در کتاب مقدس ایمان دارند، می‌دانند که مرگ جسمانی واقعه‌ای غیرطبیعی است و مجازات خدا است بخاطر گناه.

۲- طبیعت انسان.

مقدمه: مردم در مورد طبیعت انسان دیدگاههای متفاوتی دارند. برخی معتقدند که انسان متشکل از برخی عناصر فیزیکی و شیمیایی است و دارای جان نمی‌باشد. برخی دیگر معتقدند که انسان تنها دارای طبیعت فیزیکی نیست، بلکه بدن و جان نیز دارد. برخی بدن را پدیده‌ای جسمانی و جان را پدیده‌ای روحانی می‌دانند و می‌گویند جان انسان در بدن او محصور و زندانی است و در زمان مرگ بدن انسان، جان او از این زندان خلاصی می‌یابد. این عده، جان را عامل اصلی حیات انسان می‌پندارند و معتقدند که بدن جسمانی، ناپاک و شریر است. این دیدگاه در میان فرهنگهای قدیمی غرب (یونان) و شرق (هندوستان) متداول بوده است. ولی مکاشفه خدا در کتاب مقدس از این دیدگاه حمایت نمی‌کند.

الف) جهان خلقت و بدنهای جسمانی ما هیچگاه پلید خوانده نشده‌اند.

کشف و گفتگو کنید: نظر کتاب مقدس درباره بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، چیست؟

بخوانید: رومیان ۸: ۱۹-۲۲؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹؛ اعمال ۳: ۲۱.

ملاحظات: مطابق مکاشفه خدا در کتاب مقدس، بدنهای جسمانی مسیحیان و خلقت فیزیکی بطور کل، هیچگاه شریر و بد محسوب نمی‌شود. هنگامی که انسان در گناه سقوط کرد، مرگ جسمانی وارد خلقت خدا شد. به همین جهت مردم، حیوانات، درختان، گیاهان و سایر مخلوقات همگی می‌میرند. ولی این حقیقت که بدنهای جسمانی انسانها می‌میرند و مخلوقات دیگر نیز روزی از بین می‌روند، بدین معنا نیست که خلقت فیزیکی خدا و بدنهای مردم بخودی خود پلید هستند. با سقوط بشر در گناه، تمام خلقت در معرض تباهی و فساد قرار گرفته است. در زمان بازگشت عیسی مسیح، بدنهای جسمانی مردم قیام خواهد کرد و تمام جهان فیزیکی احیا خواهد شد.

ب) انسان از جان و بدن تشکیل شده است.

بخوانید: مرقس ۱۲: ۳۰؛ اول قرنتیان ۳: ۱۶-۱۷؛ ۶: ۱۹-۲۰؛ رومیان ۶: ۱۲-۱۳، ۱۹؛ دوم پطرس ۳: ۱۰-۱۴.

ملاحظات: و اما تا قبل از بازگشت مسیح، خدا می‌خواهد که تمام مسیحیان در بدنهای فانی کنونی خود، زندگی مقدس و خدایسندانه‌ای داشته باشند. پس از بازگشت مسیح و قیامت بدنهای مردم، بدنهای جسمانی آنها نیز غیرفانی خواهد شد. بنابراین

بر طبق کتاب مقدس، هم بدن و هم روح انسان دارای اهمیت زیادی است. انسان مطابق کلام خدا دارای جان و روح است. يك مسیحی در طول حیاتش بر روی زمین، نباید در فکر خود و در زندگی روزانه‌اش بین بدن و جان خود تمایز قائل شود. تا زمانی که انسان روی این زمین زیست می‌کند، جان و روحش از هم جدایی‌ناپذیرند. خدا مسیحیان را دعوت می‌کند تا او را توسط بدن و جانهای خود جلال دهند.

(ب) اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ، از طریق جان یا روحش بیان می‌شود.
بخوانید: - پیدایش ۲: ۷؛ مزمور ۳۱: ۹؛ ۶۳: ۱؛ متی ۶: ۲۵-۲۷؛ ۱۶: ۲۵-۲۶؛ مکاشفه ۱۸: ۱۳؛ ایوب ۳۴: ۱۴-۱۵؛ مزمور ۳۱: ۵؛ حزقیال ۳۶: ۲۶؛ لوقا ۸: ۵۵؛ لوقا ۲۳: ۴۶؛ رومیان ۸: ۱۰؛ اول قرنثیان ۷: ۳۴؛ دوم قرنثیان ۷: ۱؛ یعقوب ۲: ۲۶.

کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس اصل وجود حیات در انسان را تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او در قالب یکی از کلمات زیر بیان گشته است:
(۱) کلمه "جان" (به زبان عبری: nefesh، و به زبان یونانی: psyche)، که به معنای "حیات" نیز ترجمه شده است.
(۲) کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب مقدس از هر دو کلمه به منظور توصیف اصل حیات در انسان تا قبل از مرگ جسمانی او، استفاده می‌کند.

(ت) اصل حیات در انسان در دوران پس از مرگ، از طریق جان یا روح بیان می‌شود.
بخوانید: مکاشفه ۶: ۹؛ ۲۰: ۴؛ جامعه ۱۲: ۷؛ اشعیا ۲۶: ۱۴؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳.
کشف و گفتگو کنید: کتاب مقدس اصل حیات جدای از بدن را پس از مرگ جسمانی انسان در قالب چه کلماتی بیان کرده است؟
ملاحظات: پس از مرگ جسمانی، حیات انسان جدای از بدنش توسط یکی از کلمات زیر بیان شده است:
کلمه "جان" (به زبان یونانی: psyche) یا کلمه "روح" (به زبان عبری: ruach، و به زبان یونانی: pneuma).
بنابراین کتاب مقدس از هر دو کلمه جهت توصیف موجودیت و حیات انسان پس از مرگ جسمانی او استفاده می‌کند.

۳- سرنوشت انسان پس از مرگ.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ انسان چه اتفاقی برای بدن و جانش می‌افتد؟ بدن و روح یا جان انسان پس از مرگ به کجا می‌روند؟ آیا پس از مرگ، جانها یا روحهای مردم همه به يك مکان واحد می‌روند؟

(الف) موجودیت انسان جدای از بدنش، موجودیتی ابدی است.
بخوانید: جامعه ۳: ۱۱.

ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که روح یا جان انسان ابدی است، ولی بدن جسمانی کنونی او موقتی و فانی می‌باشد.

(ب) پس از مرگ، بدنهای تمام مردم به خاک بازمی‌گردد.
بخوانید: پیدایش ۲: ۷؛ ۳: ۱۹؛ جامعه ۹: ۱-۱۲؛ اشعیا ۶۳: ۱۶.
ملاحظات: بدن انسان از "خاک" روی زمین است. وقتی انسان می‌میرد، بدن او از روح یا جان جدا می‌شود. بدنش به زمینی که از آن آمده باز می‌گردد و در قبر گذاشته می‌شود (یا تبدیل به خاکستر می‌شود). انسان از خاک سرشته شده است و به خاک نیز بازمی‌گردد. بر طبق جامعه فصل ۹، انسان بهنگام مرگ دیگر در هیچ يك از اموری که در زیر آفتاب بر روی زمین اتفاق می‌افتد، سهمی نخواهد داشت. انسان در حالت مرگ نمی‌تواند معلومات گردآوری کند و یا به کار و برنامه‌ریزی بپردازد. انسان در حالت مرگ دیگر نفوذی بر دنیای کنونی ندارد. مطابق اشعیا ۶۳: ۱۶، انسان در حالت مرگ از روابط خانوادگی خود آگاه نیست.

(پ) روح یا جان يك شخص عادل در زمان مرگ بدن، به آسمان می‌رود.
بخوانید: جامعه ۱۲: ۷؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ مکاشفه ۶: ۹-۱۱؛ ۲۱: ۹-۱۰.
ملاحظات: هر چند بدن انسان پس از مرگ به خاک بازمی‌گردد، اما جان یا روح شخص ایماندار به نزد خدا در آسمان بازمی‌گردد. تنها روح یا جان مردم عادل یعنی مسیحیان، در آسمان خواهد بود. در عبرانیان فصل ۱۲، کلیسای مسیح در آسمان "اورشليم جديد یا آسمانی" یا "شهر خدا" نامیده شده است. روح یا جان مسیحیان در آنجا کامل خواهد بود، حضور خدای تثلیث را تجربه خواهد کرد و در معیت فرشتگان بی‌شمار بسر خواهد برد. روح یا جان مسیحیانی که در زمان حیاتشان بر زمین رنج کشیده‌اند، در آسمان از آرامشی خاص برخوردار خواهد شد.

(ت) روح یا جان شخص گناهکار در زمان مرگ به جهنم می‌رود.
بخوانید: لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱؛ مرقس ۹: ۴۲-۴۸.
ملاحظات: روح یا جان مردمان گناهکار که غیر مسیحیان هستند به آسمان نمی‌روند، بلکه به مکان رنج و عذاب دائمی که جهنم نامیده می‌شود منتقل خواهد گردید.

خلاصه: مرگ جسمانی عبارت است از جدایی بدن از روح یا جان انسان.

۴- مرگ مسیحیان.

کشف و گفتگو کنید: اگر مسیح به جای مسیحیان رنج کشید و مرد، چرا آنها باید رنج بکشند و بمیرند؟

(الف) مرگ جسمانی مسیحیان دیگر در حکم مجازات نیست.

بخوانید: مزمو ۱۱۶: ۱۵؛ رومیان ۶: ۲۳؛ اول قرنتیان ۱۵: ۵۶؛ رومیان ۳: ۲۳-۲۶؛ ۵: ۶-۱۰؛ عبرانیان ۹: ۲۴-۲۶. **ملاحظات:** برای غیر مسیحیان، مرگ مجازاتی است بخاطر گناهانشان (رومیان ۶: ۲۳). ولی برای مسیحیان، مرگ دیگر مجازات گناه نیست (مزمو ۱۱۶: ۱۵). مرگ جسمانی کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند، دیگر در حکم مجازات گناهانشان نیست، زیرا قربانی کفاره‌ای مسیح بر صلیب، خشم عادلانه خدا را بخاطر گناهانشان فرونشاند است. مرگ مسیح، مجازات عادلانه خدا به خاطر گناهان ایمانداران را کفاره داده است. بنابراین ایمانداران بطور قطع عادل گشته‌اند یا به مفهوم دیگر، گناهانشان بخشیده شده است و مرگ جسمانی آنها، دیگر مجازاتی برای گناهانشان محسوب نمی‌شود.

(ب) مرگ جسمانی مسیحیان وسیله خدا است جهت تقدیس آنها.

بخوانید: مزمو ۴۹: ۵-۱۰، ۱۵-۱۷؛ ۸۹: ۴۷-۴۸؛ امثال ۱۴: ۱۲، ۲۷؛ ۲۱: ۲۵؛ رومیان ۱: ۲۸-۳۲؛ اول یوحنا ۲: ۱۵-۱۷؛ رومیان ۸: ۱۷؛ دوم قرنتیان ۴: ۷-۱۱؛ عبرانیان ۴: ۱۵؛ ۵: ۷-۱۰؛ اول پطرس ۴: ۱۲-۱۴. **ملاحظات:** رنجها و مرگ جسمانی مسیحیان، وسیله‌ای است که خدا از این طریق آنان را تقدیس می‌سازد. اگرچه عیسی مسیح هیچوقت گناه نکرد، اما بی‌تردید با تمام وسوسه‌ها و رنجهای زمینی مواجه شد. رنجها و جفاهایی که عیسی مسیح با آنها مواجه شد، وسیله‌ای بود برای کامل کردن طبیعت ضعیف انسانی او. به همین ترتیب، مسیحیان نیز با اینکه مرتکب گناه می‌شوند، رنجها و سختیهای مختلف آنها را فروتن می‌سازد و آنان را در برابر شهوات جسمانی و امور دنیوی مقاوم ساخته، افکار روحانی را در آنها تقویت می‌کند. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که هدف از رنجهای مسیحیان بر روی زمین این است که زندگی جدید و مقدس عیسی مسیح در بدنهای آنها در زمان حاضر، و به طور دائمی در آسمان، آشکار شود.

(پ) مرگ جسمانی مسیحیان، اوج تقدیس آنها و آغازگر زندگی کامل آنان است.

بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۵۰؛ عبرانیان ۱۲: ۲۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۷.

ملاحظات: مرگ جسمانی پایان تمام رنج و سختیهای است که مسیحیان با آن مواجه شده‌اند. اول قرنتیان ۱۵: ۵۰ می‌فرماید: "جسم و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود، و آنچه فساد پذیر است، وارث فساد ناپذیری نمی‌تواند شد." بدنهای فعلی مسیحیان هنوز در معرض طبیعت گناهکار، ضعف و ناتوانی و مرگ قرار دارد. این بدنها نمی‌توانند وارث ملکوت خدا شوند. به عبارت دیگر، نمی‌توانند وارد آسمان شوند. به همین دلیل است که بدنهای فعلی مسیحیان باید بمیرد و تبدیل شود. درست همانگونه که مسیح از طریق رنجهای زمینی و مرگ جسمانی وارد جلال خود شد، مسیحیان نیز تنها از طریق سختیها و مرگ جسمانی وارد حضور ابدی خدا می‌شوند. مرگ جسمانی، روند تقدیس جانها یا روحهای آنها را به کمال می‌رساند و آنها به انسانهایی عادل با روحهایی تکامل یافته مبدل می‌گردند. مرگ جسمانی به حیات مسیحیان خاتمه نمی‌دهد، بلکه آغاز حیات کامل آنها است: نخست در آسمان و بعد در زمین جدید.

(ت) برای مسیحیان، امید قیامت ایشان جای ترس از مرگ جسمانی را گرفته است.

بخوانید: اعمال ۲: ۲۴؛ عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵

ملاحظات: رنجهای زمینی و مرگ جسمانی که مسیحیان با آنها مواجه می‌شوند، دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان. مسیح با مرگ و قیامت از مردگان، از عذاب مرگ خلاصی یافت و مسیحیان را نیز از اسارت ترس از مرگ خلاصی داده است، بطوریکه آنان به جای ترس از مرگ، حال به قیامت بدنهایشان امید دارند. این امید پویا بخشی از مرحله تقدیس شدن مسیحیان است.

ب - پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟

۱- وضعیت مسیحیان و غیر مسیحیان در مرحله بین مرگ و قیامت.

کشف و گفتگو کنید: پس از مرگ، جانهای گناهکاران و عادلان به کجا می‌روند؟

(الف) جان شخص گناهکار پس از مرگ جسمانی به جهنم می‌رود.

بخوانید: متی ۲۵: ۴۶؛ لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳؛ دوم پطرس ۲: ۴-۱۰؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۶-۱۰.

ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که وقتی شخصی گناهکار یا کسی که توسط عیسی مسیح عادل نشده است می‌میرد، جان یا روح او از بدنش جدا می‌شود و بلافاصله وارد جهنم خواهد شد. لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳ تعلیم می‌دهد که شخص گناهکار پس از مرگ بلافاصله به جهنم که مکان عذاب و رنج دائمی است می‌رود. پطرس رسول نیز تعلیم می‌دهد که گناهکاران پس از مرگ تا زمان داوری نهایی کماکان مجازات خواهند شد. هم عیسی و هم پولس رسول تعلیم می‌دهند که در روز داوری، مردم گناهکار وارد مجازات ابدی شده، از حضور خداوند دور می‌شوند.

(ب) **جان شخص عادل پس از مرگ جسمانی به بهشت می‌رود.**

بخوانید: لوقا ۲۳: ۴۳؛ دوم قرن‌تینان ۵: ۸؛ فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۳؛ عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴؛ رومیان ۸: ۳۵-۳۹.

ملاحظات: در زمان مرگ یک شخص عادل، یا شخصی که توسط عیسی مسیح عادل شمرده شده است، جان یا روح او از بدنش جدا شده، وارد حضور عیسی مسیح می‌شود. در لوقا ۱۶: ۲۲ می‌خوانیم که پس از مرگ شخص فقیری که در نظر خدا عادل محسوب می‌شد، فرشتگان بلافاصله او را به آغوش ابراهیم بردند. در لوقا ۲۳: ۴۳ نیز می‌خوانیم که عیسی به دزد توبه‌کار می‌گوید که پس از مرگ بلافاصله وارد فردوس خواهد شد تا با او باشد. ۲ قرن‌تینان ۵: ۸ تعلیم می‌دهد: "غربت مسیحیان از بدنشان" به معنای "منزل گرفتن در نزد خداوند" است. فیلیپیان ۱: ۲۱-۲۳ تعلیم می‌دهد: "رحلت از این جهان" به مفهوم "بودن با مسیح" است. در عبرانیان ۱۲: ۲۲-۲۴ نیز بودن یا حضور یک فرد ایماندار در آسمان به طرق زیر توصیف شده است: "رفتن به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته"؛ "رفتن به کلیسای نخست‌ادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است"؛ "رفتن به حضور خدایی که داور همه آدمیان است"؛ "رفتن نزد عیسی که بانی عهدی جدید است"؛ و "رفتن به نزد جانهای عادلان". و سرانجام رومیان ۸: ۳۵-۳۹ تعلیم می‌دهد که مرگ جسمانی هیچ وقت نمی‌تواند یک فرد مسیحی را از خدا و محبت او جدا سازد.

۲- وضعیت جانهای مسیحیان در آسمان.

کشف و گفتگو کنید: روح مسیحیان در آسمان به چه کاری مشغول خواهد بود و چه چیزی را تجربه خواهد کرد؟

ملاحظات: در مرحله بین مرگ و قیام مسیحیان، بدنهای آنها در قبر خواهد بود، اما جان یا روحشان در آسمان بسر خواهد برد. روح یا جان آنها کاملاً در آسمان فعال و هوشیار خواهد بود.

(الف) **دیدن.**

بخوانید: یوحنا ۱۴: ۱-۴؛ ۱۷: ۲۴. وقتی مسیحیان از نظر جسمانی می‌میرند، جانهای آنها در حضور مسیح خواهد بود و جلال او را خواهند دید. به عبارت دیگر، محبت و رحمت، قدوسیت، عدالت، مهربانی، حکمت و سایر خصوصیات خدا را تجربه خواهند کرد.

(ب) **استراحت یا آرام گرفتن.**

بخوانید: عبرانیان ۴: ۹-۱۱؛ مکاشفه ۷: ۱۶-۱۷؛ ۱۴: ۱۳. جانهای ایمانداران از زحمات، مشکلات، نگرانیها، بیماریها، دردها، رنجها، ترسها، گناهان و غمهایی که در طول زندگی بر این زمین تجربه کرده‌اند، آرامی خواهد یافت و آنان دیگر هیچ وقت رنج نخواهند کشید.

(پ) **شناختن.**

بخوانید: اول قرن‌تینان ۱۳: ۹-۱۲. معرفت جزئی آنها جای خود را به معرفتی کامل خواهد داد و آنها همه چیز را بطور کامل خواهند دانست.

(ت) **کمال شادی.**

بخوانید: مزبور ۱۶: ۱۱. آنها در حضور خدا از شادی لبریز خواهند شد و لذتی ابدی را تجربه خواهند کرد.

(ث) **سراییدن.**

بخوانید: مکاشفه ۴: ۹-۱۱؛ ۵: ۱۱-۱۴. آنها سرودهایی تازه برای خداوند خواهند سرایید و خدا را پرستش خواهند کرد.

(ج) **خدمت.**

بخوانید: مکاشفه ۷: ۹-۱۵. مسیحیان در آسمان شبانه‌روز خدا را خدمت خواهند کرد، و درست مثل فرشتگان که بدنهای جسمانی ندارند، آنان نیز به طرق گوناگون خدا را خدمت خواهند کرد.

(چ) **حاکمیت.**

بخوانید: مزبور ۲: ۸-۹؛ مکاشفه ۲: ۲۶-۲۷؛ ۳: ۲۱. مسیحیان از آنجا که با مسیح در آسمان هستند، مانند او بر تخت خدا خواهند نشست و در پیروزی و غلبه او بر گناه و شیطان و تمام دشمنان انسانی، شریک خواهند بود. خداوند با استفاده از زبان مجازی، نابودی کامل تمام کسانی را که با او مخالفت می‌کنند به تصویر می‌کشد. مسیحیان هم اینک حتی قبل از بازگشت مسیح، در پیروزی او در آسمان شریک هستند. آنان بهنگام بازگشت مسیح، برای داوری زندگان و مردگان با او به زمین باز خواهند گشت (اول تسالونیکیان ۴: ۱۴؛ متی ۲۵: ۳۱-۳۲) و در پیروزی نهایی مسیح بر تمامی بدکاران روی زمین، با او شریک خواهند بود (متی ۱۳: ۴۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۵-۱۶). همچنین آنها در جلال ابدی او سهم خواهند داشت. کسانی که دشمن مسیح و مسیحیان بوده‌اند، تا به ابد مغلوب خواهند شد و دیگر هیچگاه قدامت نخواهند کرد. پس از بازگشت مسیح، در آسمان و زمین جدید، "دوازده" رسول نیز بر "دوازده تخت خواهند نشست و بر دوازده قبیله اسرائیل داوری خواهند کرد" (متی ۱۹: ۲۸؛ لوقا ۲۲: ۲۸-۳۰). این دو قسمت از کتاب مقدس به شکل نهایی ملکوت خدا اشاره می‌کنند. منظور از داوری کردن، حاکمیت یا

درخشیدن بر چیزی است (دانیال ۱۲: ۳؛ متی ۱۳: ۴۳). دوازده قبیله اسرائیل اصطلاحی است در مورد اسرائیل جدید و احیا شده، و منظور از آن یا آندسته برگزیدگانی است که از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان از میان دوازده قبیله اسرائیل جمع شده‌اند (رومیان ۱۱: ۲۶)، و یا به تمام برگزیدگان از میان ملل یهود و غیریهود از ابتدا تا انتهای تاریخ جهان اشاره دارد (غلاطیان ۶: ۱۶). در هر دو مورد، این اصطلاح به کسانی اشاره دارد که حیات تازه یافته‌اند، زیرا هیچ چیز پس از احیا و تازه شدن، بصورت ناپاک وارد ملکوت خدا به شکل نهایی آن نخواهد شد (مکاشفه ۲۱: ۲۷). کتاب مقدس در مورد تجارب و فعالیت‌های مسیحیان در آسمان، مطالب خاص دیگری بیان نمی‌کند.

۳- وضعیت بدنهای مسیحیان بهنگام قیامت مردگان.

کشف و گفتگو کنید: چه اتفاقی برای مسیحیان پس از قیامت بدنهایشان رخ می‌دهد؟

الف) بدنهای مبدل شده همچون بدن جلال یافته مسیح پس از قیامت از مردگان.
بخوانید: فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱؛ رومیان ۴: ۱۷.

ملاحظات: در زمان قیامت، مسیحیان بدنی احیا شده دریافت خواهند کرد. خاکستر بدنهای مرده آنها تا زمان بازگشت مسیح در قبر باقی خواهد ماند یا در نقطه‌ای از زمین پخش خواهد بود. اما بهنگام بازگشت مسیح، این خاکستر قیام کرده، مبدل خواهد شد و به صورت بدن قیام کرده و پر جلال عیسی مسیح در خواهد آمد. فیلیپیان ۳: ۲۱ تعلیم می‌دهد که هر آنچه متعلق به بدنهای جسمانی قبلی مسیحیان است، مبدل می‌شود و بدنهای قیام کرده آنها به شکل بدن پر جلال مسیح در خواهد آمد. مسیح که آنچه را دیدنی است از آنچه نادیدنی است خلق کرد (یوحنا ۱: ۳؛ عبرانیان ۱۱: ۳)، این قدرت را دارد که بدنهای جسمانی مسیحیان را بر خیزاند و احیا کند تا به شباهت بدن قیام کرده او در آیند.

ب) بدنهای فساد ناپذیر، غیر فانی، پر جلال، قدرتمند و روحانی.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۵: ۳۵-۴۴، ۵۳-۵۴.

ملاحظات: پولس با استناد به سمبل‌های کتاب مقدس، تعلیم می‌دهد که بدنهای ایمانداران در زمان مرگ مانند گندمی که در زمین کاشته می‌شود، به داخل زمین می‌رود و سرانجام از آن حیاتی جدید و پر جلال ظاهر می‌شود. بدن طبیعی انسان ضعیف است و فاسد می‌شود، ولی بدنهای قیام کرده مسیحیان فسادناپذیر، غیر فانی، پر جلال، قوی و روحانی خواهد بود. بدنهای قیام کرده آنان هرگز فاسد نخواهد شد. به عبارت دیگر، بدنهای آنها هرگز بیمار، ضعیف و فرسوده نخواهد گشت و مرگ را تجربه نخواهد کرد. بدن قیام کرده آنها پر جلال خواهد بود. به عبارت دیگر، این بدنها در خصوصیات ذات الهی مانند محبت، قنوسیت، عدالت، اقتدار و حکمت سهیم خواهند بود. بدنهای قیام کرده آنها در قوت برمی‌خیزند، یعنی برای حیات ابدی خود قدرت دریافت می‌کنند. این بدنهای قیام کرده، روحانی خواهند بود. به عبارت دیگر، بدنهای آنها کاملاً تحت حاکمیت روح القدس قرار خواهد داشت و به قدرت روح احیا خواهد شد. و بلاخره این بدنهای قیام کرده، جاودانه و غیر فانی خواهد بود، که به این معنا است که آنها تا ابد در حیاتی کامل، برکات ابدی و در حضور خدا زیست خواهند کرد.

۴- سوالاتی که مسیحیان اغلب می‌پرسند

الف) سؤال: آیا مسیحیان باید به مردگان احترام بگذارند؟ آیا باید به مناسبت مرگ عزیزان و اعضای خانواده‌شان مراسم یادبود برگزار کنند؟
پاسخ: در دستور عمل بنای کلیسا - کتاب دوم، درس ۲۳ به این سؤال پاسخ داده شده است.

ب) سؤال: آیا مسیحیان در آسمان قادر به تشخیص یکدیگر خواهند بود؟
پاسخ: بر طبق لوقا ۱۶: ۹، دوستانی که مسیحیان در طول زندگی خود بر این زمین داشته‌اند، در آسمان (یعنی جایگاه ابدیشان) به آنها خوشامد خواهند گفت. این دوستان که از برکات مادی مسیحیان و خدمات آنها بهره‌مند شده‌اند، بهنگام ورود این افراد نیکوکار به آسمان از آنها استقبال خواهند کرد. بر طبق لوقا ۱۶: ۱۹-۳۱، در آسمان ابراهیم و ایلعازر یکدیگر را تشخیص می‌دهند و با هم مصاحبت دارند. متی ۸: ۱۱ با استناد به تصویر یک جشن، شادی آسمان را توصیف می‌کند. بنابراین انتظار دیدن مجدد یکدیگر و داشتن مشارکتی شاد با هم در آسمان، چنانچه مشارکت با مسیح در اولویت باشد، انتظاری کاملاً کتاب مقدسی است.

پ) سؤال: اگر مسیحیان به راستی یکدیگر را در آسمان تشخیص می‌دهند، آیا برای آن عده از اعضای خانواده یا دوستانشان که بر این زمین مسیحی نشده‌اند ناراحت و دل‌تنگ نمی‌شوند؟

پاسخ: بر طبق متی ۱۲: ۴۶-۵۰، تمامی روابط موجود بر این زمین که "در مسیح" نبوده است، در آسمان مفهوم خود را از دست خواهد داد. بنابراین این امکان وجود دارد که در آسمان، هیچ یک از اعضای خانواده و دوستان غیر مسیحی خود را به یاد نیاوریم.

پ - مراسم تدفین مسیحی

الف) غم و اندوه از دست دادن یکی از عزیزان در نتیجه مرگ.

تعلیم دهید: وقتی که یکی از عزیزان ما می‌میرد، به خاطر مرگ او غمناک شده، اشکهای زیادی می‌ریزیم. داشتن امید به قیامت مردگان به این معنا نیست که به خاطر از دست دادن کسانی که دوست‌شان داریم سوگوار نمی‌شویم. عیسی به خاطر مرگ دوستش ایلعازر گریست. بنابراین مسیحیان باید غم و اندوه خود را ابراز کنند. همچنین مسیحیان باید به مسیحیان دیگری که عزیزی را در خانواده خود از دست داده‌اند و در ماتم و سوگواری بسر می‌برند، کمک کنند. آنها در قبال مسیحیان سوگوار چهار وظیفه مهم دارند: الف) باید به آنها کمک کنند تا واقعیت مرگ عزیز خود را بپذیرند. ب) باید به آنها کمک کنند تا درد ناشی از مرگ آن شخص را تجربه کنند. پ) باید به آنها کمک کنند تا خود را با شرایط زندگی خود پس از مرگ شخصی که از این جهان رفته است، منطبق سازند. ت) باید به آنها کمک کنند تا از نظر عاطفی به شخصی که از این جهان رفته است وابسته نباشند و در عوض روی روابط و اهداف جدید زندگی‌شان سرمایه‌گذاری کنند. مرحله سوگواری ممکن است تا سالها برای يك شخص به طول بیانجامد.

۲ - روش تدفین مسیحی.

تعلیم دهید:

الف) تدفین یا سوزاندن بدن شخص متوفی.

کتاب مقدس در رابطه با اینکه مسیحیان باید با بدن شخص متوفی چه کاری انجام دهند، دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. عمل سوزاندن و خاکستر کردن بدن موضوعی بحث‌انگیز است. برخی از مسیحیان معتقدند که با توجه به اینکه کتاب مقدس در مورد قیامت بدنهای مردگان صحبت می‌کند، بدن مردگان را باید دفن کرد و نباید آن را با سوزاندن و خاکستر کردن از بین برد. برخی دیگر از مسیحیان معتقدند که از آنجا که بدن مردگان، چه در تدفین و چه با خاکستر شدن، در نهایت فاسد می‌شود و به خاک بازمی‌گردد (پیدایش ۳: ۱۹؛ مکاشفه ۲۰: ۱۳)، بنابراین مهم نیست که با بدن شخص ایماندار چگونه عمل می‌شود. آنها معتقدند خدایی که بدن انسان را از خاک یا عناصر روی این زمین خلق کرد (پیدایش ۲: ۷)، این قدرت را نیز دارد که خاکستر بدن او را پس از مرگ قیام دهد (عبرانیان ۱۱: ۳؛ اول تسالونیکیان ۴: ۱۶). با وجود این برخی از مسیحیان سخت با سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان مخالفند.

ب) مراسم تدفین.

کتاب مقدس در مورد نحوه برگزاری مراسم تدفین یا سوزاندن و خاکستر کردن بدن مردگان نیز دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. ولی در مورد علت وجود مرگ در جهان، مکانی که مردم پس از مرگ به آنجا می‌روند، آنچه در زمان قیامت بدنهای مردگان رخ می‌دهد، و نیز در مورد داوری نهایی بهنگام بازگشت مسیح، تعالیم صریح و روشنی دارد. بنابراین تعلیم کتاب مقدس در مورد مراسم تدفین این نیست که مسیحیان چگونه باید مردگان خود را دفن کنند، بلکه این است که در حین مراسم تدفین، چه پیامهایی را باید موعظه کرد. در مراسم تدفین مسیحی، واعظین می‌توانند انجیل را موعظه کنند و حقایق مهم مبتنی بر کتاب مقدس را در رابطه با این واقعه برای حاضرین بازگو نمایند.

۳ - موعظه مربوط به مراسم تدفین مسیحی.

مقدمه: مسیحیان در حین برگزاری مراسم تدفین می‌توانند پیامهای مختلفی را و عظ کنند. در زیر به چهار موضوع اشاره شده است که می‌توان در اینگونه موعظه‌ها راجع به آنها صحبت کرد:

الف) مسیحیان می‌توانند در خصوص معضل مرگ موعظه کنند.

بخوانید: رومیان ۶: ۲۳؛ عبرانیان ۹: ۲۷؛ رومیان ۵: ۸-۱۱؛ دوم تیموتاؤس ۱: ۱۰؛ اول قرنتیان ۴: ۷-۱۰. **ملاحظات:** چه کسی می‌تواند مشکل مرگ را حل کند؟ علم قادر به حل این مشکل نیست. هیچ مذهب یا جادویی نیز نمی‌تواند این مشکل را حل کند. کتاب مقدس می‌فرماید تنها خدا قادر است مشکل مرگ را حل کند. خدا اجازه داد مرگ به عنوان مجازاتی برای گناه بشر در جهان وجود داشته باشد. خدا از آنجا که عادل و مقدس است، باید گناه را توسط مرگ مجازات کند. ولی از طرف دیگر، خدا حیاتی ابدی و غیرفانی را مهیا کرده است. او بر اساس فیض و محبتی که نسبت به مردم دارد، عیسی مسیح را به این جهان فرستاد تا جان خود را بجهت کسانی که به او ایمان می‌آورند، فدا سازد. خدا مشکل گناه و مرگ را از طریق مرگ و قیام پسرش عیسی مسیح حل کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، عادل شمرده می‌شود و از غضب خدا بهنگام داوری نهایی در امان خواهد بود.

بنابراین سختی و مرگ دیگر برای مسیحیان در حکم مجازات گناه نیست، بلکه سختی و مرگ باعث تقدیس آنها می‌شود و در حکم دروازه‌ای است جهت ورود آنها به آسمان.

(ب) مسیحیان می‌توانند در رابطه با اینکه مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد، موعظه کنند.
بخوانید: عبرانیان ۷: ۲۶-۲۷؛ ۱۰: ۱-۴؛ رومیان ۳: ۲۱-۲۶؛ یوحنا ۵: ۲۴.

ملاحظات: مردم در طول تاریخ همواره به سبب گناهانشان احساس شرم و تقصیر کرده‌اند و به منظور دریافت بخشش، حیوانات را برای خدا قربانی کرده‌اند. ولی این حیوانات هیچ کدام کامل نبودند و به میل و اراده خود قربانی نشده‌اند. به همین دلیل نیز قادر به نجات انسان از گناه نبوده‌اند و بنابراین انسانها پیوسته بخاطر گناهان خود احساس تقصیر کرده‌اند. ولی عیسی مسیح بدون گناه بود و با میل و خواست قلبی به جای ما مرد. مسیح به جای ما مجازات مرگ را تجربه کرد. او تنها قربانی کامل جهت کفاره گناهان ما بود. مرگ عیسی مسیح قربانی کفاره‌ای است جهت گناهان تمام کسانی که به او ایمان بیاورند. خشم عادلانه خدا و مجازات او بخاطر گناه، بر روی عیسی قرار گرفته است. بنابراین ایمانداران دیگر با خشم و مجازات خدا روبرو نمی‌شوند، بلکه از سوی خدا عادل شمرده می‌شوند و در رابطه‌ای مصالحه‌آمیز با او قرار می‌گیرند. هر که به عیسی مسیح ایمان آورد، هیچگاه تحت محکومیت نخواهد بود و هیچوقت مرگ جسمانی را به عنوان مجازات گناه تجربه نخواهد کرد، بلکه این مرگ برای او نقطه شروع زندگی تکامل یافته‌اش با مسیح در آسمان خواهد بود.

(پ) مسیحیان می‌توانند در این باره موعظه کنند که مسیح مرگ را به عنوان واقعه‌ای هولناک تجربه کرد.
بخوانید: متی ۲۷: ۴۶؛ اعمال ۲: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۲: ۹، ۱۴-۱۵.

ملاحظات: مسیح به جای مسیحیان واقعه دردناک مرگ را تجربه کرد. او به جای آنها طعم مرگ را چشید. او به طرز هولناک طعم طرد شدن از سوی خدا را تجربه کرد. بنابراین هر که به عیسی مسیح ایمان بیاورد، از قدرت مرگ و اسارت هولناک آن خلاصی خواهد یافت. مسیحیانی که به کتاب مقدس ایمان دارند هیچوقت ترس و درد و وحشت مرگ را مانند مردم دیگر تجربه نخواهند کرد، زیرا عیسی مسیح تمامی اینها را به جای آنها تجربه کرد.

(ت) مسیحیان می‌توانند در مورد سرنوشت نهایی انسان موعظه کنند.

بخوانید: اول تسالونیکیان ۵: ۱-۳؛ متی ۲۵: ۳۱-۳۴، ۴۱، ۴۶؛ لوقا ۴: ۱۹؛ دوم قرنتیان ۶: ۲.

ملاحظات: سرنوشت نهایی انسان را رابطه‌ای که او در طول مدت زندگی خود بر این زمین با عیسی مسیح دارد، تعیین میکند. پس از مرگ جسمانی، دیگر فرصتی برای توبه وجود نخواهد داشت.

بازگشت ناگهانی و غیرمنتظره مسیح و قیامت مردگان و داوری نهایی که بلافاصله پس از بازگشت او اتفاق می‌افتد، بیانگر این حقیقت هستند که انسان در حین وقوع این اتفاقات هیچ فرصتی برای توبه نخواهد داشت. آن زمان جهت توبه بسیار دیر خواهد بود. رابطه شما با عیسی مسیح و چگونگی زندگی‌تان بر روی این زمین تا قبل از مرگ فیزیکی‌تان، در داوری نهایی شما نقشی تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد داشت.

هدف از آمدن عیسی مسیح به جهان، نجات مردم بود. هنوز هم زمان، زمان "لطف و رحمت خدا" است.

ولی عیسی مسیح بهنگام بازگشت خود، دیگر مردم را نجات نخواهد داد، بلکه آنها را داوری خواهد کرد. بنابراین واعظ باید در حین مراسم تدفین، انجیل را موعظه کند و آن عده از فامیلان و دوستان شخص متوفی را که جزو حاضرین هستند و هنوز به عیسی مسیح ایمان نیاورده‌اند ترغیب کند تا مسیح را به عنوان نجات‌دهنده خود بپذیرند. ۲ قرن‌تانیان ۶: ۲ می‌فرماید: "هان، اکنون زمان لطف خداست، هان، امروز روز نجات است." تا زمانی که هنوز زنده هستید و عیسی مسیح هنوز بازگشت نکرده است، فرصت دریافت نجات را دارید. بنابراین اگر هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اید، باید دعا کنید و او را در همین لحظه در زندگی و قلب خود بپذیرید.

دعا (۸ دقیقه)	۵
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع "تدفین مسیحی" را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول تیموتاؤس ۱-۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۸: ۱۲) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۹) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت های خود در مورد رازگهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۲

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول تیموتاوس
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تیموتاوس ۱-۴) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری مرور کنید. یوحنا ۸: ۱۲

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۹: ۱-۴۱
---	---

مقدمه: یوحنا ۹: ۱-۴۱ بیانگر دعوت عیسی مسیح از مردی است که به طور مادرزاد، کور به دنیا آمده بود. عیسی به او می‌گوید: "آیا به پسر انسان ایمان داری؟" "تو او را دیده‌ای؛ و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است".

<p>قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۹: ۱-۴۱ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.</p>	
---	--

<p>قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).</p>	
--	--

کشف ۱) در یوحنا ۹: ۲ در رابطه با ارتباط بین گناه و رنج، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.
بر طبق کتاب مقدس رنجهای جسمانی مانند سختیها، جفاها، تصادفات، بیماریها، نقصهای بدنی و مرگ، متأثر از سه دلیل اخلاقی هستند:

الف) رنجهای جسمانی ممکن است نتیجه گناه آدم که اولین جد بشر بوده باشد. آدم اولین انسانی بود که خدا خلق کرد. خدا او را نماینده نسل بشر می‌دانست. از نظر خدا، آدم با گناه خود باعث شد تمام نسلهای بعدی نیز دارای طبیعتی گناهکار باشند. رومیان ۵: ۱۲-۲۱ و ۸: ۱۹-۲۳ و قسمتهای دیگر کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهند که سقوط نخستین انبای بشر در گناه، بر تمامی نسل بشر تأثیر گذاشت. گناه آدم و حوا، دشمنی شیطان، درد و رنج و مرگ و مصائب زندگی را با خود به همراه داشته است.

تمام بشر به خاطر گناه اولین انسانها، به يك اندازه درد و رنج را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال، هم انسانهای بد و هم انسانهای نيك به طور يكسان در اتفاقاتی چون طوفان، قحطی، زلزله و بیماریهای مسری رنج می‌کشند.

(ب) رنجهای جسمانی ممکن است در نتیجه گناه والدین باشد. خدا صرفاً با افراد به طور منفرد سر و کار ندارد، بلکه با جوامع مردم نیز در ارتباط است. احکام خدا هم به جوامع و خانواده‌ها داده شده است و هم به افراد. خدا در خروج ۲۰: ۵ می‌فرماید که او انتقام گناه پدران را از پسران تا نسل سوم و چهارم از آنانی که با او دشمنی می‌کنند می‌گیرد. به عنوان مثال بر طبق ارمیا ۳۲: ۱۸-۲۴، اگرچه خدا قوم اسرائیل را از بردگی در مصر خلاصی داد و آنها سرزمین کنعان را تصرف کردند، اما از آنجا که آنان از خدا اطاعت و پیروی نکردند، خدا نیز نسلهای بعدی اسرائیل را اسیر ساخته، کاری کرد که به بابل تبعید شوند.

(پ) رنجهای جسمانی ممکن است نتیجه گناهان شخصی خود فرد باشد. خدا گناهان تك افراد بشر را داوری خواهد کرد. او در ارمیا ۳۱: ۳۰ می‌فرماید: "هر کس به گناه خود خواهد مرد و هر که انگور ترش خورد دندان وی کند خواهد شد." و چون تمام انسانها گناه کرده‌اند، تمام مردم رنج می‌کشند و می‌میرند.

درست است که رنجهای جسمانی که فرد در نتیجه گناهان خود یا خانواده‌اش متحمل می‌شود، در واقع نتیجه سقوط آدم در گناه است، اما یهودیان همیشه دوست داشتند در مورد اهمیت گناهان شخص و گناهان والدینش مبالغه کنند. آنها معتقدند بودند که بین گناهان شخص و رنجهایی که متحمل می‌شود همواره رابطه‌ای مشخص و آشکار وجود دارد. آنها هر رنج و سختی را نتیجه گناه خاصی که از خود فرد سر زده می‌پنداشتند. به عنوان مثال، دوستان ایوب تصور می‌کردند که رنجهای ایوب بخاطر ترحم نکردن او به بیومرزان و یتیمان است (ایوب ۲۲: ۵-۱۱). معلمین مذهبی یهود چنین تعلیم می‌دادند که حتی اطفال نیز ممکن است در رحم مادر مرتکب گناه شوند. به اعتقاد آنها، عیسو سعی کرد برادرش را در زمانیکه که هر دو در رحم مادرشان بودند، بکشد (پیدایش ۲۲: ۲۲-۲۶).

ولی عیسی در لوقا ۱۳: ۲-۵ تعلیم می‌دهد که کسانی که رنج می‌کشند از آنهایی که رنج نمی‌کشند گناهکارتر نیستند. او می‌فرماید: "آیا گمان می‌برید که این جلیلیان گناهکارتر بودند از سایر سکنه جلیل از این رو که چنین زحمات را دیدند؟ نی، بلکه به شما می‌گویم اگر توبه نکنید، همگی شما همچینین هلاک خواهید شد."

در یوحنا ۹: ۳ عیسی تعلیم می‌دهد که درد و رنج علاوه بر عواملی که باعث ایجاد آن شده است، ممکن است بنا به اهداف دیگری نیز باشد. آن شخص نابینا به خاطر گناهان خودش نبود که رنج می‌کشید، بلکه دلیل رنج کشیدنش این بود که شفای او باعث جلال نام خدا می‌شد. بنابراین در پس رنجهای او هدفی نهفته بود. مردم در نتیجه شفای او عیسی مسیح را می‌شناختند و او را می‌پذیرفتند. اگرچه ممکن است درک این موضوع دشوار باشد، ولی در نهایت هدف تمام مصائب و بلاها جلال یافتن نام خدا در مسیح می‌باشد.

کشف ۲ در یوحنا ۹: ۳-۵ در رابطه با اعمال خدا که مسیحیان باید آنها را تا روز است انجام دهند حقیقت مهمی برای من وجود دارد. در یوحنا ۹: ۴، عیسی می‌فرماید: "مادامی که روز است مرا باید به کارهای فرستنده خود مشغول باشم. شب می‌آید که در آن هیچ کس نمی‌تواند کاری کند."

(الف) فرصت کوتاهی جهت انجام اعمال خدا وجود دارد. عیسی می‌فرماید روز او تا زمانی است که او هنوز بر روی زمین است. در مورد شاگردان نیز روز برای آنها تنها محدود به مدت زمانی است که بر روی این زمین زیست می‌کنند. خدا امروزه نیز برای هر يك از پیروان عیسی مدت زمان خاصی را جهت انجام اعمال الهی او مقرر فرموده است. خدا هر فرد مسیحی را برای مدت زمانی محدود روی این زمین قرار می‌دهد، و این تنها زمانی است که او می‌تواند اعمال خدا را بر زمین انجام دهد. بنابراین هر فرد مسیحی باید از فرصتهایی که خدا در اختیار او قرار داده است به بهترین نحو استفاده کند.

(ب) اعمال خدا عبارت از این است که رفتار و کرداری محبت آمیز داشته باشیم. خدا همواره افرادی را بر سر راه ما قرار می‌دهد. ما می‌توانیم به سه طریق نسبت به این افراد عکس‌العمل نشان دهیم. برخی از مردم نسبت به افرادی که خدا سر راهشان قرار می‌دهد حسادت می‌ورزند و در صدد نابودی آنها بر می‌آیند. آنها هیچ وقت نمی‌توانند کاری بناکننده و مفید برای این اشخاص انجام دهند، بلکه تنها می‌توانند از این افراد انتقاد کنند، در مورد آنها غیبت نمایند، از آنها سوء استفاده کنند و حتی به آنها جفا برسازند. یهودیان چنین طرز برخوردی نسبت به عیسی داشتند. برخی دیگر از مردم در مورد افرادی که خدا بر سر راه آنها قرار می‌دهد کنجاکو هستند و صرفاً مایلند در موردشان بیشتر بدانند. شاگردان صرفاً می‌خواستند پاسخ يك سؤال الهیاتی را درباره علت رنج کشیدن آن شخص نابینا بدانند. اما عیسی نمی‌خواهد که ما صرفاً سوالاتی از او بپرسیم، بلکه مایل است که ما اعمالی را به جا بیاوریم. بنابراین منظور از انجام اعمال خدا این است که دست به اقداماتی مفید بزنیم و به نیازمندان کمک کنیم.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سوالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۹: ۱- ۴۱ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سوالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۹: ۱۳) شخص فقیری که بیشتر کور بود نزد فریسیان آورده شد. این فریسیان چه کسانی بودند؟

ملاحظات: این فریسیان تحت احکام و قوانین سنهدرین عمل می‌کردند که عالی‌ترین قدرت حاکم در بین یهودیان بود. آنها این قدرت را داشتند که مرد کور را از کنیسه اخراج کنند (۹: ۲۲، ۳۴). مطابق یوحنا ۱: ۲۴، سنهدرین گاهی گروهی از فریسیان را مأمور می‌کردند تا امور مربوط به مسیح موعود را ارزیابی کنند. آنان احتمالاً در فصل ۹، معجزه‌ای را که بنا به گفته بعضی از مردم توسط عیسی انجام شده بود، ارزیابی می‌کردند. والدین مرد کور در این مورد بسیار محتاطانه عمل می‌کردند، زیرا نگران بودند که مبادا فریسیان آنها را از کنیسه اخراج کنند. تمام این حقایق نشان می‌دهد که این فریسیان به احتمال زیاد گروهی از نمایندگان سنهدرین بودند که رسماً از طرف این شورا انتخاب شده بودند و اختیارات ویژه‌ای داشتند.

سؤال ۲) (یوحنا ۹: ۱۶-۳۴). فریسیان در برابر دشمنان خود به چه نوع استدلالاتی متوسل می‌شدند؟

ملاحظات: یوحنا فصل ۹ در خصوص روشی که فریسیان در برابر دشمنان خود اتخاذ کردند، نکات خوبی بیان می‌دارد.

الف) فریسیان در میان خود بحث و استدلال می‌کردند تا بتوانند به نتیجه خوبی برسند. در آیه ۱۶ می‌خوانیم که برخی از فریسیان چنین استدلال کردند: "تمام افرادی که از جانب خدا می‌آیند روز سبت را نگاه می‌دارند. اما این مرد (عیسی) روز سبت را نگاه نمی‌دارد. بنابراین عیسی از جانب خدا نیست." استدلال آنها به نظر منطقی می‌رسید، ولی اشتباه بود زیرا بر آنچه کتاب مقدس در مورد روز سبت تعلیم می‌داد مبتنی نبود، بلکه بر اساس قوانین خودساخته خود آنها بود. سایر فریسیان در مورد این موضوع چنین استدلال می‌کردند: "تنها افرادی که گناهکار نیستند می‌توانند چشمان یک کور مادرزاد را بینا سازند. این مرد (عیسی) چشمان یک کور را بینا ساخته، بنابراین عیسی گناهکار نیست." بدین ترتیب می‌بینیم که برخی از فریسیان می‌گفتند عیسی از جانب خدا نیامده است، ولی برخی دیگر عقیده داشتند که او از جانب خدا آمده است. و بدین ترتیب بر سر این موضوع میان آنها اختلاف افتاد.

ب) فریسیان از حقایق غافل بودند، ولی با ایجاد ترس و وحشت در مردم آنها را وادار کردند موضعی موافق با آنها اتخاذ کنند. فریسیان در یوحنا ۹: ۱۷-۲۳ از والدین شخص نابینا در رابطه با این ماجرا سؤال کردند. والدین گفتند که این مرد فرزند آنهاست و البته کور بوده است. بنابراین معجزه‌ای بزرگ و واقع گشته بود. هیچ کس نمی‌توانست این حقایق را انکار کند. ولی فریسیان حاضر نبودند اعتراف کنند که عیسی این معجزه را انجام داده است. رهبران یهودی و روحانیون سنهدرین تصمیم گرفته بودند که هر کس اعتراف کند که عیسی، مسیح موعود است باید از کنیسه اخراج شود. فریسیان می‌خواستند از این طریق در مردم ترس و وحشت ایجاد کنند تا آنها جرأت مخالفت با آنها را نداشته باشند. البته آنها برای اینکار از جانب خدا هیچ اقتداری نداشتند، زیرا خداست که تعیین می‌کند مسیح موعود کیست و چه کارهایی باید انجام دهد، نه فریسیان.

پ) فریسیان حقایق را تحریف کردند تا بدینوسیله عیسی را بی‌اعتبار سازند. در آیه ۲۴ می‌خوانیم که فریسیان شخص نابینا را واداشتند سخنانی بگوید تا از این طریق عیسی بی‌اعتبار شود. آنها گفتند، "ما می‌دانیم که این شخص (عیسی) گناهکار است. بنابراین به خاطر وقوع این معجزه، خدا را تجلیل کن نه عیسی را." آنها می‌خواستند مرد کور بگوید که خدا این معجزه را انجام داد نه عیسی. بنابراین گفتند: "تنها افرادی که از جانب خدا می‌آیند قادرند چشمان شخصی را که از مادر کور بدینا آمده است بینا سازند. این مرد (عیسی) از جانب خدا نیست. بنابراین نمی‌تواند چشمهای یک شخص کور را بینا سازد." بدین ترتیب آنها سعی کردند حقایق را بیچانند و وارونه جلوه دهند. آنها می‌خواستند همگان بپذیرند که عیسی گناهکار است و قادر به انجام چنین معجزه‌ای نیست.

ت) فریسیان سوالات خود را بارها و بارها تکرار کردند تا بدینوسیله آن کور مادرزاد را وادارند سخنان ضد و نقیض بگوید. آنها همان سؤال را چندین بار از او پرسیدند. ولی مرد کور که به مقصود اصلی آنها پی برده بود، در پاسخ گفت: چرا می‌خواهید دوباره به پاسخهای من گوش دهید، مگر شما نیز می‌خواهید شاگرد عیسی شوید؟ این پاسخ آنها را سخت عصبانی کرد.

ث) فریسیان تسلیم نشدند، بلکه در عوض به این مرد کور دشنام دادند و کوشیدند او را بدنام سازند. فریسیان نمی‌توانستند قبول کنند که شکست خورده‌اند. بنابراین به دشنام‌گویی و تهمت زدن متوسل شدند. آنها عیسی را "آن مرد" و "یک گناهکار" خطاب کردند و گفتند که نمی‌دانند او از کجا آمده است. این بار مرد کور به شیوه خود آنها به آنها پاسخ داد. او چنین استدلال کرد: "خدا تنها به درخواست کسانی که از جانب او آمده‌اند گوش می‌دهد. خدا به درخواست این مرد (عیسی) گوش داد. بنابراین عیسی قطعاً از جانب خدا آمده است." با وجود این فریسیان گفتند که نمی‌دانند عیسی از کجا آمده است. مرد کور با استفاده از روش استدلال خود آنها، بر آنها غالب آمد (۹: ۳۱). تنها تفاوت بین استدلال او و فریسیان این بود که استدلال آن کور مادرزاد درست و مبتنی بر کتاب مقدس بود. خدا به دعاهای مردم عادل گوش می‌دهد. او به دعای عیسی گوش داد.

ج) وقتی فریسیان شکست خوردند، خشمگین شدند و از اقتدار خود به طریقی نادرست استفاده کردند. فریسیان به دلیل شکستی که در این قضیه خورده بودند، رنج می‌کشیدند. تنها کاری که می‌توانستند انجام دهند توسل به خشونت و استفاده نادرست از اقتدارشان بود. آنها این شخص را که بیشتر کور بود از کنیسه اخراج کردند. این عمل مجازاتی جدی محسوب می‌شد. وقتی کسی از کنیسه اخراج می‌شد، بدین معنا بود که از حیات مذهبی و اجتماعی اسرائیل طرد شده است. مردم از چنین شخصی دوری می‌کردند و هیچ معامله‌ای با او انجام نمی‌دادند. حتی ممکن بود چنین شخصی را بی هیچ واهمه بکشند.

سؤال ۳) (یوحنا ۹: ۳۵). عیسی مسیح چگونه با مردم برخورد می‌کند؟

ملاحظات: مدتی بعد عیسی نزد مرد نابینایی رفت که پیشتر او را شفا داده بود. برخلاف فریسیان که او را طرد کرده و از او دوری بسته بودند، عیسی او را پیدا کرد و پذیرفت. عیسی صرفاً به شفای جسمانی این مرد علاقه‌مند نبود، بلکه می‌خواست او را از لحاظ اجتماعی و روحانی نیز شفا دهد. عیسی به تمام جنبه‌های شخصیت انسان توجه داشت. او تنها برای نجات جانهای مردم به این جهان نیامده بود، بلکه آمده بود تا بدنهای آنها را نیز شفا دهد، روابط گسسته را التیام بخشد، گناهان را ببخشد، مردم را با خدای پدر مصالحه دهد، به نیازمندان کمک کند و از کسانی که تحت فشار و جفا هستند، حمایت نماید. برخلاف فریسیان که تنها به فکر قدرت و مقام و حرمت خود بودند، عیسی به فکر نیازهای مردم بود و به تمامی جنبه‌های زندگی و وجود آنها توجه داشت.

سؤال ۴) (یوحنا ۹: ۳۸). آیا مسیحیان می‌توانند عیسی مسیح را بیرستند؟

ملاحظات: در یوحنا ۹: ۳۸ می‌خوانیم: "سپس مرد کور گفت، ای خداوند ایمان آوردم، و عیسی را پرستش کرد." این مرد متوجه شد که عیسی همان مسیح موعود و پسر خداست و باید او را پرستید، و به همین دلیل در برابر وی روی بر زمین نهاد. او صرفاً عیسی را حرمت نکرد، بلکه برآستی او را پرستش کرد. همین کلمه "پرستش" که در اینجا ذکر شده است، در یوحنا ۴: ۲۰-۲۴ آشکارا به معنای "پرستش خدا" بکار رفته است. در قسمتهای دیگر انجیل نیز می‌بینیم که شاگردان عیسی و مردم دیگر او را پرستش می‌کنند. عیسی هیچ وقت بخاطر اینکار به مردم اعتراض نکرد و آنها را تأدیب ننمود. او بدینوسیله نشان داد که پسر خداست و با خدای پدر برابر می‌باشد، و مردم باید همانگونه که خدا را حرمت کرده، پرستش می‌کنند، عیسی مسیح را نیز پرستند.

سؤال ۵) (یوحنا ۹: ۳۹-۴۱). چه زمانی مردم از نظر روحانی کور هستند؟

ملاحظات: عیسی در یوحنا ۹: ۳۹ و ۴۱ چنین تعلیم می‌دهد: "من به جهت داوری به این جهان آمده‌ام، تا کوران بینا و بینابان کور شوند." او خطاب به فریسیان می‌گوید: "اگر کور بودید گناهی نمی‌داشتید و لکن الآن که ادعا می‌کنید بینا هستید، گناهکار باقی می‌مانید."

آمدن عیسی مسیح به جهان به منظور "نجات" (یوحنا ۳: ۱۶-۱۷) و "داوری" بود. او به کسانی که به او ایمان آورند، نجات را عطا می‌کند و آنان را که او را نمی‌پذیرند، از طریق مرگ روحانی مجازات می‌کند.

الف) کسانی که به کور بودن خود اعتراف می‌کنند، دوباره بینا خواهند شد. این افراد کسانی هستند که نور نجات را ندارند و اعتراف می‌کنند که عادل و مقدس نیستند. آنها متوجه شده‌اند که خدا قلب و فکر آنها را لمس کرده است. چنین افرادی از گناهان خود توبه کرده، به ناتوانی خود اعتراف می‌کنند و از عیسی مسیح به عنوان نور جهان کمک می‌خواهند. آنها از طریق ایمان به عیسی مسیح نجات را دریافت می‌کنند، و بدینوسیله چشمان روحانی‌شان باز می‌شود و به امور مختلف از دید خدا می‌نگرند.

ب) افرادی که همواره ادعا می‌کنند بینا هستند، کور خواهند شد. این افراد کسانی هستند که نیازی به دریافت نجات در خود احساس نمی‌کنند، بلکه همواره ادعا می‌کنند که عادل و مقدس هستند. آنها همواره قلب و فکر خود را نسبت به کلام خدا سخت می‌سازند. چنین افرادی به دور از عیسی مسیح که نور جهان است زندگی خواهند کرد و هیچگاه عدالت و قدوسیت خدا و شادی نجات را تجربه نخواهند کرد. آنها نسبت به امور روحانی کور باقی می‌مانند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.
در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۹: ۱- ۴۱ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد شخصی بکنید؟
بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.
فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۹

- ۹: ۳ * بدانید که درد و رنج صرفاً بخاطر علت بخصوصی نیستند، بلکه ممکن است هدفی در پس آنها نهفته باشد. درد و رنج آن کور مادرزاد دارای هدفی بخصوصی بود. شفای او باعث می‌شد مردم عیسی مسیح را بشناسند و او را بپذیرند. اگرچه ممکن است قبول این موضوع سخت باشد، ولی در نهایت هدف از تمام مصائب و بلاها این است که خدا در مسیح جلال بیابد.
- ۹: ۴ * درک کنید که خدا به شما اجازه داده است مدتی بر روی این زمین زندگی کنید، چه عمرتان بلند باشد و چه کوتاه. او از شما می‌خواهد مادام که بر این زمین زندگی می‌کنید، اعمال او را به جا آورید. ممکن است دیگر هیچگاه فرصتی دوباره برای انجام آنچه خدا از شما می‌خواهد نداشته باشید. بنابراین زندگی خود را حول محور هدفی که خدا برای‌تان در نظر دارد برنامه‌ریزی کنید.
- ۹: ۴ * درک کنید که اعمال خدا عبارت است از انجام کارهایی مفید و کمک به نیازمندان.
- ۹: ۱۶ * همواره از خود این سؤال را بپرسید: "طرف مقابل استدلال خود را بر چه پایه و اساسی قرار داده است؟ بر اساس حقایق کتاب‌مقدس یا بر اساس تفاسیر شخصی خودش؟" بسیاری از استدلال‌ات به نظر منطقی می‌رسند، ولی در حقیقت اشتباهند زیرا بر فرضیه‌هایی درست و اثبات شده استوار نیستند.
- ۹: ۲۳ * درک کنید که برخی از رهبران و معلمین مذهبی خواهند کوشید شما را متقاعد سازند که نقطه‌نظر ایشان را بپذیرید و حتی شما را تهدید خواهند کرد که در صورت مخالفت، از جامعه مذهبی و حتی از اجتماع طرد خواهید شد. هیچ وقت تسلیم چنین تهدیداتی نشوید.
- ۹: ۲۴- ۲۵ * متوجه باشید که برخی از معلمین و رهبران مذهبی سعی خواهند کرد حقایق را طوری جلوه دهند که در نهایت استدلال خودشان به کرسی بنشینند. بنابراین همواره پایبند حقیقت باشید.
- ۹: ۲۵ * موضع خود را مشخص کنید و بدانید که عیسی مسیح چگونه زندگی‌تان را عوض کرده است.
- ۹: ۳۹ * به کوری روحانی خود اعتراف کنید. زیرا تنها در این صورت است که نجات خواهید یافت.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم تا زمانیکه بر روی این زمین زندگی می‌کنم، اعمال خدا را به جا آورم. خدا برای زیستن روی این زمین تنها یک فرصت به من عطا کرده است. بنابراین می‌خواهم زندگی خود را وقف خدمت به او کنم. من نمی‌خواهم به دیگران حسادت ورزم و عاملی مخرب برای آنها باشم. بلکه می‌خواهم برای آنها مفید باشم و باعث بنای آنها شوم. من می‌خواهم به آنچه که کتاب‌مقدس تعلیم می‌دهد ایمان داشته باشم و بر اساس آن عمل کنم. و مخصوصاً مایلم به انسانهایی که در نیاز هستند محبت نشان دهم و آنها را کمک کنم.

ب) من می‌خواهم به یاد آورم که درد و رنج بخشی از زندگی انسان است. مواقعی پیش خواهد آمد که من به خاطر گناهان خود یا والدینم یا گناهان جامعه و فرهنگ خود رنج خواهم کشید. ولی مواقعی نیز خواهد بود که مانند آن مرد کور، رنج خواهم کشید زیرا خدا برای من هدف پر جلالی دارد. درد و رنج هیچ وقت بدون علت و هدف نیست. خواست من این است که در نهایت خدا را جلال دهم، حتی اگر اجازه دهد که من بدین منظور در رنج و سختی باشم.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۹: ۱- ۴۱ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

دعا (۸ دقیقه)	۵
---------------	---

دعای شفاعت

به دعا کردن در گروه‌های دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
----------------------	---

برای درس بعدی

(سرگروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " یوحنا فصل ۹ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از اول تیموتاؤس ۵-۶ و دوم تیموتاؤس فصل ۱ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (یوحنا ۱۰: ۲۸) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۳

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) اول تیموتاؤس و دوم تیموتاؤس
---	--

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (اول تیموتاؤس ۵-۶ و دوم تیموتاؤس فصل ۱) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید). به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

دو نفری تعمق، حفظ و مرور کنید: یوحنا ۱۰: ۲۸

۴	تعلیم (۸۵ دقیقه) فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا
---	---

مقدمه: این تعلیم در مورد فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا است. ما در این درس راجع به تفاوت‌های موجود میان فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا خواهیم آموخت. در ضمیمه‌های ۴ و ۵، خواهیم دید که کتاب مقدس درباره ارتباط مسیحیان با والدین خود که در قید حیات هستند و نیز با اجداد خود که از این جهان رفته‌اند، چه می‌گوید.

الف - فرهنگ انسان

مقدمه: روابط مختلف بین مردم و طرز رفتار آنها همگی قویاً متأثر از فرهنگ آنها است. اما کتاب مقدس نیز در خصوص روابط بین انسانها توصیه‌هایی دارد، و بنابراین مسیحیان باید بر اساس تعلیم کتاب مقدس، در طرز رفتار و روابط خود تغییراتی دهند.

۱- تعریف فرهنگ

گفتگو کنید: فرهنگ چیست؟ چه عناصری فرهنگ را تشکیل می‌دهند؟
ملاحظات: فرهنگ هر گروه از انسانها عبارت است از دیدگاهها، واقعیتها، باورها، خرافات و ارزشهایی که از طریق عقاید، تجارب، رفتارها، روابط و رسوم و سنتهای آنها ابراز می‌شود.

۲- منشأ فرهنگ انسان

بخوانید: پیدایش ۱: ۲۸-۲۹؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۶-۲۲؛ ۱۰: ۱ تا ۱۱: ۹.
کشف و گفتگو کنید: منشأ فرهنگ انسان چه بود؟
ملاحظات: پیدایش فصلهای ۱ تا ۱۱ بیانگر آغاز فرهنگ انسان در جهان است. آیات فوق از کتاب مقدس بیانگر نکات زیر است: چگونگی آغاز جهان مادی و آغاز نسل بشر؛ آغاز مکاشفه اراده خدا و گناه انسان؛ آغاز رنجهای انسان و ظهور نقشه نجات خدا؛ آغاز حیات خانوادگی انسانها، آغاز تمدن بشر و منشأ ملل مختلف در جهان.
مطابق کتاب مقدس، خاستگاه فرهنگ انسان به آغاز تاریخ این جهان باز می‌گردد. بتدریج که گروههای مختلف مردم از یکدیگر جدا شدند و در نقاط مختلف دنیا گسترش یافتند، تفاوت‌های فرهنگی در بینشان بوجود آمد. ملل مختلف در طی قرون خدای زنده و اراده او را به فراموشی سپرده‌اند، و بدین ترتیب فرهنگ اولیه بشر به فساد و تباهی گراییده است. بتپرستی، تفکرات فلسفی و

تصورات خیالی همگی در شکل دادن به فرهنگهای مختلف بشری نقش عمده‌ای داشته‌اند. امروزه ملل جهان نمی‌توانند تصور کنند که در ابتدای تاریخ بشر، همه آنها دارای يك فرهنگ واحد بودند.

۳- نظام ارزشی معیار در تمامی فرهنگ‌های بشری

کشف و گفتگو کنید: تمامی مردم جهان بر چه اساسی بطور ذاتی می‌دانند که چه چیزی خوب و درست است؟

الف) **بخوانید:** مزمو ۱۹: ۱-۴؛ اعمال ۱۷: ۲۴-۲۷؛ رومیان ۱: ۱۸-۲۰، ۲۵، ۲۸، ۳۲.
ملاحظات: خدا بخشی از حقیقت خود را از طریق خلقت خود آشکار می‌سازد. مردم از طریق مشاهده خلقت، به برخی از خصوصیات غیر قابل رؤیت خدا نظیر قدرت بیکران او، واقعیت وجود الهی و حضور او پی می‌برند.

ب) **بخوانید:** رومیان ۲: ۱۴-۱۵.
ملاحظات: خدا بخشی از حقیقت خود را در قلب و وجدان انسان قرار داده است. مردم با گوش فرا دادن به ندای قلب و وجدان‌شان، به حقایق و ارزشهای اساسی اخلاقی (احکامی مثل: "قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن و شهادت دروغ مده") پی می‌برند و آنها را درک می‌کنند.

۴- جوانب مثبت و منفی فرهنگ انسان

گفتگو کنید: جوانب مثبت و منفی يك فرهنگ چه هستند؟

الف) **بخوانید:** تثیبه ۱۶: ۱۸-۲۰؛ اول پادشاهان ۱۰: ۱-۹.
ملاحظات: تمام فرهنگها جنبه‌هایی خوب، درست و قابل قبول دارند. به عنوان مثال، تاجران و سیاستمداران درستکار، وکلا و قاضیان عادل، کارگران کوشا، شهروندانی نمونه، سازمانهای خیریه، و روابط مبتنی بر محبت و تواضع، همگی جزو جنبه‌های خوب يك فرهنگ محسوب می‌شوند.

ب) **بخوانید:** ارمیا ۷: ۲۲-۲۹؛ ۱۰: ۱-۵؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱-۵.
ملاحظات: از آنجا که تمام انسانها گناهکار هستند، فرهنگهای جهان نیز جملگی دارای جوانب گناه‌آلود و ناپسند می‌باشند. دیدگاههای مختلف مردم که تعیین‌کننده دیدگاهها و نظریات آنها است، اغلب بر فلاسفه و عقاید غیر مسیحی مبتنی است. باورها و اعتقادات مردم اغلب مبتنی بر تفکرات خیالی انسانی یا مبتنی بر دروغ است. ارزشهایی که مردم بر اساس آن رفتار می‌کنند، اغلب نادرست و غیر اخلاقی است. تجارب مختلف مردم که اغلب در آن مسامحه می‌شود، نظیر تجاربی چون برخی فرقه‌های مذهبی خاص، مواد مخدر و روابط جنسی، بی‌تردید تجاربی مخرب هستند. حالات و رفتار مختلف مردم و سبکهای متداول زندگی در میان ملل مختلف، اغلب بر خودخواهی استوارند و کاملاً مخرب هستند. نهادهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی هر فرهنگی اغلب وجود فساد را در داخل خود به دیده اغماض می‌نگرند، اقلیت‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند، و یا به ترویج انواع و اقسام گناهان مشغولند. روابط مردم نیز که بر اساس فرهنگهایشان تنظیم می‌شود، اغلب بیشتر باعث تباهی مردم است تا باعث بنای آنها. بنابراین جوانب گناه‌آلود هر فرهنگی باعث فریب مردم شده، آنها را به فساد و انحراف می‌کشاند.

ب - فرهنگ ملکوت خدا

۱- تعریف ملکوت خدا

ملکوت خدا، پادشاهی و حاکمیت مطلق خدا است توسط عیسی مسیح بر همه مردم و همه امور. ملکوت خدا به طور مشخص عبارت است از پادشاهی و حاکمیت مطلق خدا توسط عیسی مسیح در قلوب قومش، و عملکرد آن در زندگی قوم او. این ملکوت بر اساس کار تمام شده نجات توسط مسیح و کاربرد آن در زندگی مردم توسط روح القدس است. ملکوت خدا منجر به ۴ تغییر عمده می‌شود که عبارتند از:

- ۱) نجات کامل ایمانداران از ابتدا تا به کمال.
- ۲) شکل گرفتن آنها به صورت يك کلیسا (اجتماع مومنین) بر روی زمین کنونی.
- ۳) بهبود شرایط فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و بین المللی.
- ۴) جهانی که به طور کامل نجات یافته و احیا شده است.

۲- جوانب مختلف ملکوت خدا

کشف و گفتگو کنید: جوانب مختلف ملکوت خدا چه هستند؟

الف) ملکوت خدا، حاکمیت مطلق او در قلوب مردم و عملکرد آن در جوانب مختلف زندگی قوم او می‌باشد.

بخوانید: متی ۶: ۱۰، ۳۳؛ لوقا ۱۷: ۲۱.

ملاحظات: دو مثل دانه خردل و خمیرمایه در مورد ملکوت خدا صحبت می‌کنند. موعظه سر کوه تعلیم می‌دهد که پیش از هر نوع خواسته و نیازی، اول باید ملکوت خدا را بطلبیم. تابعیت ملکوت خدا بر تمام تبعیتهای دیگر نظیر تابعیتهای ملی، سیاسی، ایدئولوژیک، الهیاتی و فرهنگی مقدم است و برتری دارد. در نتیجه مقایسه متی ۱۳: ۳۱ و مرقس ۴: ۳۰ متوجه می‌شویم که اصطلاحات "ملکوت آسمان" و "ملکوت خدا" دارای یک مفهوم هستند. خود عیسی نیز از هر دوی این اصطلاحات برای بیان یک مفهوم استفاده می‌کرد.

ب) حاکمیت مطلق خدا بر نجات مردم از ابتدا تا کمال آن، تأثیر می‌گذارد.

بخوانید: اعمال ۸: ۱۲؛ ۲۸: ۳۰-۳۱؛ مرقس ۱: ۱۴-۱۵؛ ۱۰: ۲۵-۲۶؛ یوحنا ۳: ۳-۸؛ اول قرنتیان ۶: ۹-۱۱؛ کولسیان ۱: ۱۳.

ملاحظات: انجیل یعنی "خبر خوش در مورد ملکوت خدا". بنابراین انجیل تنها راجع به مرگ، قیام، توبه و ایمان صحبت نمی‌کند، بلکه در خصوص حاکمیت خدا در قلوب و زندگیهای مردم نیز تعلیم می‌دهد. نجات زمانی آغاز می‌شود که مردم توبه کنند و ایمان بیاورند (این عمل عادل شمرده می‌شود). این نجات در طول زندگی شخص ادامه می‌یابد و در طول آن ایمانداران هر روز بیش از پیش از افکار، سخنان و رفتار گناه‌آلود خود پاک می‌شوند (این عمل تقدیس شدن نامیده می‌شود). و در نهایت از تمام گناهان و همچنین از مرگ خلاصی می‌یابند (این عمل جلال یافتن نامیده می‌شود). ملکوت خدا در زمان آمدن مسیح برقرار شد و امروزه در جهان رشد می‌کند و بهنگام بازگشت مسیح، به ملکوتی کامل تبدیل خواهد شد.

هر که توبه کند و به عیسی مسیح ایمان بیاورد، وارد ملکوت می‌شود. ورود به ملکوت به مفهوم یافتن تولدی تازه، رهایی از قلمرو ظلمت و دریافت نجات است.

موعظه سر کوه تعلیم می‌دهد که ملکوت خدا دربرگیرنده تمام جوانب زندگی شخص و حیات او در جامعه می‌باشد. تمام کسانی که به پادشاه پادشاهان تعلق دارند، باید به شیوه‌ای متناسب با ملکوت خدا زندگی کنند.

پ) حاکمیت مطلق خدا بر تأسیس و تشکیل کلیسای مسیحی تأثیر می‌گذارد.

بخوانید: متی ۱۶: ۱۸-۱۹؛ یوحنا ۳: ۵؛ اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۱۳؛ افسسیان ۱: ۱۳، ۲۰-۲۱؛ اول پطرس ۲: ۴-۱۰؛ متی ۱۳: ۲۴-۳۰.

ملاحظات: کلیسای مسیحی، اجتماع قابل رؤیت انسانهایی است که در قلب خود خدا را به عنوان پادشاه تشخیص داده‌اند، پیغام انجیل را شنیده‌اند، به عیسی مسیح ایمان آورده‌اند و با روح القدس مهر شده‌اند. کلیسای مسیح متشکل از برگزیدگان است. این عده دعوت شده و وظیفه دارند که در این دنیا پادشاهان، کهنه و انبیا باشند. آنها انتخاب شده‌اند تا در جهان نور و نمک باشند (متی ۵: ۱۳-۱۶). تمثیل کرکاسها (متی ۱۳) تعلیم می‌دهد که ملکوت خدا یا کلیسای مسیح در شکل فعلی خود تا زمان بازگشت مسیح به صورت اجتماعی مختلط است. همواره در بین اجتماع ایمانداران، بی‌ایمانان و لغزش خوردگانی نیز وجود خواهند داشت. با وجود این، ایمانداران نباید اجازه دهند که بی‌ایمانان بر سبک زندگی آنها نفوذ داشته باشند. بلکه خود باید بر زندگی بی‌ایمانان تأثیر بگذارند تا آنها نیز مطابق ملکوت خدا زندگی کنند (ارمیا ۱۵: ۱۹). ایمانداران نباید اجازه دهند دنیای اطراف بر آنها نفوذ داشته، آنها را شکل دهد، بلکه باید همواره اجازه دهند که خدا آنها را به شکل دلخواه خود در آورد (رومیان ۱۲: ۱-۲).

ت) حاکمیت مطلق خدا منجر به بهبود وضع افراد و جوامع می‌شود.

بخوانید: متی ۱۱: ۴-۶؛ لوقا ۱۰: ۱۴.

ملاحظات: در طول تاریخ، فعالیتهای مسیحیان در خانواده و جوامع خود منجر به تأسیس بیمارستانها، مراقبت از جزامیان، معلولین، نابینایان، حمایت از افراد فقیر و جفادیده، پرداخت مالیات به دولت، جلوگیری از فساد و انحرافات اخلاقی، ترویج عدالت، سلامت اخلاقی و غیره شده است.

ث) حاکمیت مطلق خدا در نهایت منجر به بیدایش جهانی نجات‌یافته می‌شود.

بخوانید: متی ۱۳: ۳۶-۴۳؛ ۲۵: ۳۱-۳۴؛ اعمال ۳: ۲۱؛ مکاشفه ۲۱: ۱-۲، ۹-۱۰، ۲۷.

ملاحظات: مسیح در زمان بازگشت خود، تمام آن چیزهایی را که عامل گناه هستند، و نیز تمام انسانهایی را که مرتکب شرارت و گناه می‌شوند، بیرون می‌افکند. در شکل نهایی و کامل ملکوت خدا، تنها مردم عادل زندگی خواهند کرد. هیچ چیز ناپاک، شریر و فریبنده‌ای در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت. ملکوت خدا در مرحله نهایی خود، عبارت است از تجدید و تازگی همه چیز. این ملکوت عبارت است از آسمان و زمین جدیدی که در آن اورشلیم آسمانی بصورت اورشلیمی جدید نازل می‌شود. این ملکوت، همان عروس بره یا کلیسای مسیح است که عبارت است از تمام نجات‌یافتگانی که تا به حال زیسته‌اند. این حقیقت که تا زمان بازگشت مسیح ظاهراً حاکمیت مطلق خدا اعمال نمی‌شود، به این مفهوم نیست که خدا قادر مطلق نیست. بر طبق دوم پطرس ۳: ۹، خدا نسبت به مردم صبور است چون نمی‌خواهد کسی هلاک شود، بلکه می‌خواهد همه توبه کنند.

۳- مشخصات ملکوت خدا

کشف و گفتگو کنید: مشخصات مخصوص ملکوت خدا چه هستند؟

الف) ملکوت خدا دارای شکل فعلی و شکل نهایی است.

بخوانید: متی ۸: ۱۱-۱۲؛ ۱۲: ۲۸؛ ۱۴: ۱۳-۳۶؛ ۴۳: ۲۱-۴۲-۴۵.

ملاحظات: ملکوت خدا در شکل فعلی خود، مانند وضعیتی است که در آن عیسی مسیح فرزندان ملکوت را می‌کارد و شیطان فرزندان شرارت را (متی ۱۳: ۳۶-۳۹). شیطان و فرزندان او، در شکل فعلی ملکوت کماکان حاضر و فعالند. ولی در شکل نهایی ملکوت، از پادشاهی خدا بیرون افکنده خواهند شد. در شکل فعلی ملکوت خدا، مردم از شرق و غرب از گناهان و اسارت روحهای شریر نجات یافته، توسط موعظه انجیل تحت حاکمیت مسیح قرار می‌گیرند (متی ۱۲: ۲۸؛ کولسیان ۱: ۱۳). ولی افرادی که به پادشاهی خدا ایمان نداشته باشند، بیرون افکنده خواهند شد (متی ۸: ۱۱-۱۲). در شکل نهایی ملکوت خدا، تمام بدکاران و هر آنچه که باعث گناه و شرارت است، بیرون افکنده خواهد شد (متی ۱۳: ۴۱).

ب) ملکوت خدا در عین حال يك سر و مکاشفه است.

بخوانید: متی ۱۳: ۱۱-۱۷.

ملاحظات: اسرار ملکوت خدا تنها به افرادی مکشوف شده است که قلبشان را برای دریافت تخم کلام خدا باز کرده‌اند. ولی برای کسانی که قلب خود را نسبت به کلام خدا سخت می‌سازند، کماکان به صورت يك سر باقی می‌ماند.

پ) ملکوت خدا در جهان فعلی وجود دارد، ولی متعلق به این جهان نیست.

بخوانید: لوقا ۱۷: ۲۰-۲۱؛ متی ۵: ۱۹-۲۰؛ یوحنا ۱۸: ۳۶.

ملاحظات: ملکوت خدا در میان ما و در قلوب ماست و در زندگیهای ما اعمال می‌شود، ولی به هیچ کدام از حکومت‌های این جهان شباهت ندارد. این ملکوت نوعی حاکمیت سیاسی یا يك نظام نیست، بلکه ملکوتی است که از آسمان توسط عیسی مسیح به طرزی مقتدر اداره می‌شود.

ت) ملکوت خدا به صورت ملکوتی کوچک آغاز می‌شود، ولی در نهایت در همه جا گسترش می‌یابد و پیروز می‌گردد.

بخوانید: متی ۱۳: ۳۱-۳۳ و اشعیا ۹: ۶-۷؛ دانیال ۲: ۳۴-۳۵، ۴۴-۴۵؛ متی ۲۸: ۱۸.

ملاحظات: ملکوت خدا در ابتدا به صورت ملکوتی بسیار کوچک آغاز شد. ولی به تدریج نه تنها در زندگی افراد، بلکه در کشورهای مختلف نیز گسترش می‌یابد. حاکمیت مطلق خدا توسط عیسی مسیح در قلوب بسیاری از مردم، و از نظر جغرافیایی در تمامی کشورهای جهان فعلی گسترش می‌یابد. این ملکوت پس از دآوری نهایی عیسی مسیح نیز کماکان توسعه خواهد یافت (متی ۱۳: ۴۱؛ ۲۵: ۳۱-۴۶) و بر هر چیزی غالب خواهد شد (افسسیان ۱: ۱۰). این موضوع در دو مثل دانه خردل و خمیرمایه بخوبی بیان شده است. ملکوت خدا در نهایت به تمام حکومت‌های این جهان خاتمه می‌دهد، ولی خود این ملکوت هیچگاه از بین نخواهد رفت (اشعیا ۹: ۷؛ دانیال ۲: ۴۴)، بلکه تا به ابد باقی است.

پ - مسؤلیت مسیحیان در ایجاد تغییر در فرهنگشان

کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان مسؤوند جوانب اشتباه و گناه‌آلود فرهنگشان را تا حد امکان و تا جایی که مربوط به زندگی خودشان است، تغییر دهند؟

۱- عیسی مسیح در مورد تنها فرهنگ کامل که فرهنگ ملکوت خداست به مسیحیان تعلیم می‌دهد.

بخوانید: متی ۵: ۱-۱۶ (متی فصل‌های ۵-۷).

ملاحظات: عیسی مسیح زمانیکه بر روی زمین بود، در رابطه با ملکوت خدا تعالیم زیادی داد. تنها فرهنگ کامل، فرهنگ ملکوت خدا است. و این فرهنگ تنها در کتاب‌مقدس مکشوف شده است و بس. کتاب‌مقدس در رابطه با دیدگاه خدا، حقایق مربوط به او، موضوعاتی که مردم باید به آنها ایمان بیاورند و ارزشهایی که باید در هر کشوری از آنها پیروی کنند تعلیم می‌دهد. کتاب‌مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که مردم باید به چه چیزهایی اطمینان و یقین داشته باشند و کدامیک از احساسات و تجارب انسانی از دیدگاه خدا سالم و درست است. کتاب‌مقدس در رابطه با طرز رفتار مردم، هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی در برخورد با نهادهایی که با آن سروکار دارند، حقایق را آشکار می‌سازد.

۲- عیسی مسیح به مسیحیان حکم می‌کند که ملکوت خدا و فرهنگ ملکوت خدا را ترویج و توسعه دهند.

بخوانید: پیدایش ۱: ۲۸؛ ۲: ۱۵؛ متی ۶: ۱۰، ۱۰؛ ۲۴: ۱۴.

ملاحظات: مسیحیان وظیفه دارند که پیش از هر چیز دیگری در زندگیهای خود، ملکوت خدا را بطلند و آن را در اولویت قرار دهند. آنها مسؤوند برای آمدن ملکوت خدا در زندگی مردم و ملل دنیا دعا کنند و ملکوت خدا را به همه ملل دنیا موعظه نمایند.

لازم نیست مسیحیان فرهنگ ملتشان را تغییر دهند و در واقع قادر به انجام چنین کاری نیز نیستند. ولی این وظیفه را دارند که مردم فرهنگ خود را به توبه دعوت کنند تا بدینوسیله زندگی آنها دگرگون شود. آنها می‌توانند مردم را ترغیب کنند که جوانب منفی و گناه‌آلود فرهنگ خود را تغییر دهند تا فرهنگشان به شباهت فرهنگ ملکوت خدا در آید. بنابراین وقتی مردم پیغام ملکوت خدا را می‌شنوند، این پیغام از آنها دعوت می‌کند که توبه کنند تا زندگی‌شان عوض شود. پیغام ملکوت خدا از مردم می‌خواهد دیدگاهها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و نهادهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا مطابقت داشته باشد. مسیح به جهان آمده تا افراد، خانواده‌ها، جوامع و ملل را از طریق تغییر فرهنگشان و هماهنگ کردن آن با فرهنگ ملکوت خدا، دگرگون سازد. مسیح آمده است تا زندگی مردم را دگرگون سازد و بدین ترتیب، فرهنگشان را نیز تغییر دهد. او می‌خواهد این دگرگونی نخست از جوانب منفی و گناه‌آلود فرهنگ انسانها شروع شود.

۳- عیسی مسیح بهنگام بازگشت، مسیحیان و تمام جهان را به طرزی قدرتمند دگرگون خواهد ساخت.

بخوانید:

متی ۱۳: ۴۱-۴۳؛ اعمال ۳: ۲۱؛ رومیان ۸: ۱۹-۲۱؛ دوم پطرس ۳: ۳؛ اول یوحنا ۳: ۱-۳؛ مکاشفه ۲۱: ۲۴-۲۷.

ملاحظات:

عیسی مسیح همه چیز را احیا خواهد ساخت. او بدکاران و هرآنچه را که شریر و گناه‌آلود است از ملکوت خود بیرون خواهد افکند و بدین ترتیب همه چیز را احیا خواهد ساخت. عیسی مسیح در زمان بازگشت خود اجازه نخواهد داد هیچ چیز ناپاک و بد و فریبدهای به ملکوت خدا به شکل نهایی آن وارد شود. او تنها اجازه خواهد داد که جوانب کامل فرهنگ انسان وارد ملکوت خدا شود. جوانب کامل ملکوت خدا، جنبه‌هایی هستند که کاملاً با کلام خدا انطباق و هماهنگی دارند و باعث جلال خدا هستند. با اینحال، این جوانب نیز همچون خود مسیحیان، تنها در زمان بازگشت مسیح کامل خواهند شد (اول یوحنا ۳: ۱-۳). بنابراین تمامی جنبه‌های مثبت فرهنگ بشری، تنها بهنگام بازگشت مسیح و توسط او کامل خواهد شد (رومیان ۸: ۱۹-۲۱).

ت - ارزیابی

مسیحیان باید جوانب مختلف فرهنگ خود را در پرتو فرهنگ ملکوت خدا آنطور که در کتاب مقدس مکشوف شده است، ارزیابی کنند. شما باید در طول زندگی خود این سوالات را از خود بپرسید:

آیا دیدگاه و جهان‌بینی من با دیدگاه کتاب مقدس مطابقت دارد؟
 من در پرتو حقایق کتاب مقدس چه چیزی را به عنوان حقیقت قلمداد می‌کنم؟
 من در پرتو آنچه که باید بر اساس کتاب مقدس بدان ایمان داشته باشم، به چه چیزهایی ایمان دارم؟
 من با توجه به ارزشهایی که در کتاب مقدس آمده و باید از آنها پیروی کنم، در حال حاضر از چه ارزشهای شخصی و فرهنگی پیروی می‌کنم؟
 من با توجه به مطالبی که در کتاب مقدس آمده و باید به آنها ایمان داشته باشم، در حال حاضر به چه چیزهایی اعتقاد دارم؟
 کتاب مقدس چگونه احساسات و تجارب مرا ارزیابی می‌کند؟
 کتاب مقدس چگونه روابط فعلی مرا ارزیابی می‌کند؟
 رفتار من در پرتو رفتاری که در کتاب مقدس حکم شده و باید از آن اطاعت کنم، چگونه است؟
 کتاب مقدس نهادهای مختلفی را که در فرهنگ من وجود دارد، چگونه ارزیابی می‌کند؟

به این دو مبحث مهم مراجعه کنید:

ضمیمه شماره ۴: ارزیابی روابط ما با والدینمان که در قید حیات هستند.

ضمیمه شماره ۵: ارزیابی روابط ما با اجداد و نیاکانمان که از این جهان رفته‌اند.

۵	دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام خدا	

به نوبت در تمام گروه یا درحالیکه به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایق را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

تکلیف منزل (۲ دقیقه)	۶
برای درس بعدی	

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد یا گروه، موضوع " فرهنگ انسان و فرهنگ ملکوت خدا " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید. به نوایمانان تعلیم دهید که کتاب مقدس در خصوص رابطه آنها با آندسته از والدینشان که در قید حیات هستند و نیز با اجداد و نیاکانشان که از این جهان رفته‌اند، چه تعلیمی می‌دهد. مراقب باشید که عقاید شما بر اساس کتاب مقدس باشند، نه بر اساس تصورات خیالی یا تعالیم اشتباه.
- ۳ - رازگاهان - هر روز نیمی از يك فصل از دوم تیموتاؤس ۲-۴ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - هر روز ۵ آیه حفظی آخر را از یوحنا مرور کنید.
- ۵ - بررسی کتاب مقدس - درس بعدی بررسی کتاب مقدس (یوحنا فصل ۱۰) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید.
- ۶ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۷ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد رازگاهان، آیات حفظی، یادداشتهای تعلیمی و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

درس ۲۴

۱	دعا
---	-----

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره مربوط به بنای کلیسای مسیح را به حضور خداوند بیاورید.

۲	در میان گذاشتن برکات (۲۰ دقیقه) دوم تیموتاوس
---	---

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم تیموتاوس ۲-۴) با دیگران در میان بگذارید (یا از روی یادداشت‌های رازگهان آن روز بخوانید).
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرفهایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، در مورد آنچه در میان می‌گذارد، بحث نکنید.

۳	حفظ کردن (۵ دقیقه) عنوان مجموعه: یوحنا
---	---

مرور: دو نفری ۵ آیه حفظی آخر را از یوحنا مرور کنید.

۴	بررسی کتاب مقدس (۸۵ دقیقه) یوحنا ۱۰: ۱-۴۲
---	--

مقدمه: یوحنا ۱۰: ۱-۳۹ بیانگر دعوت عیسی مسیح از شاگردان و فریسیان است. او می‌فرماید: "من شبان نیکو هستم، شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان خود می‌نهد. گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند" (۲۷، ۱۱).

قدم ۱: بخوانید بخوانید: یوحنا ۱۰: ۱-۴۲ را با هم بخوانیم. هر یک به نوبت يك آیه را بخواند تا تمام قسمت خوانده شود.	
---	--

قدم ۲: کشف کنید توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ بنویسید: يك یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، در مورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضاء گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کرده‌ایم با یکدیگر در میان بگذاریم. (موارد زیر مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید که در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوماً یکسان باشند).	
---	--

کشف ۱) در یوحنا ۱۰: ۲۶-۲۹ در مورد اطمینان نجات، حقیقت مهمی برای من وجود دارد.

الف) اطمینان نجات بر وعده و قدرت عیسی مسیح استوار است. در یوحنا ۱۰: ۲۷-۲۸، عیسی در مورد افرادی که جزو گوسفندان او محسوب می‌شوند چنین می‌فرماید: "گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند و من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند. و من به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت." عیسی در خصوص کسانی که جزو گوسفندان او هستند، با اقتدار در مورد سه امر مسلم وعده می‌دهد: ایمانداران حقیقی از حیات جاودان که وجه مشخصه آسمان و زمین جدید است، برخوردارند. این حیات، حیاتی پایدار و ابدی است، و هیچ وقت پایان نخواهد یافت. ایمانداران واقعی هیچگاه طوری لغزش نخواهند خورد که هلاک شوند. به عبارت دیگر، آنها هیچ وقت محکوم به دوری ابدی از

حضور خدا و محبت او نمی‌شوند. ایمانداران حقیقی ممکن نیست از عیسی گرفته شوند، و در واقع هیچ کس قادر نخواهد بود آنها را از حضور قدرتمند و پر محبت خدا بریابد و دور سازد. ولی ایمانداران حقیقی چه کسانی هستند؟ عیسی می‌فرماید که او خود ایمانداران حقیقی را می‌شناسد؛ آنها به آواز او گوش می‌دهند و تنها از او پیروی می‌کنند، و نه از هیچ مذهب یا فلسفه یا نظام ارزشی دیگری. یک فرد مسیحی نباید در خصوص وعده عیسی مبنی بر اطمینان نجات شك به دل راه دهد. اگر کسی به صدای مسیح گوش نداده و از او اطاعت نمی‌کند، نمی‌تواند خود را یکی از گوسفندان مسیح یا به عبارت دیگر، یک مسیحی ببیند.

ب) اطمینان نجات بر اساس این حقیقت است که خدای پدر ما را به عیسی مسیح سپرده است. در یوحنا ۱۰: ۲۶، عیسی به یهودیانی که به او ایمان ندارند می‌فرماید، "لیکن شما ایمان نمی‌آورید زیرا از گوسفندان من نیستید". این آیه دربرگیرنده دو حقیقت مهم در کتاب مقدس است: از یک طرف آموزه برگزیدگی الهی را بیان می‌کند و از طرف دیگر آموزه مسوولیت انسان را. لازم نیست سعی کنیم که این دو آموزه را با هم سازش دهیم، زیرا هر دو در سراسر کتاب مقدس همواره به موازات هم پیش می‌روند.

از یک طرف، هر انسانی در این مورد که آیا به عیسی مسیح ایمان می‌آورد یا خیر، مسوول است. مسوولیت گناه بی‌ایمانی یهودیان تنها متوجه خود آنها بود. عیسی می‌فرماید: "شما ایمان نمی‌آورید (۱۰: ۲۶)". این مسوولیت انسان است. وقتی که انجیل را موعظه می‌کنیم، در واقع مسوولیت انسان را به تمام مردم جهان موعظه می‌کنیم. تمام مردم جهان مسوولند که توبه کنند و ایمان بیاورند (مرقس ۱: ۱۵).

اما از طرف دیگر، خدای پدر انتخاب می‌کند که چه کسانی را به عیسی ببخشد و چه کسانی را به او نسیار. عیسی می‌فرماید: "پدری که آنها را به من بخشید ... (۱۰: ۲۹)". عیسی در مورد این حقیقت در یوحنا ۶: ۳۷، ۴۴، ۶۵ نیز تعلیم می‌دهد: "هر آنچه پدر به من عطا کند به جانب من می‌آید و هر که به جانب من آید او را بیرون نخواهم نمود ... کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر پدری که مرا فرستاد او را جذب کند ... از این سبب به شما گفتم که کسی نزد من نمی‌تواند آمد مگر آنکه پدر من بدو عطا کند." تنها کسانی که خدا آنها را به سمت عیسی جذب می‌کند، به او ایمان خواهند آورد. این عمل، برگزیدگی الهی نامیده می‌شود. این حقیقت که من به عیسی مسیح ایمان دارم و او را پیروی می‌کنم، به من اطمینان می‌دهد که خدای پدر مرا به عیسی مسیح بخشیده است. ما بهنگام موعظه حقایق کتاب مقدس، موضوع برگزیدگی الهی را باید تنها برای ایمانداران کلیسا موعظه کنیم. تمام ایمانداران جهان می‌توانند مطمئن باشند که به شیان اعظم و گله او تعلق دارند (یوحنا ۱۰: ۲۷ - ۲۸).

کشف ۲) در یوحنا ۱۰: ۳۰ - ۳۳ در این خصوص که عیسی مسیح خداست برای من حقیقت مهمی وجود دارد.

الف) عیسی مسیح ادعا می‌کند که با خدای پدر یک است. در یوحنا ۱۰: ۳۰، عیسی می‌فرماید: "من و پدر یک هستیم". عیسی صرفاً به این حقیقت اشاره نمی‌کند که آنها از نظر ظاهر یا از نظر اعمالی که انجام می‌دهند یکی هستند. بلکه بی‌تردید به این حقیقت اشاره می‌کند که آنها از نظر ماهیت درونی یک هستند. وقتی او می‌فرماید: "ما هستیم"، راجع به دو شخصیت درونی مجزا که به طور واحد در ذات الهی وجود دارند، صحبت می‌کند (متی ۲۸: ۱۹، یک ذات الهی، سه شخصیت درونی مجزا از هم در یک ذات الهی). او وقتی می‌فرماید "یک"، راجع به یک ماهیت یا ذات صحبت می‌کند. عیسی تعلیم می‌دهد که خدای پدر و خدای پسر دو شخصیت جداگانه‌اند، اما دارای یک ذات یا ماهیت واحد می‌باشند. اگرچه کتاب مقدس از کلمه "تثلیث" یا "خدای تثلیث" استفاده نمی‌کند، ولی با بیان این حقیقت که خدا خود را به عنوان یک ذات الهی در سه شخصیت مکشوف کرده است، به وضوح آموزه تثلیث را تعلیم می‌دهد. این آیه حائز اهمیت فراوان است، زیرا از یک طرف آموزه‌ای را که منکر وحدت ذات خدا است رد می‌کند، و از طرف دیگر آموزه‌ای را نیز که منکر وجود سه شخصیت مجزا در یک ذات الهی است مردود می‌شمرد.

ب) برداشت یهودیان از ادعای عیسی این بود که او خود را خدا می‌بیند. عیسی پیشتر ادعا کرده بود که با خدا برابر است. او در یوحنا ۵: ۱۷ - ۱۸ و ۲۳ ادعا کرد که از نظر ماهیت، اعمالی که پدر انجام می‌دهد و حرمتی که شایسته او است، با پدر برابر می‌باشد. در یوحنا ۸: ۵۸ - ۵۹ عیسی ادعا کرد که: "قبل از اینکه ابراهیم باشد، من هستم." یهودیان این سخن را کفر پنداشتند و خواستند او را سنگسار کنند. در یوحنا ۱۰: ۳۳، یهودیان بدستی درک کردند که عیسی خود را با خدا برابر می‌داند، و این سخن او را نیز کفر پنداشتند. به همین خاطر است که عیسی در یوحنا ۸: ۲۴، به یهودیان هشدار داده فرمود: "اگر باور نکنید که من همان کسی هستم که ادعا می‌کنم، در گناهان خود خواهید مرد." کافی نیست تنها به عیسی مسیح به عنوان یک شخص عادل یا یک نبی ایمان بیاورید. اگر مردم به عیسی همان گونه که ادعا می‌کند هست ایمان نیاورند، قطعاً در گناهان خود خواهند مرد و به جهنم خواهند رفت. این موضوع بسیار اهمیت دارد که مردم به عیسی مسیح به عنوان کسی که با خدای پدر برابر است، ایمان داشته باشند.

قدم ۳: سؤال

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟ سعی کنیم تمام حقایق مربوط به یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲ را درک کنیم و در مورد آنچه نمی‌فهمیم سؤالهای خود را مطرح کنیم. **بنویسید:** تا آنجایی که امکان دارد سؤالهای خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفترچه یادداشت خود بنویسید.

درمیان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هرکدام از افراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای آنها پیدا کنید. در ادامه، نمونه سؤالاتی که ممکن است شاگردان بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است).

سؤال ۱) (یوحنا ۱۰: ۱- ۱۶). مفهوم مثل شبان نیکو چیست؟

ملاحظات: در انجیل یوحنا، "شبان نیکو" (یوحنا فصل ۱۰) و "تاک و شاخه‌های آن" (یوحنا فصل ۱۵) دو مثل هستند.

الف) زندگی شبانان در اسرائیل. همه مردم اسرائیل از چگونگی زندگی شبانان مطلع بودند. در هر دهکده‌ای احتمالاً یک آغل وجود داشت تا بهنگام شب از گله گوسفندان نگهداری شود. فردی نگهبان یا دیده‌بان وجود داشت که کارش این بود که به هنگام شب از این گوسفندان مواظبت کند. شبانان هر روز صبح گله‌های خود را به مکانهای سرسبز و به سوی نهرهای آب می‌بردند. دیده‌بان شبانان را می‌شناخت و دروازه را جهت ورود آنها باز می‌کرد. تمام گوسفندان یک گله صدای شبان خود را تشخیص می‌دادند و از شبان دیگری پیروی نمی‌کردند. همچنین هر شبانی گله گوسفندان خود را حتی به اسم می‌شناخت و آنها را محبت می‌نمود و در برابر گرگها، شیران و خرسها، از آنها محافظت می‌کرد. چنین کاری را داود پادشاه نیز انجام می‌داد.

ب) این داستان یک مثل است. مثل، نوعی تشبیه یا استعاره است. استعاره به نوعی تشبیه یا مقایسه اشاره می‌کند. به عنوان مثال، "خداوند شبان من است" (مزمور ۲۳: ۱) یک استعاره است، و به این موضوع اشاره دارد که خداوند مانند یک شبان است. یک مثل، استعاره‌ای مبسوط است. به عنوان مثال، عیسی می‌تواند از جوانب مختلف به یک شبان خوب تشبیه شود. البته در یک مثل نباید سعی کنیم تمام مشخصات آن سمبل را توضیح دهیم.

عیسی در یوحنا فصل ۱۰، سمبلهای مختلفی را که در مثل خود استفاده کرده بود، تعبیر می‌کند. به عنوان مثال، منظور از "شبان" خود او است. "در" نیز به عیسی اشاره دارد. "آغل گوسفندان" به اسرائیل اشاره می‌کند (۱۰: ۱۶). "گوسفندان"، تمام مردم اسرائیل و یا تمام مردم جهان نیستند، بلکه تنها آن کسانی هستند که مسیح جان خود را به خاطر آنها فدا کرد؛ این افراد برگزیده شده‌اند که نجات بیابند و صاحب حیات جاودانی شوند؛ این افراد آواز عیسی مسیح را می‌شنوند و او را پیروی می‌کنند. بنابراین "گله" به تمام مردم نجات یافته اشاره می‌کند (۱۰: ۱۶).

برخی از سمبلها - نظیر "دزد، راهزن، بیگانه، و مزدور" - را می‌توان با توجه به شرایط تاریخی آن زمان تفسیر کرد. اما برخی دیگر از سمبلها - نظیر "دیده‌بان" و "گرگ" - را نباید تعبیر کرد زیرا نه خود عیسی آنها را تفسیر کرده و نه در مورد آنها در متن انجیل توضیحی داده شده است. بنابراین در این گونه موارد تنها باید نکته یا ایده اصلی سمبل را درک کرد.

پ) نکته اصلی داستان. موضوع اصلی داستان در یوحنا فصل ۱۰ این است که عیسی به عنوان شبانی نیکو، با شبانان بد که رهبران و معلمین مذهبی یهود هستند مقایسه شده است.

عیسی شبان واقعی و کامل است. او همان طور که خدا در عهد عتیق پیشگویی کرده بود به این جهان آمد. عیسی تک تک ایمانداران واقعی را به اسم می‌شناسد. ایمانداران هم او را به عنوان شبان واقعی‌شان می‌شناسند و تنها از او پیروی می‌کنند. عیسی به عنوان الگوی گوسفندان پیشاپیش آنها حرکت می‌کند. معلمین و رهبران مذهبی یهود حکم دزدان و غارتگران را داشتند. آنها به عیسی مسیح که همان در اصلی بود توجه نمی‌کردند، بلکه سعی داشتند با ایجاد ترس و وحشت در مردم اسرائیل، آنها را کنترل کنند. آنها مردم را تهدید می‌کردند که اگر از دستوراتشان اطاعت نکنند، از اجتماع بیرون رانده خواهند شد. آنها در واقع مردم اسرائیل را هدایت نمی‌کردند، بلکه تنها آنها را تهدید می‌کردند. ایمانداران واقعی از چنین افرادی گریزانند. عیسی به عنوان شبان واقعی، جان خود را در راه ایمانداران بر صلیب فدا کرد. و حال آنکه رهبران و معلمین مذهبی یهود حیات روحانی حقیقی را از بین می‌بردند. عیسی شبان گوسفندان آغل خود است که همان ایمانداران اسرائیل هستند. او همچنین شبانی گوسفندان آغلای زیادی را در جهان بر عهده دارد. او گوسفندان خود را که در آغلهای (یا ملل) مختلف هستند به صورت یک گله واحد جمع می‌کند و شکل می‌دهد (۱۰: ۱۶). ایمانداران اعم از یهودی و غیریهودی، با هم یک کلیسا و یک ملکوت را تشکیل می‌دهند.

ت) نکات آموزنده این داستان. این مثل در مورد اهمیت ورود به اجتماع ایمانداران از طریق عیسی مسیح به عنوان در، به ما تعلیم می‌دهد. خیلی مهم است که هر شخص بطور فردی عیسی مسیح را بشناسد، با او رابطه‌ای صمیمانه داشته باشد، صدای او را بشنود و از او پیروی کند. تنها زمانی عیسی از ما در برابر افرادی که در صدد کنترل و نابودی ما هستند محافظت خواهد کرد که ما در رابطه‌ای نزدیک با او به سر بریم. این مثل همچنین تعلیم می‌دهد که در جهان آغلای مختلفی وجود دارد، ولی تنها یک گله ایماندار در جهان وجود دارد، که همان کلیسای مسیح یا ملکوت مسیح است.

سؤال ۲) (یوحنا ۱۰: ۷، ۱۰). چرا عیسی به "در" و "شبان" تشبیه شده است؟

ملاحظات: سمبل عیسی بعنوان "در"، تنها سمبل عیسی بعنوان "شبان نیکو" را توضیح می‌دهد. وقتی عیسی در آیه ۷ می‌فرماید: "من برای گوسفندان در هستم"، در واقع می‌گوید که مردم تنها از طریق او است که اجازه دارند به جمع ایمانداران راه یابند. در واقع هیچ طریق دیگری جهت ورود به کلیسای مسیح یا ملکوت خدا وجود ندارد. عیسی مسیح هم دری به سوی گله است و هم دری برای گله. عیسی در آیه ۸ می‌گوید که برای شبانان واقعی، او تنها راه مجاز جهت دستیابی به گله است. تمام کسانی که سعی می‌کنند از راهی غیر از این در (یعنی عیسی مسیح) به گله دسترسی پیدا کنند، دزد و راهزن هستند. عیسی همچنین در آیه ۹ می‌گوید که او تنها طریقی است که گله می‌تواند نجات یابد و از نظر روحانی تغذیه شود.

سؤال ۳) (یوحنا ۱۰: ۹-۱۰). منظور عیسی چیست که می‌گوید هر که از طریق او داخل شود نجات خواهد یافت؟

ملاحظات: بر طبق یوحنا ۳: ۱۶-۱۷، نجات یافتن یعنی برخورداری از حیات جاودان. مطابق یوحنا ۱۰: ۲۸، گوسفندان عیسی مسیح حیات جاودانی را دریافت می‌کنند و هیچگاه هلاک نمی‌شوند، و هیچ کس نیز قادر نیست آنها را از دست او بگیرد. بنابراین ۱۰: ۹ به این مفهوم نیست که هر که از طریق عیسی مسیح داخل شود، در امان خواهد بود. بلکه مفهومی بیش از این مد نظر است. کسانی که از طریق عیسی مسیح داخل شوند نخست از احساس تقصیر، قدرت گناه و محکومیت ابدی نجات خواهند یافت و حیات ابدی را دریافت خواهند کرد. و سپس در امنیت و آرامش در حضور شبانشان عیسی مسیح ساکن خواهند شد. هیچ يك از وقایع روی زمین نمی‌تواند به رابطه آنها با شبان‌شان آسیب برساند. آنها هر روزه توسط این شبان مراقبت و محافظت خواهند شد و برکات زیادی از او خواهند یافت.

سؤال ۴) (یوحنا ۱۰: ۱۱). آیا عیسی مسیح جان خود را برای همه فدا می‌سازد یا تنها برای گوسفندان خود؟

ملاحظات: یوحنا ۱۰: ۱۱ می‌فرماید: "شبان نیکو جان خود را در راه گوسفندان می‌نهد." این آیه نمی‌گوید عیسی جان خود را در راه تمام مردم جهان می‌نهد. "گوسفندانی" که او جان خود را در راه آنها می‌نهد، چه کسانی هستند؟ بر طبق آیات ۲۷-۲۸، این گوسفندان کسانی هستند که به صدای او گوش می‌دهند و او را پیروی می‌کنند. آنها افرادی هستند که حیات جاودانی را دریافت می‌کنند و هرگز هلاک نخواهند شد. بنابراین مرگ کفارهای عیسی مسیح محدود به کسانی است که نجات یافته‌اند. عیسی مسیح در راه کسانی می‌میرد که مرگش باعث نجاتشان خواهد شد. هیچ انسانی نمی‌تواند تأثیر کار نجات‌بخش عیسی مسیح را از بین ببرد، بلکه کار نجات‌بخش او عمل قدرتمندی است که همواره مؤثر و کارگر می‌باشد (رومیان ۸: ۲۹-۳۰؛ ۹: ۶-۱۸؛ اول تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۵).

خلاصه: اگرچه مرگ کفارهای مسیح برای نجات تمام مردمی که تا به حال زیسته‌اند کافی است، اما مرگ او تنها برای افرادی که نجات را دریافت می‌کنند مؤثر است. اگرچه پیغام انجیل باید به گوش مردم بسیاری برسد، همه انسانها به این پیغام ایمان نمی‌آورند. و اگرچه خدا قوم خود را از هر ملت و نژادی به سمت خود جذب می‌کند، همه انسانها نجات نخواهند یافت.

سؤال ۵) (یوحنا ۱۰: ۱۶). منظور عیسی چیست که می‌گوید، باید گوسفندان دیگری را نیز از آغلهای دیگر آورده، به اتفاق يك گله را تشکیل دهد؟

ملاحظات:

الف) عیسی گوسفندان خود را از اسرائیل و نیز از میان ملل دیگر جمع کرده، همگی را وارد کلیسا یا ملکوت خود می‌سازد. تمام داستان و مخصوصاً آیه ۱۶ گواه این حقیقت است که "آغل گوسفندان" به ملت اسرائیل اشاره دارد. عیسی گوسفندان خود را از این آغل بیرون آورده، وارد گله خود می‌سازد. تا این زمان خدا اجازه داده بود که ملل غیریهود به راه خود بروند (اعمال ۱۴: ۱۶) و تنها به ملت اسرائیل توجه نشان داده بود. ولی اینک عصر جدیدی آغاز می‌شود. عیسی دارای گوسفندان زیاد دیگری نیز هست که جزو ملت اسرائیل نیستند، بلکه به ملل غیریهودی تعلق دارند. او باید آنها را نیز از آغلهای خود بیرون آورد و وارد گله خود که همان کلیسا یا ملکوت اوست سازد.

ب) ایمانداران سایر ملل نیز همانند یهودیان وارد ملکوت خدا خواهند شد. عهد عتیق پیشگویی کرده بود که خدا کار نجات‌بخش خود را در بین ملل مختلف دنیا گسترش خواهد داد. در پیدایش ۱۲: ۳، خدا وعده می‌دهد که از طریق مسیح موعود تمام قبایل جهان را برکت خواهد داد. خدا در یوئیل ۲: ۲۸ وعده می‌دهد که روح خود را بر تمام ملل خواهد ریخت. در ملاکی ۱: ۱۱ نیز می‌فرماید که نام او در میان امتهای عظیم خواهد بود. البته انبیای عهد عتیق فکر می‌کردند که مردم ملل غیریهودی از طریق الحاق به ملت اسرائیل نجات خواهند یافت (اشعیا ۲: ۲-۴؛ ۵۴: ۲-۳؛ ۶۲: ۱۰-۱۲؛ زکریا ۸: ۲۳). تعالیمی که در زیر اشاره می‌کنیم، هنوز بر انبیای عهد عتیق مشکوف نشده بود:

- کار نجات‌بخش خدا تنها معطوف به ملت اسرائیل نیست، بلکه در میان ملل غیریهودی نیز گسترش خواهد یافت (متی ۲۸: ۱۹).

- قوم خدا تنها ایمانداران ملت اسرائیل نیستند، بلکه ایمانداران تمام ملل جهان (کلیسای مسیح یا ملکوت خدا) جزو قوم او محسوب می‌شوند (اول پطرس ۲: ۹-۱۰)؛ ایمانداران از ملل غیریهود نیز همچون ایمانداران اسرائیل وارد ملکوت خدا خواهند شد (افسیسیان ۳: ۱-۶).

این حقایق توسط عیسی و رسولان در عهد جدید مکشوف گردید. در افسسیان ۱: ۹-۱۰ می‌خوانیم که اراده خدا این بود که همه چیز را در آسمان و بر زمین، در يك شخص، یعنی در مسیح، گرد آورد. در افسسیان ۳: ۱-۶ نیز می‌خوانیم که خدا بر رسولان

و انبیای عهد جدید حقایقی را مشکوف ساخت که مردم عهد عتیق از آنها آگاهی نداشتند. خدا می‌خواست که ایمانداران غیریهودی و یهودی از طریق موعظه پیغام انجیل با هم از يك میراث بهره ببرند و بعنوان اعضای يك بدن در وعده مسیح شریک شوند.

توجه داشته باشید که ترجمه یوحنا ۱۰: ۱۶ بدین صورت است: "و من گوسفندان دیگری نیز دارم که از این آغل گوسفندان (در یونانی: +ek حالت مالکیت) نیستند. من باید آنها را نیز "بیاورم/رهبری کنم/ با خود ببرم" (در یونانی، ago)؛ و آنها به صدای من گوش خواهند داد؛ آنگاه يك گله خواهند شد با يك شبان." عیسی نمی‌گوید که او گوسفندان ملل دیگر را به سمت آغل اسرائیل هدایت خواهد کرد. بلکه به وضوح تعلیم می‌دهد که او گوسفندان خود را از آغلهای معمولی‌شان بیرون خواهد آورد و آنها را تبدیل به يك گله که کلیسا یا ملکوت اوست، می‌سازد. آنچه در آن زمان مهم است دیگر نه اقوام و ملل مختلف، بلکه تنها ملکوت خدا است (متی ۸: ۱۱-۱۲؛ ۲۱: ۴۲-۴۴). شاخه‌های درختان زیتون طبیعی و وحشی با ایمان به ریشه‌ای که همان عیسی مسیح و قوم جدید عهد او است، پیوند زده شده‌اند (رومیان ۱۱: ۱۶-۲۴).

سؤال ۶ (یوحنا ۱۰: ۲۹). ترجمه صحیح آیه ۲۹ چیست؟

ملاحظات: در اصل متن یونانی آیه ۲۹، کلمه "انها" وجود ندارد. کلمه "بزرگتر" به احتمال زیاد نه به خدای پدر، بلکه به گله گوسفندان اشاره دارد. نسخه‌های اولیه احتمالاً درست بوده و ترجمه آنها بدین صورت است: "آنچه که پدر به من بخشیده است، بزرگتر و بسیار بهتر از (هر مخلوقی بر روی زمین است)، و هیچ کس قادر نیست این گله را از دست خدای پدر بگیرد." آنچه که خدای پدر به عیسی مسیح عطا کرده است، همان گله ایمانداران از تمام ملل جهان است. ایمانداران جزو مهمترین مخلوقات خدا بر روی زمین هستند، و بر روی هم يك گله واحد را که همان کلیسای مسیح یا ملکوت خدا در جهان است، تشکیل می‌دهند.

قدم ۴: بکار ببرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است.

درمیان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحاً با هم درمیان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر براساس یوحنا ۱۰: ۱-۴۲ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می‌خواهد کدامیک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به يك کاربرد شخصی بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفترچه یادداشت خود بنویسید. کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران درمیان بگذارید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند و حتی از يك حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر، نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند).

نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر از یوحنا فصل ۱۰

- ۱۰: ۱ * از دزدان و راهزنانی که از طریقی غیر از آنچه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد وارد کلیسای شما می‌شوند، برحذر باشید.
- ۱۰: ۳ * عیسی مسیح خداوند را خوب بشناسید بطوری که بتوانید صدای او را در میان صدای دزدان و راهزنان تشخیص دهید.
- ۱۰: ۹-۱۰ * اگر هیچگاه از عیسی مسیح که به عنوان در معرفی شده است داخل نشده‌اید، از این در داخل شوید تا برای همیشه نجات بیابید و بر زمین در امنیت زندگی کنید. در آنصورت هیچ چیز نخواهد توانست به شما آسیب برساند، بلکه زندگی‌تان پر معنا و رضایت‌بخش خواهد بود.
- ۱۰: ۱۲ * شبانان مزدور را تشخیص دهید. این معلمین و رهبران مذهبی در واقع هیچگاه به فکر گله نیستند و جان خود را در راه گله فدا نخواهند ساخت.
- ۱۰: ۱۶ * کلیسای خود را به يك کلیسای رسالتی مبدل سازید. عیسی مسیح در مقام شبان می‌خواهد مردم را از هر قوم و ملت و زبانی نجات دهد.
- ۱۰: ۲۷ * اگر گوسفندان واقعی هستید، به صدای عیسی مسیح گوش خواهید داد و او را پیروی خواهید کرد.
- ۱۰: ۲۸ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح به عنوان شبان به شما وعده داده است که حیات جاودانی خواهید یافت، هرگز هلاک نخواهید شد و هیچ کس قادر نخواهد بود شما را از دستان او برباید.
- ۱۰: ۲۹ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح به عنوان شبان وعده داده است که گله گوسفندان او بزرگتر و بهتر از (تمام مخلوقات روی زمین) می‌باشد و هیچ کس قادر نیست این گله را از خدای پدر بگیرد.
- ۱۰: ۳۰-۳۹ * هیچ وقت در مورد این حقیقت شك نکنید که عیسی مسیح گفته است که او و خدای پدر دارای يك ذات الهی هستند. به عبارت دیگر، او خدایی است که طبیعت انسانی بر خود گرفته؛ خدای پدر در خدای پسر و خدای پسر در خدای پدر است. یهودیان این موضوع را بخوبی درک نکرده بودند، زیرا در غیر اینصورت او را متهم به کفرگویی نمی‌کردند و در صدد سنگسار کردن او بر نمی‌آمدند.

نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

الف) من می‌خواهم یوحنا ۱۰: ۲۸ را بخوبی به خاطر بسپارم و هیچوقت از یاد نبرم که عیسی به من و تمام کسانی که به او ایمان آوردند، وعده اطمینان نجات را داده است. عیسی فرمود: "من به آنها حیات جاودانی می‌دهم، و تا به ابد هلاک نخواهند شد و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت."

ب) من می‌خواهم این حقیقت را به خاطر بسپارم که عیسی مسیح از نظر ذات درونی، اعمال، و حرمتی که شایسته خدای پدر است، با او برابر می‌باشد. با توجه به اینکه خدا از هر انسانی بی‌نهایت برتر و بزرگتر است، هیچ انسانی قادر به توصیف ذات او نیست. تنها کاری که ما انسانها می‌توانیم انجام دهیم این است که به آنچه که خدا در مورد ذات خود بر ما مکتوف نموده ایمان بیاوریم. خدا این حقیقت را بر ما آشکار نموده که او يك ذات است در سه شخصیت مجزا، به نامهای خدای پدر، خدای پسر و خدای روح‌القدس. من به این حقیقت ایمان دارم و همه جا آن را اعتراف خواهم کرد.

قدم ۵: دعا کنید

در مورد حقیقتی که خدا به ما در یوحنا ۱۰: ۱- ۴۲ آشکار کرده است، دعا کنیم.
(در دعای خود به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده اید، پاسخ دهید. تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. بیاد داشته باشید که افراد در هر گروه، در مورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵	دعا (۸ دقیقه)	دعای شفاعت
---	---------------	------------

به دعا کردن در گروههای دو نفری یا سه نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و برای مردم جهان دعا کنید.

۶	تکلیف منزل (۲ دقیقه)	برای درس بعدی
---	----------------------	---------------

(سر گروه: رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

- ۱ - تعهد - نسبت به شاگردسازی و بنای کلیسا متعهد باشید.
- ۲ - برای يك فرد با گروه، موضوع " یوحنا فصل ۱۰ " را موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.
- ۳ - راز گاهان - هر روز نیمی از يك فصل از لوقا ۱: ۱- ۴: ۳۰ را بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.
- ۴ - حفظ کردن - آیه حفظی جدید (ترك کردن و پیوستن: پیدایش ۲: ۲۴) را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.
- ۵ - دعا - در این هفته برای شخص یا موضوعی مشخص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید (مزمور ۵: ۳).
- ۶ - آموخته های جدید مربوط به بنای کلیسای مسیح را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. تمام یادداشت‌های خود در مورد راز گاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل را در دفتر خود بنویسید.

آیین تعمید مسیحی

مقدمه: آموزه تعمید مسیحی، در بین کلیساها موضوع بحثبرانگیزی است. این درس کمک می‌کند تا جوامع مختلف مسیحی دیدگاههای یکدیگر را درک کنند. هر یک از جوامع مسیحی و رهبران آن باید در نهایت تصمیم بگیرند که می‌خواهند تأکیدشان بر کدام جنبه از تعمید باشد. ما در این ضمیمه خواهیم آموخت که کتاب مقدس در مورد مراسم تعمید مسیحی چه تعلیم می‌دهد.

۱- در مورد روش تعمید مسیحی هیچ دستورالعمل خاصی در کتاب مقدس وجود ندارد.

در عبرانیان ۶: ۲، از مراسم مربوط به طهارت در عهدعتیق به عنوان "تعمیدها" یاد شده است. مراسم طهارت در عهدعتیق نشاندهنده پاکی و طهارت مردم و اشیاء بود، و پیشاپیش به طهارت گناهان توسط خون عیسی مسیح اشاره داشت. به همین ترتیب، تعمید مسیحی در عهد جدید نیز به همین نام، یعنی به عنوان "تعمید" توصیف شده است. مراسم طهارت در عهد جدید نشاندهنده طهارت یا غسل گرفتن از گناهان است (اعمال ۲: ۳۸؛ ۲۲: ۱۶). بنابراین عیسی مسیح و رسولان تعمید مسیحی را به رسوم طهارت در عهدعتیق مربوط می‌دانستند. هم عیسی مسیح و هم رسولان در این مورد از کلمه "تعمید دادن" (در یونانی: baptizo) استفاده کرده‌اند و منظور، طهارت از گناهان بوده است. طهارت روحانی یا غسل از گناهان، اساسی‌ترین مفهوم تعمید مسیحی است. در کتاب مقدس اعمال زیر به منظور طهارت مردم و اشیاء انجام می‌شده است:

(الف) پاشیدن آب یا خون (در یونانی: rantizo) به عنوان روشی جهت طهارت یا غسل از گناهان.
بخوانید: حزقیال ۳۶: ۲۵؛ مزمو ۵۱: ۷.

ملاحظات: در عهدعتیق برای طهارت اشیاء و مردم، بر آنها خون یا آب پاشیده می‌شد.

(۱) مزمو ۵۱: ۷: "مرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم" (در یونانی: katharizomai).

(۲) حزقیال ۳۶: ۲۵-۲۷: "من آب پاک بر شما خواهم پاشید (در یونانی: rantizo) و شما طاهر خواهید شد (در یونانی: katharizomai). من شما را از همه نجاسات و از همه بتهای تان طاهر خواهم ساخت. دل تازه و روحی جدید به شما خواهم داد و روح خود را در اندرون تان خواهم نهاد، و شما را به فرایض خود سالک خواهم گردانید." بنابراین پاشیدن آب بر مردم به منظور تولد تازه یا تجدید حیات آنها است.

(۳) مرقس ۷: ۴. مردم در بازگشت از بازار، تنها در صورتی غذا می‌خوردند که نخست روی خود را با آب می‌شستند (در یونانی: rantizo).

(۴) عبرانیان ۹: ۱۹-۲۳. موسی خون گوساله‌ها و بزها را با آب و پشم قرمز و زوفا گرفته، آن را بر طومار و بر همه قوم پاشید تا بدینوسیله آنها را طاهر سازد (در یونانی: katharizomai).

(۵) عبرانیان ۱۰: ۲۲. بیابید دل‌های خود را از هر احساس تقصیر زوده، بر بدن‌های مان آب پاک بپاشیم (در یونانی: rantizo) تا به خدا نزدیک شویم.

بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و از طریق پاشیدن آب بر شخصی که تعمید می‌گیرد، بیان می‌گردد.

(ب) ریختن آب یا شستشو (در یونانی: baptizo, nipto of pluno, apolouo) روشی است جهت طهارت یا غسل از گناهان.
بخوانید: اعمال ۲۲: ۱۶؛ تیطس ۳: ۵-۶.

ملاحظات: یکی از روشها نیز در دوران عهدعتیق نیز جهت طهارت اشیاء و مردم این بود که بر آنها آب می‌ریختند یا آنها را شستشو می‌دادند.

(۱) مزمو ۵۱: ۲، ۷ مرا از عصیانم شستشو ده (در یونانی: pluno)، و از گناهانم مرا طاهر کن (در یونانی: katharizo).
(۲) مرقس ۷: ۳ آنها غذا نمی‌خورند مگر آنکه دست‌های خود را (بطور رسمی) می‌شستند یا بر آنها آب می‌ریختند (در یونانی: nipto).

(۳) مرقس ۷: ۴. آنها بسیاری از رسوم دیگر را نیز نگاه می‌دارند، مانند شستن (تشریفاتی) یا در آب فروبردن (در یونانی: baptizo) قسمت بیرونی پیاله‌ها، آفتابه‌ها، دیگها و ظروف مسی (لوقا ۱۱: ۳۸-۴۰).

(۴) لوقا ۱۱: ۳۷-۴۰. عیسی قبل از صرف غذا دست‌های خود را (بطور تشریفاتی) نشست یا در آب فرو نبرد (در یونانی: baptizo). رسم بود که برای طاهر ساختن افراد، قبل از صرف غذا روی دست‌های آنان آب ریخته می‌شد.

(۵) اعمال ۲۲: ۱۶. پولس برخاسته به عنوان علامت و مهر شستشو شدن از گناهانش (در یونانی: apolouo)، تعمید می‌گیرد (در یونانی: baptize).

(۶) مکاشفه ۷: ۱۴. ایمانداران به عنوان سمبلی از طهارت و عادل شمرده‌گی کامل خود، ردهای خود را در خون بره شسته (در یونانی: pluno) و سفید کرده‌اند.

۷) اعمال ۲: ۳۳، ۳۸؛ تیطس ۳: ۵-۶. تعمید مسیحی (در یونانی: baptizo) سمبل فرو رفتن در روح القدس نیست، بلکه به مفهوم نزول یا ریخته شدن (در یونانی: execheo) روح القدس بر ایمانداران است. تعمید مسیحی، شستشو شدن (در یونانی: loutron)، تولد دوباره یافتن و تازه گشتن به توسط روح القدس است که عیسی مسیح آن را به فراوانی بر ایمانداران فرو ریخت (یونانی: execheo epi). بنابراین تعمید (یونانی: baptize) به روح القدس (اول قرننیا ۱۲: ۱۳-۱۲) در کتاب مقدس از طریق فروریختن روح القدس از بالا بر مردم به تصویر کشیده شده است، نه از طریق فرو رفتن یا غوطه‌ور شدن در روح القدس. این قسمت را با قسمتی مقایسه کنید که می‌گوید شخص قبل از اینکه شایستگی ورود به ملکوت خدا را داشته باشد، لازم است نخست "از بالا" (یونانی: anothen) بوسیله روح القدس مولود شود (یوحنا ۳: ۳، ۵). بنابراین، تعمید مسیحی علامت و مهر طهارت از گناهان است و می‌توان آن را از طریق ریختن آب از بالا بر کسانی که تعمید می‌گیرند، نشان داد (تیطس ۳: ۳، ۵). این عمل زمانی انجام می‌شود که شخص در حالت ایستاده قرار دارد (اعمال ۲۲: ۱۶). یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

پ) فرو رفتن در آب به عنوان یکی از روشهای تعمید مسیحی.
فرو رفتن در آب یکی از روشهای مجاز و قابل قبول جهت تعمید مسیحی است، ولی مسیحیان نباید نسبت به این روش تفکری تعصب آمیز داشته باشند.

معانی دیگر کلمه "تعمید دادن" (به یونانی: baptizo).

کلمه یونانی "baptizo" دارای مفاهیم مختلفی است. این کلمه به معنی فرورفتن به مقداری کم، فرورفتن به طور کامل، و شستن می‌باشد. اگرچه ممکن است فرو رفتن در آب نمایانگر طهارت یا انجام مراسم تعمید باشد، کلمه یونانی baptizo در آیات زیر از کتاب مقدس، بیانگر مفهومی غیر از "فرو رفتن" است:

۱) مرقس ۱۰: ۳۸-۳۹. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی "فرو رفتن در آب" نیست، بلکه منظور، "غرق شدن" در درد و رنج مرگ است. کلمه "تعمید" در اینجا اصطلاحی است سمبلیک در توصیف اوج درد و رنج.

۲) متی ۳: ۱۱؛ اول قرننیا ۱۲: ۱۳. کلمه "baptizo" به معنی "غوطه‌ور ساختن مردم در" روح القدس نیست، بلکه به مفهوم ریزش روح القدس بر آنها است. این کلمه بدین معنا است که روح القدس مردم را دربرمی‌گیرد تا بتواند در آنها ساکن شده، آنها را کنترل و هدایت کند. "تعمید با روح القدس" اصطلاحی مجازی است به معنای تجدید حیات، که در قالب "مولود گشتن از بالا" (در یونانی: anothen) توسط روح القدس بیان شده است (یوحنا ۳: ۳-۸). تعمید آب علامت و مهری است از تعمید با روح القدس.

۳) اول قرننیا ۱۰: ۱-۲. "تعمید گرفتن در (در یونانی: en) ابر و در (یونانی: en) در یا (یونانی: eis) در اتحاد با موسی" بدین معنا است که قوم اسرائیل از طریق راه رفتن در زیر ابر و آتش و عبور از دریای سرخ، در رابطه و مشارکتی شخصی با موسی قرار گرفتند و بدین ترتیب جزئی از قوم موسی (قوم خدا در عهد عتیق) شدند. کلمه "baptizo" در اینجا به معنی فرو رفتن در ابر یا در دریای سرخ نیست، زیرا قوم بنی اسرائیل ابر یا دریا را لمس نکردند. بلکه آبی که در دریای سرخ و در ابر بود، بالای سر قوم بنی اسرائیل قرار داشت.

۴) رومیان ۳: ۳-۴؛ غلاطیان ۳: ۲۷؛ کولسیان ۲: ۱۲. اصطلاح "در برگرفتن مسیح" در تعمید (غلاطیان ۳: ۲۷)، به این معنا نیست که بهنگام تعمید باید لباسی رسمی در بر کرد. اصطلاح "رشد کردن با مسیح به شباهت موت او" (یگانه شدن با مسیح در مرگی همچون مرگ او، رومیان ۶: ۵) بدین معنا نیست که در تعمید باید مصلوب شد. به همین ترتیب اصطلاحات "دفن شدن با مسیح" (رومیان ۶: ۶) نیز بدین معنا نیست که در تعمید باید مصلوب شد. به همین ترتیب اصطلاحات "دفن شدن با مسیح از طریق تعمید در مرگ او" (رومیان ۶: ۴؛ کولسیان ۲: ۱۲) و "برخیزانده شدن با مسیح به ایمان" (کولسیان ۲: ۱۲؛ رومیان ۶: ۵) نیز به تعمید به شیوه فرو رفتن دلالت ندارند. کلمات "دفن شدن در، برخیزانده شدن با، رشد کردن با و مصلوب شدن با" نشانه‌هایی کتاب مقدسی در خصوص شیوه تعمید نیستند، بلکه در این قسمت‌ها به مفهوم تعمید مسیحی یعنی اتحاد با مسیح اشاره می‌شود.

در قسمت‌های زیر نیز کلمه "تعمید دادن" (یونانی: baptizo) لزوماً به معنی فرو رفتن در آب نیست.

۱) اعمال ۲: ۴۱. در یک روز بیش از ۳۰۰۰ نفر تعمید گرفتند. البته احتمال وقوع چنین چیزی وجود دارد، ولی آیا در اورشلیم به مقدار کافی آب وجود داشت تا این همه مردم در یک روز به شیوه فرو رفتن در آب تعمید بگیرند؟ این عده به احتمال زیاد در آن هنگام در نزدیکی حوض یا استخری بسر می‌بردند. در هیچ جای کتاب مقدس نشانی از این نمی‌بینیم که رسولان بهنگام ریزش روح القدس بر اولین یهودیان ایماندار در روز پنطیکاست، جهت تعمید دادن مردم از روشی غیر از روش طهارت معمول در عهد عتیق استفاده کرده باشند (مطابق روش عهد عتیق، بهنگام تعمید مردم بر آنها آب می‌پاشیدند یا روی‌شان آب می‌ریختند).

۲) مرقس ۱: ۵؛ ۸-۱۰. مردم اورشلیم در (یونانی: eis - به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن بدست یحیی تعمید دهنده تعمید گرفتند. خود عیسی نیز در (در یونانی: en - به معنی موضع یا مکانی خاص) رود اردن از یحیی تعمید دهنده تعمید گرفت. عیسی پس از تعمید از آب بیرون آمد (یونانی: ek - بیانگر موضع یا مکانی خاص). در این قسمت‌ها به هیچ وجه مشخص نیست که آیا مردم و عیسی بهنگام تعمید در آب غوطه‌ور شدند یا نه.

البته مرقس ۱: ۸ به روشنی می‌گوید که یحیی تعمیددهنده مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) آب تعمید می‌داد، درست همانطور که عیسی نیز مردم را با (در یونانی: با، بیانگر حالت مفعولی است) روح القدس تعمید داد. (۳ اعمال ۸: ۳۶-۳۹. وقتی فیلیپس خواجه سرای حبشی را تعمید داد، آنها "به (یونانی: eis، بیانگر موضع یا مکانی خاص) آب در آمدند یا فرود شدند" و "از آب بالا آمدند" (در یونانی: ek، بیانگر موضع یا مکانی خاص). این اصطلاحات بیانگر این موضوع نیستند که آنها تا چه اندازه در آب فرو رفتند و الزاماً ثابت نمی‌کنند که آنها در آب فرو رفتند، زیرا ممکن است بهنگام تعمید تنها پاهایشان در آب بود و فیلیپس بر روی خواجه سرای حبشی آب می‌ریخت. یکی از اولین تصاویر تعمید مسیحی که در رم موجود است، دو نفر را در حالی نشان می‌دهد که در جایی ایستاده‌اند و تنها پاهای‌شان با آب پوشیده است، و یکی از آنها بر روی دیگری آب می‌ریزد.

بدین ترتیب می‌بینیم که کتاب مقدس در مورد روش تعمید هیچ دستورالعمل خاصی ارائه نمی‌دهد. کتاب مقدس هیچ روش خاصی را جهت تعمید افراد تجویز نکرده یا در استفاده از روشهای مختلف ممنوعیتی اعلام ننموده است. بنابراین تعمید گرفتن از طریق فرو رفتن در آب، کاملاً قابل قبول و مجاز می‌باشد. مسیحیان نباید بر سر روش تعمید با هم مباحثه کنند، بلکه باید در خصوص ضرورت تعمید و مفهوم آن با هم توافق نظر داشته باشند. مسیحیان بهتر است در مورد اموری که در کتاب مقدس چندان حائز اهمیت نیست (مثلاً اینکه کلیساها افراد را به چه روشی تعمید می‌دهند) نقطه نظرات یکدیگر را بپذیرند. آنان باید از احکام خدا که در کلامش ذکر شده است، مانند "یکدیگر را محبت نمایید" (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵) و "یکدیگر را بپذیرید" (رومیان ۱۵: ۷)، اطاعت کنند.

نتیجه‌گیری: اگر خود خدا به عنوان علامت و مهر طهارت روحانی و غسل از گناهان (بخشایش گناهان، عادل شمردگی و تجدیدحیات) از روش پاشیدن یا ریختن آب بر روی افراد استفاده می‌کند، پس مسیحیان نیز می‌توانند از این الگو پیروی کنند و مردم را به یکی از این روشها تعمید دهند. تعمید دادن اشخاص از طریق فرو بردن آنها در آب ضرورت خاصی ندارد، ولی در عین حال مانعی نیز ندارد. بسیاری از کلیساها بهنگام تعمید افراد را در آب فرو می‌برند، زیرا معتقدند که فرورفتن در آب نمایانگر مرگ آنها است با مسیح، و بیرون آمدن آنها از آب نمایانگر رستاخیز آنها است با مسیح.

۳- در مورد زمان تعمید نیز در کتاب مقدس هیچ گونه دستورالعمل خاصی وجود ندارد.

کلیساها در مورد این موضوع نیز با هم اختلاف نظر دارند. برخی از کلیساها به تعمید دادن اطفال معتقدند و برخی دیگر تنها ایمانداران را تعمید می‌دهند. دلیل این اختلاف نظر این است که کتاب مقدس تنها می‌گوید که کلیساها مسیحیان اولیه را چگونه تعمید می‌دادند، و از آنجا که نمی‌گوید کلیساها مسیحیان نسلهای بعدی را چگونه باید تعمید دهند، هر کلیسایی در این خصوص دیدگاه متفاوتی دارد.

(الف) اولین نسل از مسیحیان، در چارچوب مأموریت‌های مسیحی تعمید داده شدند. تاریخ عهدجدید نشان می‌دهد که انجیل به کسانی که از پیغام آن هیچگونه آگاهی نداشتند، موعظه می‌شد. این افراد پس از اینکه ایمان می‌آوردند، به آب تعمید داده می‌شدند. این تعمید در چارچوب مأموریت‌های مسیحی انجام می‌شد. کسانی که زمانی یهودی، سامری یا غیریهودی بودند، حال به پیغام انجیل ایمان می‌آوردند، تعمید می‌گرفتند و عضو کلیسای مسیحی می‌شدند. (۱) تعمید ایمانداران بطور فردی.

در چارچوب مأموریت‌های مسیحی، مردم به طور کلی به اندازه کافی برای شنیدن، درک و ایمان آوردن به پیغام انجیل بالغ بودند. آنها پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح تعمید می‌گرفتند (یوحنا ۴: ۱؛ اعمال ۲: ۳۷-۳۹، ۴۱؛ اعمال ۸: ۱۲؛ اعمال ۸: ۳۶-۳۸؛ اعمال ۹: ۱۷-۱۸؛ اعمال ۱۰: ۴۸).

(۲) تعمید اعضای خانواده. عهدجدید همچنین در رابطه با تعمید اهل خانه (oikos: یونانی) صحبت می‌کند. اهل خانه متشکل از تمام اعضای خانواده و خدمتکاران آن خانه بود. وقتی که انجیل به اهل خانه موعظه می‌شد (اعمال ۱۱: ۱۴)، تمام اهل خانه تعمید گرفتند (اعمال ۱۶: ۱۴-۱۵؛ اعمال ۱۶: ۳۰-۳۴؛ اول قرنتیان ۱: ۱۶).

البته نمی‌توان از روی آن قسمتهایی از کتاب مقدس که راجع به تعمید اهل خانه است، به وضوح چنین نتیجه گرفت که اطفال یا فرزندان خانه نیز لزوماً تعمید می‌گرفتند. آن دسته از کلیساها که تعمید اطفال را در کتاب مقدس انکار می‌کنند، در توجیه موضع خود این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که اطفال هنوز نمی‌توانند ایمان بیاورند، یا جزو کسانی که تعمید داده می‌شدند نبودند و یا اصلاً طفلی در آن خانه وجود نداشته است." و اما آندسته از کلیساها که به تعمید اطفال اعتقاد دارند، این دلیل را مطرح می‌کنند: "از آنجا که در هر خانه‌ای اطفالی وجود دارند، ما حق نداریم آنها را از تعمید محروم کنیم." باید در نظر داشت که عهدجدید حداقل سه بار به تعمید تمام اهل خانه اشاره کرده است (و بدین ترتیب تمامی اهل خانه را جزئی از کلیسا محسوب نموده است).

ب) نسل دوم مسیحیان در چارچوب کلیسای مسیحی تعمید داده شده‌اند.

۱) مسئله مربوط به آندسته از فرزندان ایمانداران که هنوز خردسالند.

وقتی مردم پیغام انجیل را می‌شنوند و برای اولین بار به آن ایمان می‌آورند (در چارچوب مأموریت‌های مسیحی)، کاملاً منطقی است که تنها پس از ایمان آوردن تعمید بگیرند. این موضوع در مورد هر کلیسایی (هر فرقه کلیسایی) صدق می‌کند.

ولی کلیسا در خصوص فرزندان ایمانداران (یعنی نسل دوم) چه موضعی باید اتخاذ کند؟ آیا باید آنها را تا زمانی که شخصاً هنوز ایمان نیاورده‌اند، از تعمید محروم سازد؟ یا اینکه باید آنها را تعمید دهد تا این تعمید علامتی باشد از اینکه این اطفال به خانواده خدا پیوسته‌اند و جزو قوم عهد او می‌باشند؟ مسیحیان در این مورد پاسخهای متفاوتی می‌دهند.

۲) برخی از کلیساهای معتقدند که در این مورد باید کاملاً بطور فردی برخورد کرد.

آنها تعمید را با ایمان شخصی به عیسی مسیح مرتبط می‌دانند و می‌گویند که مسیحیان در تمام نسل‌های بعدی باید در خصوص تعمید منحصرأ از همان الگویی پیروی کنند که در عهدجدید و در چارچوب مأموریت مسیحی اعمال می‌شد (اینکه تنها ایمانداران را تعمید می‌دادند). فرزندان ایمانداران باید نخست به عنوان علامت و مهری از عادل شمرده‌شان، به طور فردی به عیسی مسیح ایمان بیاورند (تولد دوباره) و تنها در آن صورت است که می‌توانند تعمید بگیرند. این کلیساهای همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب مقدس هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. این رسم عبارت است از تقدیم یا وقف اطفال ایماندار به خدا به عنوان مهر و علامتی از اینکه این فرزندان به کلیسا و به قوم عهد خدا تعلق دارند. این عده در این خصوص که آیا این اطفال را افرادی نجات‌یافته (عادل شمرده شده، دارای تولد دوباره) محسوب می‌کنند یا نه مطلب خاصی نمی‌گویند. اما معتقدند که اگر این اطفال در سنین پایین از دنیا بروند، نجات یافته تلقی خواهند شد، زیرا متعلق به جامعه ایمانداران می‌باشند.

۳) کلیساهای دیگر معتقدند که در این مورد باید بطور جمعی برخورد کرد.

آنها تعمید را با و عده عهد خدا مرتبط می‌دانند و می‌گویند که قوم خدا در عهدجدید یا در چارچوب کلیسا، باید از نمونه قوم خدا در عهدعتیق پیروی کنند که در قالب ختنه اطفال نمایان می‌شد. فرزندان والدین ایماندار باید به عنوان علامت و مهری از اینکه به قوم عهد خدا و به کلیسای مسیح تعلق دارند، در آب تعمید داده شوند. این کلیساهای همچنین رسم جدیدی را متداول کرده‌اند که در کتاب مقدس اشاره‌ای به آن نشده است، و آن این که به فرزندان تعمید یافته ایمانداران اجازه می‌دهند در آینده به عنوان علامت و مهری قابل رؤیت از عادل شمرده‌شان (تولد دوباره)، به طور عمومی و در جمع ایمانداران به ایمان فردی‌شان به عیسی مسیح اعتراف کنند.

در بین مسیحیان در این خصوص که آیا فرزندان ایمانداران باید افرادی دارای تولد تازه قلمداد شوند یا نه، اختلاف نظر وجود دارد. اغلب مسیحیان معتقدند که فرزندان آنها نیز به مسیح تعلق دارند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

۴- ارتباط بین ختنه و تعمید.

الف) ختنه در زمان عهدعتیق علامتی از پیمان عهدعتیق بود.

در چارچوب پیمان عهدعتیق، ابراهیم علامت (یونانی: semaion) ختنه را به عنوان مهر (یونانی: sfragida) عادل شمرده‌گی (که آن را در نتیجه ایمان بدست آورده بود) هنگامی دریافت کرد که هنوز ختنه نشده بود (رومیان ۴: ۱۱-۱۲).

خدا با ابراهیم به عنوان يك فرد سروکار نداشت. بلکه سروکار خدا با تمام خانواده و خاندان ابراهیم نیز بود. هر فرزند ذکوری که بیش از هشت روز از زمان بدنیا آمدنش می‌گذشت، باید ختنه می‌شد (پیدایش ۱۷). بنابراین در زمان پیمان عهدعتیق، ختنه جسمانی علامت و مهر قابل رؤیت عهدی بود که دلالت بر این حقیقت داشت که خداوند یهوه به راستی خدای آنها است و آنها قوم اویند (لاویان ۲۶: ۱۲). ایمان خاص ابراهیم به خدا و به و عده او (پیدایش ۱۵: ۵-۶) باعث شد که خدا نه تنها ابراهیم، بلکه خانواده، خاندان و اطفال هشت روزه او را نیز جزو قوم عهد خود محسوب کند.

ب) پیمان عهدعتیق و پیمان عهدجدید.

عهد خدا به این مفهوم است که خدای زنده خدای آنها و آنها قوم او هستند (لاویان ۲۶: ۱۲). این پیمان عهدعتیق، در مورد دوران عهدجدید نیز صدق می‌کند و پیمان عهدجدید نیز می‌باشد (دوم قرن‌تیمان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). با اینحال بین پیمان عهدعتیق و پیمان عهدجدید تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد (ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴؛ عبرانیان ۸: ۶-۱۳).

۱) شریعت، که به این عهد و پیمان اضافه شد (غلاطیان ۳: ۱۷-۱۹)، تنها بر روی کتاب شریعت نوشته خواهد شد، بلکه بر دلهای مردم حک خواهد گردید (ارمیا ۳۱: ۳۳).

۲) شناخت خدا صرفاً شناختی عقلانی که انبیا به مردم تعلیم می‌دادند، نخواهد بود (اشعیا ۱: ۳)، بلکه عبارت خواهد بود از شناختی شخصی و صمیمی از خدا (ارمیا ۳۱: ۳۴).

۳) بخشایش گناهان صرفاً عملی تشریفاتی نخواهد بود (عبرانیان ۱۰: ۱-۴)، بلکه به طور شخصی و واقعی تجربه خواهد شد (ارمیا ۳۱: ۳۴؛ عبرانیان ۹: ۱۴).

۴) به همین ترتیب ختنه به شیوه عهد جدید جایگزین ختنه عهدعتیق می‌شود (کولسیان ۲: ۱۱-۱۳). ختنه جسمی افراد ذکور صرفاً بخشی از شریعت تشریفاتی عهدعتیق بود. در دوران عهدجدید، ختنه روحانی قلب ایمانداران، اعم از مرد و زن، جانشین ختنه جسمانی می‌شود.

۵) عیسی مسیح واسطه عهدی است جدید، برتر و بس نیکوتر (عبرانیان ۷: ۲۲؛ ۸: ۸؛ ۹: ۹؛ ۱۵: ۱۲؛ ۲۴).

پ) ختنه عهد جدید و تعمید عهد جدید.

در عهد جدید بین ختنه و تعمید رابطه‌ای موجود است. کولسیان ۲: ۱۱-۱۳ تعلیم می‌دهد که برادران مقدس و وفادار در مسیح (کولسیان ۱: ۲) بهنگام تعمید با مسیح مدفون شده و از طریق ایمان، با وی برخیزانیده شدند، و بدین ترتیب توسط عیسی مسیح ختنه گردیدند. ختنه عهد جدید، ختنه‌ای جسمانی نیست، بلکه ختنه‌ای روحانی است به معنای از تن زدودن طبیعت گناهکار (کولسیان ۲: ۱۱) و تجدید حیات یافتن توسط روح القدس (رومیان ۲: ۲۸-۲۹).

ت) برخی از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهد عتیق، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند آنها معتقدند که چون در دوران عهد عتیق اطفال را از نظر جسمانی ختنه می‌کردند، در دوران عهد جدید نیز باید اطفال را تعمید داد. به اعتقاد آنها، کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند که از طریق آن، مسیح بهنگام تعمید اطفال طبیعت گناهکار آنان را که با مسیح مرده و دفن شده است، از آنها جدا می‌سازد. این عده همچنین عقیده دارند که اطفال پس از تعمید باید افرادی دارای تولد تازه تلقی شوند (کولسیان ۲: ۱۲). آنان بر این عقیده‌اند که این اطفال تعمید یافته، سالها بعد که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند، با مسیح برخیزانیده می‌شوند و در حیات جدید با او زیست می‌کنند (کولسیان ۲: ۱۲). این کلیساها بین مردن اطفال با مسیح بهنگام تعمید، و برخیزانیده شدن آنها با مسیح زمانی که سالها بعد شخصاً به او ایمان می‌آورند، فاصله زمانی چندین سال را در نظر گرفته‌اند. از نظر آنان ایمان داشتن بهنگام تعمید امری کاملاً ضروری است، ولی این ایمان در زمان تعمید اطفال می‌تواند ایمان والدین یا ایمان کلیسایی باشد که والدین اطفال در آنها عضوند. این اطفال باید وقتی بزرگ شدند در برابر همگان به ایمان شخصی خود اعتراف کنند.

ث) برخی دیگر از کلیساها با توجه به مفهوم ختنه در عهد جدید، در خصوص تعمید نظری خاص ابراز می‌دارند آنها نیز معتقدند که کولسیان ۲: ۱۱ در مورد ختنه‌ای روحانی (تولد دوباره) صحبت می‌کند، و مسیح طبیعت گناهکار افرادی را که بهنگام تعمید با او مرده و دفن شده‌اند، از آنها جدا می‌سازد (کولسیان ۲: ۱۲). اما آنها معتقدند که افراد با مسیح می‌میرند، با او دفن می‌شوند و در همان زمان - یعنی هنگامی که ایمان شخصی خود به عیسی مسیح را اقرار می‌کنند - با او برخیزانیده نیز می‌شوند (کولسیان ۲: ۱۲). این کلیساها، مردن انسانها با مسیح و برخیزانیده شدنشان با او را دو عمل جداگانه در دو زمان متفاوت نمی‌دانند، بلکه معتقدند که این دو عمل به طور همزمان و هنگامی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورند صورت می‌گیرد. آنها ایمان فرد را عنصری ضروری قبل از تعمید می‌دانند و معتقدند که این ایمان همواره باید ایمان شخصی خود کسی باشد که بنا است تعمید بگیرد.

۵- ارتباط بین تولد دوباره و زمان تعمید.

الف) ختنه نشان‌دهنده تولد تازه است

هدف از ختنه جسمانی در دوران عهد عتیق این بود که علامتی بیرونی آشکار باشد از ختنه روحانی قلب (تولد دوباره) (لاویان ۲۶: ۴۱؛ تثبیه ۱۰: ۱۶؛ ارمیا ۴: ۴؛ ۳۰: ۶؛ رومیان ۲: ۲۸-۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۲-۳)، هر چند باید در نظر داشت که ختنه روحانی قلوب افراد مدت‌ها پس آنکه در کودکی از نظر جسمانی ختنه می‌شدند اتفاق می‌افتاد. ختنه در دوران عهد جدید، بی‌گمان ختنه روحانی قلب مردم توسط روح القدس بود (رومیان ۲: ۲۸-۲۹)، و نه ختنه‌ای جسمانی. این ختنه عبارت بود از بیرون آوردن طبیعت گناهکار (در یونانی: جسم) یا طبیعت کهنه‌ای که تولد تازه نیافته بود (کولسیان ۲: ۱۱؛ رومیان ۶: ۶-۷). بنابراین ختنه روحانی در عهد جدید همواره بیانگر تولد دوباره یا تجدید حیات است.

ب) برخی از کلیساها، تولد دوباره را يك راز بزرگ می‌دانند. به اعتقاد آنها، از آنجا که تولد دوباره و زمان وقوع آن برای مسیحیان بصورت يك راز است (یوحنا ۳: ۳-۸؛ ارمیا ۱: ۵)، ختنه اطفال در عهد عتیق جای خود را در عهد جدید به تعمید اطفال داده است. اطفال ایمانداران گرچه هنوز شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، ولی قطعاً به قوم عهد خدا یا کلیسای مسیح تعلق دارند. به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که اطفال والدین ایماندار را باید تعمید داد. از این گذشته، ایمان آینده این فرزندان نیز در نهایت خود نتیجه هدیه فیض‌آمیز خدا است (اعمال ۱۳: ۴۸؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۸: ۲۷؛ افسسیان ۲: ۸-۹؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۲: ۱۲-۱۳؛ دوم پطرس ۱: ۱؛ دوم تیموتاؤس ۳: ۱۵).

پ) برخی دیگر از کلیساها تولد دوباره را موضوعی می‌دانند که با ایمان ارتباط نزدیک دارد. به اعتقاد آنها، اگرچه تولد تازه‌ای که توسط روح القدس در زندگی فرد ایماندار ایجاد می‌شود و روش و زمان آن برای مسیحیان بصورت يك راز است، این تجدید حیات یا تولد تازه در اکثر جاهای کتاب مقدس با ایمان آوردن مردم به عیسی ارتباطی نزدیک دارد (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ اعمال ۱۱: ۱۴-۱۵؛ ۱۵: ۷-۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۳-۱۴؛ دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴؛ تیطس ۱: ۳؛ ۳: ۷). به همین دلیل نیز این کلیساها معتقدند که تعمید عهد جدید صرفاً جانشینی برای ختنه عهد عتیق نیست. و از آنجا که اطفال والدین ایماندار خود شخصاً به عیسی مسیح ایمان ندارند، نباید آنها را تعمید داد. بر طبق اعتقاد آنها، مردم تنها زمانی می‌توانند تعمید بگیرند که شخصاً به عیسی مسیح ایمان بیاورند و نشان دهند که تولد تازه دارند و عادل شمرده شده‌اند.

۶- ارتباط بین دو تأکید مختلف در رابطه با تعمید مسیحی.

الف) کلیساهای مختلف بر دو مفهوم تعمید، تأکیدی متفاوت دارند. برخی از کلیساهای تماماً بر این تأکید می‌کنند که تعمید، علامت و مهر عهد فیض خدا است و نشان‌دهنده تعلق داشتن به جامعه مسیحی (کلیسا) یا قوم خدا می‌باشد. مسیحیان دیگر تمام تأکید خود را بر تعمید مسیحی به عنوان علامت و مهر طهارت از گناهان می‌گذارند که نمایانگر عادل شمرده‌گی فرد است محض ایمان شخصی به عیسی مسیح. از آنجا که تعمید مسیحی دارای هر دو مفهوم بالا است، کلیساهای مختلف هر کدام به طریقی مختلف بعد اجتماعی و فردی تعمید را در کلیساهای خود نمایان می‌سازند.

ب) برخی از کلیساهای، بیش از هر چیز بر تعلق داشتن فرد به جامعه تأکید دارند. تعمید مسیحی از نظر آنان علامت و مهری است از تعلق داشتن فرزندان والدین ایماندار به قوم عهد خدا (یعنی بدن مسیح یا جامعه مسیحی). به همین دلیل نیز اینگونه کلیساهای اطفال والدین ایماندار را تعمید می‌دهند. البته وقتی که فرزند یک خانواده ایماندار بزرگ می‌شود و شخصاً به عیسی مسیح ایمان می‌آورد، کلیسا این فرصت را به او می‌دهد که در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کند تا این اعتراف ایمان، علامت و مهری باشد از اینکه این شخص عادل شمرده شده است (یعنی نجات و تولد تازه را دریافت کرده است): به این مفهوم که او در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم گشته است).

پ) برخی دیگر از کلیساهای، بیش از هر چیز بر عادل شمرده‌گی خود فرد تأکید می‌گذارند. اینگونه کلیساهای تعمید را علامت و مهری می‌دانند که نشان می‌دهد کسی که شخصاً به عیسی مسیح ایمان آورده است، عادل شمرده می‌شود (یعنی نجات و تولد تازه را دریافت می‌کند): به این مفهوم که در کار تمام شده نجات توسط مسیح سهیم می‌شود. چنین شخصی بهنگام تعمید آب در حضور همگان به ایمان خود اعتراف می‌کند. اما اینگونه کلیساهای اطفال ایمانداران را به خدا وقف یا تقدیم می‌کنند و به عنوان مهر و علامتی است از اینکه این اطفال تقدیم شده نیز به قوم عهد خدا (بدن مسیح، جماعت مسیحی) تعلق دارند.

ت) تمام کلیساهای مسیحی به هر دو جنبه ایمان مسیحی اعتقاد دارند. برخی از کلیساهای فرزندان را زمانی که هنوز طفل هستند تعمید می‌دهند و وقتی شخصاً به مسیح ایمان آوردند، به آنها اجازه می‌دهند در حضور همگان به ایمان خود اعتراف کنند. برخی دیگر از کلیساهای، اطفال را به خدا تقدیم می‌کنند و وقتی که آنها بزرگتر شده، به عیسی مسیح ایمان آوردند و ایمان خود را علناً در حضور همه اعتراف کردند، آنها را تعمید می‌دهند. ولی به نظر می‌رسد که همه کلیساهای معتقدند که کتاب مقدس هم بر جنبه فردی (شخصی) و هم بر جنبه عمومی ایمان مسیحی تأکید می‌گذارد.

۱) کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان یک فرد سروکار دارد. هر کس شخصاً بابت نحوه زندگی و عملکرد خود به خدا پاسخگو خواهد بود (حزقیال ۳۳: ۱۲-۱۶). نیز هر کس به طور فردی بابت ایمان یا بی‌ایمانی خود مسؤول خواهد بود (یوحنا ۳: ۱۴-۱۸، ۳۶؛ یوحنا ۹: ۳۵-۳۹).

۲) کتاب مقدس همچنین تعلیم می‌دهد که خدا با هر شخص به عنوان عضوی از جامعه سروکار دارد. هر انسانی عضوی از یک خانواده یا خاندان است (خروج ۲۰: ۵-۶؛ اعمال ۲: ۳۹؛ اعمال ۱۶: ۳۱؛ اول قرنتیان ۷: ۱۳-۱۴). هر فرد ایماندار عضوی است از کلیسای محلی (اول قرنتیان ۱: ۲؛ ۱۲: ۲۶؛ مکاشفه ۲: ۱-۵) و نیز بدن جهانی مسیح (اول قرنتیان ۱۲: ۱۲-۱۳). همچنین هر شخص عضوی است از قوم یا ملتی در دنیا (ارمیا ۱۸: ۶-۱۰) و نیز عضوی است از قوم خدا (دوم قرنتیان ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). علاوه بر این، خدا با هر فرد بعنوان جزئی از بشریتی برخورد می‌کند که در گناه آدم و مجازات او سهیم است (رومیان ۵: ۱۲، ۱۷-۱۹). به همین ترتیب خدا با هر فرد به عنوان عضوی از اجتماع مسیحی برخورد می‌کند که به مسیح و عدالت او پیوند زده شده است (رومیان ۵: ۱۷-۱۹؛ اول قرنتیان ۱۵: ۲۲). شایان ذکر است که خدا با فرزندان والدین ایماندار به عنوان افرادی برخورد می‌کند که متعلق به ملکوت خداوند (مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶؛ اول قرنتیان ۷: ۱۴).

۷- ارتباط موجود میان کلیساهای مختلف.

حقیقی که کلیساهای مختلف مسیحی را به یکدیگر پیوند می‌زند، بیش از اعتقادات و تأکیدهایی که آنها را از یکدیگر جدا می‌کند، حائز اهمیت است.

الف) احکام و فرامین.

۱) به کلیساهای مختلف در این باره که اعضای خود را کی و چگونه باید تعمید دهند، حکم مشخصی داده نشده است. اصطلاح "یک تعمید" (افسیسیان ۴: ۴-۶)، به حقیقی بودن و مفهوم تعمید اشاره دارد، نه به زمان و روش آن.

۲) به کلیساهای مختلف به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محکوم نکنند و در یکدیگر به دیده تحقیر ننگرند، بلکه به اعتقادات متفاوت یکدیگر احترام بگذارند (رومیان ۱۴: ۱-۵).

به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که اعتقادات خود را بر دیگران تحمیل نکنند، بلکه آن عقاید را بین خود و خدا نگاه دارند (رومیان ۱۴: ۱۳-۲۳).

به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را بپذیرند (رومیان ۱۵: ۷).

به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که یکدیگر را محبت کنند (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵).

به کلیساهای مسیحی به طور مشخص حکم شده است که تلاش کنند روح وحدت و یگانگی را در بین خود حفظ کنند (افسیسیان ۴: ۳؛ رومیان ۱۴: ۱۷).

تمام کلیساهای مسیحی باید از خود این سؤال را بپرسند: "چه چیزی می‌تواند به گسترش هر چه بیشتر محبت و صلح در جامعه مسیحی من منجر شود؟ و چه چیزی به افزایش روح محبت و همکاری بین جامعه مسیحی من و دیگر جوامع مسیحی پیرامون من کمک می‌کند؟"

ب) اصول:

اصولی که باعث می‌شوند میان کلیساهای مختلف روابطی شفاف وجود داشته باشد عبارتند از:

- ۱) داشتن اتحاد در اصول
- ۲) پذیرفتن یکدیگر در موارد فرعی
- ۳) محبت کردن به یکدیگر در همه موارد.

عید فصح و شام خداوند

مقدمه: در این ضمیمه می‌خواهیم رابطه بین عید فصح در عهد عتیق و شام خداوند در عهد جدید را بررسی کنیم. در این رابطه خواهیم آموخت که چرا بره قربانی فصح در عهد عتیق، جای خود را به نان و شراب شام خداوند در عهد جدید داد. عید فصح در عهد عتیق دارای مفهومی ملی، نمونه‌ای و سمبلیک می‌باشد.

۱- مفهوم ملی عید فصح در عهد عتیق.

(الف) عید فصح و عید فطیر.

بخوانید: خروج ۱۲: ۱-۲۸، ۵۱؛ اعداد ۲۸: ۱۶-۱۷؛ تثبیه ۱۶: ۱-۴.

عید فصح در زمان رهایی قوم اسرائیل از اسارت مصر مقرر شد. عید فصح اولین روز عید فطیر بود که سمبولی بود از واقعه فرار شتابزده قوم اسرائیل از مصر. قوم فرصت نداشتند نان تهیه کنند. این جشن همچنین نمایانگر سختی‌هایی است که آنها در طول سفرشان در بیابان تجربه کردند.

(۱) عید فصح بر طبق تقویم یهود.

بر طبق تقویم یهود، روز جدید در زمان غروب آفتاب شروع می‌شود (پیدایش ۱: ۵). در روز دهم اولین ماه سال، اسرائیلیها باید بره‌ای بدون عیب انتخاب می‌کردند و آن را در روز چهاردهم ماه، بهنگام شفق یا وقتی هوا هنوز تاریک روشن بود، سر می‌بریدند. سپس می‌بایست مقداری از خون آن را بر سر در خانه خود می‌پاشیدند و بره را روی آتش بریان می‌کردند. در بعدازظهر آن روز که برابر با روز پانزدهم ماه بود، خانواده در حالی که جامه‌های مخصوص خود را بر تن کرده، صندل‌های خود را پوشیده و عصای خود را در دست داشتند، باید در خانه خود با هم جمع می‌شدند. آنها باید به تعجیل بره بریان شده را همراه با سبزیجات تلخ و نان فطیر می‌خوردند، زیرا قرار بود فرشته مرگ در آن شب از کنار خانه آنها عبور کند. در نیمه‌شب روز پانزدهم، خداوند تمام نخست‌زاده‌های مصر را از بین برد. پس از وقوع این حادثه بود که فرعون به قوم اسرائیل اجازه خروج از مصر را داد. قوم اسرائیل در صبح روز پانزدهم ماه مصر را ترک کردند. آنها باید از روز پانزدهم تا عصر بیست و یکم ماه نان فطیر می‌خوردند.

در روزهای آخری که عیسی بر زمین بود، بره فصح را در بعدازظهر روز پنجشنبه که مصادف با چهاردهمین روز ماه بود سر می‌بریدند، و شام فصح در عصر پنجشنبه که مصادف با پانزدهمین روز ماه بود خورده می‌شد. روز پانزدهم ماه، روز اول عید فطیر محسوب می‌شد. در زمان عیسی، بر سفره شام عید فصح یهود که در عصر پنجشنبه برگزار می‌شد نان فطیر می‌خوردند و از چهار جام شراب می‌نوشیدند.

(۲) عید فصح بر طبق تقویم رومی.

(مرقس انجیل خود را خطاب به رومیان نوشت. بر طبق تقویم رومی، روز جدید در نیمه‌شب آغاز می‌شد. بنابراین در مرقس ۱۴: ۱۲، اصطلاح "نخستین روز عید فطیر" به روز پنجشنبه مطابق تقویم رومی اشاره می‌کند که تا نیمه شب آن روز ادامه داشت و بخشی از روزهای چهاردهم و پانزدهم تقویم یهودی را دربرمی‌گرفت. این روز به مفهوم گسترده‌تر باید به عنوان "روزی" دانسته شود که در آن (در عصر آن روز) بره فصح خورده می‌شد. از آنجا که متی از مطالب انجیل مرقس استفاده کرده است، دقیقاً همین مطلب را در متی ۲۷: ۱۷ عنوان کرده است).

(ب) اهمیت عید فصح از لحاظ ملی.

اهمیت بنیادین عید فصح در عهد عتیق در این بود که این عید یادآور عبور نمودن خداوند از کنار خانه‌های مردم اسرائیل و محافظت نمودن از آنها در برابر بلای مهلکی بود که بر سر مصریان نازل شد (خروج ۱۲: ۱۴؛ ۲۶-۲۷). خون بره فصح که بر سر در خانه‌های آنها پاشیده شده بود، علامتی بود که بر اساس آن فرشته مرگ از کنار آن خانه عبور می‌کرد و بدین وسیله قوم اسرائیل از این بلای هولناک محفوظ می‌ماندند (خروج ۱۲: ۱۳). بنابراین بر طبق خروج ۱۲: ۱۴، ۱۷ و تثبیه ۱۶: ۱-۴، مفهوم ملی عید فصح در عهد عتیق این بود که این عید یادآور رهایی قوم اسرائیل از اسارتشان در مصر بود.

۲- مفهوم نمونه‌ای عید فصح در عهد عتیق.

بخوانید: متی ۲۶: ۲؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ اول قرنیتیان ۵: ۷-۸.

(الف) معانی کلمات نمونه و اصل.

یک نمونه عبارت است از شخص، شیء یا واقعه‌ای که پیشاپیش به تصویر یا شخصیتی خاص در آینده اشاره دارد. منظور از اصل، تحقق یا واقع شدن نمونه است در زمان آینده.

(ب) عیسی تحقق نمونه بره فصح در عهد عتیق می‌باشد.

(۱) بره فصح يك نمونه است. یحیی تعمید دهنده عیسی را به عنوان "بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد"، به مردم معرفی کرد (یوحنا ۱: ۲۹). عیسی دو روز قبل از مصلوب شدنش پیشگویی کرد که در زمان عید فصح خواهد مرد (متی ۲۶: ۲). او پیشگویی کرد که او خود تحقق واقعی بره فصح در عهد عتیق است. پولس رسول نیز می‌فرماید: "پس خود را از خمیرمایه کهنه پاك سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی‌خمیرمایه هستید زیرا که فصح ما مسیح در راه ما ذبح شده است. پس عید را نگاه داریم نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده‌دلی و راستی" (اول قرنتیان ۵: ۷-۸). خمیرمایه سمبلی است از اعمال طبیعت گناهکار (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱).

(۲) عهد جدید به وضوح تعلیم می‌دهد که عید فصح در عهد عتیق مفهومی نمونه‌ای داشت. مراسم عید فصح که هر سال برگزار می‌شد نه تنها به گذشته و به قربانی بره فصح در آن زمان اشاره می‌کرد، بلکه به آینده و به قربانی عیسی مسیح بر روی صلیب نیز اشاره داشت.

۳- مفهوم سمبلیک عید فصح در عهد عتیق.

بخوانید: عبرانیان ۹: ۱۱-۱۴، ۲۲.

(الف) معنی واژه سمبل.

يك سمبل، شیء، نشانه یا علامتی است که به حقیقت یا ایده‌ای که کیفیتهای مشابه‌ای دارد اشاره می‌کند.

(ب) عیسی تحقق سمبل ریختن خون در عهد عتیق است.

خون بره فصح يك سمبل است. در عهد عتیق، این يك اصل یا حقیقت بود که: "بدون ریختن خون بخششی وجود ندارد" (عبرانیان ۹: ۲۲).

(۱) نویسنده عبرانیان می‌فرماید که خون تمام حیوانات قربانی‌شده در طول دوران عهد عتیق، تماماً جنبه "تشریفاتی داشته و قوانینی ظاهری بودند که صرفاً تا زمان طریق جدید که آمدن مسیح بود، کاربرد داشتند." (عبرانیان ۹: ۱۰). نویسنده عبرانیان می‌فرماید که خون حیوانات قربانی شده تنها مردم را از نظر تشریفاتی یا ظاهری پاك می‌کرد، ولی هیچ وقت نمی‌توانست وجدانهای آنها را از احساس تقصیر در مورد گناهانشان پاك سازد (عبرانیان ۹: ۱۳؛ ۱۰: ۱-۴). قربانی حیوانات و خون آنها در عهد عتیق کماکان صرفاً جنبه سمبلیک داشت. اما خونی که عیسی بر صلیب ریخت، براسستی ایمانداران را از احساس تقصیر در مورد گناهانشان پاك می‌کند (عبرانیان ۹: ۱۴). خون عیسی مردم را از درون و به طور کامل پاك می‌سازد، زیرا به طور دائم گناهانشان را از آنها دور می‌کند. بنابراین عیسی فدیة ابدی را فراهم ساخت (عبرانیان ۹: ۱۲).

(۲) نویسنده عبرانیان همچنین می‌فرماید که هر چند قربانی حیوانی در دوران عهد عتیق همه ساله و به طور پیوسته تکرار می‌شد، اما این قربانیها قادر نبود مردم را کامل و پاك و بی‌عیب سازد (عبرانیان ۱۰: ۱). ولی قربانی عیسی مسیح یکبار برای همیشه بود (رومیان ۶: ۱۰؛ عبرانیان ۷: ۲۷؛ ۹: ۱۲؛ ۱۰: ۱۰). خون این قربانی انسانها را از گناهانشان ظاهر ساخته، آنها را در نظر خدا مقدس و کامل می‌سازد (عبرانیان ۲: ۱۷؛ ۱: ۳؛ ۲: ۱۱؛ ۱۰: ۱۰، ۱۴).

(۳) برخلاف خون بره فصح که تنها قوم اسرائیل را از بلای مهلك فرشته مرگ محافظت کرد، خون عیسی مسیح تمام کسانی را که به او ایمان بیاورند، از گناهانشان نجات می‌دهد.

عید فصح نه تنها یادآور رهایی قوم از اسارتشان در مصر بود، بلکه علامت و مهری از رهایی آنها از اسارتشان در گناه نیز بود. این عید علامتی بود که به مرگ مسیح در آینده جهت رهایی ما از اسارت گناه اشاره داشت، و مهری بود که تضمین می‌کرد مرگ مسیح در آینده قطعاً ما را از اسارت گناه آزاد خواهد ساخت.

۴- شام خداوند در عهد جدید جانشین عید فصح در عهد عتیق می‌شود.

(الف) بره فصح و خون آن در عهد عتیق، در عهد جدید جای خود را به نان و شراب در شام خداوند می‌دهد.

عیسی در واقعه شام فصح در آن عصر پنجشنبه، آیین شام خداوند را بنیان نهاد. او از عناصر نان و شراب که در عید یهودی فصح وجود داشت استفاده کرد و آنها را در واقعه شام خداوند تقدیس نمود. او از سومین جام از بین آن چهار جام شراب که به جام برکت معروف بود استفاده کرده، آن را به عنوان دومین عنصر شام خداوند بکار برد. عیسی از آن رو چنین کرد که با مرگش در روز جمعه، مفهوم سمبلیک و نمونه‌ای عید فصح در عهد عتیق را محقق می‌ساخت.

و از آنجا که قربانی عیسی بر روی صلیب یکبار و برای همیشه کافی بود، دیگر نیازی نبود که خون قربانیهای دیگری برای آمرزش گناهان ریخته شود (عبرانیان ۱۰: ۱۷-۱۸). بنابراین کاملاً مناسب است که عنصر خون آلود در عید فصح بایستی جای خود را به یک عنصر غیر خون آلود مانند نان در شام خداوند می‌داد.

(ب) مفهوم ملی عید فصح باید از این پس از بین می‌رفت.

بخوانید: خروج ۱۲: ۵۱؛ اعداد ۳۳: ۳-۴؛ تثنیه ۱۶: ۱-۳؛ افسسیان ۲: ۱۱-۱۶.

مفهوم ملی عید فصح یادآور واقعه رهایی قوم اسرائیل از اسارت در مصر بود. تا زمان مرگ مسیح، غیریهودیان هیچگاه نمی‌توانستند جزو قوم اسرائیل محسوب شوند، و مراسم عید فصح نیز تنها در اسرائیل برگزار می‌شد.

اما عیسی مسیح با مرگ خود، مانع یا دیواری را که یهودیان را در عهد عتیق از غیریهودیان جدا می‌ساخت از میان برداشت (افسسیان ۲: ۱۱-۲۲). بنابراین کاملاً طبیعی است که عید فصح که جنبه ملی داشت، حال می‌بایست جای خود را به آیین شام

خداوند می‌داد که هیچ مفهوم ملی بخصوصی نداشت. مرگ عیسی مسیح به تمام اعیاد فصح در عهد عتیق پایان داد. مسیحیان امروزه دیگر عید فصح یهودی را جشن نمی‌گیرند، بلکه مراسم شام خداوند در میان تمام ملتها و در تمام دنیا برگزار می‌شود.

دستیاران یا معاونین زن در کلیسا

هنگامی که کلیساها زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب می‌کنند، باید افرادی را انتخاب کنند که بر طبق کلام خدا واجد شرایط لازم جهت این خدمت هستند و قادرند وظایفی را که بر طبق کتاب مقدس از آنها خواسته شده است، انجام دهند.

الف - زنان و رهبری در کلیسای مسیحی

وجود يك زن در مقام رهبری موضوعی قابل بحث در میان مسیحیان و کلیساهای مسیحی بوده است. در این ضمیمه قصد داریم تا حدی به این موضوع بپردازیم، ولی تصمیم نهایی در این خصوص در نهایت با رهبران کلیسای خود شما است.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در خصوص رهبری زنان چه تعلیمی می‌دهد؟

۱- زنان در چهارچوب تاریخی و فرهنگی کتاب مقدس.

برخی از کلیساها تعالیم پولس را تنها محدود به روابط بین زن و شوهر می‌دانند، ولی برخی دیگر از کلیساها معتقدند که پولس در مورد چگونگی رفتار زنان در جلسات رسمی کلیسایی (جلسات عبادتی در روز پرستش خداوند) نیز تعالیم مهمی داده است.

الف) زنان در مقام پیران کلیسا؟

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ تیتس ۱: ۶.

در کتاب مقدس می‌خوانیم که رهبران کلیساهای محلی (پیران کلیسا) همگی مرد بودند و باید "يك همسر" می‌داشتند. کتاب مقدس در رابطه با انتصاب زنان به مقامی کلیسایی هیچ تعلیم خاصی نداده و آن را تصدیق نکرده است.

ب) زنان در مقام خادمین کلیسا؟

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.

نیز کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که خادمین همگی مرد بودند. اول تیموتاؤس ۳: ۱۱ به طور تحت‌اللفظی می‌فرماید، "به همین سان همسران نیز" (یونانی: *gunaikas hosautos*).

۱) اما اصطلاح فوق نمی‌تواند به مقام رسمی خادمین زن اشاره داشته باشد، زیرا در آن صورت این جمله باید این گونه خوانده می‌شد "به همین سان خادمین زن نیز" (یونانی: *tas de diakonous*).

۲) این اصطلاح به "همسران مردان خادم" نیز اشاره نمی‌کند، زیرا در آن صورت جمله باید این گونه خوانده می‌شد: "زنان آنها" (یونانی: *gunaikas auton*) یا "کسانی که صاحب زن بودند" (یونانی: *gunaikas echontes*). اگر "زنان خادمین" صاحب مقام یا منصب رسمی در کلیسا محسوب می‌بودند، این بدان معنا بود که "زنان پیران کلیسا" از این مقام محروم بودند. در آیات ۲ و ۱۲ به زنان پیران کلیسا و خادمین اشاره شده است.

۳) منظور از عبارت "به همین سان همسران نیز"، زنان خاصی است که بعنوان معاون، دستیار یا خدمتکار زن مشغول کار بودند، زیرا کلمه "به همین سان" به طبقه‌ای از مردم اشاره دارد که مانند خادمین مرد هستند بدون آنکه خود خادم باشند. بنابراین باید این زنان را گروهی خاصی از زنان در کلیسای افسس محسوب بداریم که خدمت خاصی در کلیسا انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۳-۱۶).

پ) فیبی - خادم زن یا دستیار؟

بخوانید: رومیان ۱۶: ۱-۲.

این تنها زمانی است که از يك زن در عهد جدید بعنوان "diakonos" یاد می‌شود که همان کلمه‌ای است که برای "خادم" بکار رفته است. فعل "diakoneo" هیچوقت در مفهوم "خدمت به عنوان خادم یا خدمت در مقام خادم" بکار نرفته است. بلکه همواره به مفهوم "خدمت" به معنای "رسیدگی به نیازهای مردم" بوده است. بنابراین مفهوم اولیه اسم "diakonos" نیز "خدمتگزار" است، نه "خادم". رومیان ۱۶: ۱ به انتصاب يك زن در مقام خادم آنگونه که در اعمال ۶: ۱-۷ آمده، اشاره نمی‌کند، بلکه به خدمت فیبی به عنوان يك "خدمتگزار" اشاره دارد.

کنخریه یکی از بنادر قرن نهم بود. در آنجا يك کلیسای مسیحی وجود داشت و فیبی بعنوان "معاون" در آن کلیسا خدمت می‌کرد. خدمت او شبیه خدمت خادمین در اعمال فصل ۶ بود، زیرا او بعنوان "دستیار" یا "کمک کننده" (در یونانی: *prostates*) به بسیاری از مردم، و حتی به خود پولس کمک می‌کرد. او احتمالاً از بسیاری از کسانی که از شرق به غرب سفر می‌کردند مهماننوازی می‌کرد. فیبی به احتمال زیاد زنی بود شبیه لیدییه در فیلیپی (اعمال ۱۶: ۱۵)، یا زناتی که به عیسی و شاگردانش

خدمت می‌کردند (لوقا ۸: ۱-۳)، و یا زنی بود مانند زنانی که در کلیسای افسس خدمات خاصی انجام می‌دادند (اول تیموتاؤس ۵: ۹-۱۰). انجام چنین خدماتی به این مفهوم نیست که این زنان به عنوان خادم در کلیسا منصوب شده بودند.

ت) زنان در جلسات رسمی کلیسا.

بخوانید: اول تیموتاؤس ۲: ۱۱-۱۴؛ اول قرنتیان ۱۴: ۳۳-۳۸.

۱) پولس در اول تیموتاؤس ۳: ۱۵-۱۶، هدف از نگارش اولین نامه خود به تیموتاؤس را بیان می‌کند. موضوع نامه او این است که "مردم باید در خانه خدا که کلیسای خدای زنده است، چگونه رفتار کنند". پولس در ادامه می‌گوید که مردان خاصی باید بعنوان پیران کلیسا منصوب شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۱-۷) و مردان دیگری نیز باید در مقام خادم دست‌گزاری شوند (اول تیموتاؤس ۳: ۸-۱۳). او همچنین در این مورد که مردان و زنان باید در هر جا چگونه رفتار کنند، تعالیمی مهم ارائه می‌دهد (اول تیموتاؤس ۲: ۸-۱۵). بر طبق "فرهنگ یونانی-انگلیسی عهد جدید" نوشته بایر، آرت، گینگریچ، منظور از کلمه "aner" در این قسمتها، "هر مرد بالغی" است، و نه صرفاً "مردان متأهل". کلمه "gune" نیز به "هر زن بالغی" اشاره می‌کند، و نه صرفاً به "زنان متأهل". پولس رسول می‌فرماید: "من اجازه نمی‌دهم که هیچ زنی (در یونانی: gune) تعلیم دهد یا بر مرد (در یونانی: aner) مسلط شود". بلکه باید در آرامی و تسلیم کامل تعلیم گیرد.

۲) تیطس ۲: ۳-۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که به دیگر زنان در خانه‌های خود تعلیم دهند. و اول قرنتیان ۱۱: ۳-۵ نشان می‌دهد که پولس رسول به زنان این اختیار را می‌دهد که خارج از جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند (نبوت در اینجا به معنی اعلام سخنان خدا است).

۳) در اول قرنتیان ۱۴: ۳۳-۳۸، پولس رسول در رابطه با وجود نظم و ترتیب در جلسات رسمی پرستشی کلیسا تعلیم می‌دهد (اول قرنتیان ۱۴: ۲۶). او می‌نویسد: "زنان باید در کلیسا خاموش بمانند. آنها مجاز به سخن گفتن نیستند، بلکه باید چنانکه شریعت می‌گوید، مطیع باشند". به نظر می‌رسد که زنان قرنس در طول جلسات رسمی پرستشی مطیع نبودند و می‌خواستند مثل مردان رفتار کنند. آنها می‌خواستند کلام را با اقتدار موعظه کنند و در جلسات رسمی کلیسا نبوت کنند. پولس رسول به آنها اجازه انجام چنین کارهایی را نمی‌دهد. پولس رسول می‌فرماید که آنچه او می‌نویسد، "حکم خداوند" است. او به آنها هشدار می‌دهد که هر کس حکم خداوند را نپذیرد و آن را نادیده بگیرد، خداوند نیز آن شخص را نخواهد پذیرفت (اول قرنتیان ۱۴: ۳۷-۳۸). بنابراین مشخص است که این موضوع به ارتباط بین مرد متأهل با همسرش در خانه اشاره نمی‌کند، بلکه به روابط کلی مردان و زنان در جلسات رسمی کلیسا اشاره دارد. از نظر پولس رسول، این موضوع از دید خدا کاملاً جدی است.

ث) زنان با مردان برابرنند، ولی با آنها فرق دارند.

بخوانید: لوقا ۸: ۱-۳؛ رومیان ۱۶: ۱-۶؛ اول تیموتاؤس ۳: ۱۱؛ ۵: ۱-۱۶؛ تیطس ۲: ۳-۵.

۱) از دیدگاه خدا، مرد و زن با هم برابرنند و به یک اندازه ارزشمند، مهم، توانا و مفید هستند. هر دو بطور برابر عضو بدن مسیح می‌باشند (غلاطیان ۳: ۲۸)، و هر دو باید بطور یکسان از عطایای روحانی خود در جمع استفاده کنند (اول پطرس ۴: ۱۰).

۲) با اینحال، عملکردها و وظایفی که خدا به مرد و زن می‌سپارد، یکسان نیستند. خدا به زنان عملکردها و وظایف متفاوتی عطا کرده است: از نظر جسمانی، زاییدن فرزندان (پیدایش ۳: ۱۶؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۵)، از نظر اجتماعی، در روابط ازدواج (افسیان ۵: ۲۲-۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱-۶) و از نظر روحانی در کلیسا. خدا در چهارچوب ازدواج و نیز در کلیسا، نقش رهبری را به مرد سپرده است، نه به زن. خدا همچنین وظیفه موعظه و تعلیم از کلام خدا در جلسات رسمی کلیسا را به مردان محول کرده است، نه به زنان (اعمال ۶: ۴؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ اول تیموتاؤس ۳: ۲؛ ۵: ۱۷؛ دوم تیموتاؤس ۴: ۱-۵؛ تیطس ۱: ۹).

ج) حضور زنان در کلیسا امری ضروری است

در کتاب مقدس اسامی و اعمال زنان بسیاری ثبت شده است که همگی خدمات مهم و باارزشی در کلیسا انجام دادند (لوقا ۷: ۴۴-۴۷؛ ۳: ۲-۸؛ یوحنا ۴: ۳۹؛ ۲۰: ۱۷-۱۸؛ اعمال ۹: ۳۶؛ ۱۶: ۱۵؛ رومیان ۱۶: ۱-۲؛ ۱۶: ۳؛ ۱۶: ۴؛ ۱۶: ۱۲-۱۳).

چ) در خصوص این دو موضوع ذیل باید همیشه از افراط پرهیز کرد.

کلیساهای مسیحی از یک سو نباید زنان را به مقامی کلیسایی منصوب کنند، و قتیکه تضمین کتاب مقدسی برای انجام این کار وجود ندارد.

ولی از سوی دیگر، نباید خدمات مهم و باارزش زنان را در کلیسا نادیده بگیرند.

۲- خدا است که تعیین می‌کند به هر کس در چه زمینه‌ای قدرت عطا فرماید.

هر قدرتی از جانب خداست و او است که تعیین می‌کند این قدرت به چه کسی عطا شود (رومیان ۱۳: ۱-۲).

۱) خدا در مسیح بر تمام انسانها اقتدار دارد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲۰-۲۳؛ کولسیان ۱: ۱۸).

۲) مردان و زنان بر خلقت خدا اقتدار دارند (پیدایش ۱: ۲۸؛ مزمور ۸: ۴-۸).

- ۳) شوهر در چهارچوب ازدواج بر همسر اقتدار دارد (پیدایش ۳: ۱۶؛ افسسیان ۵: ۲۲-۲۴؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ اول پطرس ۳: ۱-۶). مرد همچنین میتواند در جلسات رسمی کلیسای اقتدار خود را بکار بگیرد (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳-۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱-۱۴).
- ۴) والدین بر فرزندان خود که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند، اقتدار دارند (افسسیان ۶: ۱-۳؛ کولسیان ۳: ۲۰).
- ۵) حکومت یک کشور، بر شهروندان خود اقتدار دارد (رومیان ۱۳: ۳-۷؛ اول پطرس ۲: ۱۳-۱۷).
- ۶) يك كارفرما بر افرادی که زیردست او کار می‌کنند، اقتدار دارد (افسسیان ۶: ۵-۹؛ کولسیان ۳: ۲۲-۲۴؛ اول پطرس ۲: ۱۸-۲۳).
- ۷) پیران کلیسا بر اعضای کلیسای خود اقتدار دارند (اعمال ۲۰: ۲۸؛ اول تسالونیکیان ۵: ۱۲؛ عبرانیان ۱۳: ۱۷).

۳- فرهنگ سنتی مردم و فرهنگ ملکوت خدا.

برخی از مسیحیان معتقدند که تعالیم پولس متأثر از فرهنگ زمان او است و برای فرهنگ امروزی چندان کاربرد ندارد. چنین تفکری بسیاری خطرناک است.

الف) تعریف فرهنگ.

فرهنگ هر ملتی عبارت است از بینشها، واقعیات، باورها، خرافات و ارزشهایی که خود را در قالب عقاید، تجارب، رفتارها، روابط، سنتها و آداب و رسوم آن ملت متجلی می‌سازد.

ب) چهارچوب تاریخی کتاب مقدس.

فرهنگ تاریخی و سنتی هر قوم و ملیتی هم جوانب مثبت دارد و هم جوانب منفی. در قسمتهای تاریخی کتاب مقدس، بهنگام نگارش کتابی خاص هم به جوانب مثبت فرهنگ انسان اشاره می‌شود و هم به جوانب منفی. ولی هیچکدام از این اشارات را نمی‌توان يك استاندارد یا يك اصل کلی و جهان‌شمول برای تمام اعصار دانست.

پ) چهارچوب فرهنگی کتاب مقدس.

خدا می‌خواهد که فرهنگ ملکوت خدا در هر کشور و شهری و در بین تمامی مردم جهان، تنها فرهنگ حاکم باشد. قسمتهای تعلیمی کتاب مقدس از طرفی تعلیم می‌دهند و حکم می‌کنند که کدام جنبه‌ها از فرهنگ ملکوت خدا باید بر فرهنگ مردم نقاط مختلف جهان در هر دوره‌ای از تاریخ حاکم باشد، (متی ۵-۷ و تمام مثلهاى مربوط به ملکوت خدا)، و از طرف دیگر تعلیم می‌دهد که فرهنگ‌های بشری باید از کدام جوانب منفی و بد فرهنگی دوری جویند. قوم خدا نباید مطابق روشهای نادرست امتهای خدانشناس عمل نمایند (تثنیه ۱۸: ۹-۱۳). قسمتهای تعلیمی کتاب مقدس در خصوص رابطه زوجهای مسیحی با یکدیگر در چهارچوب ازدواج، رابطه والدین و فرزندان، رابطه بین کارفرما و کارمند، رابطه بین حکومت و شهروندان و خلاصه خیلی از روابط بشری دیگر، تعالیم مفیدی ارائه می‌دهد (افسسیان ۵: ۲۲-۶: ۹؛ کولسیان ۳: ۱۸-۴: ۱؛ اول پطرس ۲: ۱۳-۳: ۷). کتاب مقدس مطابق معیارهای روشن اخلاقی درباره امور جنسی و معیارهای عدل و انصاف دستور میدهد (متی ۵: ۲۱-۴۸). کتاب مقدس در خصوص روابط بین مرد و زن در کلیسا نیز احکام مهمی وضع کرده است (اول قرنتیان ۱۱: ۳؛ ۱۴: ۳۳-۳۵؛ اول تیموتاؤس ۲: ۱۱-۱۴). تمام این احکام در تمام نقاط دنیا و در تمام زمانها معیارهای اصولی بشمار می‌روند.

ت) روش صحیح تفسیر کتاب مقدس.

فرهنگ مردم نیست که نحوه تفسیر کتاب مقدس را تعیین می‌کند، بلکه این فرهنگ ملکوت خدا در کتاب مقدس است که مشخص می‌کند مردم در هر مکان و زمانی باید بر اساس چه فرهنگی رفتار کنند. خدا نه تنها می‌خواهد قلبهای مردم را تغییر دهد، بلکه مایل است در زندگی و فرهنگ آنان نیز تغییراتی ایجاد کند. مسیحیان باید بین قسمتهای تاریخی و تعلیمی کتاب مقدس تمییز قائل شوند. قسمتهای تاریخی کتاب مقدس صرفاً به توصیف وقایعی می‌پردازد که در زندگی و فرهنگ مردم مختلف رخ داده است، و در این رابطه هم ابعاد منفی را بیان می‌کند و هم ابعاد مثبت را. اما توصیف این وقایع نمی‌تواند معیار یا استاندارد رفتار مسیحی قرار گیرد. اما قسمتهای تعلیمی کتاب مقدس در خصوص آنچه که در زندگی و فرهنگ مردم باید رخ دهد تعالیمی داده و احکامی صادر کرده است. این تعالیم و احکام همواره برای مسیحیان در هر نقطه‌ای از دنیا معیارهای اصولی و استاندارد بشمار می‌روند و باید بر تمام روابط مسیحی حاکم باشند.

ب - شرایط دستیاران یا خدمتکاران زن

اگر کلیسا می‌خواهد زنانی را جهت خدمت در کلیسا انتخاب کند، باید از زنانی استفاده کند که قادرند موارد و وظایفی را که کتاب مقدس از يك معاون یا خدمتگزار زن انتظار دارد، برآورده نمایند.

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در مورد شرایط دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟

بخوانید: اول تیموتاؤس ۳: ۱۱.

دستیاران زن باید افرادی محترم باشند. نباید غیبت کنند. باید در رفتار و عملکردهای خود معتدل باشند. همچنین باید در هر چیز قابل اعتماد باشند. معاونین زن باید بر اساس شخصیت، رفتار و تواناییهایشان انتخاب شوند.

پ - وظایف دستیاران یا خدمتکاران زن

کشف و گفتگو کنید: عهد جدید در رابطه با وظایف دستیاران زن چه تعلیمی می‌دهد؟
بخوانید: لوقا ۸: ۱-۳؛ رومیان ۱۶: ۱-۶؛ اول تیموتاؤس ۵: ۹-۱۶؛ تیتوس ۲: ۳-۵.
خدمتکاران زن باید معاون یا دستیار خادمین مرد باشند، بویژه در زمینه خدمت به فقرا و نیازمندان. آنها وظایفی را انجام می‌دهند که در مقایسه با مردان بهتر توانایی انجامش را دارند. به موجب اول تیموتاؤس ۵: ۹-۱۶، ظاهراً در کلیسای افسس بیوزنانی مسن وجود داشتند که عهده‌دار عملکردها و مسئولیتهای خاصی بودند.
تاریخ اولیه کلیسا نشان می‌دهد که این زنان خدمات زیر را انجام می‌دادند: آنها زنان جوانتر را نصیحت کرده، به آنها توصیه‌هایی می‌دادند؛ برای زنان دیگر دعا می‌کردند، به ملاقات بیماران می‌رفتند، زنان را برای تعمید آماده می‌کردند و آنها را به شرکت در شام خداوند دعوت می‌نمودند. آنها همچنین به فکر بیوزنان و یتیمانی بودند که توسط کلیساهای محلی از آنها حمایت می‌شد.

ارزیابی فرهنگ انسان: ارتباط با والدینی که در قید حیات هستند

مقدمه: خدا این وظیفه را به مسیحیان سپرده است که بینشها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و سازمانهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا منطبق باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که باید با والدین خود که هنوز در قید حیات هستند چگونه رفتاری داشته باشیم.

۱- مسئولیت اطاعت از والدین.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق کتاب مقدس، فرزندان تا چه سنی باید از والدین خود اطاعت کنند؟
ملاحظات:

(الف) حکم کتاب مقدس.

بخوانید: افسسیان ۶: ۱-۳. خدا در کتاب مقدس دو مسئولیت را به عهده فرزندان نهاده است: اطاعت از والدین و احترام به آنها. در برخی فرهنگها، به فرزندان یاد می‌دهند که باید از والدین خود مادام که در قید حیات هستند تحت هر شرایطی اطاعت کنند، حتی اگر آنچه آنها حکم می‌کنند خلاف اراده خدا باشد، یا خواسته‌شان مخرب و بنا بر منافع شخصی بوده باشد. در این فرهنگها، والدین تا زمانی که در قید حیات هستند بر فرزندان خود اختیار کامل دارند - خواه فرزندان مجرد باشند، خواه متأهل. این جنبه از فرهنگ انسانی مبتنی بر کتاب مقدس نیست و باید آن را تغییر داد تا با فرهنگ ملکوت خدا سازگار شود.

(ب) نمونه عیسی.

بخوانید: لوقا ۲: ۵۱؛ مرقس ۳: ۲۱، ۳۱-۳۵؛ یوحنا ۴: ۳۴. عیسی وقتی ۱۲ ساله بود، از والدین زمینی خود اطاعت می‌کرد. ولی وقتی که به سن بلوغ رسید و مشغول امور زندگی خود شد، دیگر از والدین خود اطاعت نمی‌کرد و بر مطابق خواسته‌های آنان عمل نمی‌نمود. عیسی اگر چه از دواج نکرده بود، ولی جوانی بود که مسئولیتی مستقل داشت. مسئولیت او این بود که اراده خدا را انجام دهد و طبق خواسته‌های او عمل کند، ولو آنکه والدینش با این کار موافق نباشند.

(پ) تعالیم عیسی.

بخوانید: متی ۱۰: ۳۷؛ ۱۹: ۵. وقتی کسی از حالت کودکی بیرون می‌آید و تبدیل به انسانی بالغ می‌شود، رابطه‌ای که با والدین خود دارد نیز تغییر می‌یابد. چه زمانی يك شخص بالغ می‌شود؟

(۱) نمونه عیسی نشان می‌دهد که يك فرد مجرد به محض اینکه در زندگی خود به استقلال رسید، شخصی بالغ محسوب می‌شود.

(۲) تعلیم عیسی در متی ۱۹: ۵ نشان می‌دهد که وقتی کسی ازدواج می‌کند، از آن پس فردی بالغ است. او باید پدر و مادر خود را ترك کند و به اتفاق همسرش خانواده جدیدی تشکیل دهد. چنین شخصی باید هم از نظر عاطفی از والدین خود جدا شود، هم از لحاظ مالی. بعلاوه، دیگر نباید تحت اقتدار والدین خود باشد، بلکه حتی باید در صورت امکان خانه پدری خود را نیز ترك گوید.

(۳) عیسی در متی ۱۰: ۳۷ در خصوص افراد مجرد و نیز افراد متأهل چنین می‌فرماید: "و هر که پدر یا مادر خود را بیش از من دوست دارد، لایق من نباشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاد دوست دارد، لایق من نباشد." بنابراین اگر بنا است بین والدین خود و عیسی مسیح یکی از انتخاب کنید، حتماً باید میل و آرزوی والدین خود را رد کرده، به عیسی مسیح ببینید و به او وفادار باشید، و هرگز اجازه ندهید هیچ رابطه دیگری جایگزین رابطه شما با او شود.

نتیجه‌گیری: کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که مسیحیان باید والدین خود را تحت هر شرایط و تا زمانی که آنها در قید حیات هستند اطاعت کنند. بلکه حکم کلام خدا این است که مسیحیان باید تا زمانی که هنوز فرزندان نابالغ هستند و به حمایت والدینشان متکی می‌باشند، از آنها اطاعت کنند، آن هم تنها در صورتی که دستورات و خواسته‌های آنها با کلام خدا مغایرت نداشته باشد. يك فرد مسیحی زمانی به سن بلوغ رسیده است که خانه والدین خود را به منظور تحصیل یا کسب شغل ترك می‌کند، یا کماکان با والدین خود زندگی می‌کند ولی دیگر به آنها وابسته نیست، یا زمانی که ازدواج می‌کند. مسیحیان به عنوان افراد بالغ، هیچ اجباری ندارند که همواره از والدین خود اطاعت کنند. بلکه تعلیم کتاب مقدس این است که مسیحیان باید در زندگی خود همواره و تحت هر شرایطی فقط و فقط از خدا اطاعت کنند. بنابراین اطاعت از والدین تنها برای مدت زمان محدودی است. فرزندان تنها تا زمانی باید از والدین خود اطاعت کنند که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند.

۲- مسئولیت احترام به والدین.

کشف و گفتگو کنید: بر طبق کتاب مقدس، مردم چگونه باید به والدین خود احترام بگذارند؟
ملاحظات:

منظور از احترام گذاشتن، محبت کردن و توجه نشان دادن با میل قلبی و به دور از ترس و انگیزه‌های خودخواهانه است. نمونه‌های زیر برای تمام مردم کاربرد دارد: خواه در ارتباط با والدین‌شان، در ارتباط با والدین همسران‌شان، و یا در ارتباط با پدر آسمانی‌شان. به پنج طریق می‌توانید به والدین خود (و نیز به والدین همسران و به پدر آسمانی‌تان) احترام بگذارید:

الف) بدین ترتیب به والدین خود احترام می‌گذارید که هیچگاه با آنها وارد نزاع یا مجادله نمی‌شوید.
بخوانید: خروج ۲۱: ۱۵، ۱۷؛ رومیان ۱۳: ۴. خدا به فرزندان هشدار می‌دهد که اگر نسبت به والدین خود با خشونت رفتار کنند، چه با گفتار و چه در اعمال، به سختی مجازات خواهند شد. در دوران عهد عتیق، مردم فرزندان یاعی را می‌کشتند. اما با آمدن عیسی مسیح، شریعت دوران عهد عتیق بطور عینی تحقق یافت. بنابراین مطابق قانون دوران عهد جدید، تنها دولت اجازه دارد برای کسی حکم مرگ صادر کند.
به جای منازعه با والدین خود، نقطه‌نظران‌تان را با ملایمت به آنها بگویید و اجازه دهید خدا خود به طریقی که باعث جلال نام او خواهد شد، با آنها عمل کند. بدین ترتیب نشان خواهید داد که ایمان دارید همه چیز تحت حاکمیت خدا است و او خود قادر است آنچه را که برای شما بهترین است، تحقق بخشد.

ب) شما از طریق جدی گرفتن نصایح و پیشنهادات والدین خود، آنها را احترام می‌نمایید.
بخوانید: امثال ۲۳: ۲۳. کتاب مقدس به شما تعلیم می‌دهد که از والدین‌تان راستی، حکمت، ادب و فهم را کسب کنید. وقتی والدین‌تان به شما پیشنهاد یا نصیحتی می‌کنند، از آنها تعلیم بگیرید و تا زمانی که فرصت هست از تجارب و حکمت آنها استفاده نمایید.

پ) شما از طریق شریک ساختن آنها در زندگی‌تان، به آنها احترام می‌گذارید.
بخوانید: دوم قرنتیان ۶: ۱۱-۱۳. مسیحیان باید سفره دل خود را نزد یکدیگر باز کنند. بنابراین همیشه برای صحبت با والدین‌تان پیش‌قدم شوید.
۱) با آنها در مورد فعالیتهای خود صحبت کنید و بگویید که در سرکار یا در مدرسه چه کارهایی انجام می‌دهید، با دوستان خود چه برنامه‌هایی دارید، و در کلیسا چه می‌کنید.
۲) در مورد روابط خود با دیگران با آنها صحبت کنید؛ اینکه دوستان‌تان چه کسانی هستند و چه نوع رابطه‌ای با آنها دارید.
۳) در مورد عقاید خود با آنها صحبت کنید: در مورد خدا، مردم، جهان و اعتقادات مسیحی‌تان.
۴) در مورد افکار، احساسات و برنامه‌های خود با آنها صحبت کنید. شما می‌توانید با سهیم ساختن والدین‌تان در برنامه‌ها و تصمیم‌گیریهای خود، به آنها احترام بگذارید و در صورت سهیم ساختن ایشان، به آنان بی‌احترامی نکنید.

ت) با رسیدگی کردن به نیازهای والدین‌تان و خدمت به آنها، آنها را احترام می‌نمایید.
بخوانید: اول تیموتائوس ۵: ۴، ۸. مسیحیان مسئولیت دارند به فکر نیازهای واقعی والدین خود باشند، اما نه به فکر راحت‌طلبی و تجمل‌گرایی آنها.
۱) نیازهای اصلی والدین عبارتند از خوراک، لباس و مکانی جهت سکونت.
۲) برخی دیگر از نیازهای اصلی والدین عبارتند از: احترام، توجه به آنها و در میان گذاشتن پیغام انجیل با آنان.
۳) خود را تربیت دهید که همیشه سعی کنید بفهمید والدین‌تان در چه زمینه‌هایی به کمک شما نیاز دارند و در چه قسمتهایی می‌توانید به آنها کمک کنید. خود را طوری تربیت دهید که در مواقعی که هیچ کس حاضر به خدمت نیست یا توانایی خدمت به آنها را ندارد، شما برای کمک پیش‌قدم شوید، نه اینکه منتظر شوید آنها از شما طلب کمک کنند.

ث) شما از طریق محبت کردن به والدین‌تان، آنها را احترام می‌نمایید.
بخوانید: اول قرنتیان ۱۳: ۴-۸. اگر تنها زمانی به والدین خود محبت کنید که الزامات فرهنگی چنین اجاب می‌کند، نظیر اینکه هر از چند گاه به آنها سر بزنید و هدیه‌ای به آنها بدهید، در واقع هیچ احترامی به آنها نگذاشته‌اید. محبت واقعی ورای الزامات فرهنگی است.

۱) محبت واقعی يك فرد مسیحی در این است که خطایای والدین خود را می‌بخشد و نسبت به آنان صبور و حلیم است.
۲) وقتی مسیحی می‌شوید، والدین غیر مسیحی شما نگران این هستند که مبدا توبه شما اثری منفی در شما داشته باشد. بعنوان مثال نگرانند که از آن پس در تحصیلات خود موفق نباشید، شغل خوب و زندگی موفق نداشته باشید، وضع مالی‌تان رو به وخامت نهد، و دیگر قادر نباشید از نظر مالی آنها را حمایت کنید. همچنین نگرانند که مبدا به فرهنگ خود پشت کرده، باعث عصبانیت خدای آنها و اعضای جامعه مذهبی‌شان بشوید. در اینگونه مواقع باید به آنها ثابت کنید که هدف شما این نیست که جوانب مثبت فرهنگ‌تان را ترك کنید. ایمان مسیحی خود را به دقت برای آنها شرح دهید و به آنها ثابت کنید که در نتیجه کاری که مسیح در زندگی شما انجام داده است، تبدیل به شخصی شده‌اید که خانواده‌اش را بیش از پیش دوست دارد و بیشتر از گذشته نسبت به آنها احساس مسئولیت می‌کند.

ارزیابی فرهنگ بشر: ارتباط با اجداد متوفی

مقدمه: خدا این وظیفه را به مسیحیان سپرده است که بینشها، عقاید، باورها، ارزشها، تجارب، رفتارها، روابط و سازمانهای خود را طوری تغییر دهند که با فرهنگ ملکوت خدا منطبق باشد. ما در این درس خواهیم آموخت که باید با اجداد متوفی خود چگونه رابطه‌ای داشته باشیم.

در برخی فرهنگها، ارتباط با اجداد متوفی فوق‌العاده مورد تأکید است. در اینگونه فرهنگها عقیده بر این است که ارواح اجداد متوفی در اماکنی که زمانی در آنها زندگی می‌کرده‌اند، یا در قبوری که بدنهایشان در آنها مدفون است، و یا در امکان خاصی چون معابد، حضور دارد.

کتاب مقدس در رابطه با روحهای اجداد متوفی چه تعلیمی می‌دهد؟
چه تفاوتی بین ارواح اجداد متوفی و ارواح شریر وجود دارد؟

۱- محل سکونت ارواح نیاکان پس از مرگ

بخوانید: لوقا ۱۶: ۲۲-۲۳.

کشف و گفتگو کنید: ارواح نیاکان ما پس از مرگ به چه مکانی می‌رود؟

ملاحظات: وقتی بی‌ایمانان می‌میرند، ارواح آنها بلافاصله به جهنم می‌رود - جایی که مملو از رنج و عذاب است. ولی وقتی ایمانداران به مسیح می‌میرند، ارواح آنها بلافاصله به بهشت می‌رود و آنان در آنجا تا به ابد در حضور خدا خواهند زیست. بنابراین، ارواح اجداد متوفی ما هیچ‌گاه بر زمین سکونت نمی‌کنند. این حقیقت باید فرزندان را که مسیحی هستند به غیرت آورد تا پیغام انجیل را به گوش والدین غیرمسیحی خود که هنوز در قید حیات هستند، برسانند.

۲- تأثیر ارواح اجداد متوفی بر مردم روی زمین

بخوانید: جامعه ۹: ۵-۱۰.

کشف و گفتگو کنید: کسانی که مرده‌اند، ممکن است چه تأثیر احتمالی بر مردم روی زمین داشته باشند؟

ملاحظات: هر چند بدن شخص مرده در قبر قرار دارد، جان یا روح او یا در بهشت است، یا در جهنم. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که جانها یا ارواح مردم مرده هیچ تأثیری بر زندگی مردم روی زمین ندارد. ارواح اجداد متوفی بر روی زمین نیستند و هیچ نفوذی بر اشخاص یا وقایع روی زمین ندارند. این ارواح در خانه‌ای که قبلاً در آن سکونت داشتند حضور ندارند. در قبوری که بدنهایشان در آنجا مدفون است یا در معابدی که در آن خدا را پرستش می‌کردند نیز سکونت ندارند. ارواح اجداد متوفی در هیچ جایی بر روی زمین وجود ندارند، بلکه یا در بهشت هستند، یا در جهنم.

کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که ارواح اجداد متوفی نمی‌توانند به مردم روی زمین حسادت کنند یا از آنها متنفر باشند. آنها نمی‌توانند انتقام بگیرند، یا به هر نحو به مردم روی زمین آسیب برسانند، زیرا هیچ نفوذی بر مردم یا اتفاقات روی زمین ندارند.

۳- درخواست کمک از ارواح مردگان

کشف و گفتگو کنید: چرا کمک خواستن از ارواح مردگان کار بیهوده‌ای است؟

(الف) ارواح اجداد متوفی هیچ‌گونه آگاهی در مورد مردم یا وقایع روی زمین ندارند.

بخوانید: جامعه ۹: ۵-۱۰.

ملاحظات: آنها دارای هیچ حکمت بخصوصی جهت نصیحت کردن مردم روی زمین نیستند. نیز قادر نیستند بر نقشه‌ها و برنامه‌های مردم روی زمین اعمال نفوذ کنند. آنها نمی‌توانند به مردم روی زمین کمک کنند، زیرا بر این زمین نیستند. کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که، ارواح انسانها پس از مرگ قادر نیستند در هیچیک از فعالیت‌های روی زمین شرکت نمایند.

(ب) ارواح شریر می‌توانند از ارواح اجداد متوفی تقلید کنند.

بخوانید: اول سموئیل ۲۸: ۸-۱۴؛ یوحنا ۸: ۴۴؛ اول قرنتیان ۱۱: ۱۴.

ملاحظات: وقتی شائول پادشاه نزد يك فالگیر رفت، فکر کرد که صدای سموئیل نبی را که مرده بود شنیده است. ولی به احتمال زیاد آنچه می‌شنید، صرفاً صدای روح شریری بود که از صدای سموئیل تقلید می‌کرد. شائول هیچگاه خود سموئیل را ندید و حتی زن فالگیر نیز نگفت که سموئیل را دیده است، بلکه تنها گفت روحی می‌بیند که از زمین برآمده و به پیرمردی که ردایی بر تن دارد شبیه است.

کسانی که فکر می‌کنند می‌توانند با ارواح مرده ارتباط برقرار کنند یا ارواح مردگان بر امور این دنیا تأثیر می‌گذارند، فریب دیوها یا ارواح شریر را خورده‌اند. عیسی تعلیم می‌دهد که شیطان و ارواح شریری که از اویند، دروغگو هستند (یوحنا ۸: ۴۴). پولس تعلیم می‌دهد که شیطان براحتی می‌تواند وانمود کند که کسی غیر از شیطان است (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴). آنچه شاتول و زن جادوگر دیدند در واقع نه روح يك شخص مرده، بلکه دیو یا روحی شریر بود.

۴- درخواست کمک از ارواح مسیحیان متوفی

بخوانید: ایوب ۱۴: ۲۱؛ اشعیا ۶۳: ۱۶؛ عبرانیان ۷: ۲۵؛ اول یوحنا ۲: ۱.
کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان نباید از ارواح مسیحیان متوفی درخواست کمک کنند؟
ملاحظات: برخی از مردم معتقدند که ارواح بعضی از مسیحیان معروف که "قدیس" خوانده می‌شوند، قادرند در بهشت برای کسانی که هنوز روی زمین هستند شفاعت کنند. اینگونه افراد برای ارواح چنین مردگانی احترام خاصی قائلند و برای نیازهایشان مدام به آنها متوسل می‌شوند و درخواست شفاعت می‌کنند.
ولی کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که ارواح قدیسین هیچ آگاهی از وقایع روی زمین ندارند و در هیچیک از امور مربوط به زمینیان نیز سهم نیستند. بر اساس ایوب، ارواح مردگان به هیچ وجه نمی‌دانند که آیا فرزندانشان روی زمین ثروتمند هستند یا فقیر. و بر طبق اشعیا، نه ابراهیم و نه یعقوب هیچ قدر نیستند آنچه را که بر نسلهای بعدی می‌گذرد بشنوند یا ببینند.
تنها کسی که می‌تواند برای مسیحیان روی زمین شفاعت کند، عیسی مسیح است. بنابراین، مسیحیان نباید از ارواح اجداد یا ارواح قدیسین طلب کمک کنند. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که مسیحیان تنها باید خطاب به خدای پدر، در نام عیسی مسیح و تحت هدایت روح القدس دعا کنند.

۵- درخواست کمک از "ارواح شریر" یا دیوها.

کشف و گفتگو کنید: چرا مردم نباید از ارواح شریر یا دیوها طلب کمک کنند؟
ملاحظات: جادوگران و فالگیران که ادعا می‌کنند می‌توانند با ارواح مردگان ارتباط برقرار کنند و نتیجه را بر دیگران آشکار سازند، دروغ‌گویی بیش نیستند. اینگونه افراد در واقع نه با روحهای اجداد متوفی، بلکه با روحهای شریر یا دیوها در تماس هستند. ارواح شریر در واقع فرشتگان سقوط کرده هستند. هیچ روح نیک یا فرشته خوبی نیست که مردم بتوانند با او در تماس باشند. تنها روح خوب و پاکی که می‌تواند با مردم در ارتباط باشد، روح القدس است. او سخنان عیسی را به مردم یادآور می‌شود، در مورد او شهادت می‌دهد، عیسی را جلال می‌دهد و مردم را به جمیع راستی‌ها که توسط عیسی آشکار شده است، هدایت می‌کند (یوحنا ۱۶: ۱۳-۱۶).

(الف) ارواح شریر پیام‌آورانی دروغین هستند.

بخوانید: دوم قرنتیان ۱۱: ۱۴. پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که روحهای شریر یا دیوها در تغییر هویت خود استادند. آنها می‌توانند خود را به شکل پیام‌آورانی درآورند که از جانب خدا آمده‌اند، و حال آنکه در واقع پیام‌آوران شیطان هستند. آنها می‌توانند وانمود کنند که اجداد شمایند، ولی در واقع روحهای شریری بیش نیستند.

(ب) ارواح شریر پیامهایی دروغین می‌دهند.

بخوانید: تثنیه ۱۸: ۲۰-۲۲؛ ارمیا ۲۳: ۲۵-۲۶؛ اول تیموتاؤس ۴: ۱؛ متی ۴: ۵-۶؛ یوحنا ۸: ۴۴. پولس به مسیحیان هشدار می‌دهد که ارواح شریر یا دیوها به مردم تعالیم غلط می‌دهند و بدینگونه آنان را می‌فریبند. آنها به مردم تعالیم و آموزه‌هایی دروغین، و خواب و رویاهایی کاذب می‌دهند و وانمود می‌کنند اینها از طرف خدا است، و حال آنکه در واقع از جانب شیطان است. شیطان حتی برای فریب دادن مردم به آیات کتاب مقدس نیز استناد می‌کند. اما عیسی مسیح در این مورد به مسیحیان هشدار داده و فرموده است که شیطان دروغگو و پدر تمام دروغگویان است.

(پ) خدا هرگونه تماس با ارواح را منع کرده است.

بخوانید: تثنیه ۱۸: ۹-۱۳؛ لاویان ۱۹: ۳۱؛ ۲۰: ۶، ۲۷؛ اشعیا ۸: ۱۹-۲۰. خدا هر نوع تماسی را با ارواح، با فالگیران و جادوگران، و با کسانی که مدعی‌اند با مردگان در ارتباط هستند، بکلی منع کرده است. در اشعیا ۸: ۱۹-۲۰، آمده است: "و چون ایشان به شما گویند که از اصحاب اجنه و جادوگرانی که جیک جیک و زمزم می‌کنند سؤال کنید، (گویید) "آیا قوم از خدای خود سؤال ننمایند و آیا از مردگان به جهت زندگان سؤال باید نمود؟" به شریعت و شهادت (توجه نمایید) و اگر موافق این کلام سخن نگویند، پس برای ایشان روشنایی نخواهد بود."

کتاب مقدس مسیحیان را از هرگونه تماس با ارواح برحذر داشته و به آنها حکم نموده است که تنها به سخنان خدا گوش دهند. خدا به مسیحیان حکم می‌کند که کتاب مقدس را مطالعه کرده، آن را به درستی تفسیر کنند و تنها از تعالیم کلام خدا اطاعت نمایند. کسانی که به احکام خدا بی‌احترامی کنند، در روشنایی نخواهند بود.

۶- پرستش ارواح اجداد متوفی.

الف) به مسیحیان حکم شده است که تنها خدا را عبادت کنند و نه هیچ کس دیگری را. **کشف و گفتگو کنید:** چرا مسیحیان نباید ارواح اجداد متوفی خود را پرستند؟

ملاحظات:

- ۱) **بخوانید:** کولسیان ۲: ۱۸-۱۹ - مسیحیان از پرستیدن فرشتگان منع شده‌اند.
- ۲) **بخوانید:** متی ۴: ۸-۱۰ - آنان از پرستیدن شیطان و دیوهای او نیز منع شده‌اند.
- ۳) **بخوانید:** اعمال ۱۴: ۱۱-۱۵ - مسیحیان از پرستش انسانها نیز منع شده‌اند. بنابراین مسیحیان نباید ارواح اجداد متوفی خود را پرستش نمایند.
- ۴) **بخوانید:** متی ۴: ۱۰ - حکم عیسی مسیح این است که مسیحیان باید تنها خداوند، خدای خود را عبادت کنند و تنها او را خدمت نمایند.

ب) **مسیحیان از تقدیم هر نوع قربانی مذهبی منع شده‌اند.**

کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان نباید برای اجداد متوفی خود قربانی بگذارند؟

ملاحظات:

- ۱) **بخوانید:** اول قرنتیان ۱۰: ۱۹-۲۰ - پولس رسول می‌فرماید قربانیهایی که به بتها تقدیم می‌شود، در واقع قربانی برای دیوها است. ارواح شریر یا دیوها مایلند بصورت بت، تصاویر بتها، قربانگاهها، معابد، آیین و مراسم و اعیادی که در معابد برگزار می‌شود، قربانی‌های خوشبو، خوراک و پول و غیره تداعی شوند. ارواح شریر یا دیوها خود را در قالب تمام این مظاهر قابل رؤیت ظاهر می‌سازند، زیرا از این طریق به بهترین وجه می‌توانند مردم روی زمین را تحت کنترل داشته باشند. مسیحیان نباید برای اجداد متوفی خود قربانی بگذارند، زیرا این کار در واقع تقدیم قربانی به ارواح شریر یا دیوها است.
- ۲) **بخوانید:** متی ۶: ۲۴؛ اول قرنتیان ۱۰: ۲۱ - پولس می‌فرماید مردم نمی‌توانند هم دیوها را خدمت کنند و هم خداوند را. مسیحیان باید بین خدمت به ارواح شریر و خدمت به خدای زنده یکی را انتخاب کنند.

۷- به یاد آوردن و گرامی داشتن خاطره اجداد متوفی.

کشف و گفتگو کنید: چرا مسیحیان می‌توانند یاد اجداد متوفی خود را گرامی بدارند؟

ملاحظات:

کتاب مقدس پرستیدن انسانها و روحهای اجداد متوفی را منع کرده است. ولی بر طبق کلام خدا، بهتر است وقایع مهم و انسانهایی را که در زمانهای گذشته می‌زیسته‌اند، به یاد آورد.

الف) **وقایع مربوط به نجات و داوری را در کتاب مقدس به یاد آورید.**

بخوانید: اول قرنتیان ۱۰: ۶-۱۱ - کتاب مقدس می‌فرماید وقایع عهد عتیق نمونه‌هایی هستند تا مردم با عبرت گرفتن از نتیجه اعمال بد و گناه‌آلود کسانی که در گذشته می‌زیسته‌اند، از تکرار گناهان آنان پرهیز کنند. مطابق کلام خدا، خدا در زمان عهد عتیق انسانهای آن زمان را مورد داوری قرار داد تا هشداری باشد برای مسیحیان امروزی.

ب) **مخصوصاً باید ایمان کسانی را که در کتاب مقدس از آنها یاد شده است، به یاد آورد و گرامی داشت.**

بخوانید: عبرانیان ۱۱: ۷-۱۰، ۲۴-۲۷، ۳۲-۴۰ - عبرانیان فصل ۱۱ یادآور زندگی انسانهایی است در عهد عتیق که بر اساس واقعیت وجود خدا و ملکوت او زندگی کرده‌اند و به این حقیقت گواهی داده‌اند.

پ) **مخصوصاً باید ایمان رهبران قبلی خود را به یاد آورید.**

بخوانید: عبرانیان ۱۳: ۷ - این آیه تعلیم می‌دهد که مسیحیان باید رهبران خود را که در گذشته کلام خدا را برای آنها بازگو کرده‌اند، به یاد داشته باشند. بعلاوه، مسیحیان باید بیاد بیاورند که این رهبران چگونه خود به آنچه موعظه می‌کردند، عمل نیز می‌نمودند. آنها باید از الگوی ایمان این رهبران برجسته پیروی کنند.

مسیحیان نباید اجداد، رهبران و یا افراد مهم را پرستش نمایند، ولی باید درسهای آموزنده‌ای را که از زندگی چنین افرادی آموخته‌اند، پیوسته به یاد داشته باشند.